



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

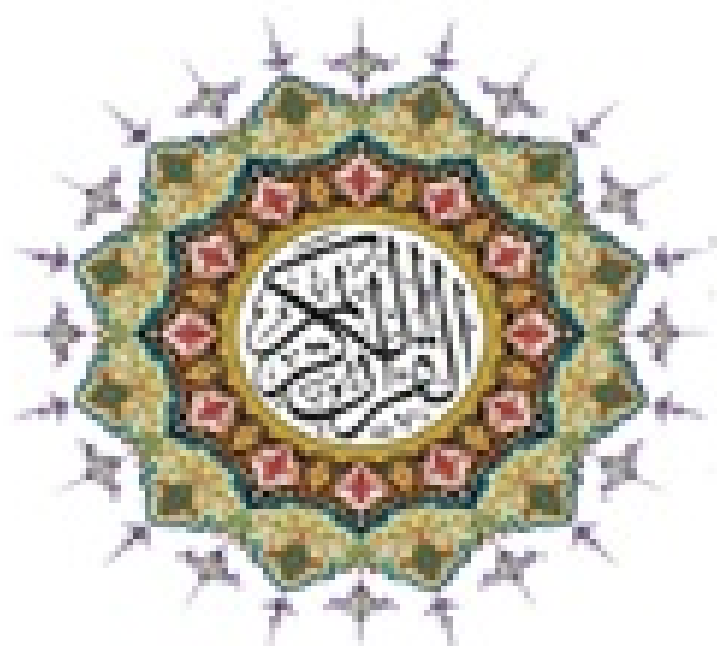
گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۷

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 7

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۴۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۷
۴۸	مشخصات کتاب
۴۸	۱- اسما و صفات
۴۸	۱- اسما و صفات
۴۸	۲- آخر
۵۰	۳- احد
۵۰	۴- احسن الخالقین
۵۰	۵- احکام اسما و صفات
۵۲	۶- احکم الحاکمین
۵۲	۷- ارحم الراحمین
۵۴	۸- اسم اعظم
۵۴	۹- اسم ذات خدا
۵۶	۱۰- اسما و صفات در دعا
۵۶	۱۱- اسمای حسناى خدا
۵۸	۱۲- اسمای حسنی
۵۹	۱۳- اعلم
۶۰	۱۴- اعلی
۶۰	۱۵- الله
۶۲	۱۶- اول
۶۲	۱۷- اهل التقوی
۶۲	۱۸- اهل المغفره
۶۳	۱۹- اهمیت صفات جمال
۶۴	۲۰- بارئ

٦٤	٢١- باطن
٦٥	٢٢- بز
٦٦	٢٣- بصير
٧٢	٢٤- پاسخ شبهات اسما و صفات
٧٢	٢٥- تعدد اسما و صفات
٧٢	٢٦- ثواب
٧٦	٢٧- توسل به اسما و صفات
٧٦	٢٨- جبار
٧٦	٢٩- حفيظ
٧٨	٣٠- حكيم
١٠٢	٣١- حليم
١٠٦	٣٢- حميد
١١٢	٣٣- حي
١١٤	٣٤- خالق
١١٤	٣٥- خبير
١٢٢	٣٦- خلاق
١٢٢	٣٧- خير الحاكمين
١٢٣	٣٨- خير الراحمين
١٢٤	٣٩- خير الرازيين
١٢٥	٤٠- خير المنزلين
١٢٦	٤١- خير الوارثين
١٢٦	٤٢- دلائل صفات جلال
١٢٦	٤٣- ذوالجلال والاکرام
١٢٦	٤٤- ذوالرحمه
١٢٨	٤٥- ذوالطول
١٢٨	٤٦- ذوالعرش

- ٤٧- ذوالفضل العظيم ..... ١٣٠
- ٤٨- ذوالقوه ..... ١٣٠
- ٤٩- ذوالمعارج ..... ١٣٢
- ٥٠- ذوانتقام ..... ١٣٢
- ٥١- رب ..... ١٣٢
- ٥٢- رب العالمين ..... ١٣٤
- ٥٣- رحمان ..... ١٣٤
- ٥٤- رحيم ..... ١٤٤
- ٥٥- رفيع الدرجات ..... ١٧٤
- ٥٦- رؤوف ..... ١٧٤
- ٥٧- زمينه تنزيه اسما و صفات ..... ١٨٠
- ٥٨- سريع الحساب ..... ١٨٠
- ٥٩- سلام ..... ١٨٢
- ٦٠- سميع ..... ١٨٣
- ٦١- شاکر ..... ١٩٤
- ٦٢- شديد العقاب ..... ١٩٤
- ٦٣- شديد المحال ..... ١٩٨
- ٦٤- شكور ..... ١٩٨
- ٦٥- شهيد ..... ٢٠٠
- ٦٦- صفات جلال ..... ٢٠١
- ٦٧- صفات جمال ..... ٢٤٢
- ٦٨- صمد ..... ٢٥٠
- ٦٩- ظاهر ..... ٢٥٢
- ٧٠- عالم الغيب ..... ٢٥٢
- ٧١- عالم الغيب والشهادة ..... ٢٥٢
- ٧٢- عزيز ..... ٢٥٤

- ٢٧٨ ----- ٧٣- عظيم
- ٢٧٩ ----- ٧٤- عفو
- ٢٨٠ ----- ٧٥- علام الغيوب
- ٢٨١ ----- ٧٦- علم به اسم اعظم
- ٢٨٢ ----- ٧٧- على
- ٢٨٤ ----- ٧٨- عليم
- ٣١٤ ----- ٧٩- غافر الذنب
- ٣١٤ ----- ٨٠- غفار
- ٣١٤ ----- ٨١- غفور
- ٣٤٠ ----- ٨٢- غنى
- ٣٤٤ ----- ٨٣- فاطر
- ٣٤٤ ----- ٨٤- فتاح
- ٣٤٤ ----- ٨٥- قابل التوب
- ٣٤٤ ----- ٨٦- قدوس
- ٣٤٤ ----- ٨٧- قدير
- ٣٥٢ ----- ٨٨- قريب
- ٣٥٢ ----- ٨٩- قوى
- ٣٥٤ ----- ٩٠- قهار
- ٣٥٤ ----- ٩١- قيوم
- ٣٥٨ ----- ٩٢- كبير
- ٣٦٠ ----- ٩٣- كريم
- ٣٦١ ----- ٩٤- لطيف
- ٣٦٣ ----- ٩٥- متعال
- ٣٦٤ ----- ٩٦- متكبر
- ٣٦٤ ----- ٩٧- متين
- ٣٦٤ ----- ٩٨- مجيب



- ۳۶۶ ..... ۹۹- مجید
- ۳۶۷ ..... ۱۰۰- محیط
- ۳۶۸ ..... ۱۰۱- مراد از بصیر
- ۳۶۸ ..... ۱۰۲- مراد از خبیر
- ۳۷۰ ..... ۱۰۳- مراد از شدید المحال
- ۳۷۰ ..... ۱۰۴- مراد از لطیف
- ۳۷۰ ..... ۱۰۵- مفهوم احد
- ۳۷۲ ..... ۱۰۶- مفهوم صمد
- ۳۷۴ ..... ۱۰۷- مقتدر
- ۳۷۴ ..... ۱۰۸- ملک
- ۳۷۴ ..... ۱۰۹- ملیک
- ۳۷۶ ..... ۱۱۰- منتقم
- ۳۷۶ ..... ۱۱۱- مولی
- ۳۷۶ ..... ۱۱۲- مؤمن
- ۳۷۶ ..... ۱۱۳- مهیمن
- ۳۷۸ ..... ۱۱۴- نامگذاری با اسما و صفات
- ۳۷۸ ..... ۱۱۵- نصیر
- ۳۷۸ ..... ۱۱۶- واحد
- ۳۸۰ ..... ۱۱۷- وارث
- ۳۸۰ ..... ۱۱۸- واسع
- ۳۸۴ ..... ۱۱۹- ودود
- ۳۸۴ ..... ۱۲۰- وکیل
- ۳۸۶ ..... ۱۲۱- ولی
- ۳۸۶ ..... ۱۲۲- وهاب
- ۳۸۸ ..... ۱۲۳- اسم اعظم
- ۳۸۹ ..... ۱۲۴- اسم اعظم خدا

- ۱۲۵- علم به اسم اعظم ..... ۳۹۰
- ۲- اسماعیل (ع) ..... ۳۹۱
- ۱- اسماعیل(ع) ..... ۳۹۱
- ۲- آثار صبر اسماعیل(ع) ..... ۳۹۱
- ۳- آثار صلاحیت اسماعیل(ع) ..... ۳۹۱
- ۴- آثار قصه ذبح اسماعیل(ع) ..... ۳۹۲
- ۵- احسان اسماعیل(ع) ..... ۳۹۲
- ۶- اخلاص اسماعیل(ع) ..... ۳۹۲
- ۷- ادراک اسماعیل(ع) ..... ۳۹۲
- ۸- اسکان اسماعیل(ع) در مکه ..... ۳۹۴
- ۹- اسماعیل(ع) از صالحان ..... ۳۹۴
- ۱۰- اسماعیل(ع) عموی یعقوب(ع) ..... ۳۹۴
- ۱۱- اسماعیل(ع) و بنای کعبه ..... ۳۹۶
- ۱۲- اسماعیل(ع) هنگام استماع آیات خدا ..... ۳۹۷
- ۱۳- الگوگیری از اسماعیل(ع) ..... ۳۹۸
- ۱۴- امتحان اسماعیل(ع) ..... ۳۹۸
- ۱۵- اتفاق خویشاوندان اسماعیل(ع) ..... ۳۹۹
- ۱۶- انقیاد اسماعیل(ع) ..... ۴۰۰
- ۱۷- ایمان به تعالیم اسماعیل(ع) ..... ۴۰۲
- ۱۸- بشارت به اسماعیل(ع) ..... ۴۰۲
- ۱۹- بشارت ولادت اسماعیل(ع) ..... ۴۰۲
- ۲۰- بینش اسماعیل(ع) ..... ۴۰۴
- ۲۱- پاداش اخروی اسماعیل(ع) ..... ۴۰۴
- ۲۲- پیامبر درخواستی اسماعیل(ع) ..... ۴۰۶
- ۲۳- پیشگامی اسماعیل(ع) ..... ۴۰۶
- ۲۴- تاریخ ولادت اسماعیل(ع) ..... ۴۰۶

- ۴۰۸ ..... ۲۵- تزکیه نسل اسماعیل (ع)
- ۴۰۸ ..... ۲۶- تعالیم دین اسماعیل (ع)
- ۴۰۸ ..... ۲۷- تقرب اسماعیل (ع)
- ۴۱۰ ..... ۲۸- تقوای اسماعیل (ع)
- ۴۱۰ ..... ۲۹- تلاش اسماعیل (ع)
- ۴۱۰ ..... ۳۰- توحید اسماعیل (ع)
- ۴۱۰ ..... ۳۱- حسن فرجام اسماعیل (ع)
- ۴۱۲ ..... ۳۲- حلم اسماعیل (ع)
- ۴۱۲ ..... ۳۳- حیات اسماعیل (ع)
- ۴۱۲ ..... ۳۴- خانه اسماعیل (ع)
- ۴۱۳ ..... ۳۵- خدمتگزاری اسماعیل (ع)
- ۴۱۴ ..... ۳۶- خواسته های اسماعیل (ع)
- ۴۱۶ ..... ۳۷- دعای اسماعیل (ع)
- ۴۱۸ ..... ۳۸- دعوت از خویشاوندان اسماعیل (ع)
- ۴۱۸ ..... ۳۹- دعوت اسماعیل (ع)
- ۴۱۸ ..... ۴۰- دلداریهای اسماعیل (ع)
- ۴۱۸ ..... ۴۱- دین اسماعیل (ع)
- ۴۲۰ ..... ۴۲- ذبح اسماعیل (ع)
- ۴۲۲ ..... ۴۳- ذکر دعای اسماعیل (ع)
- ۴۲۳ ..... ۴۴- ذکر قصه اسماعیل (ع)
- ۴۲۴ ..... ۴۵- رضایت از اسماعیل (ع)
- ۴۲۴ ..... ۴۶- رضایت اسماعیل (ع)
- ۴۲۴ ..... ۴۷- زکات خویشاوندان اسماعیل (ع)
- ۴۲۵ ..... ۴۸- زمینه ظهور ایمان اسماعیل (ع)
- ۴۲۶ ..... ۴۹- سجدهاسماعیل (ع)
- ۴۲۶ ..... ۵۰- سختی ذبح اسماعیل (ع)

- ۴۲۶ ..... ۵۱- سوگند به اسماعیل (ع)
- ۴۲۸ ..... ۵۲- شخصیت اسماعیل (ع)
- ۴۲۸ ..... ۵۳- صبر اسماعیل (ع)
- ۴۳۰ ..... ۵۴- صداقت اسماعیل (ع)
- ۴۳۰ ..... ۵۵- عبادت اسماعیل (ع)
- ۴۳۰ ..... ۵۶- عبرت از قصه اسماعیل (ع)
- ۴۳۲ ..... ۵۷- علایق اسماعیل (ع)
- ۴۳۲ ..... ۵۸- عمل خیر اسماعیل (ع)
- ۴۳۲ ..... ۵۹- فضایل اسماعیل (ع)
- ۴۳۸ ..... ۶۰- فلسفه تعظیم اسماعیل (ع)
- ۴۳۸ ..... ۶۱- فلسفه ذبح اسماعیل (ع)
- ۴۳۸ ..... ۶۲- فواید قصه اسماعیل (ع)
- ۴۴۰ ..... ۶۳- قصه اسماعیل (ع)
- ۴۴۲ ..... ۶۴- قصه ذبح اسماعیل (ع)
- ۴۴۴ ..... ۶۵- قضاوت اسماعیل (ع)
- ۴۴۴ ..... ۶۶- کیفیت ذبح اسماعیل (ع)
- ۴۴۶ ..... ۶۷- گریه اسماعیل (ع)
- ۴۴۶ ..... ۶۸- محافظت از اسماعیل (ع)
- ۴۴۶ ..... ۶۹- محبت ابراهیم (ع) به اسماعیل (ع)
- ۴۴۶ ..... ۷۰- محمد (صلی الله علیه و آله) از نسل اسماعیل (ع)
- ۴۴۸ ..... ۷۱- مسؤلیت اسماعیل (ع)
- ۴۴۸ ..... ۷۲- مسیحیان و اسماعیل (ع)
- ۴۴۹ ..... ۷۳- مسیحیان و دین اسماعیل (ع)
- ۴۵۰ ..... ۷۴- مشاوره ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع)
- ۴۵۰ ..... ۷۵- مقامات اسماعیل (ع)
- ۴۵۰ ..... ۷۶- منشأ صبر اسماعیل (ع)

- ۴۵۲ ..... ۷۷- نبوت اسماعیل (ع)
- ۴۵۲ ..... ۷۸- نسب اسماعیل (ع)
- ۴۵۴ ..... ۷۹- نسل اسماعیل (ع)
- ۴۵۶ ..... ۸۰- نشانه های حلم اسماعیل (ع)
- ۴۵۶ ..... ۸۱- نعمتهای اسماعیل (ع)
- ۴۵۶ ..... ۸۲- نقش اسماعیل (ع)
- ۴۵۸ ..... ۸۳- نماز خویشاوندان اسماعیل (ع)
- ۴۵۸ ..... ۸۴- نوجوانی اسماعیل (ع)
- ۴۶۰ ..... ۸۵- نیاکان اسماعیل (ع)
- ۴۶۰ ..... ۸۶- وعده های اسماعیل (ع)
- ۴۶۰ ..... ۸۷- وفای به عهد اسماعیل (ع)
- ۴۶۰ ..... ۸۸- ولادت اسماعیل (ع)
- ۴۶۲ ..... ۸۹- هدایت اسماعیل (ع)
- ۴۶۲ ..... ۹۰- یهود و اسماعیل (ع)
- ۴۶۲ ..... ۹۱- یهود و دین اسماعیل (ع)
- ۴۶۳ ..... ۳- اسیر
- ۴۶۳ ..... ۱- آثار انفاق به اسیر
- ۴۶۳ ..... ۲- آزادی اسیر
- ۴۶۵ ..... ۳- احکام اسیر
- ۴۶۷ ..... ۴- اسلام اسیر
- ۴۶۷ ..... ۵- اطعام اسیر
- ۴۶۸ ..... ۶- انفاق به اسیر
- ۴۷۰ ..... ۷- اهمیت آزادی اسیر
- ۴۷۰ ..... ۸- اهمیت حمایت از اسیر
- ۴۷۰ ..... ۹- اهمیت نجات اسیر
- ۴۷۲ ..... ۱۰- بردگی اسیران کافر

- ۴۷۲ ..... ۱۱- بستن اسیر
- ۴۷۲ ..... ۱۲- توبه اسیر
- ۴۷۲ ..... ۱۳- روش برخورد با اسیر
- ۴۷۳ ..... ۱۴- شرایط آزادی اسیر
- ۴۷۴ ..... ۱۵- فدیة از اسیر
- ۴۷۶ ..... ۱۶- قتل اسیر
- ۴۷۶ ..... ۱۷- محکم بستن اسیر
- ۴۷۷ ..... ۱۸- مراد از اسیر
- ۴۷۸ ..... ۱۹- مشرکان اسیر
- ۴۷۸ ..... ۲۰- اسیران
- ۴۷۹ ..... ۲۱- اسیران غزوه بدر
- ۴۸۰ ..... ۲۲- بردگی اسیران کافر
- ۴۸۰ ..... ۲۳- بشارت به اسیران غزوه بدر
- ۴۸۰ ..... ۲۴- تشویق اسیران
- ۴۸۱ ..... ۲۵- تشویق اسیران غزوه بدر
- ۴۸۲ ..... ۲۶- تهدید اسیران غزوه بدر
- ۴۸۲ ..... ۲۷- خیانت اسیران غزوه بدر
- ۴۸۲ ..... ۲۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و اسیران غزوه بدر
- ۴۸۲ ..... ۲۹- اسیرگیری حرام
- ۴۸۴ ..... ۳۰- اسیرگیری در جنگ
- ۴۸۴ ..... ۳۱- اسیرگیری در غزوه بدر
- ۴۸۶ ..... ۳۲- اسیرگیری قبل از پیروزی
- ۴۸۶ ..... ۳۳- اسیرگیری قبل از جنگ
- ۴۸۸ ..... ۳۴- اسیرگیری ناپسند
- ۴۸۸ ..... ۳۵- موارد جواز اسیرگیری
- ۴۸۹ ..... ۴- اشراف

- ۱- آثار استکبار اشراف فرعون ..... ۴۸۹
- ۲- آثار افساد اشراف فرعون ..... ۴۸۹
- ۳- آثار برتری طلبی اشراف ..... ۴۸۹
- ۴- آثار برتری طلبی اشراف فرعون ..... ۴۹۰
- ۵- آثار حاکمیت اشراف فرعون ..... ۴۹۰
- ۶- آثار سلطه طلبی اشراف فرعون ..... ۴۹۰
- ۷- آثار عصیان اشراف فرعون ..... ۴۹۰
- ۸- آثار مادیگرایی اشراف ..... ۴۹۲
- ۹- آثار مکر زنان اشراف مصر ..... ۴۹۲
- ۱۰- آثار نژادپرستی اشراف فرعون ..... ۴۹۲
- ۱۱- احتجاج موسی(ع) با اشراف فرعون ..... ۴۹۲
- ۱۲- احترام همسران اشراف در مصر باستان ..... ۴۹۴
- ۱۳- احساس خطر اشراف قوم نوح ..... ۴۹۴
- ۱۴- اخلاص اشراف قوم ثمود ..... ۴۹۴
- ۱۵- اخلاص اشراف قوم عاد ..... ۴۹۵
- ۱۶- ادیتهای اشراف بنی اسرائیل ..... ۴۹۶
- ۱۷- ارتجاع اشراف قوم نوح ..... ۴۹۶
- ۱۸- ارزشگذاری اشراف ..... ۴۹۶
- ۱۹- ارزشگذاری اشراف قوم نوح ..... ۴۹۶
- ۲۰- استقامت در برابر اشراف فرعون ..... ۴۹۷
- ۲۱- استکبار اشراف ..... ۴۹۸
- ۲۲- استکبار اشراف فرعون ..... ۴۹۸
- ۲۳- استکبار اشراف مدین ..... ۴۹۹
- ۲۴- استهزاهای اشراف ..... ۵۰۰
- ۲۵- استهزاهای اشراف قوم ثمود ..... ۵۰۰
- ۲۶- استهزاهای اشراف قوم عاد ..... ۵۰۰

- ۲۷- اشرف اصحاب اعراف ----- ۵۰۰
- ۲۸- اشرف اقوام ----- ۵۰۲
- ۲۹- اشرف بنی اسرائیل ----- ۵۰۲
- ۳۰- اشرف در مجلس محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۵۰۳
- ۳۱- اشرف صدر اسلام و قرآن ----- ۵۰۴
- ۳۲- اشرف صدر اسلام و محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۵۰۴
- ۳۳- اشرف فرعون و بنی اسرائیل ----- ۵۰۴
- ۳۴- اشرف فرعون و دعوت موسی(ع) ----- ۵۰۵
- ۳۵- اشرف فرعون و دعوت هارون(ع) ----- ۵۰۶
- ۳۶- اشرف فرعون و رسوم نیاکان ----- ۵۰۶
- ۳۷- اشرف فرعون و سرزمین مصر ----- ۵۰۶
- ۳۸- اشرف فرعون و عقیده مردم ----- ۵۰۶
- ۳۹- اشرف فرعون و موسی(ع) ----- ۵۰۸
- ۴۰- اشرف فرعون و هارون(ع) ----- ۵۰۸
- ۴۱- اشرف قوم ثمود ----- ۵۰۹
- ۴۲- اشرف قوم ثمود و خیرخواهی ----- ۵۱۰
- ۴۳- اشرف قوم ثمود و صالح(ع) ----- ۵۱۰
- ۴۴- اشرف قوم ثمود و مصلحت طلبی ----- ۵۱۲
- ۴۵- اشرف قوم سبأ و سلیمان(ع) ----- ۵۱۲
- ۴۶- اشرف قوم عاد ----- ۵۱۲
- ۴۷- اشرف قوم عاد و خیرخواهی ----- ۵۱۲
- ۴۸- اشرف قوم عاد و مصلحت طلبی ----- ۵۱۳
- ۴۹- اشرف قوم فرعون ----- ۵۱۴
- ۵۰- اشرف قوم نوح ----- ۵۱۸
- ۵۱- اشرف قوم نوح و پیروان نوح(ع) ----- ۵۱۸
- ۵۲- اشرف قوم نوح و تقرب ----- ۵۲۰



- ۵۳- اشراف قوم نوح و دین ..... ۵۲۰
- ۵۴- اشراف قوم نوح و فقرا ..... ۵۲۰
- ۵۵- اشراف قوم نوح و قیامت ..... ۵۲۲
- ۵۶- اشراف قوم نوح و لقاءالله ..... ۵۲۲
- ۵۷- اشراف قوم نوح و مردم ..... ۵۲۲
- ۵۸- اشراف قوم نوح و مستضعفان ..... ۵۲۴
- ۵۹- اشراف قوم نوح و مؤمنان ..... ۵۲۴
- ۶۰- اشراف قوم نوح و نبوت ..... ۵۲۴
- ۶۱- اشراف قوم نوح و نبوت بشر ..... ۵۲۴
- ۶۲- اشراف قوم نوح و نوح(ع) ..... ۵۲۶
- ۶۳- اشراف کافر قوم ثمود ..... ۵۲۷
- ۶۴- اشراف کافر مدین ..... ۵۲۸
- ۶۵- اشراف مدین و شعيب(ع) ..... ۵۳۰
- ۶۶- اشراف مدین و مؤمنان ..... ۵۳۰
- ۶۷- اشراف مؤمن قوم ثمود ..... ۵۳۱
- ۶۸- اشراف و امور غیرمنطقی ..... ۵۳۲
- ۶۹- اشراف و انبیا ..... ۵۳۲
- ۷۰- اشراف و بنی اسرائیل ..... ۵۳۲
- ۷۱- اشراف و نبوت نوح(ع) ..... ۵۳۲
- ۷۲- اضلال اشراف فرعون ..... ۵۳۴
- ۷۳- اطاعت از اشراف ..... ۵۳۴
- ۷۴- اطاعت از اشراف قوم ثمود ..... ۵۳۴
- ۷۵- اطمینان اشراف قوم سبأ ..... ۵۳۴
- ۷۶- اعراض از اشراف قوم سبأ ..... ۵۳۶
- ۷۷- اعراض اشراف قوم نوح ..... ۵۳۶
- ۷۸- اعلام آمادگی اشراف قوم سبأ ..... ۵۳۶

- ۷۹- افساد اشراف فرعون ..... ۵۳۶
- ۸۰- اقرار زنان اشراف مصر ..... ۵۳۸
- ۸۱- امتحان اشراف مشرک ..... ۵۳۸
- ۸۲- امکانات مادی اشراف فرعون ..... ۵۳۸
- ۸۳- انذار اشراف قوم نوح ..... ۵۴۰
- ۸۴- اهانت‌های اشراف قوم ثمود ..... ۵۴۰
- ۸۵- اهانت‌های اشراف قوم عاد ..... ۵۴۰
- ۸۶- اهانت‌های اشراف قوم نوح ..... ۵۴۰
- ۸۷- بازجویی از زنان اشراف مصر ..... ۵۴۱
- ۸۸- برتری طلبی اشراف فرعون ..... ۵۴۲
- ۸۹- برخورد اشراف قوم فرعون ..... ۵۴۲
- ۹۰- بهانه جویی اشراف قوم ثمود ..... ۵۴۳
- ۹۱- بهانه جویی اشراف قوم عاد ..... ۵۴۴
- ۹۲- بهانه جویی اشراف قوم نوح ..... ۵۴۴
- ۹۳- بهانه جویی اشراف مکه ..... ۵۴۴
- ۹۴- بی ایمانی اشراف قوم نوح ..... ۵۴۴
- ۹۵- بینش اشراف ..... ۵۴۶
- ۹۶- بینش اشراف فرعون ..... ۵۴۷
- ۹۷- بینش اشراف قوم ثمود ..... ۵۴۸
- ۹۸- بینش اشراف قوم عاد ..... ۵۴۸
- ۹۹- بینش اشراف قوم فرعون ..... ۵۴۸
- ۱۰۰- بینش اشراف قوم نوح ..... ۵۴۹
- ۱۰۱- بینش اشراف مکه ..... ۵۵۳
- ۱۰۲- بینش زنان اشراف مصر ..... ۵۵۴
- ۱۰۳- پادشاه مصر و اشراف مصر ..... ۵۵۴
- ۱۰۴- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر ..... ۵۵۶

- ۱۰۵- پذیرایی از زنان اشراف مصر ..... ۵۵۶
- ۱۰۶- پیشنهاد اشراف فرعون ..... ۵۵۷
- ۱۰۷- تبلیغ اشراف قوم ثمود ..... ۵۵۸
- ۱۰۸- تبلیغ اشراف قوم عاد ..... ۵۵۸
- ۱۰۹- تبلیغ اشراف قوم نوح ..... ۵۵۸
- ۱۱۰- تحجر اشراف قوم نوح ..... ۵۵۹
- ۱۱۱- تحقیرهای اشراف فرعون ..... ۵۶۰
- ۱۱۲- ترس از شکنجه های اشراف بنی اسرائیل ..... ۵۶۰
- ۱۱۳- ترس اشراف قوم فرعون ..... ۵۶۰
- ۱۱۴- تعجب زنان اشراف مصر ..... ۵۶۰
- ۱۱۵- تکبر اشراف ..... ۵۶۲
- ۱۱۶- تکبر اشراف قوم نوح ..... ۵۶۲
- ۱۱۷- تالان اشراف قوم نوح ..... ۵۶۴
- ۱۱۸- تالانهای اشراف ..... ۵۶۴
- ۱۱۹- توصیه به اشراف قوم سبأ ..... ۵۶۴
- ۱۲۰- توطئه اشراف صدر اسلام ..... ۵۶۴
- ۱۲۱- توطئه اشراف قریش ..... ۵۶۶
- ۱۲۲- توطئه اشراف قوم فرعون ..... ۵۶۶
- ۱۲۳- توطئه اشراف قوم نوح ..... ۵۶۶
- ۱۲۴- توطئه اشراف مکه ..... ۵۶۶
- ۱۲۵- توقع نبوت اشراف طائف ..... ۵۶۸
- ۱۲۶- توقع نبوت اشراف مکه ..... ۵۶۸
- ۱۲۷- تهدید اشراف قوم سبأ ..... ۵۶۸
- ۱۲۸- تهدید اشراف مدین ..... ۵۶۹
- ۱۲۹- تهدید به اشراف فرعون ..... ۵۷۰
- ۱۳۰- تهدیدهای اشراف قوم نوح ..... ۵۷۰

- ۱۳۱- تهمت‌های اشراف فرعون ----- ۵۷۰
- ۱۳۲- تهمت‌های اشراف قوم ثمود ----- ۵۷۲
- ۱۳۳- تهمت‌های اشراف قوم عاد ----- ۵۷۲
- ۱۳۴- تهمت‌های اشراف قوم نوح ----- ۵۷۲
- ۱۳۵- جهل اشراف قوم نوح ----- ۵۷۴
- ۱۳۶- حاکمیت اشراف فرعون ----- ۵۷۴
- ۱۳۷- حق ناپذیری اشراف ----- ۵۷۶
- ۱۳۸- حق ناپذیری اشراف فرعون ----- ۵۷۶
- ۱۳۹- حق ناپذیری اشراف قوم نوح ----- ۵۷۶
- ۱۴۰- ختم قلب اشراف فرعون ----- ۵۷۸
- ۱۴۱- خواسته‌های اشراف قوم نوح ----- ۵۷۸
- ۱۴۲- خیانت زنان اشراف مصر ----- ۵۷۸
- ۱۴۳- دست بردن زنان اشراف مصر ----- ۵۷۸
- ۱۴۴- دشمنی اشراف بنی اسرائیل ----- ۵۸۰
- ۱۴۵- دشمنی اشراف قوم ثمود ----- ۵۸۰
- ۱۴۶- دشمنی اشراف قوم عاد ----- ۵۸۰
- ۱۴۷- دشمنی اشراف قوم نوح ----- ۵۸۲
- ۱۴۸- دعوت از اشراف ----- ۵۸۲
- ۱۴۹- دعوت از اشراف قوم سبأ ----- ۵۸۲
- ۱۵۰- دعوت از زنان اشراف مصر ----- ۵۸۲
- ۱۵۱- دعوت‌های زنان اشراف مصر ----- ۵۸۴
- ۱۵۲- دفع مکر زنان اشراف مصر ----- ۵۸۴
- ۱۵۳- دنیاطلبی اشراف قوم نوح ----- ۵۸۴
- ۱۵۴- رد خواسته‌های اشراف قوم نوح ----- ۵۸۴
- ۱۵۵- ردایل اشراف قوم نوح ----- ۵۸۵
- ۱۵۶- رفاه اشراف قوم ثمود ----- ۵۸۶

- ۱۵۷- رفاه اشراف قوم عاد ..... ۵۸۶
- ۱۵۸- رفاه طلبی اشراف قوم نوح ..... ۵۸۶
- ۱۵۹- روش برخورد اشراف مکه ..... ۵۸۶
- ۱۶۰- روش برخورد اشراف قوم سبأ ..... ۵۸۸
- ۱۶۱- رهبری اشراف فرعون ..... ۵۸۸
- ۱۶۲- زلیخا و زنان اشراف مصر ..... ۵۸۸
- ۱۶۳- زلیخا و گواهی زنان اشراف ..... ۵۹۰
- ۱۶۴- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر ..... ۵۹۰
- ۱۶۵- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا ..... ۵۹۰
- ۱۶۶- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع) ..... ۵۹۰
- ۱۶۷- زنان اشراف مصر و زلیخا ..... ۵۹۲
- ۱۶۸- زنان اشراف مصر و یوسف(ع) ..... ۵۹۲
- ۱۶۹- سبک سری اشراف فرعون ..... ۵۹۶
- ۱۷۰- سرزنش اشراف فرعون ..... ۵۹۶
- ۱۷۱- سرزنش اشراف قوم سبأ ..... ۵۹۶
- ۱۷۲- سرزنش اشراف قوم نوح ..... ۵۹۸
- ۱۷۳- سرزنش ترجیح اشراف ..... ۵۹۸
- ۱۷۴- سلطه طلبی اشراف فرعون ..... ۵۹۸
- ۱۷۵- سلطه گری اشراف قوم ثمود ..... ۵۹۸
- ۱۷۶- سلطه گری اشراف قوم عاد ..... ۵۹۹
- ۱۷۷- سلیمان(ع) و اشراف قوم سبأ ..... ۶۰۰
- ۱۷۸- سوء استفاده اشراف فرعون ..... ۶۰۰
- ۱۷۹- سوگند اشراف مدین ..... ۶۰۰
- ۱۸۰- شخصیت اشراف قوم سبأ ..... ۶۰۰
- ۱۸۱- شرایط ایمان اشراف قوم نوح ..... ۶۰۲
- ۱۸۲- شرک اشراف قوم نوح ..... ۶۰۲

- ۱۸۳- شعيب(ع) و اشراف مدين ..... ۶۰۲
- ۱۸۴- صفات اشراف ..... ۶۰۳
- ۱۸۵- صفات اشراف قوم نوح ..... ۶۰۴
- ۱۸۶- ظلم اشراف فرعون ..... ۶۰۴
- ۱۸۷- ظلم اشراف قوم نوح ..... ۶۰۴
- ۱۸۸- عبادت اشراف فرعون ..... ۶۰۴
- ۱۸۹- عجب اشراف ..... ۶۰۶
- ۱۹۰- عجز اشراف قوم نوح ..... ۶۰۶
- ۱۹۱- عجز زنان اشراف مصر ..... ۶۰۶
- ۱۹۲- عزيز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر ..... ۶۰۶
- ۱۹۳- عشق زنان اشراف مصر به يوسف(ع) ..... ۶۰۷
- ۱۹۴- عقیده اشراف قوم ثمود ..... ۶۰۸
- ۱۹۵- عقیده اشراف قوم عاد ..... ۶۰۸
- ۱۹۶- عقیده اشراف قوم نوح ..... ۶۰۸
- ۱۹۷- عقیده اشراف مدين ..... ۶۰۸
- ۱۹۸- عقیده اشراف مصر ..... ۶۱۰
- ۱۹۹- عقیده اشراف مصرباستان ..... ۶۱۰
- ۲۰۰- عوامل اضطراب اشراف ..... ۶۱۰
- ۲۰۱- عوامل ذلت اخروی اشراف ..... ۶۱۰
- ۲۰۲- عوامل كفر اشراف قوم نوح ..... ۶۱۲
- ۲۰۳- عوامل هلاکت اشراف فرعون ..... ۶۱۲
- ۲۰۴- غفلت اشراف ..... ۶۱۲
- ۲۰۵- فسق اشراف فرعون ..... ۶۱۲
- ۲۰۶- قبول پيشنهاد اشراف فرعون ..... ۶۱۲
- ۲۰۷- قدرت اشراف فرعون ..... ۶۱۴
- ۲۰۸- کامجویی زنان اشراف مصر ..... ۶۱۴

- ۲۰۹- کفر اشراف - ۶۱۴
- ۲۱۰- کفر اشراف فرعون - ۶۱۵
- ۲۱۱- کفر اشراف قریش - ۶۱۶
- ۲۱۲- کفر اشراف قوم ثمود - ۶۱۶
- ۲۱۳- کفر اشراف قوم عاد - ۶۱۸
- ۲۱۴- کفر اشراف قوم نوح - ۶۱۸
- ۲۱۵- کفر اشراف مدین - ۶۱۹
- ۲۱۶- کفر اشراف مکه - ۶۲۰
- ۲۱۷- کوردلی اشراف قوم نوح - ۶۲۰
- ۲۱۸- کیفر تجاوز به همسران اشراف - ۶۲۰
- ۲۱۹- گفتگوی فرعون با اشراف فرعون - ۶۲۱
- ۲۲۰- گمراهی اشراف قوم نوح - ۶۲۲
- ۲۲۱- گواهی زنان اشراف مصر - ۶۲۲
- ۲۲۲- لجاجت اشراف فرعون - ۶۲۲
- ۲۲۳- مبارزه اشراف قوم ثمود - ۶۲۳
- ۲۲۴- مبارزه اشراف مدین - ۶۲۴
- ۲۲۵- مبارزه با اشراف فرعون - ۶۲۴
- ۲۲۶- مثل اشراف - ۶۲۵
- ۲۲۷- مجرمیت اشراف فرعون - ۶۲۶
- ۲۲۸- محاربه اشراف فرعون - ۶۲۶
- ۲۲۹- محرومیت اشراف صدر اسلام - ۶۲۶
- ۲۳۰- مخالفت اشراف قوم نوح - ۶۲۶
- ۲۳۱- مخالفت اشراف مکه - ۶۲۸
- ۲۳۲- مشاوره اشراف فرعون - ۶۲۸
- ۲۳۳- مشاوره با اشراف فرعون - ۶۲۸
- ۲۳۴- مشاوره با اشراف قوم سبأ - ۶۲۸

- ۲۳۵- مکر اشرف قریش ..... ۶۳۰
- ۲۳۶- مکر اشرف مکه ..... ۶۳۰
- ۲۳۷- مکر زنان اشرف مصر ..... ۶۳۱
- ۲۳۸- ملی گرای اشرف مدین ..... ۶۳۲
- ۲۳۹- منشأ تهمت‌های اشرف فرعون ..... ۶۳۲
- ۲۴۰- منشأ ثروت اشرف فرعون ..... ۶۳۳
- ۲۴۱- منفعت طلبی اشرف ..... ۶۳۴
- ۲۴۲- موانع ایمان اشرف فرعون ..... ۶۳۴
- ۲۴۳- موسی(ع) و اشرف فرعون ..... ۶۳۴
- ۲۴۴- موسی(ع) و اضلال اشرف فرعون ..... ۶۳۷
- ۲۴۵- موسی(ع) و ثروت اشرف فرعون ..... ۶۳۸
- ۲۴۶- موسی(ع) و شکست اشرف فرعون ..... ۶۳۸
- ۲۴۷- مهمانی از زنان اشرف مصر ..... ۶۳۹
- ۲۴۸- نجات از مکر زنان اشرف مصر ..... ۶۴۰
- ۲۴۹- نفرین بر اشرف فرعون ..... ۶۴۰
- ۲۵۰- نقش اشرف ..... ۶۴۱
- ۲۵۱- نقش اشرف فرعون ..... ۶۴۲
- ۲۵۲- نگرانی اشرف قوم ثمود ..... ۶۴۲
- ۲۵۳- نگرانی اشرف قوم عاد ..... ۶۴۲
- ۲۵۴- نوح(ع) و اشرف ..... ۶۴۴
- ۲۵۵- نوح(ع) و خواسته های اشرف ..... ۶۴۴
- ۲۵۶- ویژگی‌های اشرف فرعون ..... ۶۴۴
- ۲۵۷- ویژگی‌های زندگی اشرف فرعون ..... ۶۴۴
- ۲۵۸- هارون(ع) و اشرف فرعون ..... ۶۴۶
- ۲۵۹- هارون(ع) و نفرین بر اشرف فرعون ..... ۶۴۶
- ۲۶۰- هدایت اشرف فرعون ..... ۶۴۶



- ۲۶۱- هدایت ناپذیری اشراف قوم نوح ----- ۶۴۸
- ۲۶۲- هشدار اشراف قوم فرعون ----- ۶۴۸
- ۲۶۳- هشدار به اشراف مکه ----- ۶۴۸
- ۲۶۴- یأس زنان اشراف مصر ----- ۶۴۸
- ۲۶۵- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر ----- ۶۵۰
- ۲۶۶- اشراف فرعون ----- ۶۵۰
- ۲۶۷- آثار استکبار اشراف فرعون ----- ۶۵۰
- ۲۶۸- آثار افساد اشراف فرعون ----- ۶۵۱
- ۲۶۹- آثار برتری طلبی اشراف فرعون ----- ۶۵۲
- ۲۷۰- آثار حاکمیت اشراف فرعون ----- ۶۵۲
- ۲۷۱- آثار سلطه طلبی اشراف فرعون ----- ۶۵۲
- ۲۷۲- آثار عصیان اشراف فرعون ----- ۶۵۲
- ۲۷۳- آثار نژادپرستی اشراف فرعون ----- ۶۵۴
- ۲۷۴- احتجاج موسی(ع) با اشراف فرعون ----- ۶۵۴
- ۲۷۵- استقامت در برابر اشراف فرعون ----- ۶۵۴
- ۲۷۶- استکبار اشراف فرعون ----- ۶۵۵
- ۲۷۷- اشراف فرعون و بنی اسرائیل ----- ۶۵۶
- ۲۷۸- اشراف فرعون و دعوت موسی(ع) ----- ۶۵۶
- ۲۷۹- اشراف فرعون و دعوت هارون(ع) ----- ۶۵۶
- ۲۸۰- اشراف فرعون و رسوم نیاکان ----- ۶۵۸
- ۲۸۱- اشراف فرعون و سرزمین مصر ----- ۶۵۸
- ۲۸۲- اشراف فرعون و عقیده مردم ----- ۶۵۸
- ۲۸۳- اشراف فرعون و موسی(ع) ----- ۶۵۸
- ۲۸۴- اشراف فرعون و هارون(ع) ----- ۶۶۰
- ۲۸۵- اضلال اشراف فرعون ----- ۶۶۰
- ۲۸۶- افساد اشراف فرعون ----- ۶۶۰

- ۲۸۷- امکانات مادی اشراف فرعون ..... ۶۶۲
- ۲۸۸- برتری طلبی اشراف فرعون ..... ۶۶۲
- ۲۸۹- بینش اشراف فرعون ..... ۶۶۲
- ۲۹۰- پیشنهاد اشراف فرعون ..... ۶۶۴
- ۲۹۱- تحقیرهای اشراف فرعون ..... ۶۶۴
- ۲۹۲- تهدید به اشراف فرعون ..... ۶۶۴
- ۲۹۳- تهمتهای اشراف فرعون ..... ۶۶۶
- ۲۹۴- حاکمیت اشراف فرعون ..... ۶۶۶
- ۲۹۵- حق ناپذیری اشراف فرعون ..... ۶۶۷
- ۲۹۶- ختم قلب اشراف فرعون ..... ۶۶۸
- ۲۹۷- رهبری اشراف فرعون ..... ۶۶۸
- ۲۹۸- سبک سری اشراف فرعون ..... ۶۶۹
- ۲۹۹- سرزنش اشراف فرعون ..... ۶۷۰
- ۳۰۰- سلطه طلبی اشراف فرعون ..... ۶۷۰
- ۳۰۱- سوء استفاده اشراف فرعون ..... ۶۷۰
- ۳۰۲- ظلم اشراف فرعون ..... ۶۷۰
- ۳۰۳- عبادت اشراف فرعون ..... ۶۷۲
- ۳۰۴- عوامل هلاکت اشراف فرعون ..... ۶۷۲
- ۳۰۵- فسق اشراف فرعون ..... ۶۷۲
- ۳۰۶- قبول پیشنهاد اشراف فرعون ..... ۶۷۲
- ۳۰۷- قدرت اشراف فرعون ..... ۶۷۳
- ۳۰۸- کفر اشراف فرعون ..... ۶۷۴
- ۳۰۹- گفتگوی فرعون با اشراف فرعون ..... ۶۷۴
- ۳۱۰- لجاجت اشراف فرعون ..... ۶۷۴
- ۳۱۱- مبارزه با اشراف فرعون ..... ۶۷۵
- ۳۱۲- مجرمیت اشراف فرعون ..... ۶۷۶

- ۳۱۳- محاربه اشراف فرعون ..... ۶۷۶
- ۳۱۴- مشاوره اشراف فرعون ..... ۶۷۷
- ۳۱۵- مشاوره با اشراف فرعون ..... ۶۷۸
- ۳۱۶- منشأ تهمت‌های اشراف فرعون ..... ۶۷۸
- ۳۱۷- منشأ ثروت اشراف فرعون ..... ۶۷۸
- ۳۱۸- موانع ایمان اشراف فرعون ..... ۶۷۹
- ۳۱۹- موسی(ع) و اشراف فرعون ..... ۶۸۰
- ۳۲۰- موسی(ع) و اضلال اشراف فرعون ..... ۶۸۲
- ۳۲۱- موسی(ع) و ثروت اشراف فرعون ..... ۶۸۲
- ۳۲۲- موسی(ع) و شکست اشراف فرعون ..... ۶۸۴
- ۳۲۳- نفرین بر اشراف فرعون ..... ۶۸۴
- ۳۲۴- نقش اشراف فرعون ..... ۶۸۴
- ۳۲۵- ویژگی‌های اشراف فرعون ..... ۶۸۶
- ۳۲۶- ویژگی‌های زندگی اشراف فرعون ..... ۶۸۶
- ۳۲۷- هارون(ع) و اشراف فرعون ..... ۶۸۶
- ۳۲۸- هارون(ع) و نفرین بر اشراف فرعون ..... ۶۸۷
- ۳۲۹- هدایت اشراف فرعون ..... ۶۸۸
- ۳۳۰- اشراف مصر ..... ۶۸۸
- ۳۳۱- اقرار زنان اشراف مصر ..... ۶۸۸
- ۳۳۲- بازجویی از زنان اشراف مصر ..... ۶۹۰
- ۳۳۳- بینش زنان اشراف مصر ..... ۶۹۰
- ۳۳۴- پادشاه مصر و اشراف مصر ..... ۶۹۲
- ۳۳۵- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر ..... ۶۹۲
- ۳۳۶- پذیرایی از زنان اشراف مصر ..... ۶۹۳
- ۳۳۷- تعجب زنان اشراف مصر ..... ۶۹۴
- ۳۳۸- خیانت زنان اشراف مصر ..... ۶۹۴

- ۳۳۹- دست بردن زنان اشراف مصر ----- ۶۹۶
- ۳۴۰- دعوت از زنان اشراف مصر ----- ۶۹۶
- ۳۴۱- دعوتهای زنان اشراف مصر ----- ۶۹۶
- ۳۴۲- دفع مکر زنان اشراف مصر ----- ۶۹۷
- ۳۴۳- زلیخا و زنان اشراف مصر ----- ۶۹۸
- ۳۴۴- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر ----- ۶۹۸
- ۳۴۵- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا ----- ۶۹۹
- ۳۴۶- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع) ----- ۷۰۰
- ۳۴۷- زنان اشراف مصر و زلیخا ----- ۷۰۰
- ۳۴۸- زنان اشراف مصر و یوسف(ع) ----- ۷۰۲
- ۳۴۹- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا ----- ۷۰۴
- ۳۵۰- عجز زنان اشراف مصر ----- ۷۰۴
- ۳۵۱- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر ----- ۷۰۵
- ۳۵۲- عشق زنان اشراف مصر به یوسف(ع) ----- ۷۰۶
- ۳۵۳- عقیده اشراف مصر ----- ۷۰۶
- ۳۵۴- کامجویی زنان اشراف مصر ----- ۷۰۶
- ۳۵۵- گواهی زنان اشراف مصر ----- ۷۰۶
- ۳۵۶- مکر زنان اشراف مصر ----- ۷۰۸
- ۳۵۷- مهمانی از زنان اشراف مصر ----- ۷۰۸
- ۳۵۸- نجات از مکر زنان اشراف مصر ----- ۷۱۰
- ۳۵۹- یأس زنان اشراف مصر ----- ۷۱۰
- ۳۶۰- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر ----- ۷۱۱
- ۳۶۱- اشراف مکه ----- ۷۱۲
- ۳۶۲- بینش اشراف مکه ----- ۷۱۲
- ۳۶۳- توطئه اشراف مکه ----- ۷۱۲
- ۳۶۴- توقع نبوت اشراف مکه ----- ۷۱۳

- ۳۶۵- روش برخورد اشراف مکه ..... ۷۱۴
- ۳۶۶- کفر اشراف مکه ..... ۷۱۴
- ۳۶۷- مخالفت اشراف مکه ..... ۷۱۴
- ۳۶۸- مکر اشراف مکه ..... ۷۱۴
- ۳۶۹- هشدار به اشراف مکه ..... ۷۱۶
- ۳۷۰- اشرافیت ..... ۷۱۶
- ۳۷۱- ارزش اشرافیت ..... ۷۱۸
- ۳۷۲- اشرافیت در حکومت فرعون ..... ۷۱۸
- ۳۷۳- نبوت و اشرافیت ..... ۷۱۸
- ۳۷۴- نشانه های اشرافیت ..... ۷۱۹
- ۳۷۵- نشانه های اشرافیت در دوران فرعون ..... ۷۲۰
- ۵- اشموئیل (ع) ..... ۷۲۱
- ۱- اشموئیل (ع) ..... ۷۲۱
- ۶- اصحاب خدود ..... ۷۲۲
- ۱- آتش کوره آدم سوزی اصحاب اخدود ..... ۷۲۲
- ۲- آثار قساوت قلب اصحاب اخدود ..... ۷۲۲
- ۳- آرامش اصحاب اخدود ..... ۷۲۳
- ۴- استقامت زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود ..... ۷۲۳
- ۵- استقامت مؤمنان دوران اصحاب اخدود ..... ۷۲۳
- ۶- اصحاب اخدود در قیامت ..... ۷۲۳
- ۷- اصحاب اخدود هنگام سوختن مؤمنان ..... ۷۲۵
- ۸- ایمان مؤمنان دوران اصحاب اخدود ..... ۷۲۵
- ۹- بی منطقی اصحاب اخدود ..... ۷۲۵
- ۱۰- بینش اصحاب اخدود ..... ۷۲۵
- ۱۱- تداوم اذیتهای اصحاب اخدود ..... ۷۲۷
- ۱۲- تهدید اصحاب اخدود ..... ۷۲۷

- ۱۳- جرایم در اصحاب اخدود ..... ۷۲۸
- ۱۴- جرم ایمان در اصحاب اخدود ..... ۷۲۹
- ۱۵- حسابرسی اصحاب اخدود ..... ۷۲۹
- ۱۶- زمینه قبول توبه اصحاب اخدود ..... ۷۲۹
- ۱۷- سرزنش اصحاب اخدود ..... ۷۲۹
- ۱۸- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود ..... ۷۳۱
- ۱۹- شرایط نجات اصحاب اخدود ..... ۷۳۱
- ۲۰- شکنجه های اصحاب اخدود ..... ۷۳۱
- ۲۱- شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود ..... ۷۳۳
- ۲۲- شهادت مؤمنان دوران اصحاب اخدود ..... ۷۳۳
- ۲۳- عذاب اصحاب اخدود ..... ۷۳۳
- ۲۴- عوامل نفرین بر اصحاب اخدود ..... ۷۳۳
- ۲۵- فرجام اصحاب اخدود ..... ۷۳۵
- ۲۶- فضایل مؤمنان دوران اصحاب اخدود ..... ۷۳۵
- ۲۷- قساوت قلب اصحاب اخدود ..... ۷۳۵
- ۲۸- قصه اصحاب اخدود ..... ۷۳۷
- ۲۹- کوره آدم سوزی اصحاب اخدود ..... ۷۳۹
- ۳۰- کیفر ایمان در اصحاب اخدود ..... ۷۴۱
- ۳۱- گواهان اصحاب اخدود ..... ۷۴۱
- ۳۲- گواهی اخروی اصحاب اخدود ..... ۷۴۱
- ۳۳- گواهی اصحاب اخدود ..... ۷۴۱
- ۳۴- مراد از اصحاب اخدود ..... ۷۴۳
- ۳۵- مؤمنان در کوره آدم سوزی اصحاب اخدود ..... ۷۴۵
- ۳۶- نفرین بر اصحاب اخدود ..... ۷۴۵
- ۳۷- ویژگیهای اصحاب اخدود ..... ۷۴۵
- ۳۸- هلاکت اصحاب اخدود ..... ۷۴۶

- ۳۹- هیزم کوره آدم سوزی اصحاب احدود ..... ۷۴۷
- ۷- اصحاب اعراف ..... ۷۴۸
- ۱- اشراف اصحاب اعراف ..... ۷۴۸
- ۲- اصحاب اعراف در قیامت ..... ۷۴۸
- ۳- اصحاب اعراف و بهشتیان ..... ۷۴۹
- ۴- اصحاب اعراف و جهنمیان ..... ۷۴۹
- ۵- اصحاب اعراف و کافران ..... ۷۵۱
- ۶- اصحاب اعراف و مستکبران ..... ۷۵۱
- ۷- اصحاب اعراف و مؤمنان ..... ۷۵۱
- ۸- بشارت اصحاب اعراف ..... ۷۵۲
- ۹- تکلم اصحاب اعراف ..... ۷۵۳
- ۱۰- دعای اصحاب اعراف ..... ۷۵۳
- ۱۱- سرزنشهای اصحاب اعراف ..... ۷۵۳
- ۱۲- سلام اصحاب اعراف ..... ۷۵۳
- ۱۳- عقیده اصحاب اعراف ..... ۷۵۵
- ۱۴- علم اصحاب اعراف ..... ۷۵۵
- ۱۵- مقامات اصحاب اعراف ..... ۷۵۵
- ۸- اصحاب الجنة ..... ۷۵۸
- ۱- اصحاب الجنة هنگام صبح ..... ۷۵۸
- ۲- اطمینان اصحاب الجنة ..... ۷۵۸
- ۳- افراط اصحاب الجنة ..... ۷۵۸
- ۴- اقرار اصحاب الجنة ..... ۷۵۹
- ۵- امتحان اصحاب الجنة ..... ۷۵۹
- ۶- امیدواری اصحاب الجنة ..... ۷۶۱
- ۷- ایمان اصحاب الجنة ..... ۷۶۱
- ۸- بخل اصحاب الجنة ..... ۷۶۱

- ۹- بهترین شخص اصحاب الجنه ----- ۷۶۳
- ۱۰- پشیمانی اصحاب الجنه ----- ۷۶۳
- ۱۱- پنهان کاری اصحاب الجنه ----- ۷۶۵
- ۱۲- تأسف اصحاب الجنه ----- ۷۶۵
- ۱۳- تشویق اصحاب الجنه ----- ۷۶۵
- ۱۴- تشویقهای اصحاب الجنه ----- ۷۶۷
- ۱۵- تصمیم اصحاب الجنه ----- ۷۶۷
- ۱۶- تعجب اصحاب الجنه ----- ۷۶۷
- ۱۷- تفریط اصحاب الجنه ----- ۷۶۷
- ۱۸- تکبر اصحاب الجنه ----- ۷۶۹
- ۱۹- تنبه اصحاب الجنه ----- ۷۶۹
- ۲۰- توبه اصحاب الجنه ----- ۷۷۰
- ۲۱- توصیه های اصحاب الجنه ----- ۷۷۱
- ۲۲- جهل اصحاب الجنه ----- ۷۷۱
- ۲۳- خست اصحاب الجنه ----- ۷۷۱
- ۲۴- خواب اصحاب الجنه ----- ۷۷۳
- ۲۵- رد موعظه عاقل اصحاب الجنه ----- ۷۷۳
- ۲۶- سرزنش اصحاب الجنه ----- ۷۷۳
- ۲۷- سرزنشهای عاقل اصحاب الجنه ----- ۷۷۴
- ۲۸- سستی اصحاب الجنه ----- ۷۷۵
- ۲۹- سوگند اصحاب الجنه ----- ۷۷۵
- ۳۰- طغیان اصحاب الجنه ----- ۷۷۷
- ۳۱- طمع اصحاب الجنه ----- ۷۷۷
- ۳۲- ظلم اصحاب الجنه ----- ۷۷۷
- ۳۳- عاقل اصحاب الجنه ----- ۷۷۸
- ۳۴- عذاب اصحاب الجنه ----- ۷۷۹



- ۳۵- عقیده اصحاب الجنه ..... ۷۷۹
- ۳۶- غفلت اصحاب الجنه ..... ۷۷۹
- ۳۷- فرجام شوم اصحاب الجنه ..... ۷۸۱
- ۳۸- قدرت اصحاب الجنه ..... ۷۸۱
- ۳۹- قدرت اقتصادی اصحاب الجنه ..... ۷۸۱
- ۴۰- قصه اصحاب الجنه ..... ۷۸۱
- ۴۱- کیفر اصحاب الجنه ..... ۷۸۱
- ۴۲- گمراهی اصحاب الجنه ..... ۷۸۳
- ۴۳- گمشدگی اصحاب الجنه ..... ۷۸۳
- ۴۴- لجاجت اصحاب الجنه ..... ۷۸۳
- ۴۵- مال دوستی اصحاب الجنه ..... ۷۸۳
- ۴۶- محرومیت اصحاب الجنه ..... ۷۸۵
- ۴۷- مخالفت عاقل اصحاب الجنه ..... ۷۸۵
- ۴۸- مساکین و اصحاب الجنه ..... ۷۸۵
- ۴۹- مشاوره اصحاب الجنه ..... ۷۸۶
- ۵۰- مشاوره پنهانی اصحاب الجنه ..... ۷۸۷
- ۵۱- میوه چینی اصحاب الجنه ..... ۷۸۷
- ۵۲- نقش عاقل اصحاب الجنه ..... ۷۸۹
- ۵۳- وقت تجمع اصحاب الجنه ..... ۷۸۹
- ۵۴- وقت میوه چینی اصحاب الجنه ..... ۷۸۹
- ۹- اصحاب ایکه ..... ۷۹۱
- ۱- آثار افساد اصحاب ایکه ..... ۷۹۱
- ۲- آثار باستانی اصحاب ایکه در صدر اسلام ..... ۷۹۱
- ۳- آثار دنیاطلبی اصحاب ایکه ..... ۷۹۲
- ۴- آثار ظلم اصحاب ایکه ..... ۷۹۲
- ۵- آثار عذاب اصحاب ایکه ..... ۷۹۲

- ۶- ابر در روز عذاب اصحاب ایکه ..... ۷۹۲
- ۷- اتحاد اصحاب ایکه ..... ۷۹۴
- ۸- اصحاب ایکه و شعیب(ع) ..... ۷۹۴
- ۹- اصحاب ایکه هنگام عذاب ..... ۷۹۴
- ۱۰- اصرار بر کفر اصحاب ایکه ..... ۷۹۴
- ۱۱- اقلیت اصحاب ایکه ..... ۷۹۶
- ۱۲- انتقام از اصحاب ایکه ..... ۷۹۶
- ۱۳- انذار اصحاب ایکه ..... ۷۹۸
- ۱۴- اهل مکه و آثار باستانی اصحاب ایکه ..... ۷۹۸
- ۱۵- بهانه جویی اصحاب ایکه ..... ۷۹۸
- ۱۶- بی تقوایی اصحاب ایکه ..... ۸۰۰
- ۱۷- بی منطقی اصحاب ایکه ..... ۸۰۰
- ۱۸- بینش اصحاب ایکه ..... ۸۰۰
- ۱۹- پیامبر اصحاب ایکه ..... ۸۰۲
- ۲۰- تاریخ اصحاب ایکه ..... ۸۰۲
- ۲۱- تخلفات اقتصادی اصحاب ایکه ..... ۸۰۸
- ۲۲- ترسناکی روز عذاب اصحاب ایکه ..... ۸۰۸
- ۲۳- تکذیبگری اصحاب ایکه ..... ۸۰۸
- ۲۴- تهمتهای اصحاب ایکه ..... ۸۱۰
- ۲۵- تیرگی روز عذاب اصحاب ایکه ..... ۸۱۰
- ۲۶- حفظ منافع اصحاب ایکه ..... ۸۱۲
- ۲۷- حق ناپذیری اصحاب ایکه ..... ۸۱۲
- ۲۸- حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه ..... ۸۱۲
- ۲۹- خواسته های اصحاب ایکه ..... ۸۱۲
- ۳۰- دانش جادو در اصحاب ایکه ..... ۸۱۴
- ۳۱- دشمنی اصحاب ایکه ..... ۸۱۴

- ۳۲- دعوت از اصحاب ایکه ..... ۸۱۴
- ۳۳- روش بر خورد اصحاب ایکه ..... ۸۱۶
- ۳۴- سایه بانهای اصحاب ایکه ..... ۸۱۶
- ۳۵- سرزنش اصحاب ایکه ..... ۸۱۸
- ۳۶- سرسبزی سرزمین اصحاب ایکه ..... ۸۱۸
- ۳۷- شدت تکذیبگری اصحاب ایکه ..... ۸۱۸
- ۳۸- شعیب(ع) و اصحاب ایکه ..... ۸۱۸
- ۳۹- ظلم اصحاب ایکه ..... ۸۲۰
- ۴۰- عبرت از فرجام اصحاب ایکه ..... ۸۲۰
- ۴۱- عجز اصحاب ایکه ..... ۸۲۰
- ۴۲- عقیده اصحاب ایکه ..... ۸۲۱
- ۴۳- فلسفه عذاب اصحاب ایکه ..... ۸۲۲
- ۴۴- فلسفه مخالفت اصحاب ایکه ..... ۸۲۲
- ۴۵- قدرت اصحاب ایکه ..... ۸۲۳
- ۴۶- کفر اکثریت اصحاب ایکه ..... ۸۲۴
- ۴۷- کم فروشی اصحاب ایکه ..... ۸۲۴
- ۴۸- کمی مؤمنان اصحاب ایکه ..... ۸۲۴
- ۴۹- کیفر اصحاب ایکه ..... ۸۲۶
- ۵۰- گرمی روز عذاب اصحاب ایکه ..... ۸۲۶
- ۵۱- گناهکاری اصحاب ایکه ..... ۸۲۶
- ۵۲- مسکن اصحاب ایکه ..... ۸۲۸
- ۵۳- موانع فهم اصحاب ایکه ..... ۸۲۸
- ۵۴- موقعیت جغرافیایی اصحاب ایکه ..... ۸۲۸
- ۵۵- نهی اصحاب ایکه ..... ۸۳۰
- ۵۶- ویژگیهای عذاب اصحاب ایکه ..... ۸۳۰
- ۵۷- هلاکت اصحاب ایکه ..... ۸۳۲

- ۱۰- اصحاب رس ..... ۸۳۳
- ۱- تاریخ اصحاب رس ..... ۸۳۳
- ۲- تکذیبگری اصحاب رس ..... ۸۳۳
- ۳- حق ستیزی اصحاب رس ..... ۸۳۴
- ۴- ظلم اصحاب رس ..... ۸۳۴
- ۵- مراد از اصحاب رس ..... ۸۳۴
- ۶- مساحقه در اصحاب رس ..... ۸۳۶
- ۷- هلاکت اصحاب رس ..... ۸۳۶
- ۱۱- اصحاب رقیم ..... ۸۳۹
- ۱- مراد از اصحاب رقیم ..... ۸۳۹
- ۱۲- اصحاب سبت ..... ۸۴۰
- ۱- بنی اسرائیل و اصحاب سبت ..... ۸۴۰
- ۲- طرد اصحاب سبت ..... ۸۴۰
- ۳- عبرت از اصحاب سبت ..... ۸۴۰
- ۴- عذاب اصحاب سبت ..... ۸۴۱
- ۵- عصیان اصحاب سبت ..... ۸۴۱
- ۶- فرجام اصحاب سبت ..... ۸۴۳
- ۷- قصه اصحاب سبت ..... ۸۴۳
- ۸- کیفر اصحاب سبت ..... ۸۴۳
- ۹- لعن بر اصحاب سبت ..... ۸۴۴
- ۱۰- مسخ اصحاب سبت ..... ۸۴۵
- ۱۳- اصحاب شمال ..... ۸۴۸
- ۱- اصحاب شمال ..... ۸۴۸
- ۲- آثار کفر اصحاب شمال ..... ۸۴۸
- ۳- اصحاب شمال در جهنم ..... ۸۴۸
- ۴- اصحاب شمال در عالم ذر ..... ۸۵۱

- ۵- اصحاب شمال در قیامت ..... ۸۵۱
- ۶- بی ارزشی اصحاب شمال ..... ۸۵۳
- ۷- بی تأثیری ثروت اصحاب شمال ..... ۸۵۳
- ۸- بی تأثیری قدرت اصحاب شمال ..... ۸۵۴
- ۹- بی تقوایی اصحاب شمال ..... ۸۵۵
- ۱۰- بی رحمی اصحاب شمال ..... ۸۵۵
- ۱۱- تشبیه اصحاب شمال ..... ۸۵۵
- ۱۲- تشنگی اخروی اصحاب شمال ..... ۸۵۷
- ۱۳- تکذیبگری اصحاب شمال ..... ۸۵۷
- ۱۴- ثروتمندی اصحاب شمال ..... ۸۵۷
- ۱۵- حتمیت عذاب اصحاب شمال ..... ۸۵۹
- ۱۶- رفاه اصحاب شمال ..... ۸۵۹
- ۱۷- سرمستی اصحاب شمال ..... ۸۵۹
- ۱۸- شقاوت اخروی اصحاب شمال ..... ۸۶۱
- ۱۹- صفات اصحاب شمال ..... ۸۶۲
- ۲۰- طعام اخروی اصحاب شمال ..... ۸۶۳
- ۲۱- ظلم اصحاب شمال ..... ۸۶۳
- ۲۲- عذاب اخروی اصحاب شمال ..... ۸۶۳
- ۲۳- عذاب اصحاب شمال ..... ۸۶۵
- ۲۴- عهدشکنی اصحاب شمال ..... ۸۶۵
- ۲۵- غذای اصحاب شمال ..... ۸۶۷
- ۲۶- فرجام اخروی اصحاب شمال ..... ۸۶۷
- ۲۷- فرجام شوم اصحاب شمال ..... ۸۶۹
- ۲۸- قدرتمندی اصحاب شمال ..... ۸۶۹
- ۲۹- کفر اصحاب شمال ..... ۸۶۹
- ۳۰- گمراهی اصحاب شمال ..... ۸۷۱

- ۳۱- مراد از اصحاب شمال ..... ۸۷۱
- ۳۲- موقعیت اجتماعی اصحاب شمال ..... ۸۷۱
- ۳۳- نامه عمل اصحاب شمال ..... ۸۷۱
- ۱۴- اصحاب صفه ..... ۸۷۴
- ۱- اصحاب صفه ..... ۸۷۴
- ۱۵- اصحاب فیل ..... ۸۷۵
- ۱- آثار پیروزی اصحاب فیل ..... ۸۷۵
- ۲- آثار شکست اصحاب فیل ..... ۸۷۵
- ۳- آثار هجوم اصحاب فیل ..... ۸۷۶
- ۴- آثار هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۷۶
- ۵- بارش سجیل بر اصحاب فیل ..... ۸۷۶
- ۶- تدبیر در قصه اصحاب فیل ..... ۸۷۸
- ۷- تذکر هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۷۸
- ۸- تشبیه بدن اصحاب فیل ..... ۸۷۸
- ۹- دفع توطئه اصحاب فیل ..... ۸۸۰
- ۱۰- شدت کیفر اصحاب فیل ..... ۸۸۰
- ۱۱- شدت هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۸۰
- ۱۲- شگفتی هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۸۰
- ۱۳- عبرت از قصه اصحاب فیل ..... ۸۸۲
- ۱۴- قصه اصحاب فیل ..... ۸۸۲
- ۱۵- کیفر اصحاب فیل ..... ۸۸۵
- ۱۶- مکر اصحاب فیل ..... ۸۸۶
- ۱۷- منشأ تجزیه بدن اصحاب فیل ..... ۸۸۶
- ۱۸- منشأ شکست اصحاب فیل ..... ۸۸۷
- ۱۹- منشأ فرجام اصحاب فیل ..... ۸۸۸
- ۲۰- منشأ هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۸۸

- ۲۱- وضوح شکست اصحاب فیل ..... ۸۸۹
- ۲۲- هجوم اصحاب فیل ..... ۸۹۰
- ۲۳- هجوم اصحاب فیل به مکه ..... ۸۹۰
- ۲۴- هجوم پرنندگان بر اصحاب فیل ..... ۸۹۰
- ۲۵- هلاکت اصحاب فیل ..... ۸۹۲
- ۱۶- اصحاب کهف ..... ۸۹۴
- ۱- آثار ابهام قصه اصحاب کهف ..... ۸۹۴
- ۲- آثار توحید اصحاب کهف ..... ۸۹۴
- ۳- آثار قصه اصحاب کهف ..... ۸۹۵
- ۴- آثار کشف غار اصحاب کهف ..... ۸۹۵
- ۵- آثار نهضت اصحاب کهف ..... ۸۹۶
- ۶- آثار هدایت اصحاب کهف ..... ۸۹۷
- ۷- آثار هلاکت اصحاب کهف ..... ۸۹۷
- ۸- آگاهی از قصه اصحاب کهف ..... ۸۹۷
- ۹- ابهام قصه اصحاب کهف ..... ۸۹۹
- ۱۰- اتحاد اصحاب کهف ..... ۸۹۹
- ۱۱- اجابت دعای اصحاب کهف ..... ۸۹۹
- ۱۲- اجبار اصحاب کهف به شرک ..... ۹۰۱
- ۱۳- احترام سگ اصحاب کهف ..... ۹۰۱
- ۱۴- احیای قصه اصحاب کهف ..... ۹۰۱
- ۱۵- اختلاف اصحاب کهف ..... ۹۰۱
- ۱۶- اختلاف در تعداد اصحاب کهف ..... ۹۰۳
- ۱۷- اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف ..... ۹۰۳
- ۱۸- اختلاف درباره اصحاب کهف ..... ۹۰۳
- ۱۹- اختلاف کاشفان اصحاب کهف ..... ۹۰۵
- ۲۰- ارزش طلبی اصحاب کهف ..... ۹۰۵

- ۲۱- ارزش قصه اصحاب کهف ..... ۹۰۵
- ۲۲- استمداد اصحاب کهف ..... ۹۰۷
- ۲۳- اصحاب کهف پس از ملاقات با مردم ..... ۹۰۷
- ۲۴- اصحاب کهف در غار ..... ۹۰۷
- ۲۵- اصحاب کهف و ارتداد ..... ۹۰۹
- ۲۶- اصحاب کهف و شرک ..... ۹۰۹
- ۲۷- اصحاب کهف و مشرکان ..... ۹۱۱
- ۲۸- اضطراب اصحاب کهف ..... ۹۱۱
- ۲۹- اطمینان اصحاب کهف ..... ۹۱۱
- ۳۰- اقرار کاشفان اصحاب کهف ..... ۹۱۲
- ۳۱- التجای اصحاب کهف ..... ۹۱۳
- ۳۲- امتحان اصحاب کهف ..... ۹۱۳
- ۳۳- امنیت اصحاب کهف ..... ۹۱۳
- ۳۴- امنیت اصحاب کهف در غار ..... ۹۱۵
- ۳۵- امیدواری اصحاب کهف ..... ۹۱۵
- ۳۶- انگیزه نهضت اصحاب کهف ..... ۹۱۵
- ۳۷- اهداف قصه اصحاب کهف ..... ۹۱۵
- ۳۸- اهداف متولیان غار اصحاب کهف ..... ۹۱۷
- ۳۹- اهداف نهضت اصحاب کهف ..... ۹۱۷
- ۴۰- اهمیت قصه اصحاب کهف ..... ۹۱۷
- ۴۱- ایمان اصحاب کهف ..... ۹۱۷
- ۴۲- بت پرستی در دوران اصحاب کهف ..... ۹۲۰
- ۴۳- بدن اصحاب کهف ..... ۹۲۱
- ۴۴- بناسازی در غار اصحاب کهف ..... ۹۲۲
- ۴۵- بی تأثیری علم به تعداد اصحاب کهف ..... ۹۲۳
- ۴۶- بیداری اصحاب کهف ..... ۹۲۳



- ۴۷- بینش اصحاب کهف ..... ۹۲۵
- ۴۸- بینش جامعه دوران اصحاب کهف ..... ۹۲۷
- ۴۹- بینش کاشفان اصحاب کهف ..... ۹۲۷
- ۵۰- بینش متولیان غار اصحاب کهف ..... ۹۲۷
- ۵۱- پرسش اصحاب کهف ..... ۹۲۹
- ۵۲- پناهجویی اصحاب کهف ..... ۹۲۹
- ۵۳- پول اصحاب کهف ..... ۹۳۱
- ۵۴- پول رایج دوران اصحاب کهف ..... ۹۳۱
- ۵۵- پیری اصحاب کهف ..... ۹۳۱
- ۵۶- پیش بینی اصحاب کهف ..... ۹۳۱
- ۵۷- پیشنهاد اصحاب کهف ..... ۹۳۳
- ۵۸- پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف ..... ۹۳۳
- ۵۹- تابش خورشید به غار اصحاب کهف ..... ۹۳۳
- ۶۰- تاریخ قصه اصحاب کهف ..... ۹۳۵
- ۶۱- تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف ..... ۹۳۵
- ۶۲- ترس از اصحاب کهف ..... ۹۳۵
- ۶۳- ترس اصحاب کهف ..... ۹۳۷
- ۶۴- تعداد اصحاب کهف ..... ۹۳۷
- ۶۵- تعصب مردم دوران اصحاب کهف ..... ۹۳۹
- ۶۶- تفاوت استعداد اصحاب کهف ..... ۹۴۱
- ۶۷- تقیه اصحاب کهف ..... ۹۴۱
- ۶۸- تلاش متولیان غار اصحاب کهف ..... ۹۴۱
- ۶۹- توحید اصحاب کهف ..... ۹۴۱
- ۷۰- توحید ربوبی اصحاب کهف ..... ۹۴۲
- ۷۱- توصیه به فرستاده اصحاب کهف ..... ۹۴۴
- ۷۲- توصیه های اصحاب کهف ..... ۹۴۵

- ۷۳- توکل اصحاب کهف ..... ۹۴۵
- ۷۴- تولیت غار اصحاب کهف ..... ۹۴۷
- ۷۵- تهدید اصحاب کهف ..... ۹۴۷
- ۷۶- تهیه آذوقه اصحاب کهف ..... ۹۴۷
- ۷۷- جامعه دوران اصحاب کهف ..... ۹۴۹
- ۷۸- جوانمردی اصحاب کهف ..... ۹۵۰
- ۷۹- چهل اصحاب کهف ..... ۹۵۱
- ۸۰- حق جویی اصحاب کهف ..... ۹۵۱
- ۸۱- حکومت دوران اصحاب کهف ..... ۹۵۳
- ۸۲- خدانشناسی اصحاب کهف ..... ۹۵۳
- ۸۳- خطر سنگساری اصحاب کهف ..... ۹۵۳
- ۸۴- خواب اصحاب کهف ..... ۹۵۳
- ۸۵- خواسته های اصحاب کهف ..... ۹۵۶
- ۸۶- دعای اصحاب کهف ..... ۹۵۷
- ۸۷- دوستی اصحاب کهف ..... ۹۵۷
- ۸۸- رحمت بر اصحاب کهف ..... ۹۵۹
- ۸۹- زمان بیداری اصحاب کهف ..... ۹۵۹
- ۹۰- زمینه کشف غار اصحاب کهف ..... ۹۵۹
- ۹۱- سگ اصحاب کهف ..... ۹۵۹
- ۹۲- سلامت بدن اصحاب کهف ..... ۹۶۱
- ۹۳- سلامت سگ اصحاب کهف ..... ۹۶۲
- ۹۴- سلامتی اصحاب کهف ..... ۹۶۳
- ۹۵- سنگسار در دوران اصحاب کهف ..... ۹۶۳
- ۹۶- سنگینی گوش اصحاب کهف ..... ۹۶۳
- ۹۷- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف ..... ۹۶۳
- ۹۸- شرایط عفو اصحاب کهف ..... ۹۶۵

- ۹۶۵- ..... ۹۹- شرک در دوران اصحاب کهف
- ۹۶۷- ..... ۱۰۰- شرک ستیزی اصحاب کهف
- ۹۶۷- ..... ۱۰۱- شعار اصحاب کهف
- ۹۶۷- ..... ۱۰۲- شگفتی اصحاب کهف هنگام بیداری
- ۹۶۹- ..... ۱۰۳- شگفتی بیداری اصحاب کهف
- ۹۶۹- ..... ۱۰۴- شگفتی خواب اصحاب کهف
- ۹۶۹- ..... ۱۰۵- ضعف اصحاب کهف
- ۹۷۱- ..... ۱۰۶- عبادات اصحاب کهف
- ۹۷۱- ..... ۱۰۷- عجز اصحاب کهف
- ۹۷۱- ..... ۱۰۸- عجز کاشفان اصحاب کهف
- ۹۷۲- ..... ۱۰۹- عزلت گزینی اصحاب کهف
- ۹۷۳- ..... ۱۱۰- عقیده اصحاب کهف
- ۹۷۳- ..... ۱۱۱- عقیده باطل در دوران اصحاب کهف
- ۹۷۳- ..... ۱۱۲- عقیده کاشفان اصحاب کهف
- ۹۷۴- ..... ۱۱۳- عقیده مردم دوران اصحاب کهف
- ۹۷۵- ..... ۱۱۴- عمر اصحاب کهف
- ۹۷۵- ..... ۱۱۵- عمل پسندیده اصحاب کهف
- ۹۷۵- ..... ۱۱۶- عوامل اندوه اصحاب کهف
- ۹۷۷- ..... ۱۱۷- عوامل ایمان اصحاب کهف
- ۹۷۷- ..... ۱۱۸- عوامل رنج اصحاب کهف
- ۹۷۷- ..... ۱۱۹- عوامل نهضت اصحاب کهف
- ۹۷۷- ..... ۱۲۰- غار اصحاب کهف هنگام صبح
- ۹۷۹- ..... ۱۲۱- غار اصحاب کهف هنگام غروب
- ۹۷۹- ..... ۱۲۲- غفلت از تعالیم قصه اصحاب کهف
- ۹۷۹- ..... ۱۲۳- فرار از اصحاب کهف
- ۹۸۱- ..... ۱۲۴- فرستاده اصحاب کهف

- ۹۸۱ ..... ۱۲۵- فضایل اصحاب کهف
- ۹۸۲ ..... ۱۲۶- فضیلت سگ اصحاب کهف
- ۹۸۳ ..... ۱۲۷- فلسفه ابهام تعداد اصحاب کهف
- ۹۸۳ ..... ۱۲۸- فلسفه بیداری اصحاب کهف
- ۹۸۳ ..... ۱۲۹- فلسفه قصه اصحاب کهف
- ۹۸۵ ..... ۱۳۰- فلسفه مسجد سازی در غار اصحاب کهف
- ۹۸۵ ..... ۱۳۱- قداست غار اصحاب کهف
- ۹۸۵ ..... ۱۳۲- قدرت تفکر اصحاب کهف
- ۹۸۵ ..... ۱۳۳- قصه اصحاب کهف
- ۱۰۰۵ ..... ۱۳۴- کشف غار اصحاب کهف
- ۱۰۰۵ ..... ۱۳۵- کمی عالمان به تعداد اصحاب کهف
- ۱۰۰۵ ..... ۱۳۶- کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف
- ۱۰۰۷ ..... ۱۳۷- کیفر موحدان در دوران اصحاب کهف
- ۱۰۰۷ ..... ۱۳۸- گردش بدن اصحاب کهف
- ۱۰۰۷ ..... ۱۳۹- گرسنگی اصحاب کهف
- ۱۰۰۷ ..... ۱۴۰- مجادله در تعداد اصحاب کهف
- ۱۰۰۹ ..... ۱۴۱- مجادله در قصه اصحاب کهف
- ۱۰۰۹ ..... ۱۴۲- مجادله کاشفان غار اصحاب کهف
- ۱۰۰۹ ..... ۱۴۳- محافظت اصحاب کهف
- ۱۰۱۱ ..... ۱۴۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و قصه اصحاب کهف
- ۱۰۱۱ ..... ۱۴۵- مدبر اصحاب کهف
- ۱۰۱۱ ..... ۱۴۶- مدت خواب اصحاب کهف
- ۱۰۱۶ ..... ۱۴۷- مردم مقارن بعثت و اصحاب کهف
- ۱۰۱۷ ..... ۱۴۸- مردم مقارن بعثت و قصه اصحاب کهف
- ۱۰۱۷ ..... ۱۴۹- مرگ اصحاب کهف
- ۱۰۱۹ ..... ۱۵۰- مسجد در دوران اصحاب کهف

- ۱۵۱- مسج‌سازی در غار اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۱۹
- ۱۵۲- مسؤ‌ولیت فرستاده اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۱۹
- ۱۵۳- مسؤ‌ولیت کاشفان اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۱
- ۱۵۴- مشرکان دوران اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۱
- ۱۵۵- مشکلات اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۱
- ۱۵۶- مشکلات جامعه دوران اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۳
- ۱۵۷- مکان خواب اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۳
- ۱۵۸- ممانعت از کشف غار اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۳
- ۱۵۹- منشأ اطمینان قلب اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۵
- ۱۶۰- منشأ بیداری اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۵
- ۱۶۱- منشأ خواب اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۵
- ۱۶۲- منشأ کشف غار اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۵
- ۱۶۳- موانع سعادت اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۷
- ۱۶۴- موفقیت اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۷
- ۱۶۵- موقعیت جغرافیایی غار اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۷
- ۱۶۶- مؤمنان به معاد در دوران اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۲۹
- ۱۶۷- نام‌های اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۰
- ۱۶۸- نظر خواهی درباره اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۱
- ۱۶۹- نقش فرستاده اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۱
- ۱۷۰- نهضت اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۱
- ۱۷۱- واقعیت قصه اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۳
- ۱۷۲- وسعت غار اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۳
- ۱۷۳- وعده به اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۳
- ۱۷۴- وقت بیداری اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۵
- ۱۷۵- ولایت بر اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۵
- ۱۷۶- ویژگی‌های خواب اصحاب ک‌هف ..... ۱۰۳۵

- ۱۷۷- ویژگیهای غار اصحاب کهف ..... ۱۰۳۷
- ۱۷۸- هجرت اصحاب کهف ..... ۱۰۳۷
- ۱۷۹- هدایت اصحاب کهف ..... ۱۰۳۸
- ۱۷- اصحاب محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۴۰
- ۱- اصحاب محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۴۰
- ۱۸- اصحاب یمین ..... ۱۰۴۱
- ۱- اصحاب یمین ..... ۱۰۴۱
- ۲- آثار سرور اخروی اصحاب یمین ..... ۱۰۴۱
- ۳- استراحت اخروی اصحاب یمین ..... ۱۰۴۱
- ۴- اصحاب یمین بعد از بعثت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۴۲
- ۵- اصحاب یمین در امتهای پیشین ..... ۱۰۴۲
- ۶- اصحاب یمین در بهشت ..... ۱۰۴۲
- ۷- اصحاب یمین در عالم ذر ..... ۱۰۴۸
- ۸- اصحاب یمین در قیامت ..... ۱۰۴۸
- ۹- اصحاب یمین و خویشاوندان ..... ۱۰۵۰
- ۱۰- اصحاب یمین و محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۵۲
- ۱۱- اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین ..... ۱۰۵۲
- ۱۲- بهشت اصحاب یمین ..... ۱۰۵۲
- ۱۳- پاداش اصحاب یمین ..... ۱۰۵۳
- ۱۴- پرسش اصحاب یمین ..... ۱۰۵۴
- ۱۵- تفریح اصحاب یمین ..... ۱۰۵۴
- ۱۶- جاودانگی سعادت‌مندی اصحاب یمین ..... ۱۰۵۶
- ۱۷- حسن فرجام اصحاب یمین ..... ۱۰۵۶
- ۱۸- حشر اخروی اصحاب یمین ..... ۱۰۵۶
- ۱۹- خشنودی اخروی اصحاب یمین ..... ۱۰۵۸
- ۲۰- خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت ..... ۱۰۵۸

- ۱۰۵۸ ----- زندگی پسندیده اصحاب یمین ..... ۲۱
- ۱۰۶۰ ----- سرور اخروی اصحاب یمین ..... ۲۲
- ۱۰۶۰ ----- سعادت اصحاب یمین ..... ۲۳
- ۱۰۶۰ ----- سعادت‌مندی اخروی اصحاب یمین ..... ۲۴
- ۱۰۶۲ ----- سعادت‌مندی اصحاب یمین ..... ۲۵
- ۱۰۶۲ ----- سلام اصحاب یمین ..... ۲۶
- ۱۰۶۲ ----- سهولت حسابرسی اصحاب یمین ..... ۲۷
- ۱۰۶۴ ----- عفو از اصحاب یمین ..... ۲۸
- ۱۰۶۴ ----- عوامل سرور اصحاب یمین ..... ۲۹
- ۱۰۶۴ ----- فضایل اخروی اصحاب یمین ..... ۳۰
- ۱۰۶۶ ----- فضایل اصحاب یمین ..... ۳۱
- ۱۰۶۸ ----- گفتگوی اصحاب یمین ..... ۳۲
- ۱۰۶۸ ----- مراد از اصحاب یمین ..... ۳۳
- ۱۰۶۸ ----- مصونیت اصحاب یمین ..... ۳۴
- ۱۰۶۸ ----- مقامات اخروی اصحاب یمین ..... ۳۵
- ۱۰۷۰ ----- نامه عمل اصحاب یمین ..... ۳۶
- ۱۰۷۲ ----- همسران بهشتی اصحاب یمین ..... ۳۷
- ۱۰۷۲ ----- همنشینان اخروی اصحاب یمین ..... ۳۸
- ۱۰۷۵ ----- درباره مرکز ..... ۳۹

## مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 7

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

## 1- اسما و صفات

### 1- اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 26

26 - لزوم آگاهی و توجه به اسامی و صفات الهی

و اعلم انّ الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 1 - 2,3

2- «عن جعفر بن محمد (ع) قال: ... و (کهیعیص) معناه أنا الکافی، الهادی، الولیّ، العالم، الصادق الوعد ...»؛

از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... معنای «کهیعیص» این است: من «کافی»، «هادی»، «ولیّ»، «عالم» و «صادق الوعد» هستم.

3- «عن [امام] علی (ع) أنّه دعا فقال: اللهمّ سألتک یا کهیعیص؛

از حضرت علی (ع) روایت شده که آن حضرت دعا کرد و فرمود: خدایا! از تو می خواهم ای کهیعیص!.

## 2- آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - خداوند، «أول» (أغاز)، «آخر» (انجام)، «ظاهر» (أشكار) و «باطن» (نهان) است .

هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن

4 - «عن ابن أبي يعفور قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « هو الأول و الآخر » . . . فقال : إنه ليس شيء إلا يبىد أو يتغير إلا رب العالمين فإنه لم يزل و لا يزال بحاله واحده هو الأول و قبل كل شيء و هو الآخر على ما لم يزل . . . » ;

ص: 1

ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل «هو الأول و الآخر».. سؤال کردم، حضرت فرمود: هیچ چیزی نیست مگر این که از بین می رود یا تغییر می کند مگر پروردگار عالمیان؛ زیرا او همیشه از ازل تا ابد به یک حالت است. او اول است؛ یعنی، قبل از هر چیز بوده و آخر است؛ یعنی، به همان گونه که در ازل بوده همیشه خواهد بود [نه نابودشدنی و نه تغییرپذیر است]...».

### 3- احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 13

13 - تعدد درباره خداوند ، امکان پذیر نیست .

أحد

در فرق «أحد» و «واحد» گفته شده است که می توان برای «واحد» دومی قرار داد؛ ولی «أحد» چنین نیست؛ زیرا «أحد» تمام جنس خود را فرامی گیرد. (مجمع البيان)

### 4- احسن الخالقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 12

12 - خدا ، أحسن الخالقین (بهترین آفریننده ها) است .

فتبارک الله أحسن الخالقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 5

5 - خداوند ، نیکوترین آفریننده

أحسن الخالقین

### 5- احکام اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند \_ هر چند

ص: 2

اعتباری بیش نیست \_ ولی کاری ناروا است.

## 6- احکم الحاکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 6

6\_ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الح\_کمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 8 - 95 - 10،11

10 - دین الهی ، استوارترین آیین ها و متقن ترین آنها است .

فما یکذّٰبک بعد بالدين . أليس الله بأحکم الح\_کمین

11 - « أحکم الحاکمین » ، از اوصاف خداوند

أليس الله بأحکم الح\_کمین

## 7- ارحم الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 9،10

9\_ موسی (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به « ارحم الراحمین » ، خواسته های خویش را از وی تقاضا کرد .

و أنت أرحم الراحمین

10\_ بیان « ارحم الراحمین » بودن خدا پس از درخواست آمرزش و رحمت ، از آداب دعا به درگاه ربوبی است .

و أنت أرحم الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 12

12\_ خداوند ، ارحم الراحمين ( مهربان ترين مهربانان ) است .

فاله خير حَـ فظًا و هو أرحم الراحمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 92 - 17، 10

10\_ خداوند ، أرحم الراحمين ( مهربان ترين مهربانان ) است .

و هو أرحم الراحمين

17\_ توصيف خداوند به صفت رحمت بخشي ( مانند ارحم الراحمين ) از آداب استغفار و دعا براي آمرزش است .

ص: 3

يغفر الله لكم و هو أرحم الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 83 - 10

10- خداوند ، مهربان ترين مهربانان است .

و أنت أرحم الرحمين

### 8- اسم اعظم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 27 - 33

33\_ هابيل و قابيل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قابیل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارك و تعالی اوحى الى آدم ان يدفع الوصيه و اسم الله الاعظم الى هابيل و كان قابيل اكبر منه فبلغ ذلك قابيل فغضب فقال: انا اولى بالكرامه و الوصيه فامرهما ان يقربا قرباناً بوحي من الله اليه ففعلا ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - رحمن - 55 - 4 - 4

4 - « فی مجمع البیان قال الصادق (ع) : البیان الإسم الأعظم الذی به علم کلّ شیء ؛

در مجمع البیان آمده است که امام صادق(ع) فرمود: «بیان» اسم اعظم الهی است که به وسیله آن آگاهی بر همه چیز حاصل می شود».

### 9- اسم ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 30 - 7

7- « اللّٰه » ، نام ذات مقدس پروردگار

ی-موسیٰ إتی أنا اللّٰه

ص: 4

## 10- اسما و صفات در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 38 - 3

3- ذکر صفت های خداوند ( صفات کمال و جمال ) از آداب دعا به درگاه اوست .

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نَخْفَىٰ وَمَا نَعْلَنُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 4، 1

1- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

4- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

إِنَّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 89 - 13

13- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به «بهترین وارث بودن» یاد کرد.

## 11- اسمای حسناى خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 7

7- خداوند ، دارای تمامی ارزش ها و صفات کمال ( اسماء حسنی )



«الأسماء» جمع محلى به الف و لام و افاده كننده عموم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 180 - 1

1\_ تمای نام های بهتر و نیکوتر (أسماء حسنی) از آن خداوند است .

و لله الأسماء الحسنى

«ال» در «الأسماء» برای استغراق و به معنای کل است. «حسنى» مؤنث احسن و به معنای نیکوترین می باشد. توصیف «الأسماء» به وصف «الحسنى» می رساند که مراد از اسم، نامی است که معنای آن لحاظ شده باشد، یعنی اگر خداوند به «الرحمن» نامیده می شود؛ به لحاظ رحمت و اسعه اوست.

ص: 5

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 16، 15، 7، 5

5- تنها خداوند، دارای اسمای حسنی (بهترین نام ها) و برخوردار از برترین صفات

أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

7- «الله» و «الرحمن» از اسمای حسنی خداوند و از بهترین نام ها و برترین اوصاف او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

15- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... الرحمن، الرحيم، الملك... الباعث، الوارث فهذه الأسماء وما كان من الأسماء الحسنى حتى تتم ثلاث مائه وستين إسماً... و ذلك قوله تعالى: «قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: رحمان، رحيم، ملك... باعث و وارث پس اين اسامی و ديگر اسامی \_ که تا 360 اسم برسد \_ همه اسمای حسنی الهی هستند... و آن سخن خداوند تعالی است: قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى».

16- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... و الله غير أسمائه... ألا- ترى إلى قوله: ... «قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» فالأسماء مضافه إليه... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:.. ذات خداوند غير از اسمای اوست... آیا ندیده ای سخن خدا را که فرمود: قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى». پس اسماء به خداوند نسبت داده شده است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 3

3- بهترین نام ها و اوصاف، از آن خدای یگانه و زیننده او است.

له الأسماء الحسنى

«الأسماء» جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و «الحسنى» اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحيم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 6

6 - خدا، از هر کسی به اعمال آدمیان آگاه تر است .

نحن أعلم بما یصفون

ص: 6

## 14- اعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 11

11 - خداوند ، دارای برترین مقام ها و کامل ترین ویژگی ها است .

رَبِّكَ الْأَعْلَى

وصف «الأعلى» \_ به قرینه آیه بعد \_ به «رَبِّكَ» ارتباط دارد; نه «اسم رَبِّكَ».

## 15- الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 7

7- « الله » و « الرحمن » از اسمای حسناى خداوند و از بهترین نام ها و برترین اوصاف او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أياً ما تدعوا فله الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 38 - 4

4- الله ، یگانه مالک و مدبّر انسان و جهان هستی است .

لِـكُنَّا هُوَ اللهُ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 7

7- « الله » ، نام ذات مقدس پروردگار

يـموسى إني أنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 35 - 5

5- اللّٰه ، تنها معبود حقیقی است .

لا إله إلاّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 1

1- « اللّٰه » ، همان یگانه معبود بی همتا است .

هو اللّٰه الذی لا إله إلاّ هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 7

ص: 7

7- « الله » ، نام خاص خداوند

الله

## 16- اوّل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 3 - 4، 1

1 - خداوند ، « اوّل » ( آغاز ) ، « آخر » ( انجام ) ، « ظاهر » ( آشکار ) و « باطن » ( نهان ) است .

هو الأوّل و الآخر و الظّهر و الباطن

4 - « عن ابن أبي يعفور قال : سألت أبا عبد الله ( ع ) عن قول الله عزّوجلّ « هو الأوّل و الآخر » . . . فقال : إنّه ليس شىء إلاّ يبيد أو يتغيّر إلاّ ربّ العالمين فإنّه لم يزل و لا يزال بحاله واحده هو الأوّل و قبل كلّ شىء و هو الآخر على ما لم يزل . . . »

ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ «هو الأوّل و الآخر».. سؤال کردم، حضرت فرمود: هیچ چیزی نیست مگر این که از بین می رود یا تغییر می کند مگر پروردگار عالمیان؛ زیرا او همیشه از ازل تا ابد به یک حالت است. او اول است؛ یعنی، قبل از هر چیز بوده و آخر است؛ یعنی، به همان گونه که در ازل بوده همیشه خواهد بود [نه نابودشدنی و نه تغییرپذیر است]...».

## 17- اهل التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 56 - 5

5 - خداوند ، سزاوار پروا داشتن از او و تقوایبشگی است .

هو أهل التقوی

## 18- اهل المغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 56 - 7

7 - خداوند ، اهل آمرزش است .

هو . . . أهل المغفره

## 19- اہمیت صفات جمال

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 8

5- برطرف ساختن افکار انحرافی مردم در باره خداوند، مقدم بر بیان صفات ثبوتی او است.

کی نسبتاً کثیراً. و نذکرک کثیراً

در کلام موسی(ع)، تسبیح - که ابطال عقاید ناروا است - بر ذکر خدا مقدم شده است، بنابراین رتبه تخلیه، مقدم بر تخلیه است.

## 20- باری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 1

1 - یگانه معبود هستی، پدیدآورنده و آفریننده خلق بدون هیچ الگوی پیشین

هو الله الخ - لق الباری

در معنای خلق، «ابداء و ابداع» نهفته است و آفرینش بدون الگو و بی سابقه را می نمایاند؛ چنان که «بارئ» - بنابر نظریه ای - می تواند پیامدار همین معنا و تأکیدی بر آن باشد.

## 21- باطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 3 - 5, 1

1 - خداوند، «اول» (آغاز)، «آخر» (انجام)، «ظاهر» (آشکار) و «باطن» (نہان) است.

هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن

5 - «عن أبي الحسن الرضا (ع) . . . و أما الظاهر فليس من أجل أنه علا الأشياء برکوب فوقها و قعود عليها و تسنم لذرأها و لکن لقهره و لغلبته الأشياء و قدرته عليها . . . و أما الباطن فليس على معنى الإستبطان للأشياء بأن يغور فيها و لکن ذلك منه على استبطانه للأشياء علماً و حفظاً و تدبيراً . . .»

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . و اما ظاهر بودن خداوند نه از آن جهت است که بر اشیا بالا رفته به این که بر آنها سوار گشته و بر فراز آنها نشسته است؛ بلکه این ظهور از جهت قهر و غلبه و قدرت او بر اشیا است. . . اما خداوند باطن است، به این معنا نیست که او در درون اشیا قرار گرفته و در بطن آنها پنهان است؛ بلکه به این معنا است که از لحاظ آگاهی به اشیا و حفظ و تدبیر [و تنظیم امور] آنها در درون آنها است. . .»



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 4

4 - خداوند ، یگانه مبدأ نیکی ( برّ ) و رحمت گسترده ( رحیم ) ، در نظام وجود

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

ص: 9

ضمیمه فصل «هو» بیانگر حصر است.

### 23- بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 16

16 - خداوند ، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است .

و الله بصیر بما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 110 - 14،15

14 - خداوند ، آگاه به اعمال و رفتار نیک آدمیان است .

إن الله بما تعملون بصیر

15 - باور و توجه آدمی به نظارت خداوند بر اعمال نیک ، زمینه ساز آن اعمال است .

إن الله بما تعملون بصیر

ایجاد زمینه برای انجام کارهای نیک، از اهداف بیان نظارت خداوند بر اعمال انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 18،19

18 - بینایی و آگاهی همه جانبه خداوند ، نسبت به بندگان

و الله بصیر بالعباد

19 - بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متقین و کیفر کافران

قل للذین کفروا .. للذین اتقوا عند ربهم ... و الله بصیر بالعباد

اگر آگاهی همه جانبه خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 18، 15

15 \_ خداوند ، همواره سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

انّ الله كان سمیعاً بصیراً

18 \_ توجه به سمیع و بصیر بودن خداوند ، زمینه عمل به احکام و فرامین او

انّ الله یامرکم . . انّ الله کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 8

8 \_ خداوند ، سمیع ( بسیار شنوا ) و بصیر ( بسیار بینا ) است .

ص: 10

و كان الله سميعاً بصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 3

3\_ تنها خداوند بسیار شنوا و داناست.

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 14

14\_ خداوند ، اعمال انسان ها را می بیند و به همه آنها آگاهی دارد .

إنه بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 20

20- خداوند ، « سميع » ( بسیار شنوا ) و « بصير » ( بسیار بینا ) است .

إنه هو السميع البصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 17 - 7

7- خداوند از تمامی گناهان بندگان باخبر و بر همه آنها آگاه و ناظر است .

و كفى بربك بذنوب عباده خبيراً بصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 30 - 6

6- خداوند از حال بندگان خویش ، کاملاً باخبر بوده و آگاهی همه جانبه دارد .

إنه كان بعباده خبيراً بصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 8

8- خداوند ، به امور بندگانش خبیر ( آگاه ) و بصیر ( بینا ) است .

إنه کان بعباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 6

6 - خدا ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

ص: 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 8

8 - خدا، سمیع (شنوا) و بصیر (بینا) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 20 - 10

10 - پروردگار، بر همه چیز بصیر و بینا است .

وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 6

6 - خداوند، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « بصیر » ( بسیار بینا ) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 9 - 9

9 - خداوند، بصیر ( آگاه و با اطلاع ) است .

وَكَانَ اللَّهُ... بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 5

5 - تنها خداوند، سمیع و بصیر حقیقی است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آمدن ضمیر فصل «هو» بر حصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 56 - 12

12 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 16

16 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 12

10 - خداوند به امور بندگان خویش آگاه (خبیر) و بینا (بصیر) است .

إِنَّهُ بَعْدَ خَبِيرٍ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 1 - 7

7 - خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « بصیر » ( بینا ) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

### 24- پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ

### 25- تعدد اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 3

3- صفات و اسمای متعدد خداوند ، به تعدد در مسمی و به شرک در ذات او منجر نمی شود .

ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که آیه، درصدد جواب مشرکان باشد که خوانده شدن خداوند با «الله» یا «رحمان» را، به معنای تعدد در مسمی و ذات او می گرفتند.

### 26- ثواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - بقره - 2 - 37 - 5

5 - خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

إنه هو التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 54 - 22

ص: 13

22 - تنها خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

إنه هو التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 124

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 9

9 - خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

و أنا التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 10، 12

10 \_ خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( بسیار مهربان ) است .

إن الله كان تواباً رحيماً

12 \_ سقوط كيفر و پذیرش توبه گناهكاران و مرتكبين فحشا از سوی خداوند ، جلوه توبه پذیری و رحمت او

و الذان يأتيناها منكم . . . إن الله كان تواباً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 17

17 \_ خداوند ، توأب ( توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

لوجدوا الله تواباً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 104 - 11

11 \_ تنها خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 20

20\_ خداوند ، تواب ( بسیار توبه پذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 4

4 - خداوند ، تواب ( توبه پذیر ) و حکیم است .

أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

ص: 14

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 22

22 - خداوند ، « تَوَاب » ( بسیار توبه پذیر ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 16

16 - خداوند ، بسیار توبه پذیر است .

إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

از آن جهت به خداوند «تَوَاب» گفته می شود که توبه بندگان را فراوان و پیاپی می پذیرد. (مفردات)

### 27- توسل به اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 19

19 - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا \*

رَبَّنَا إِنَّكَ رءُوفٌ رَحِيمٌ

ذکر اوصاف متعدد خداوند (رب، رؤوف و رحیم) در این آیه \_ که رهنمودی است به دعا کنندگان \_ بیانگر مطلب یاد شده است.

### 28- جبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 15

15 - خداوند یگانه و بی همتا ، دارای اراده نافذ و تخلف ناپذیر

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... الْجَبَّارُ

### 29- حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 57 - 12

12\_ خداوند ، مراقبت کننده ای دقیق و حفاظت کننده ای آگاه بر همه چیز است .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

ص: 15

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 21 - 11

11 - خداوند ، بر هر چیزی نگهبان و حافظ است .

و ربك على كل شيء حفيظ

### 30- حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 5

5 - خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردانی که امور را استوار و متقن بنا می کند ) است .

إنك أنت العليم الحكيم

«حکیم» به معنای قاضی، دارای حکمت و نیز به معنای اتقان دهنده امور آمده است. گویا معنای دوم و سوم تناسب بیشتری با حقایق بیان شده در این بخش از آیات داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 10

10 - خداوند ، یگانه عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و یگانه حکیم ( کاردانی که امور را محکم و متقن بنا می کند ) است .

إنك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 209 - 8

8 - خداوند ، عزیز و حکیم است .

فاعلموا ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 18,19

18\_ خداوند ، عزیزى حكيم است .

ان الله عزيز حكيم

بنابراينكه «حكيم»، صفت «عزیز» باشد.

19\_ خداوند ، عزیز و حكيم است .

ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 26,27

26\_ خداوند ، عزیز و حكيم است .

والله عزيز حكيم

ص: 16

27\_ خداوند ، عزیزى حكيم است .

والله عزيز حكيم

بنابراينكه «حكيم» صفت «عزیز» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 240 - 10

10\_ خداوند ، «عزیز» و «حكيم» است .

والله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 22

22\_ خداوند ، عزیز ( غالب و پیروز ) و حكيم است .

ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 6 - 9، 10

9\_ معبودى جز خدای عزیز حكيم ، نیست .

لا اله الا هو العزيز الحكيم

10\_ خداوند ، عزیز و حكيم است .

لا اله الا هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 15

15\_ خداوند ، عزیز و حكيم است .

هو العزيز الحكيم



جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2 - آل عمران - 3 - 19 - 1

1\_ باور و اقرار بہ وحدانیت ، عدالت و عزیز و حکیم بودن خدا ، تنہا دین پذیرفتہ شدہ نزد او

قائماً بالقسط لا الہ الاّ هو العزیز الحکیم. انّ الدّین عند اللّٰہ الاسلام

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2 - آل عمران - 3 - 62 - 7،8،9

7\_ خداوند ، « عزیز » و « حکیم » است .

وانّ اللّٰہ لہو العزیز الحکیم

8\_ انحصار عزت و حکمت بہ خداوند

وانّ اللّٰہ لہو العزیز الحکیم

ص: 17

9\_ عزیزی که حکیم باشد، تنها خداوند است .

وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بنابراینکه «حکیم»، صفت «عزیز» باشد؛ بر این اساس، آن عزیزی که حکیم هم باشد، تنها خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 126 - 4،12

4\_ فتح و پیروزی بر دشمنان، تنها از جانب خدای «عزیز و حکیم»

وَمَا النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

12\_ خداوند، «عزیز» (پیروز شکست ناپذیر) و «حکیم» است .

من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 11 - 33

33\_ خداوند، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 17 - 7

7\_ خداوند، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 24 - 17،18

17\_ خداوند، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

18\_ خداوند ، عالمی حکیم است .

انّ الله كان عليماً حكيماً

بنابر اینکه «حکیماً»، صفت باشد برای «علیماً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 26 - 10

10\_ خداوند ، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 56 - 10

10\_ خداوند ، همواره عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

ص: 18

انّ الله كان عزيزاً حكيماً

کلمه «کان» دلالت بر استمرار عزت و حکمت خداوند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 28

28\_ خداوند ، (علیم) بسیار دانا و حکیم (کاردان) است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 12

12\_ خداوند ، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 9

9\_ خداوند ، علیم (بسیار دانا) و حکیم (کاردان) است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 10

10\_ خداوند ، واسع (دارای سعه وجودی) و حکیم (کاردان) است .

و كان الله وسعاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 158 - 5

5\_ خداوند ، عزیز (مقتدری شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 165 - 9

9\_ خداوند همواره عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 15

15\_ خداوند همواره علیم ( دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

و كان الله عليماً حكيماً

ص: 19

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 118 - 10

10 \_ تنها خداوند ، عزیز ( توانمندی شکست ناپذیر ) و حکیم ( بسیار کاردان ) است .

فانک انت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 3

3 \_ تنها خداوند، حکیم (کاردان) و خبیر (آگاه به دقائق امور) است.

و هو الحكيم الخبير

معرفه بودن مبتدا (هو) و خبر (الحکیم الخبیر) بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 15

15 \_ تنها خداوند حکیم خبیر است.

و هو الحكيم الخبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 83 - 13

13 \_ پروردگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکیم (استواربخش امور) و علیم (دارای علم گسترده) است.

إن ربك حکيم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 128 - 23

23 \_ خداوند، حکیم (استواری اتقان بخش) و علیم (بسیار دانا) است.

إن ربك حکيم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 8

8\_ خداوند، حکیم (کارش حکیمانه و متقن) و علیم (دانای کامل) است.

إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 7

7\_ خداوند، عزیز (پیروزمند شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است.

إن اللّٰه عزیز حکیم

ص: 20

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 15 - 8

8\_ خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 22

22\_ خدا ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

إنّ الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 20

20\_ خداوند ، عزیز (پیروزمند شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

والله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 17

17\_ خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 23

23\_ خداوند ، عزیز (پیروزمند شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

إنّ الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



7 - توبه - 9 - 97 - 16

16 \_ خداوند ، علیم ( دارای علم گسترده ) و حکیم ( کاردان ) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 106 - 8

8 \_ خدا ، علیم ( دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 8

ص: 21

8\_ خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 1 - 8,9

8\_ خداوند ، حکیم (کاردانی که امور را متقن بنا می کند) و خبیر (آگاه) است .

من لدن حکیم خبیر

9\_ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند است .

کتبُ احکمتِ اى\_\_ ته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 20

20\_ خداوند ، علیم (بسیار دانا) و حکیم (سنجیده کار) است .

إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 19

19\_ تنها خداوند ، علیم و حکیم است .

إنه هو العلیم الحکیم

ضمیر فصل (هو) و نیز معرفه بودن خبر دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 29

29\_ تنها خداوند علیم (دانای مطلق) و حکیم است .

إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 4 - 12

12- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم بر مبنای حکمت اوست .

فیضاً لله من یشاء ویهدی من یشاء و هو . . . الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 25 - 5

5- خداوند ، حکیم (کاردان) و علیم (بسیار دانا) است .

إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 22

11- خداوند، عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 9

9 - خداوند، علیم (دانا) و حکیم (سنجیده کار) است .

و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 4

4 - خداوند، تواب (توبه پذیر) و حکیم است .

أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 18 - 3

3 - خداوند، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت) است .

و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 23

23 - خداوند، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت و سنجیده کار) است .

و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 59 - 8

8- خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت و سنجیده کار) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 6 - 5

5- خداوند ، حکیم (سنجیده کار) و علیم (دانا) است .

من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 4

4- خداوند ، عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (سنجیده کار) است .

ص: 23

أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 10

10 - خداوند ، قطعاً « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( استوارکار ) است .

إنه هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 42 - 4

4 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 10

10 - خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 5

5 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( دارای حکمت و کاردانی ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 5

5 - خداوند ، « عزیز » ( قاهر شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان استوارآفرین ) است .

إن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 1 - 9

9 - خداوند ، همواره علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( استوار کار ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 7

7 - خداوند ، « حکیم » ( استوار کار ) و خبیر ( آگاه ) است .

و هو الحكيم الخبير

ص: 24

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 10

10 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( استوارکار ) است .

هو الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 2 - 4

4 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 1 - 3

3 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 12

12 - تنها خداوند ، عزیز و حکیم است .

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آمدن ضمیر فصل (أنت) بر حصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 42 - 5

5 - خداوند ، حکیم ( کاردان ) و حمید ( شایسته ستایش ) است .

تنزيل من حکيم حميد



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 3 - 5

5 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

اللّٰه العزيز الحكيم

بنابراین که «الحکیم» صفت دوم برای اللّٰه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 51 - 13

13 - خداوند ، علیّ ( بلندمرتبه ) و حکیم ( کاردان ) است .

إِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيمٌ

ص: 25

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 84 - 5

5 - تنها خداوند یگانه آسمان ها و زمین ، حکیم ( کاردان ) و علیم ( دارای علم گسترده ) است .

و هو الحکیم العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 2 - 7

7 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

اللّٰه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 37 - 7

7 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( بسیار کاردان ) است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 2 - 9

9 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( بسیار کاردان ) است .

اللّٰه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 18

18 - خداوند ، از ازل ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) بوده است .

و کان اللّٰه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 4

4 - خداوند ، دارای عزّت ( قدرت شکست ناپذیر ) و حکمت ( کاردانی ) ازلی است .

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 6

6 - خداوند ، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 8 - 7

ص: 26

7 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 5

5 - خداوند ، حکیم ( دارای حکمت ) و علیم ( دارای علم گسترده ) است .

إنه هو الحکیم العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 6

6 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند و شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 1 - 6

6 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 13

13 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 5 - 8

8 - پروردگار آدمیان ، یگانه « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 28

28 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 7

7 - خداوند ، « عزیز » ( پیروز مند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هو العزیز الحکیم

ص: 27

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 11

11 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان و سنجیده کار ) است .

يَسْبِحُ لِلَّهِ .. العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 3 - 4

4 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 18 - 3

3 - خداوند، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 9

9 - خداوند، علیم ( دانا ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

وهو العلیم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 30 - 4

4 - خداوند، « علیم » ( دانا ) و « حکیم » ( کاردان و سنجیده کار ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 225 - 9،10

9\_ خداوند ، غفور و حلیم است .

والله غفور حلیم

10\_ خداوند ، غفوری حلیم است .

والله غفور حلیم

بنابراینکه « حلیم»، صفت «غفور» باشد.

ص: 28

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 235 - 14

14 \_ خداوند ، « غفور » ( بسیار بخشنده ) و « حلیم » ( بسیار بردبار ) است .

انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 8

8 \_ خداوند ، غنی ( بی نیاز ) و حلیم ( بردبار ) است .

والله غنی حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 12، 13، 14

12 \_ خداوند ، « غفور » ( بس آمرزنده ) و « حلیم » ( بردبار ) است .

انّ الله غفور حلیم

13 \_ عفو و چشم پوشی خداوند از لغزش ها و گناهان ، پرتویی از غفران و حلم او

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

14 \_ حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد ( پشت کردن به میدان کارزار )

انّ الذین تولّوا . . انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 18

18 \_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حلیم ( بسیار بردبار ) است .

والله علیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



12 - خداوند غفور ( بسیار آمرزنده ) و حلیم ( بردبار ) است .

والله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 14

14 - خداوند ، همواره حلیم ( بردبار ) و غفور ( آمرزنده ) است .

إنه كان حلیمًا غفورًا

جمله اسمیه با حرف تأکید «إنّ» بر دوام و ثبات دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 5

ص: 29

5- خداوند ، علیم ( دانا ) و حلیم ( بردبار ) است .

وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 51 - 19

19 - خداوند ، همواره « علیم » ( بسیار دانا ) و « حلیم » ( بسیار بردبار ) است .

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 6

6 - خداوند ، حلیم ( بردبار ) و غفور ( آمرزنده ) است .

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 17 - 8

8 - خداوند ، شکور ( سپاسدار و قدرشناس ) و حلیم ( بردبار ) است .

وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

### 32- حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 10

10\_ خداوند ، غنی و حمید است .

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 17,20

17\_ خداوند ، همواره غنی ( بی نیاز ) و حمید ( در خور ستایش ) است .

وكان الله غنياً حميداً

20\_ خداوند ، حمید و در خور ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا الله و إن تكفروا... و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 9

9\_ خداوند ، حمید ( پسندیده کار ) و مجید ( والا مقام ) است .

إنه حميد مجيد

ص: 30

«حمید» به معنای محمود (ستایش شونده) است و برخی گفته اند به معنای حامد (ستایش کننده) نیز می تواند باشد. مجید از مجد به معنای عظمت و بزرگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 19

19 - خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حمید ( ستودنی ) است .

العزیز الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 6

6 - خداوند ، غنی ( بی نیاز ) و حمید ( ستودنی ) است .

فإن الله لغنی حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 24 - 6

6 - خدا ، پروردگاری حمید و ستوده

إلی صرط الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 8

8 - خدا ، غنی ( بی نیاز ) و حمید ( ستوده ) است .

وإنّ الله لهو الغنی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 15

15 - خداوند ، « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده ) است .

فإنَّ اللهَ غنيٌّ حميدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 10

10 - خداوند ، « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده مطلق ) است .

إنَّ اللهَ هو الغنيُّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 6 - 8

8 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حمید » ( ستوده ) است .

العزیز الحمید

ص: 31

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 7

7 - خداوند ، غنی ( بی نیاز ) و حمید ( ستوده ) است .

والله هو الغنی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 42 - 5

5 - خداوند ، حکیم ( کاردان ) و حمید ( شایسته ستایش ) است .

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 8

8 - تنها خداوند ، ولی ( دارای ولایت مطلق ) و حمید ( شایسته حمد و ستایش ) است .

و هو الولی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 9

9 - خداوند ، « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده ) است .

فإن الله هو الغنی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 9

9 - خداوند ، یگانه « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده ) است .

فإن الله هو الغنی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - خداوند، حمید (مورد حمد و ستایش همه موجودات) است.

والله... حمید

«حمید» در آیه شریفه، به معنای محمود است و مقصود از آن در این جا، می تواند دو چیز باشد: 1\_ مورد ستایش بودن خداوند از سوی همه موجودات؛ 2\_ مستحق ستایش بودن خداوند، هر چند کسی او را ستایش نکند. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 3

3 - خداوند، «عزیز» (شکست ناپذیر) و «حمید» (ستوده) است.

ص: 32

«عزّه»، حالتی است که مانع مغلوب شدن است و «عزیز» کسی است که بر دیگران غالب می شود و خود مغلوب نمی گردد. «حمید» می تواند به معنای «محمود» (ستوده) و یا «حامد» (ستایش گر) باشد (مفردات راغب). سیاق آیه شریفه، بیانگر معنای اول است.

### 33- حی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 3

2\_ خداوند، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست.

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

کلمه «قیوم» به معنای پاینده ای است که حفظ و نگهداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لكل شيء و المعطى له ما به قوامه).

3\_ خداوند، «حیّ» و «قیوم» است.

هو الحيّ القيوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 5, 3, 1

1\_ معبودی جز خدای یگانه، زنده و پاینده نیست.

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

قیوم به کسی گفته می شود که همواره بوده و هست. (تفسیر روح المعانی، ج 3، ص 8)

3\_ خداوند حیّ (زنده) و قیوم (پاینده) است.

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

5\_ تنها خداوند، زنده ای است قائم به ذات خویش.

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

حصر در برداشت فوق، بنابراین اساس است که «الحيّ القيوم» خبر برای «اللّه» باشد.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 3 - 14

14 - نزول قرآن و تورات و انجیل ، تجلّی یکتایی ، حیات و قیومیت (قائم به ذات و قوام دهنده هستی بودن) خداوند است .

اللّٰه لا اله الا هو الحیّ القیوم. نزل علیک الکتاب

از اسناد «نزل» به «اللّٰه» با صفات یکتایی، حیات و قیومیت برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 3

3 - خداوند ، حیّ و قیوم (زنده و قوام بخش هستی) است .

ص: 33

و عنت الوجوه للحیّ القیوم

«قیوم» به کسی گفته می شود که قائم به ذات خود و حافظ همه چیز بوده و مایه قوام هر چیز را به آن عطا کرده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 4

4\_ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الحيّ الذی لا يموت

### 34- خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 24

24\_ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خـلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 1

1 - یگانه معبود هستی ، پدیدآورنده و آفریننده خلق بدون هیچ الگوی پیشین

هو الله الخـلق البارئ

در معنای خلق، «ابداء و ابداع» نهفته است و آفرینش بدون الگو و بی سابقه را می نمایاند؛ چنان که «بارئ» \_ بنابر نظریه ای \_ می تواند پیامدار همین معنا و تأکیدی بر آن باشد.

### 35- خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 16

16\_ خداوند ، «علیم» ( بسیار دانا ) و «خبیر» ( بسیار آگاه ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 20

20\_ خداوند ، خبیر است .

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

ص: 34

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 3

3\_ تنها خداوند، حکیم (کاردان) و خبیر (آگاه به دقایق امور) است.

و هو الحکیم الخبیر

معرفه بودن مبتدا (هو) و خبر (الحکیم الخبیر) بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 15

15\_ تنها خداوند حکیم خبیر است.

و هو الحکیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 7

7\_ تنها خداوند لطیف خبیر است.

و هو اللطیف الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 1 - 8,9

8\_ خداوند، حکیم (کاردانی که امور را متقن بنا می کند) و خبیر (آگاه) است.

من لدن حکیم خبیر

9\_ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند است.

کتبُ احکمتِ اى\_\_ ته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 111 - 7

7\_ خداوند ، به تمامی اعمال انسان ها و حقیقت آن اعمال آگاه است .

إِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

«خبرت الأمر»؛ یعنی ، حقیقت آن را شناختم (لسان العرب). بنابراین «إِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ یعنی ، همانا خداوند به حقیقت و کُنْهٗ اعمال شما آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 17 - 7

7- خداوند از تمامی گناهان بندگانش باخبر و بر همه آنها آگاه و ناظر است .

و كَفَىٰ بربِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 30 - 6

ص: 35

6- خداوند از حال بندگان خویش ، کاملاً باخبر بوده و آگاهی همه جانبه دارد .

إِنَّهٗ كَانَ بَعْبَادَهُ خَبِيرًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 8

8- خداوند ، به امور بندگانش خبیر ( آگاه ) و بصیر ( بینا ) است .

إِنَّهٗ كَانَ بَعْبَادَهُ خَبِيرًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 10

10 - خدا ، لطیف ( دقیق ) و خبیر ( آگاه ) است .

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 13

13 - بی گمان خداوند ، به همه رفتار نهان و آشکار آدمیان با خبر و آگاه است .

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 16 - 14

14 - خداوند ، « لطیف » ( بسیار دقیق و ریزنگر ) « خبیر » ( عمیقاً آگاه ) است .

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 18

18 - خداوند ، « خبیر » ( آگاه کامل ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ... خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 34 - 8

8 - خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و خبیر ( بسیار آگاه و با خبر ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 2 - 12

12 - خداوند ، « خبیر » ( آگاه و با خبر ) است .

إِنَّ اللَّهَ... خَبِيرًا

ص: 36

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 10

10 - خداوند ، همواره لطیف (مهربان) و خبیر (دارای آگاهی همه جانبه) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 7

7 - خداوند ، « حکیم » ( استوار کار ) و خبیر ( آگاه ) است .

و هو الحكيم الخبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 7

7 - خبیر ، از اوصاف خداوند

و لا ینبئک مثل خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 10

10 - خداوند به امور بندگان خویش آگاه ( خبیر ) و بینا ( بصیر ) است .

إِنَّهُ بَعْبَادُهُ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 13 - 15

15 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « خبیر » ( بسیار آگاه ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



19 - تغابن - 64 - 8 - 6

6 - خداوند ، از تمامی رفتارها و کردارهای آدمیان با خبر است .

والله بما تعملون خبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 10

10 - خداوند ، علیم (دانا) و خبیر (آگاه به دقایق امور) است .

العلیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 37

6- خداوند ، « خبیر » ( بر احوال انسان ها و از همه امور با خبر ) است .

الخبیر

### 36- خلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 86 - 3

3- خداوند ، خلاق ( آفریننده ) و علیم ( دانا ) است .

إن ربك هو الخلق العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 9

9- خداوند ، خلاق ( بسیار آفریننده ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

أولیس الذی خلق السموت والأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العليم

### 37- خیر الحاکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 109 - 10

10 - خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 80 - 12

12 - خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خیر الحکمین

## 38- خير الراحمين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 109 - 11

11 - خدا، بهترين و مهربان ترين مهربانان

و أنت خير الراحمين

ص: 38

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 118 - 8

8 - خدا، بهترین رحمت کنندگان و مهربانان است .

و أنت خير الرحمين

### 39- خير الرازقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 6

6 - خدا، بهترین روزی دهنده است .

وإنّ الله لهو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 11

11 - خدا، بهترین روزی دهندگان است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 39 - 8

8 - خداوند، « خیرالرازقین » ( بهترین روزی دهندگان ) است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 11 - 13

13 - خداوند، « خیرالرازقین » ( بهترین روزی دهنده ) است .

والله خير الرزقين

## 40- خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 10

10 - خدا، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خیر المنزلین

ص: 39

## 41- خیر الوارثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 89 - 9

9- خداوند ، بهترین وارثان است .

أنت خیر الوارثین

## 42- دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 3

3- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزّه بودن او از نسیان

و ما کان ربّک نسیّاً . ربّ السموت والأرض و ما بینهما

## 43- ذوالجلال والاکرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 3

3 - خداوند ، « ذوالجلال » ( صاحب جلال و بزرگی ) و « ذوالاکرام » ( صاحب کرم و بزرگواری ) است .

ربّک ذوالجلال و الإکرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 8

8 - خداوند ، « ذوالجلال » ( صاحب شکوه و بلند مرتبگی ) و « ذوالاکرام » ( صاحب کرم و بزرگواری ) است .

تبّرک اسم ربّک ذی الجلال و الإکرام

## 44- ذوالرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- خداوند، بسیار آمرزنده و دارای رحمت گسترده است .

وَرَبِّكَ الْغَفُورِ ذُو الرِّحْمَةِ

«غفور» صیغه مبالغه است و حرف «ال» در «الرحمه» بر کمال (استغراق صفات) دلالت دارد، بنابراین، «ذوالرحمه» یعنی

ص: 40

«مالکِ رحمتِ کامل» و این، حاکی از گستردگی رحمت الهی است.

#### 45- ذوالطول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 5,6

5 - خداوند ، صاحب فضل و عطا است .

ذی الطول

6 - خداوند ، صاحب قدرت است .

ذی الطول

یکی از موارد کاربرد واژه «طول» قدرت است و در این آیه چون خداوند، دو صفت امیدآفرین و ترغیب کننده را در آغاز بیان فرموده (غافر الذنب وقابل التوب)، ممکن است درصدد بیان دو صفت هشداردهنده باشد و آن شدیدالعقاب بودن و ذی الطول است.

#### 46- ذوالعرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 10

10- «ذی العرش» از صفات مخصوص خدای یگانه است .

قل لو كان معه الهه كما يقولون إذًا لآبتغوا إلى ذی العرش سبباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 4

4 - خداوند فرمان روای جهان هستی است .

ذو العرش

«عرش» به معنای تخت فرمان روایی است و صاحب عرش بودن خداوند (ذوالعرش)، کنایه از سیطره کامل خداوند بر جهان هستی و فرمان روایی مطلق او بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



20 - تکویر - 81 - 20 - 4

4- عرش (جهان هستی)، مملوک و در اختیار خداوند است .

ذی العرش

«عرش»؛ یعنی، تخت فرمانروایی (مقایس اللغه). مالکیت عرش، کنایه از سلطه بر اداره و تدبیر نظام عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 6

ص: 41

6- « ذوالعرش » و « مجید » ، از نام های خداوند است .

ذوالعرش المجید

### 47- ذوالفضل العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 105 - 9

9- خداوند ، دارای فضل و بخششی بزرگ است .

والله ذوالفضل العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 18

18 - خداوند ، صاحب فضل و فزون بخشی است .

والله ذوالفضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 29 - 6

6 - خداوند ، صاحب فضل ( فزون بخشی ) بزرگی است .

والله ذوالفضل العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 4 - 7

7 - خداوند ، صاحب فضل عظیم و فزون بخشی بزرگی است .

والله ذوالفضل العظیم

### 48- ذوالقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند ، نیرومند ( ذوالقوّه ) و استوار ( متین ) است .

ذوالقوّه المتین

ص: 42

## 49- ذوالمعارج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 3 - 2

2 - خداوند ، صاحب درجات و مرتبه ها است .

ذی المعارج

«معارج» به معنای «مصاعد» (جاه های بلند، صعودگاه ها) است. مقصود از آن، مقامات و درجات معنوی و ملکوتی است که تنها نزد خداوند متعال هست.

## 50- ذوانتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 47 - 8

8- خداوند ، عزیز (قدرتمند شکست ناپذیر) و انتقام گیرنده است .

إن الله عزیز ذو انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 37 - 6

6 - خداوند ، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و صاحب انتقام (سزادهنده) است .

أليس الله بعزیز ذی انتقام

«النقمه» \_ به فتح و کسر نون \_ اسم مصدر «انتقام» و به معنای مکافات به عقوبت و سزا دادن است.

## 51- رب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 4

4- صفت « رب » از اوصاف مهم خداوند

از اینکه صفت «رب» مورد قسم قرار گرفت، می تواند برداشت فوق را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 15 - 9

9 - خداوند، «رب» (پروردگار) و «غفور» (بسیار آمرزشگر) است.

وربّ غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 43

4- رحیم (مهربان) ، از اوصاف پروردگار است .

ربّ رحیم

## 52- رب العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 8

8- بی قید و شرط بودن مشیت خداوند ، لازمه ربوبیت او بر تمام هستی است .

إلا أن يشاء الله ربّ العـلمین

وجود قید «إلا أن يشاء الله» در مورد مشیت انسان ها و ذکر نشدن هیچ قیدی در مورد مشیت الهی، گویای آن است که مشیت خداوند قیدی ندارد. توصیف خداوند به «ربّ العالمین»، در حقیقت بیان علت مطلق بودن مشیت او است.

## 53- رحمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 10، 4

4- خداوند ، رحمان ( دارای رحمتی گسترده ) و رحیم ( مهربان ) است .

بسم الله الرحمن الرحيم

10 - عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق ( ع ) از معنای « بسم الله الرحمن الرحيم » سؤال کردم ، آن حضرت فرمود : « الباء بهاء الله و السین سناء الله و المیم مجد الله \_ و روی بعضهم ملک الله \_ والله إله کل شیء » [ و الرحمن لجميع العالم و الرحيم بالمؤمنين خاصه ]

«بای» بسم الله، نشانگر خوبی و حسن خداوند و «سین» اشاره به رفعت او و «میم» اشاره به مجد و عظمت اوست. و بعضی روایت کرده اند که: [میم] اشاره به ملک و سلطنت خداوند است و «الله» معبود همه چیز است [و] «رحمان» نظر به رحمت او در باره همه عالم و «رحیم» نظر به رحمت او فقط درباره مؤمنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 1

1 - خداوند رحمان ( دارای رحمت گسترده ) و رحیم ( مهربان ) است .

الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 163 - 3

3 - خداوند ، رحمان ( دارای رحمتی گسترده ) و رحیم ( مهربان ) است .

هو الرحمن الرحيم

ص: 44

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 6،10

6\_ امتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی آنان مبعوث شد ، به خداوند رحمان کفر ورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

10\_ تنها خداوند رحمان ، مدبر و مربی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل هو ربی لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 7

7- « الله » و « الرحمن » از اسمای حسناى خداوند و از بهترین نام ها و برترین اوصاف او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أیّما تدعوا فله الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 6

6- رحمان ، از اسما و اوصاف خداوند است .

أعوذ بالرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 15

15 - « رحمان » از اسما و صفات خداوند است .

للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 13

13 - « رحمان » از اوصاف خداوند است .



كان للرحمن عصياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 15

15 - «رحمان» از اوصاف خداوند است .

عذاب من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 7

7- رحمان ، از اوصاف خداوند است .

وعد الرحمن

ص: 45

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 3

3- رحمان (گسترده مهر) از اسما و صفات خداوند

أَيُّهُمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 5

5- «رحمان»، از اوصاف خداوند است.

فليمدد له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 78 - 5

5- رحمان (گسترده مهر)، از اسما و صفات خداوند است.

عند الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 8

8- «عن أبي عبد الله (ع) قال: سألت عليَّ (ع) رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن تفسير قوله «يوم نحشر المتقين إلى الرحمن وفداً» فقال: يا عليُّ إن الوفد لا يكون إلا ركباناً...»

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: حضرت علی(ع) از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) درباره تفسیر سخن خداوند «یوم نحشر المتقين إلى الرحمن وفداً» سؤال کرد، آن حضرت فرمود: ای علی! همانا «وفد»، نیست مگر مرکب سواران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 87 - 7

7- رحمان، از نام های خداوند و اوصاف او است.

من اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 88 - 3

3- رحمان ، از اسما و صفات خداوند است .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 91 - 3

3- « رحمان » از اسامی و اوصاف خداوند ، و شناخته شده برای مردم عصر بعثت

أَنْ دَعُوا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

ص: 46

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 92 - 5

5- رحمان ، از نام ها و اوصاف خداوند است .

و ما ینبغی للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 6

6 - « رحمان » ، از نام ها و اوصاف خداوند است .

إلّا آتی الرحمن عبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 5 - 3

3 - خداوند ، دارای رحمت گسترده و فراگیر است .

الرحمن

«رحمان» بر مبالغه در رحمت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 10

10 - رحمان ، از اوصاف و اسمای مهم و برجسته خداوند

و هم بذکر الرحمن هم ک\_فرون

از این که خداوند در معرفی کافران مستحق عذاب، اینان را منکران رحمانیت خویش دانسته است، برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 26 - 4

4\_ رحمان ، از اوصاف خداوند

الملك يومئذ الحق للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 5

5\_ رحمان ، از اوصاف و نام های خداوند

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 7

7\_ رحمان ، از اوصاف خداوند

ص: 47

و عباد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 5 - 2

2 - خداوند ، رحمان (گسترده مهر) است .

من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 7

7 - خداوند ، رحمان (گسترده مهر) و رحیم (مهربان) است .

بسم الله الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 11 - 9

9 - «رحمان» از اوصاف خداوند است .

و خشى الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 15 - 8

8 - رحمان ، از اوصاف خداوند است .

الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 23 - 10

10 - رحمان ، از اوصاف خداوند

الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 52 - 7

7 - رحمان ، از اوصاف و نام های خداوند

الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 2 - 3

3 - خداوند ، رحمان ( دارای رحمتی فراگیر ) و رحیم ( دارای مهری پایان ناپذیر ) است .

تنزیل من الرحمن الرحیم

«رحمان» صیغه مبالغه و بیانگر گستردگی و فراگیری رحمت خداوند است. «رحیم» که بر وزن فعیل است (این وزن غالباً حاکی

ص: 48

از عدم انفکاک صفت از ذات می باشد) بیانگر پایان ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 1 - 1

1 - خداوند ، رحمان ( دارای رحمت گسترده و فراگیر ) است .

الرحمن

صفت های «رحمان» و «رحیم» هر دو بیانگر رحمت الهی است. مفسران در پاسخ این سؤال که چرا در قرآن هر دو صفت در کنار هم آمده، نظریاتی ابراز داشته اند. از جمله آنها این است که خداوند دارای دو گونه رحمت است: رحمت عام و گسترده و رحمت خاص. «رحمان» بیانگر رحمت عام و «رحیم» بیانگر رحمت خاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 7

7 - «الرحمان» ، اسم برکت آفرین پروردگار

تبرک اسم ربّک

در صورتی که عبارت «اسم ربّک» در پایان سوره \_ نظر به «الرحمان» \_ در ابتدای سوره \_ داشته باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 5

5 - خداوند ، «رحمان» ( دارای رحمت گسترده ) و «رحیم» ( مهربان ) است .

هو الله .. هو الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 12

12 - رحمان ، از اوصاف خداوند

الرحمن



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 19 - 4

4 - رحمان ، از اوصاف خداوند

الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 20 - 4

4 - رحمان ، از اوصاف خداوند

الرحمن

ص: 49

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 29 - 3

3- «رحمان»، از اوصاف خداوند

هو الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 7

7- «رحمان»، از اسامی و اوصاف خداوند است .

الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 38 - 8

8- «رحمان»، از اسامی و اوصاف خداوند

الرحمن

## 54- رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 10,4

4- خداوند، رحمان (دارای رحمتی گسترده) و رحيم (مهربان) است .

بسم الله الرحمن الرحيم

10 - عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق (ع) از معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: «الباء بهاء الله و السین سناء الله و الميم مجد الله \_ و روی بعضهم ملک الله \_ والله إله كل شیء [و] الرحمن لجميع العالم و الرحيم بالمؤمنين خاصه ;

«بای» بسم الله، نشانگر خوبی و حسن خداوند و «سین» اشاره به رفعت او و «میم» اشاره به مجد و عظمت اوست. و بعضی روایت کرده اند که: [میم] اشاره به ملک و سلطنت خداوند است و «الله» معبود همه چیز است [و] «رحمان» نظر به رحمت او در باره همه عالم و

«رحیم» نظر به رحمت او فقط درباره مؤمنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 1

1 - خداوند رحمان (دارای رحمت گسترده) و رحیم (مهربان) است .

الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 37 - 5

5 - خداوند ، توابع (بسیار توبه پذیر) و رحیم (مهربان) است .

ص: 50

إنه هو التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 54 - 22

22 - تنها خداوند ، تواب ( بسيار توبه پذير ) و رحيم ( مهربان ) است .

إنه هو التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 128 - 12

12 - خداوند ، تواب ( بسيار توبه پذير ) و رحيم ( بسيار مهربان ) است .

إنك أنت التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 143 - 27

27 - خداوند با مردمان رثوف و مهربان است .

إن الله بالناس لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 160 - 9

9 - خداوند ، تواب ( بسيار توبه پذير ) و رحيم ( مهربان ) است .

و أنا التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 163 - 3

3 - خداوند ، رحمان ( داراي رحمتی گسترده ) و رحيم ( مهربان ) است .

هو الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 182 - 7

7 - خداوند ، غفور ( آمرزنده گناهان ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

ص: 51

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 192 - 3

3 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فإن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 9

9 - خداوند ، غفور و رحیم است .

ان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 7

7 - خداوند ، غفور و رحیم است .

والله غفور رحيم

بنابراینکه «رحیم»، خبر پس از خیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 226 - 11، 12

11 - خداوند ، غفور و رحیم است .

فان الله غفور رحيم

12 - خداوند ، غفوری رحیم است .

فان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 31 - 15

15\_ خداوند ، غفور ( بسیار بخشاینده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 89 - 7

7\_ خداوند ، « غفور » ( بسیار بخشنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

فان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 16 - 10

10\_ خداوند ، تَوَّاب ( بسیار توبه پذیر ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

ان الله كان تواباً رحيماً

ص: 52

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 17

17 \_ خداوند همواره غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (بسیار مهربان) است .

انّ الله كان غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 34

34 \_ خداوند ، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 17

17 \_ خداوند ، تَوَّاب (توبه پذیر) و رحیم (مهربان) است .

لوجدوا الله تواباً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 96 - 6

6 \_ خداوند ، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است .

و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 15

15 \_ خداوند « غفور » (بسیار آمرزنده) و « رحیم » (مهربان) است .

و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



5\_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13\_ خداوند ، غفور و رحیم است .

يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

47 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 \_ خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 \_ خدا ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5\_ خداوند غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (همواره مهربان) است .

وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 27

27\_ خداوند غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است.

فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 20

20\_ خداوند، غفور و رحیم است.

ص: 54

فإن ربك غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 165 - 11

11 \_ خداوند غفور (آمرزنده گناهان) و رحيم (مهربان به بندگان) است.

لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 5 - 18

18 \_ خدا، غفور (بسیار آمرزنده) و رحيم (مهربان) است.

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 27 - 7

7 \_ خدا، غفور (بسیار خطاپوش) و رحيم (بی نهایت مهربان) است.

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 91 - 19

19 \_ خدا، غفور (آمرزنده) و رحيم (مهربان) است.

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 99 - 19

19 \_ خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) و رحيم (دارای رحمت گسترده) است.

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 102 - 10

10 \_ خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 104 - 11

11 \_ تنها خداوند ، تواب ( بسیار توبه پذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

وأن الله هو التواب الرحيم

ص: 55

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 12، 13

12\_ رأفت و رحمت گسترده الهی ، عامل پذیرش توبه مؤمنان

ثم تاب عليهم إنه بهم رءوف رحيم

13\_ پایداری در طریق ایمان ، زمینه جلب رأفت و رحمت الهی

اتبعوه في ساعه العسره .. إنه بهم رءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 20

20\_ خداوند ، توأب ( بسیار توبه پذیر ) و رحيم ( مهربان ) است .

إن الله هو التواب الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 107 - 12

12\_ خدا ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

و هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 41 - 3

3\_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إن ربي لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 7

7\_ خداوند ، رحيم ( مهربان ) و ودود ( دوستدار بندگان ) است .

إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 53 - 11

11\_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن ربی غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 12

12\_ تنها خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إنه هو الغفور الرحیم

ص: 56

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 17

17- خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فإنك غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 49 - 3

3- خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

أنا الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 5

5- خداوند ، رؤوف و رحیم ( مهربان ) است .

إن ربكم لرؤوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 18 - 4

4- خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) رحیم ( مهربان ) است .

إن الله لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 5

5- خداوند ، رؤوف ( دارای مهر ) و رحیم ( مهربان ) است .

فإن ربكم لرؤوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9- خداوند ، به انسان ها مهرورز و رحیم است .

إنه كان بكم رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 15

15 - خدا ، « رءوف » و « رحيم » است .

إنّ الله بالناس لرءوف رحيم

مفسران «رأفت» را در جمله یاد شده کنایه از دفع ضرر و «رحمت» را کنایه از رساندن سود و منفعت گرفته اند. صدر آیه \_ که شامل هر دو خصوصیت است \_ می تواند مؤید این معنا باشد.

ص: 57

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 5 - 5

5 - خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 20 - 3

3 - خداوند ، رؤوف و رحیم ( مهربان ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 19

19 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 35

35 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ.. غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 20

20 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 6 - 8

8\_ خداوند ، به یقین غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 70 - 9

9\_ خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 7

ص: 58

7 - خدا، عزیز و رحیم است .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

کلمه «الرحیم» می تواند خبر بعد از خبر باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است که کلمه «الرحیم» خبر دوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

واژه «الرحیم» می تواند خبر دوم باشد. برداشت یاد شده بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

کلمه «الرحیم» می تواند خبر بعد از خبر باشد و نه صفت برای «العزیز». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

«الرحیم» می تواند خبر دوم باشد، نه صفت برای «العزیز». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

ص: 59

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإن ربك لهو العزيز الرحيم

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که «الرحیم» خبر دوم باشد؛ نه صفت «العزیز».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 217 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

على العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 11 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فإني غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 7

7 - خداوند ، رحمان ( گسترده مهر ) و رحیم ( مهربان ) است .

بسم الله الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 6

6 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إنه هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 5 - 4

4 - تنها، خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و رحیم (مهرورز) است.

و هو العزيز الرحيم

آوردن حرف «ال» تعریف در خبر، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 6 - 6

6 - خداوند، عزیز (شکست ناپذیر) و رحیم (دارای رحمت گسترده) است.

ذلك .. العزيز الرحيم

ص: 60

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 5 - 16

16 - خداوند ، همواره « غفور » ( آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

و كان الله غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 24 - 10

10 - خداوند ، همواره بسیار آمرزنده ( غفور ) و مهربان ( رحیم ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 43 - 8

8 - خداوند ، « رحیم » ( مهربان ) است .

و كان بالمؤمنين رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 32

32 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار با مهر ) است .

و كان الله غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 18

18 - خداوند ، همواره « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

و كان الله غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



12 - خداوند، «غفور» (بسیار آمرزشگر) و «رحیم» (بسیار مهربان) است.

وكان الله غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 2 - 7

7 - خداوند، «رحیم» (مهربان) و «غفور» (آمرزنده) است.

وهو الرحيم الغفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 61

15 - یس - 36 - 5 - 2

2 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 4

4 - رحیم ( مهربان ) ، از اوصاف پروردگار است .

ربّ رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 14

14 - تنها خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إنّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

آمدن ضمیر فصل «هو» بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 2 - 3

3 - خداوند ، رحمان ( دارای رحمتی فراگیر ) و رحیم ( دارای مهری پایان ناپذیر ) است .

تنزیل من الرحمن الرحیم

«رحمان» صیغه مبالغه و بیانگر گستردگی و فراگیری رحمت خداوند است. «رحیم» که بر وزن فعیل است (این وزن غالباً حاکی از عدم انفکاک صفت از ذات می باشد) بیانگر پایان ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 3

3 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

نزلاً من غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 5 - 11

11 - خداوند ، غفور ( آمرزنده گناهان ) و رحيم ( دارای مهري پایان ناپذير ) است .

ألا إنَّ الله هو الغفور الرحيم

«غفور» صيغه مبالغه و بيانگر گستردگی غفران است و «رحيم» (بر وزن فعيل) حاکی از عدم انفکاک رحمت و پایان ناپذیری آن می باشد. گفتنی است که صفت های بر وزن فعيل، غالباً دلالت بر عدم انفکاک وصف از ذات می نماید (مانند علیم، قدیر، سخی و...).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - دخان - 44 - 42 - 7

ص: 62

7- خداوند، « عزیز » ( قدرت مند شکست ناپذیر ) و « رحیم » ، ( دارای مهری پایان ناپذیر ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 14

14- خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

و هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(بسیار آمرزنده) و «رحیم» (مهربان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 6

6 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

و كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 7

7 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 22

22 - خداوند ، « تَوَّابٌ » ( بسیار توبه پذیر ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 14 - 17

17 - خداوند، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 4

4 - خداوند، یگانه مبدأ نیکی ( بَرّ ) و رحمت گسترده ( رحیم )، در نظام وجود

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

ضمیمه فصل « هو » بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 9 - 15

ص: 63

15 - خداوند نسبت به مردم، « رؤوف » و « رحيم » ( مهربان ) است .

وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حديد - 57 - 28 - 13

13 - خداوند، « غفور » ( خطاپوش ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - مجادله - 58 - 12 - 14

14 - خداوند، « غفور » ( آمرزنده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 10 - 20

20 - خداوند « رؤوف » و « رحيم » است .

إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 22 - 5

5 - خداوند، « رحمان » ( دارای رحمت گسترده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

هُوَ اللَّهُ... هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 7

7 - خداوند، « قدير » ( توانای مطلق ) و « غفور » ( بسيار آمرزنده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

و الله قدير و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 23

23 - خداوند ، « غفور » ( بسيار آمرزنده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - تغابن - 64 - 14 - 12

12 - خداوند ، غفور ( آمرزگار ) و رحيم است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ص: 64

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزگار ) و رحیم است .

و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 42

42 - خداوند ، « غفور » ( آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

### 55- رفیع الدرجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 1

1 - خداوند ، بلند مرتبه و دارای منزلت رفیع

رفیع الدرجات

درباره «رفیع الدرجات» دو دیدگاه وجود دارد: 1\_ واژه «رفیع» صفت مشبیه می باشد که به فاعل خود (الدرجات) اضافه گردیده است. بودن این آیه در مقام برشمردن اوصاف خداوند، تأیید کننده این احتمال است. 2\_ صیغه مبالغه از اسم فاعل (رافع); یعنی، بالابرنده می باشد که به مفعول خود اضافه شده است. مانند مفاد آیه «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین أوتوا العلم درجات»، (مجادله (58) آیه 11) و آیه «و هو الذی جعلکم خلائف الأرض و رفع بعضکم فوق بعض درجات»، (انعام (6) آیه 165).

### 56- رؤوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 27

27 - خداوند با مردمان رؤوف و مهربان است .

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لِرءُوفٌ رَحِيمٌ



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 30 - 18

18 \_ خداوند ، رءوف است .

والله رءوف بالعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 65

7 - توبه - 9 - 117 - 12، 13

12 \_ رأفت و رحمت گسترده الهی ، عامل پذیرش توبه مؤمنان

ثم تاب عليهم إنه بهم رءوف رحيم

13 \_ پایداری در طریق ایمان ، زمینه جلب رأفت و رحمت الهی

اتبعوه في ساعه العسره .. إنه بهم رءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 5

5- خداوند ، رءوف و رحيم ( مهربان ) است .

إن ربكم لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 5

5- خداوند ، رءوف ( دارای مهر ) و رحيم ( مهربان ) است .

فإن ربكم لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 15

15 - خدا ، « رءوف » و « رحيم » است .

إن الله بالناس لرءوف رحيم

مفسران «رأفت» را در جمله یاد شده کنایه از دفع ضرر و «رحمت» را کنایه از رساندن سود و منفعت گرفته اند. صدر آیه \_ که شامل هر دو خصوصیت است \_ می تواند مؤید این معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 20 - 3

3 - خداوند ، رؤوف و رحيم ( مهربان ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حديد - 57 - 9 - 15

15 - خداوند نسبت به مردم ، « رؤوف » و « رحيم » ( مهربان ) است .

وَأِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 10 - 20

20 - خداوند « رؤوف » و « رحيم » است .

إِنَّكَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

ص: 66

## 57- زمينه تنزيه اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - اعلى - 87 - 2 - 5

5 - باور به خالقيت خداوند و كمال بخشى او ، زمينه ساز تسييح نام او و پرهيز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سبّح اسم .. الذى خلق فسوّى

## 58- سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 202 - 6,7

6\_ خداوند ، سريع الحساب است .

والله سريع الحساب

7\_ محاسبه اعمال تمامى بندگان توسط خداوند ، يكباره انجام مى گيرد .

والله سريع الحساب

اميرالمؤمنين (ع): .. معناه انه يحاسب الخلق دفعه كما يرزقهم دفعه

---

مجمع البيان، ج 2، ص 531؛ نورالثقلين، ج 1، ص 200، ح 731.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 19 - 16

16\_ خداوند ، سريع الحساب است .

فانّ الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 4 - 28,30

28\_ خداوند ، سریع الحساب است .

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

30\_ توجه به حسابرسی سریع خداوند ، زمینه حصول تقوا در انسان

وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 41 - 11

ص: 67

11\_ خداوند سریع الحساب است .

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 51 - 11

11- خداوند ، سریع الحساب (زود شمار) است .

إن الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 39 - 16

16 - خداوند ، « سریع الحساب » است .

و الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 17 - 6

6 - خداوند ، سریع الحساب (زودشمار) است .

إنَّ الله سریع الحساب

**59- سلام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 6,7

6 - حریم پاک خداوندگار جهان ، ایمن از هرگونه تأثر و زیان پذیری

هو الله .. السلّم

وصف «السلام»، می تواند نظر به امنیت ذات قدوس و پاک الهی، از هرگونه حادثه و آفت خارجی داشته باشد.

7 - خداوندگار جهان و فرمانروای مطلق هستی ، منزّه از هرگونه ستم و زیان رسانی به خلق

هو الله... الملك... السلم

وصف «السلام»، بيانگر ارتباط خدا با خلق است.

## 60- سمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 10

10 - خداوند، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است.

إنك أنت السميع العليم

ص: 68

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 137 - 8

8 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 181 - 6

6 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

إن الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 7,8

7 \_ خداوند ، شنوا و داناست .

و الله سمیع علیم

8 \_ خداوند ، شنوایی داناست .

و الله سمیع علیم

بنابراینکه «علیم»، صفت «سمیع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 5,6

5 \_ خداوند ، شنوا و داناست .

فان الله سمیع علیم

6 \_ خداوند ، شنوایی داناست .

فان الله سمیع علیم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 5

5\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

انّ الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 16

16\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 69

2- آل عمران - 3 - 34 - 4

4\_ خدا، «سمیع» (بسیار شنوا) و «علیم» (بسیار دانا) است.

و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 35 - 16

16\_ تنها خداوند، «سمیع» (بسیار شنوا) و «علیم» (بسیار دانا) است.

انک انت السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 38 - 12

12\_ خداوند، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن

انک سمیع الدعاء

«سمیع الدعاء»، تنها به معنای شنیدن دعا نیست؛ بلکه کنایه از استجابات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 121 - 9

9\_ خداوند، «سمیع» (شنوا) و «علیم» (دانا) است.

و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 181 - 7

7\_ خداوند، شنوای گفتارها

لقد سمع الله قول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 \_ خداوند ، همواره سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

انّ الله كان سمیعاً بصیراً

18 \_ توجه به سمیع و بصیر بودن خداوند ، زمینه عمل به احکام و فرامین او

انّ الله یامرکم . . انّ الله کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 \_ خداوند ، سمیع ( بسیار شنوا ) و بصیر ( بسیار بینا ) است .

و کان الله سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 9

9\_ خداوند ، سمیع ( بسیار شنوا ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

و كان الله سمیعاً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 10

10\_ تنها خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

والله هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 3

3\_ تنها خداوند بسیار شنوا و داناست .

و هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 13

13\_ تنها خداوند سمیع ( بسیار شنوا ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

و هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 13

13\_ خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 103 - 22

22\_ خداوند ، سمیع ( شنوای مطلق ) و علیم ( دارای علم گسترده ) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 8

8\_ خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 11، 12

ص: 71

11\_ تنها خداوند ، سمیع (شنوای مطلق) و علیم (دانای مطلق) است .

إنه هو السميع العليم

«هو» ضمیر فصل و حاکی از حصر است. «ال» در «السمیع» و «العلیم» برای استغراق صفات است و لذا آن دو صفت در برداشت ، به شنوا و دانای مطلق تفسیر شد.

12\_ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن است .

فاستجاب له ربه .. إنه هو السميع

«سمیع» علاوه بر اینکه دلالت بر شنوایی خداوند دارد ، به قرینه «فاستجاب له ربه» حاکی از اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 20

20- خداوند ، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « بصیر » ( بسیار بینا ) است .

إنه هو السميع البصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 4 - 7

7- خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 6

6- خدا ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 8

8 - خدا، سمیع (شنوا) و بصیر (بینا) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 19

19 - خدا، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 11

11 - خداوند، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ص: 72

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 220 - 1

1 - خدا، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 9

9 - خداوند، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و هو السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 60 - 8

8 - خداوند، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و هو السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 6

6 - خداوند، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « بصیر » ( بسیار بینا ) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 12

12 - خداوند، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « قریب » ( بسیار نزدیک ) است .

إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



16 - غافر - 40 - 20 - 5

5- تنها خداوند ، سمیع و بصیر حقیقی است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آمدن ضمیر فصل «هو» بر حصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 56 - 12

12 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

ص: 73

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 36 - 8

8 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 16

16 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و بصیر ( بینا ) است .

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 6 - 7

7- پروردگار جهان ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 1 - 9

9\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 1 - 7

7 - خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « بصیر » ( بینا ) است .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 4

4 - خداوند شاکر ( سپاسگزار ) و علیم ( دانا ) است .

فإن الله شاکر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 8

8 - خداوند ، شاکر ( سپاسگزار ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

وكان الله شاکراً علیماً

ص: 74

## 62- شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 20

20\_ خداوند ، شدید العقاب است .

انّ الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 9

9\_ خداوند ، شدید العقاب است .

فان الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 46

46\_ خداوند ، شدید العقاب است .

إنّ الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 7

7\_ عقوبت های خداوند ، شدید و سهمگین است .

أن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 13

13\_ عذاب های الهی شدید و سهمگین است .

وإن ربك لشديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 4

4 - خداوند ، سخت عقوبت دهنده است .

شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 22 - 7

7 - خداوند ، شدید العقاب ( سخت کیفر ) است .

ص: 75

إِنَّه... شديدا العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 7 - 16

16 - كيفر و مجازات الهى ، سخت و سهمگين است .

إِنَّ الله شديدا العقاب

### 63- شديدا المحال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - رعد - 13 - 13 - 16،19

16\_ عقوبت ها و عذاب هاى الهى بسى سخت و كو بنده است .

و هو شديدا المحال

محال (از ماده محل) در لغت به چند معنا آمده است: 1\_ عذاب و عقوبت ، 2\_ كيد كردن و امرى را با برنامه هاى پنهانى دنبال كردن ، 3\_ قدرت و توانايى .

19\_ خداوند ، بسيار مقتدر و تواناست .

و هو شديدا المحال

### 64- شكور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 30 - 7

7 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و شكور ( سپاسگزار ) است .

إِنَّه غفور شكور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 34 - 8

8 - خداوند ، پروردگار غفور ( آمرزنده ) و شكور ( سپاس گزار و حق شناس ) است .

إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 19

19 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و شكور ( سپاسگزار ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

ص: 76

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 17 - 8

8 - خداوند ، شکور (سپاسدار و قدرشناس) و حلیم (بردبار) است .

والله شكور حلیم

### 65- شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 98 - 6

6\_ خداوند ، گواه اعمال انسانها

والله شهید علی ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 17 - 6

6 - خداوند ، شاهد و گواه بر تمامی هستی است .

إنّ الله علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 17

17 - خداوند ، همواره « شهید » (گواه) است .

إنّ الله کان .. شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 47 - 7

7 - خداوند ، بر همه چیز گواه است .

وهو علی کلّ شیء شهید



## 66- صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 2,3

2 - خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنک

3 - خداوند ، منزّه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء... قالوا سبحنک

ص: 77

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه «سبحانک» و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنشان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن «سبحانک» ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 1,4,7,9,13

1 - خداوند ، منزّه از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

4 - گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

«سبحان» به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ یعنی: «سبحت الله تسبیحاً». کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

7 - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموات و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم «له» بر «ما فی السموات . . .» به دست می آید - استفاده می شود.

9 - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزّه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموات و الأرض

جمله «له ما فی السموات . . .» برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

13 - عبادت و اطاعت هستی برای خدا ، دلیل منزّه بودن او از داشتن فرزند است .

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5

5 - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزّه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بديع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بديع السماوات ..» همانند جمله «له ما فى السماوات...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 139 - 7

7 - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 13

13 - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

ص: 78

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 21

21 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 6

6 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 11

11 - خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

«حمید» در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 19

19 - قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بِيدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 108 - 7

7 - خداوند ، مُنَزَّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما الله يريد ظلماً للعالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 4.10

4\_ مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين. والله ما في السموات و ما في الارض

10\_ بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين . . . و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 14

14\_ ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

ص: 79

و من يتقلب على عقبه فلن يضرب الله شيئا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 15، 9، 1

1\_ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از «الَّذِينَ قَالُوا»، یهودیان هستند.

9\_ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ الذين .. انّ الله فقير و نحن اغنياء سنكتب ما قالوا

15\_ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 182 - 6

6\_ نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

وانّ الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 17، 24، 25، 27

17\_ پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لآيات لاولى الالباب. الذين ... ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك

24\_ خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك

25\_ خردمندان ، خداوند را از هر کاستی مبرّا و منزّه می دانند .

27\_ منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 36,39

36\_ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یكون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله «له ما فی السموت . . .» دلیل و برهانی است برای جمله «سبحنه ان یكون له ولد» یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

39\_ کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزّه بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما الله اله وحد سبحنه ان یكون له ولد . . . کفی بالله وکیلا

جمله «کفی . . .» دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 116 - 7

7\_ خداوند منزه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 6

6\_ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير

از صفات «قاهر»، «حکیم» و «خبیر»، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 6, 9, 10

6\_ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغير علم

9\_ خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزه است.

و خرقوا له بنین و بنت . . . سبحانه و تعالی عما یصفون

10\_ خداوند منزه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغير علم سبحانه و تعالی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 3, 4, 6, 11

3\_ خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه



4\_ وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أني يكون له ولد و لم تكن له صحبه

6\_ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلى عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

11\_ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أني يكون له ولد . . . و خلق كل شیء و هو بكل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 5

5\_ خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدركه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه میرا بودن او از خصوصیات جسم است.

ص: 81

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 131 - 1

1\_ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 51 - 5,2

2\_ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعبيد

5\_ خداوند منزّه از اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن الله لیس بظلم للعبيد

با توجه به اینکه «أن الله . . .» در مقام استدلال بر این حقیقت است که گرفتاری کافران به عذاب حریق ستمی به آنها نیست، باید مراد از ظلام نبودن خدا، نقی کمترین ظلم از ساحت قدس وی باشد، و گر نه استدلال تمامی نیست. و بسیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 60 - 17

17\_ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 4

4\_ خدا ، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 16، 17، 15

15 \_ خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

16 \_ خداوند، منزّه و فراتر از داشتن شریک است .

سبحنه و تعالی عما یشرکون

17 \_ از علی (ع) روایت شده که فرمود: « اما ما لا یعلمه الله ، فلا یعلم الله أن له شریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولداً و شرحه فی القرآن : « قل اتبئون الله بما لا یعلم » . . . ;

... اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (اورا) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟! ...

ص: 82

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 44 - 6، 1

1\_ خداوند ، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد .

إن الله لا يظلم الناس شيئاً

6\_ از امام هادی (ع) روایت شده است : « . . . من زعم ان الله عزوجل أجبر العباد على المعاصي و عاقبهم على ها . . . فقد ظلم الله في حكمه و كذبه و رد عليه قوله : . . . « إن الله لا يظلم الناس شيئاً » . . . » ;

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: «خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند» رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ...» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 13

13\_ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

ولو أن لكل نفس ظلمت . . . قضی بینهم بالتسوط و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 3

3\_ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزّه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 2

2\_ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 2، 1

1\_ خداوند، بر بندگان ستم نمی کند .

و ما ظلمن\_هم

2\_ خداوند، مردمان را به طرف گناهان (شُرکوری، انکار پیامبران و...) سوق نمی دهد .

و ما ظلمن\_هم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شُرک و...) و انمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 117 - 5، 1

1\_ خداوند، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

ص: 83

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم

حرف «باء» در «بظلم» برای ملابست است. براین اساس جمله «ما كان...» چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

5\_ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از «رب» \_ که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 10

10\_ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربك بغ\_فل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 108 - 12

12\_ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبح\_ن الله و ما أنا من المشركين

«سبحان» به معنای تسبیح (منزه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبح) می باشد ؛ یعنی: اسبیح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله «سبحان الله» عطف بر «ه\_ذہ سبیلی» است ؛ یعنی: «قل سبحان الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 6

6\_ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و المل\_ئکه من خیفته

«تسبیح» (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 57 - 3,4,5

3- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و يجعلون لله البنات سبحانه

4- فرزند ( دختر ) داشتن برای خداوند نقص است .

و يجعلون لله البنات سبحانه

ذکر تنزیه «سبحانه» برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

5- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و يجعلون لله البنات سبحانه

ص: 84

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 118 - 7

7- خداوند در تکالیف دینی، از بی عدالتی و ظلم به بندگان مبراست.

و علی الذین هادوا حرمنا .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 4

4- خداوند، برخلاف پندار واهی مشرکان، هیچ گاه برای آنان، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است.

أفأصِفُكم ربکم بالبئین و اتّخذ من الملئکة إنثاً

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توییح و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 43 - 1,3

1- خداوند، بسیار برتر و منزّه تر از شریک داشتن است.

سبحنه و تعالی عما یقولون علواً کبیراً

3- خداوند، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود.

أفأصِفُكم ربکم بالبئین و اتّخذ من الملئکة إنثاً .. سبحنه و تعالی عما یقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 12

12- خداوند، منزّه از تحیز، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است.

أو تأتي بالله .. قل سبحان ربی

چون درخواست مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (أو تأتي بالله) مستلزم جسمانیت، جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله «سبحان ربی» می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 1

1- پروردگار، منزّه از هر کاستی و نقص در بيش آگاهان به معارف آسمانی

إن الذين أوتوا العلم من قبله... يقولون سبحان ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 5,8

5- خداوند، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر، میرا و بی نیاز است.

لم يتخذ ولداً ولم يكن له شريك... ولم يكن له ولي

8- خداوند، تنها فرمانروای هستی و میرا از داشتن هرگونه شریک در جهاننداری

و لم يكن له شريك في الملك

ص: 85

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 16, 17, 18

16- خداوند، در قیامت، به هیچ کس، ظلمی روا نخواهد داشت.

و لا یظلم ربك أحدًا

17- حضور نفس اعمال انسان در قیامت، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است.

و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لا یظلم ربك أحدًا

بیان حضور اعمال و تجسم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن احکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

18- مبرّا بودن خداوند از هرگونه ظلم و بی عدالتی، مقتضای ربوبیت او است.

و لا یظلم ربك أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 16

16- خداوند، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 3, 5, 6

3- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است.

ذلک عیسی ابن مریم .. ما کان لله أن یتخذ من ولد

«ولد» نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. «من» زانده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

5- خداوند، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است.

ما کان لله أن یتخذ من ولد سبحنه

6- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سیح-نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 6

6- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما کان لله أن یتخذ من ولد . . . إنا نحن نرث الأرض و من علیها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزند عیسی (ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 60 - 11

ص: 86

11- خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لا یظلمون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 10، 8

8- خداوند ، از هرگونه فراموشی منزه است .

و ما کان ربک نسیتاً

«نسیئاً» صیغه مبالغه است و مبالغه در کلام منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله «و ما کان...» مراد این است که: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

10- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزل إلاّ بأمر ربک . . و ما کان ربک نسیتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 91 - 2، 4

2- مبرابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تکاد السموت یتفطرن . . أن دعوا للرحمن ولداً

4- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولداً

گزینش وصف «الرحمان» (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت «أن دعوا..» دلیل در آن کنجانده است؛ زیرا همه موجودات \_ از جمله فرزندهای پنداری \_ مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 92 - 1، 4

1- فرزندگزینی خداوند ، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ینبغی للرحمن . . . ولدًا

زمانی از کلمه «إِنْبَغَى» استفاده می شود می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و «ما ینبغی» امکان آن را نفی می کند.

4- فرزندگزینی، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن میرا است.

و ما ینبغی للرحمن أن یتَّخذ ولدًا

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4 - خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است.

له الأسماء الحسنی

ص: 87

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی‌کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 52 - 7,8

7 - خداوند ، منزّه از هرگونه فراموشی است .

و لاینسی

8 - ربوبیت خداوند بر هستی ، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است .

لا یضلل ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 5

5 - بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیوم

«قیوم» به کسی گفته می‌شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 4,6

4 - منزّه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولداً سبحنه

«سبحانه» مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون «سبحوه») است.

6 - رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولداً سبحنه

«رحمان» صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می‌تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 47 - 5

5- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . . . فلا تظلم نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 3

3- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو كان هـِـؤلاءِ الهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد «لو» امتناعی است.

ص: 88

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 3,5

3 - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظمی در حق کیفر شوندهگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

5 - خدا ، پروردگاری عادل و مبرا از ستم کردن به بندگان خود

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 17 - 6

6 - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقش

وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 6

6 - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

وَلَدِينَا كِتَابٌ... وَهُمْ لَا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 1,2,8

1 - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ

2 - خدا ، مبرا از شریک و همتا

وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ

8 - ساحت خدای یگانه هستی ، مبرا از نسبت های ناروای مشرکان



سبحن الله عما يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 92 - 4

4 - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتع لى عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 3

3 - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً .. فتع لى الله الملك الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 89

12 - نور - 24 - 16 - 6

6 - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه است .

سیح\_نک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 9

9 - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 5,8

5 - خداوند ، هیچ کسی را به فرزندگی برگزیده است .

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

«ولداً» نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

8 - پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموات والأرض ولم یَتَّخِذْ وَلَدًا ولم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 4

4 - خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الْحَیُّ الَّذِیْ لَا یَمُوتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - ساحت خداوندی ، میرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنا ظالمین

7 - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه .. ذکرى و ما کنا ظالمین

مفاد مطلب یاد شده، همان «قبیح عقاب بلا بیان» است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 10،11

10 - خدا ، منزه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن الله رب العالَمین

11 - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

ص: 90

أَنْ بورك من فى النار . . . وسبحن الله رب العـلمين

مطرح شدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 1

1 - ستایش ها ، همه از آن خداوند است .

و قل الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین «الحمد لله»؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 68 - 9،10

9 - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

10 - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزّه و برتر است .

وربک یخلق . . . سبحن الله و تعلى عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 23

23 - ساحت قدس الهی ، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

فما كان الله لیظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 10

10 - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

ضمیر فصل «هو» و «ال» جنس در «العلی» و «الکبیر» \_ که هر دو خبر «أَنَّ» هستند \_ دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 36 - 1,5

1 - ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

سبحن الذی

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 91

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 83 - 1،4

1 - ساحت مقدس خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 159 - 1،2

1 - خداوند ، منزّه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا . . . سبحن الله عمّا یصفون

2 - ساحت خداوند ، منزّه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه (شریک بودن) با جن

أصطفی البنات . . . و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا . . . سبحن الله عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 6

6 - منزّه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا . . . سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 10،11

10 - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

11 - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 3

3 - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه و مبرا است .

يَسْبَحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 3

3 - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزّه و مبرا است .

ص: 92

یسبِّحون بحمد ربِّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 10

10 - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواست و در حق آنان روا نداشته است .

و ما اللّٰه یرید ظلماً للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 14، 7

7 - خداوند ، میرا از هر شریک و همانند

قل أنتم لتکفرون . . . تجعلون له أنداداً

از استفهام در «أنتم» مطلب بالا استفاده می شود.

14 - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أنداداً ذلک ربّ العـلمین

تعبیر «ذلک» که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 46 - 4

4 - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما ربّک بظلمٍم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 9

9 - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ . . . و لئن أذقنـه رحمه . . . و إذا أنعمنا علی الإنسان . . . و إذا مس



از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده؛ ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 7

7- لزوم تنزیه خداوند، از هرگونه عیب، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحان الذی سخر لنا هـذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 5

5- بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات، امری شگفت و متناقض

والذی خلق الأزواج کلّها... و جعلوا له من عباده جزءاً

عبد و مخلوق خداوند، نمی تواند جزء وجود او به حساب آید؛ زیرا هیچ موجودی نمی تواند خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود

ص: 93

باشد. بنابراین دو تعبیر «عباده» و «جزاء»، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 3

3- فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند ؛ و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفْرًا شَيْئًا سَابِقًا لَهَا يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُخَلِّقُونَ ذُرِّيَّتَهُمْ ذَكَرًا وَمَرْثًا

مفاد جمله «لم يعى بخلقهن» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 12

12 - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و تَوَقَّرُوهُ وَتَسْبِّحُوهُ

«توقیر» به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. «تسبیح» به معنای منزه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 1

1\_ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

از استفهام انکاری (أفعمینا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 29 - 4,5,6,7

4\_ خداوند، منزه از کمترین ظلم و اعمال کیفرهای ناروا، بر بندگان

و ما أنا بظلمٍم للعبید

5\_ کیفرهای اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . . . و ما أنا بظلمٍم للعبید

6- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان، ظلم و دور از ساحت خداوند \*

وقد قدّمت إلیکم بالوعید . . . و ما أنا بظلمٍم للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر «قد قدّمت . . .» باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

ص: 94

7- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا \*

ما یبدل القول لدی و ما أنا بظلم للعید

برداشت بالا- بدان احتمال است که «و ما أنا بظلام..» تعلیل «ما یبدل...» باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی - چون ظلمی نیست - تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 5,6

5- آفرینش جهان ، با همه گستردگی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

«لغوب» به معنای تعب و خستگی می باشد.

6 - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذوالجلال»، ناظر به صفات جلال و «الإکرام»، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

تبرک اسم ربّک ذی الجلال و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذی الجلال» اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و «الإکرام» بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 3,4

3 - ساحت خداوند ، مبرّا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

4 - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 1

ص: 95

1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّأ از هر عیب و نقص

فَسِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

«تسیح» به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 96 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّأ از هر عیب و نقص است .

فَسِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

«تسیح» به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 4

4 - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملك القدّوس

وصف «القدّوس» ، در پی «الملك» ، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّأ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 10

10 - هر یک از مظاهر هستی ، گواهی بر مبرّأ بودن آفریدگار آن ، از هر عیب و کاستی

يسبِّح له ما فى السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از «تسبیح»، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

سبِّح لله ما فى السموت و ما فى الأرض

«تسبیح» (مصدر «سبِّح») به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 5

5 - ساحت خداوند ، مبرّا از هر نقص و عیب

ص: 96

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

«تسبیح» (مصدر «يسبح») به معنای تنزیه و مبرا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 3 - 2,4

2 - خدا ، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتَّخَذَ صِـحْبَهُ وَلَا وَلَدًا

4 - همسرگزینی و فرزندداری ، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صِـحْبَهُ وَلَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 5

5 - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

وَسَبِّحْهُ

«تسبیح» (مصدر «سبحه») به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 9

9 - « علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزّوجلّ « و جاء ربّك و الملك صفّاً صفّاً » فقال : إنّ الله تعالى لا یوصف بالمجیء و الذهاب تعالی عن الإنتقال إنّما یعنی بذلک و جاء أمر ربّك و الملك صفّاً صفّاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند «و جاء ربّك و الملك صفّاً صفّاً» پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 3



3 - خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 15،16،11،9،6

6 - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّٰهُ الصَّمَدُ

«صمد»؛ یعنی، «مُصَمِّمَت» و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

9 - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

اللّٰهُ الصَّمَدُ

ص: 97

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه «صمد» باشد.

11 - « قال الباقر (ع) حدّثنی اَبی زین العابدین عن اَبیه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهى سُؤدّه و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود».

15 - « سأل رجل علیاً (ع) عن تفسیر هـ ذه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعیض بدّ ;

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . . . صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است».

16 - « قال وَهْب بن وَهْب القرشی و حدّثنی الصادق جعفر بن محمد عن اَبیه الباقر عن اَبیه (ع) أنّ أهل البصره كتبوا إلی الحسین بن علی (ع) یسألونه عن الصمد فكتب إلیهم . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال : « الله أحد . الله الصمد » ثم فسّره فقال « لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد » . . . هو الله الصمد الذی لا من شیء و لا فی شیء و لا علی شیء ;

وهب بن وهب 152 بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجّاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند؛ امام به آنان نوشت: . . . به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده «الله أحد . الله صمد»، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: «لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد» . . . او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 2, 1

1 - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

2 - خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

## 67- صفات جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - خداوند، بی نیاز از اعمال خیر بندگان ( اقامه نماز، پرداخت زکات و . . )

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

هدف از آوردن قید «لأنفسكم» (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5,9

ص: 98

5- آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزّه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بدیع السماوات ..» همانند جمله «له ما فی السماوات...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

9- خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 13

13 - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 3

3 - خداوند حقیقتی است بی همتا و بی مانند

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 9

9\_ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگان آزاررسان

قول .. و الله غنیّ حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 7

7\_ خداوند ، بی نیاز از دیگران

اللّهُ . . . الْحَيُّ الْقَيُّومُ

قیوم (قائم به ذات)، یعنی کفایت ذات در قوام خویش؛ و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 16

16\_ بی نیازی مطلق خداوند از جهانیان

فانّ اللّهُ غنیّ عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 4، 7، 12

4\_ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای « عزیز و حکیم »

و ما النّصر الاّ من عند اللّهِ العزیز الحکیم

ص: 99

7\_ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

12\_ خداوند، « عزیز » ( پیروز شکست ناپذیر ) و « حکیم » است .

من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 4

4\_ خدا، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4 - خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 11

11 - خداوند، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . . . و أنّ الله هو العلیّ الكبير

«حقّ» به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و «العلیّ» مفید صفات سلبی و «الکبیر» افاده کننده سعه وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 7

7 - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بحمد ربهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 2

2 - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 100

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

فإن استکبروا فالذین عند ربّک یسبّحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها



«توقیر» به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. «تسبیح» به معنای منزه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

و یبقی وجه ربِّک ذو الجلال و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذوالجلال»، ناظر به صفات جلال و «الإکرام»، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

تبرک اسم ربک ذی الجلال و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذی الجلال» اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و «الإکرام» بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 8

8 - تمامی صفات کمال ، در والاترین مرتبه آن مخصوص ذات خدا است .

له الأسماء الحسنی

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که تقدم «له» که افاده حصر می کند و واژه «حسنی» \_ که افعال تفضیل است \_ بیانگر مرحله عالی و برتر صفات و کمالات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 15، 10

10 - خداوند ، بی نیاز از ایمان انسان ها

و استغنی الله

متعلق و مورد استغناى خداوند در آیه شریفه، می تواند دو چیز باشد: 1\_ استغناى خداوند از ایمان انسان ها به اوج 2\_ استغناى الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایل روشن از سوی پیامبران، باز هم معجزات و دلایل دیگری به بشر عرضه دارد؛ زیرا همین مقدار برای هدایت بشر کافی است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

15 - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

والله غنی حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «حمید»، صفت برای «غنی» باشد؛ نه صفت مستقل برای «الله».

9 - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

اللّٰه الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفوّاً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه «صمد» باشد.

ص: 102

## 69- ظاهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 3 - 1,5

1 - خداوند ، « اول » ( آغاز ) ، « آخر » ( انجام ) ، « ظاهر » ( آشکار ) و « باطن » ( نهان ) است .

هو الأول و الآخر و الظهر و الباطن

5\_ « عن أبي الحسن الرضا (ع) . . . و أما الظاهر فليس من أجل أنه علا الأشياء برکوب فوقها و قعود عليها و تسنم لذرأها و لکن لقهرة و لغلبته الأشياء و قدرته عليها . . . و أما الباطن فليس على معنى الإستبطان للأشياء بأن يغور فيها و لکن ذلك منه على استبطانه للأشياء علماً و حفظاً و تدبيراً . . . »

از امام رضا(ع) روایت شده است : . . . و اما ظاهر بودن خداوند نه از آن جهت است که بر اشیا بالا رفته به این که بر آنها سوار گشته و بر فراز آنها نشسته است؛ بلکه این ظهور از جهت قهر و غلبه و قدرت او بر اشیا است... اما خداوند باطن است، به این معنا نیست که او در درون اشیا قرار گرفته و در بطن آنها پنهان است؛ بلکه به این معنا است که از لحاظ آگاهی به اشیا و حفظ و تدبیر [و تنظیم امور] آنها در درون آنها است...».

## 70- عالم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 13

13 - خداوند ، « عالم الغیب » ( آگاه به غیب ها ) است .

ع\_لم الغیب

## 71- عالم الغیب والشهادة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 7

7 - خداوند ، آگاه به امور « نهان و آشکار » و « غیب و شهود »

ع\_لم الغیب و الشهاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 3

3 - خدای یگانه ، آگاه به تمامی غیب و شهود ( پنهان و آشکار )

ع\_لم الغیب و الشه\_ده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 8 - 4

4 - خداوند ، عالم به غیب و شهود هستی است .

ص: 103

إلى عـ لم الغيب و الشهـ ده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 18 - 2

2 - خداوند ، آگاه از غیب و شهود و دانا به تمامی امور نهان و آشکار جهان است .

عـ لم الغيب و الشهـ ده

## 72- عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 10

10 - خداوند ، یگانه عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و یگانه حکیم ( کاردانی که امور را محکم و متقن بنا می کند ) است .

إنک أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 209 - 8

8 - خداوند ، عزیز و حکیم است .

فاعلموا ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 19، 18

18 - خداوند ، عزیزی حکیم است .

ان الله عزيز حكيم

بنابراینکه «حکیم»، صفت «عزیز» باشد.

19 - خداوند ، عزیز و حکیم است .

ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 26،27

26\_ خداوند ، عزیز و حکیم است .

و الله عزیز حکیم

27\_ خداوند ، عزیزی حکیم است .

و الله عزیز حکیم

بنابراینکه «حکیم» صفت «عزیز» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 104

2 - بقره - 2 - 240 - 10

10 \_ خداوند ، « عزیز » و « حکیم » است .

والله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 22

22 \_ خداوند ، عزیز ( غالب و پیروز ) و حکیم است .

ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 4 - 14

14 \_ خداوند ، « عزیز » ( پیروز شکست ناپذیر ) و « ذوانتقام » ( سخت انتقامگیر ) است .

والله عزیز ذو انتقام

تنوین در « انتقام »، دلالت بر تفخیم و شدت می کند و « ذوانتقام »، مبالغه در انتقام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 6 - 9، 10

9 \_ معبودی جز خدای عزیز حکیم ، نیست .

لا اله الا هو العزيز الحكيم

10 \_ خداوند ، عزیز و حکیم است .

لا اله الا هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 15

15 \_ خداوند ، عزیز و حکیم است .



هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 19 - 1

1\_ باور و اقرار به وحدانيت، عدالت و عزيز و حكيم بودن خدا، تنها دين پذيرفته شده نزد او

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم. انّ الدين عند الله الاسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 62 - 7,8,9

7\_ خداوند، «عزيز» و «حكيم» است.

وانّ الله لهو العزيز الحكيم

8\_ انحصار عزت و حكمت به خداوند

ص: 105

و انّ الله لهو العزيز الحكيم

9\_ عزیزی که حکیم باشد، تنها خداوند است.

و انّ الله لهو العزيز الحكيم

بنابراینکه «حکیم»، صفت «عزیز» باشد؛ بر این اساس، آن عزیزی که حکیم هم باشد، تنها خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 4،12

4\_ فتح و پیروزی بر دشمنان، تنها از جانب خدای «عزیز و حکیم»

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

12\_ خداوند، «عزیز» (پیروز شکست ناپذیر) و «حکیم» است.

من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 56 - 10

10\_ خداوند، همواره عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است.

انّ الله كان عزيزاً حكيماً

کلمه «کان» دلالت بر استمرار عزت و حکمت خداوند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 158 - 5

5\_ خداوند، عزیز (مقتدری شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است.

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 165 - 9

9\_ خداوند همواره عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 118 - 10

10\_ تنها خداوند ، عزیز ( توانمندی شکست ناپذیر ) و حکیم ( بسیار کاردان ) است .

فانك انت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 6

6\_ خداوند، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( دانای خبره ) است.

ذلك تقدير العزيز العليم

ص: 106

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 7

7\_ خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

إن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 20

20\_ خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

والله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 23

23\_ خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

إن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 11

11\_ خداوند ، قوی ( نیرومند ) و عزیز ( شکست ناپذیر ) است .

إن ربك هو القوی العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 19

19- خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حمید ( ستودنی ) است .

العزیز الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 4 - 12

12- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم بر مبنای حکمت اوست .

فیضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو .. الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 47 - 8

8- خداوند ، عزیز ( قدرتمند شکست ناپذیر ) و انتقام گیرنده است .

إن الله عزیز ذو انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 107

11- خداوند، عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است.

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 27

27 - خدا، قوی (توانا) و عزیز (پیروزمند شکست ناپذیر) است.

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 2

2 - خدا، قوی (نیرومند) و عزیز (شکست ناپذیر) است.

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 7

7 - خدا، عزیز و رحیم است.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 6

6 - خداوند، عزیز و رحیم است.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

کلمه «الرحیم» می تواند خبر بعد از خبر باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است که کلمه «الرحیم» خبر دوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 108

13 - شعراء - 26 - 140 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإن رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

واژه «الرحیم» می تواند خبر دوم باشد. برداشت یاد شده بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإن رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

کلمه «الرحیم» می تواند خبر بعد از خبر باشد و نه صفت برای «العزیز». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإن رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

«الرحیم» می تواند خبر دوم باشد، نه صفت برای «العزیز». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 6

6 - خداوند ، عزیز و رحیم است .

وإن رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که «الرحیم» خبر دوم باشد؛ نه صفت «العزیز».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 217 - 6



6 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

علی العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 4

4 - خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

أنا الله العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 13

13 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای دانش گسترده ) است .

و هو العزیز العلیم

ص: 109

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 10

10 - خداوند ، قطعاً « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( استوارکار ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 42 - 4

4 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 5 - 4

4 - تنها ، خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و رحیم ( مهرورز ) است .

و هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

آوردن حرف «ال» تعریف در خبر، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 10

10 - خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 5

5 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( دارای حکمت و کاردانی ) است .

و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 5

5 - خداوند ، « عزیز » ( قاهر شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان استوارآفرین ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 6 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و رحیم ( دارای رحمت گسترده ) است .

ذَلِكِ... الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

ص: 110

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 25 - 10

10 - خداوند ، همواره قوی ( توانمند ) و عزیز ( با عزّت ) است .

و كان الله قویّاً عزیزاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 6 - 8

8 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حمید » ( ستوده ) است .

العزیز الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 10

10 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( استوارکار ) است .

هو الله العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 2 - 4

4 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 10

10 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) غفور ( آمرزنده ) است .

إنّ الله عزیز غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 5 - 2

2 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و رحیم ( مهربان ) است .

العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 7

7 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 9 - 6

ص: 111

6 - خداوند ، عزیز ( توانمند شکست ناپذیر ) و وهّاب ( بسیار بخشنده ) است .

رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( پیروز و شکست ناپذیر ) و غفور ( بسیار آمرزنده ) است .

الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 1 - 3

3 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

اللّٰهُ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 9

9 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفّار ( بسیار آمرزنده ) است .

أَلَا هُوَ الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 37 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و صاحب انتقام ( سزادهنده ) است .

أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

«النقمة» \_ به فتح و کسر نون \_ اسم مصدر «انتقام» و به معنای مکافات به عقوبت و سزا دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 2 - 3

3 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

اللّٰه العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 12

12 - تنها خداوند ، عزیز و حکیم است .

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آمدن ضمیر فصل (انت) بر حصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 12

ص: 112

12 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفار ( آمرزنده ) است .

العزیز الغفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 13

13 - خداوند ، عزیز ( قدرتمند شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای علمی بی کران ) است .

العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 3 - 5

5 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

الله العزیز الحکیم

بنابراین که «الحکیم» صفت دوم برای الله باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 6

6 - تنها خداوند ، قوی ( توانمند و دارای قدرت ) و عزیز ( پیروزمند و شکست ناپذیر ) است .

و هو القویّ العزیز

«قوی» و «عزیز» مسند با الف و لام و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 9

9 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای علم بی کران ) است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



7- خداوند، « عزیز » ( قدرت مند شکست ناپذیر ) و « رحیم » ، ( دارای مهری پایان ناپذیر ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 2 - 7

7 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 37 - 7

ص: 113

7 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( بسیار کاردان ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 2 - 9

9- خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( بسیار کاردان ) است .

اللّٰه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 4

4 - خداوند، دارای عزّت ( قدرت شکست ناپذیر ) و حکمت ( کاردانی ) ازلی است .

و كان الله عزيزًا حكيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 6

6 - خداوند، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و كان الله عزيزًا حكيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 6

6 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند و شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 24

24 - خداوند، « قوی » ( نیرومند ) و « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) است .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 5

5 - خداوند ، « قوی » ( نیرومند ) و « عزیز » ( شکست ناپذیر ) است .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 1 - 6

6 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

وهو العزيز الحكيم

ص: 114

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 13

13 - خداوند یگانه ، پیروزمندی شکست ناپذیر است .

هو الله .. العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 13

13 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 5 - 8

8 - پروردگار آدمیان ، یگانه « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

ربنا انك انت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 7

7 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 11

11 - خداوند ، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( کاردان و سنجیده کار ) است .

يسبح لله .. العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند، « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و « حکیم » ( سنجیده کار ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 18 - 3

3 - خداوند، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 115

19 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفور ( آمرزنده ) است .

و هو العزيز الغفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 3

3 - خداوند ، « عزیز » ( شکست ناپذیر ) و « حمید » ( ستوده ) است .

بالله العزيز الحميد

«عزّه»، حالتی است که مانع مغلوب شدن است و «عزیز» کسی است که بر دیگران غالب می شود و خود مغلوب نمی گردد. «حمید» می تواند به معنای «محمود» (ستوده) و یا «حامد» (ستایش گر) باشد (مفردات راغب). سیاق آیه شریفه، بیانگر معنای اول است.

### 73- عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 255 - 2 - 30

30 - تنها خداوند ، « عَلِيّ » ( بلند مرتبه ) و « عظیم » ( با عظمت ) است .

و هو العليّ العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 5

5 - خداوند ، عَلِيّ ( بلند مرتبه ای بی مانند ) و عظیم ( بزرگی بی همتا ) است .

و هو العليّ العظيم

«العلی» و «العظیم» خبر معرّف به الف و لام و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 33 - 4

4 - خداوند، «عظیم» (بزرگ قدر) است .

بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

**74- عفو**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 32

32\_ خداوند، همواره «عفو» (بسیار باگذشت) و «غفور» (بسیار آمرزنده) است .

ص: 116

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 6

6\_ خداوند ، بسیار بخشنده و تواناست .

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 7

7 - خدا ، عفو ( با گذشت ) و غفور ( آمرزنده ) است .

إِنَّ اللَّهَ لَعَفْوٌ غَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 2 - 10

10 - خداوند ، « عفو » ( درگذرنده ) و « غفور » ( آمرزنده ) است .

وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفْوٌ غَفُورٌ

## 75- علام الغیوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 78 - 7

7\_ خداوند ، علام الغیوب ( دارای علم گسترده و عمیق به همه نهان ها ) است .

أَنَّ اللَّهَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 48 - 2

2 - خداوند ، « علام الغیوب » ( بسیار آگاه از نهان ها ) است .



إِنَّ رَبِّي .. عَلَّمَ الْغَيْبِ

## 76- علم به اسم اعظم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 27

27 - «عن أبي جعفر (ع) قال: إنَّ اسم الله الأعظم على ثلاثة وسبعين حرفاً وإِثْمًا كان عند آصف منها حرف واحد فتكلّم به فخسف بالأرض ما بينه وبين سرير بلقيس حتّى تناول السرير بيده ثمّ عادت الأرض كما كانت أسرع من طرفه عين؛

ص: 117

از امام باقر(ع) روایت شده است که اسم اعظم الهی دارای 73 حرف است و آنچه آصف بن برخیا داشت تنها یک حرف از آن بود که با به زبان آوردن آن حرف، زمین در فاصله بین او و تخت بلقیس فرورفت تا آن که آصف دست برد و تخت بلقیس را گرفت. سپس زمین به حالت اولیه اش که داشت برگشت و این کار سریع تر از یک چشم برهم زدن انجام گرفت».

## 77- علی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 30

30\_ تنها خداوند ، « عَلِيّ » ( بلند مرتبه ) و « عظیم » ( با عظمت ) است .

و هو العليّ العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 37

37\_ خداوند ، « عَلِيّ » ( بلندمرتبه ) و « کبیر » ( بزرگوار ) است .

انّ الله کان علیاً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 7

7 - خدا ، علیّ ( بلند مرتبه ) و کبیر ( بزرگ ) است .

و أنّ الله هو العليّ الكبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 12

12 - خداوند ، « عَلِيّ » ( بلندمرتبه ) و « کبیر » ( بزرگ ) است .

و هو العليّ الكبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 23 - 14

14 - خداوند، «علیّ» (عالی رتبه) و «کبیر» (بسیار بزرگ) است.

وهو العلیّ الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 7

7 - خداوند، علیّ (برتر) و کبیر (بزرگ) است.

لله العلیّ الکبیر

ص: 118

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 5

5 - خداوند ، علیّ ( بلند مرتبه ای بی مانند ) و عظیم ( بزرگی بی همتا ) است .

و هو العلیّ العظیم

«العلیّ» و «العظیم» خبر معرّف به الف و لام و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 51 - 13

13 - خداوند ، علیّ ( بلندمرتبه ) و حکیم ( کاردان ) است .

إنّه علیّ حکیم

### 78- علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 9

9 - خلقت آسمان ها در دو مرحله : مرحله ای مختلط ، نامتمايز و نامتعادل ؛ و مرحله تفکیک شده ، متمایز و متعادل

ثم استوی إلی السماء فسویهن سبع سموت

مفرد آوردن کلمه «السماء» در جمله «ثم استوی الی السماء» و ارجاع ضمیر جمع به آن در جمله «فسواهن» می تواند اشاره به این معنا باشد که: آسمانها پیش از هفتگانه شدن و تمایز یافتن به گونه ای مختلط بوده که هم اطلاق آسمان (به صورت مفرد) و هم اطلاق آسمانها (به صورت جمع) بر آن صحیح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 5

5 - خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردانی که امور را استوار و متقن بنا می کند ) است .

إنک أنت العلیم الحکیم

«حکیم» به معنای قاضی، دارای حکمت و نیز به معنای اتقان دهنده امور آمده است. گویا معنای دوم و سوم تناسب بیشتری با حقایق بیان شده در این بخش از آیات داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 7

7 - خداوند، واسع (حقیقی نامحدود) و علیم (بسیار دانا) است.

إن الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 10

10 - خداوند، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است.

ص: 119

إنك أنت السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 137 - 8

8 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 4

4 - خداوند شاکر ( سپاسگزار ) و علیم ( دانا ) است .

فإن الله شاکر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 181 - 6

6 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

إن الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 7,8

7 - خداوند ، شنوا و داناست .

و الله سمیع علیم

8 - خداوند ، شنوایی داناست .

و الله سمیع علیم

بنابراینکه «علیم»، صفت «سمیع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 5,6

5\_ خداوند ، شنوا و داناست .

فان الله سمیع علیم

6\_ خداوند ، شنوایی داناست .

فان الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 24

24\_ خداوند ، علیم است .

واعلموا انّ الله بكل شیء علیم

ص: 120

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 5

5\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

انّ الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 18

18\_ دانایی گسترده خداوند نسبت به شایستگی افراد و سعه وجودی او ، منشأ اعطای حکومت به آنان طبق مشیت خویش

ان الله اصطفیه علیکم . . . و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 16

16\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 261 - 10

10\_ خداوند ، واسع و علیم است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 268 - 12

12\_ خداوند ، واسع و علیم است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2 - بقره - 2 - 282 - 59

59\_ خداوند ، علیم است .

والله بكلّ شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 34 - 4

4\_ خدا ، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 35 - 16

ص: 121

16\_ تنها خداوند ، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

انك انت السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 73 - 16

16\_ خداوند ، « واسع » ( دارای سعه و جودی ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

والله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 121 - 9

9\_ خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 11 - 33

33\_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

ان الله كان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 12 - 18

18\_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حلیم ( بسیار بردبار ) است .

والله علیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 17 - 7

7\_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 17، 18

17 - خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

انّ الله كان عليماً حكيماً

18 - خداوند ، عالمی حکیم است .

انّ الله كان عليماً حكيماً

بنابر اینکه «حکیماً»، صفت باشد برای «علیماً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 122

3 - نساء - 4 - 26 - 10

10 \_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 16

16 \_ خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « خبیر » ( بسیار آگاه ) است .

ان الله کان علیماً خبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 5

5 \_ خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و کفی بالله علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 28

28 \_ خداوند ، ( علیم ) بسیار دانا و حکیم ( کاردان ) است .

و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 12

12 \_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 9

9\_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( کاردان ) است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 8

8\_ خداوند ، شاکر ( سپاسگزار ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

و كان الله شاكراً عليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 9

9\_ خداوند ، سمیع ( بسیار شنوا ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

ص: 123

و كان الله سمياً عليماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 170 - 15

15 \_ خداوند همواره علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

و كان الله عليماً حكياً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 176 - 20

20 \_ خداوند ، علیم است .

و الله بكل شيء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 54 - 38

38 \_ خداوند ، واسع ( دارای سعه وجودی ) و علیم ( دانای مطلق ) است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 76 - 10

10 \_ تنها خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

و الله هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 83 - 13

13 \_ پروردگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکیم (استواربخش امور) و علیم (دارای علم گسترده) است.

إن ربك حكيم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 6

6\_ خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و علیم (دانای خیره) است.

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 9

9\_ خداوند دارای آگاهی ژرف و گسترده به همه موجودات هستی است.

و هو بکل شیء علیم

ص: 124

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 13

13 \_ تنها خداوند سمیع (بسیار شنوا) و علیم (بسیار دانا) است.

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 128 - 23

23 \_ خداوند، حکیم (استواری اتقان بخش) و علیم (بسیار دانا) است.

إن ربك حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 8

8 \_ خداوند، حکیم (کارش حکیمانه و متقن) و علیم (دانای کامل) است.

إنه حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 15 - 8

8 \_ خداوند، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است.

والله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 22

22 \_ خدا، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است.

إنَّ اللهَ عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



7 - توبه - 9 - 44 - 5

5\_ علم دقیق خداوند به حالات و روحیات تقوایندگان

والله علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 10

10\_ هشدار خداوند به منافقان با بیان علم همه جانبه اش به روحیات و دسیسه های منافقانه آنان

ولأوضعوا خللكم بیغونکم الفتنه . . . والله علیم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 17

ص: 125

17\_ خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 97 - 16

16\_ خداوند ، علیم (دارای علم گسترده) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 13

13\_ خداوند ، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 103 - 22

22\_ خداوند ، سمیع (شنوای مطلق) و علیم (دارای علم گسترده) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 106 - 8

8\_ خدا ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 8

8\_ خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (کاردان) است .

و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 10

10 \_ علم گسترده و همه جانبه الهی به همه حقایق هستی

إن الله بكل شیء عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 8

8 \_ خداوند ، سمیع ( شنوا ) و عليم ( دانا ) است .

هو السميع العليم

ص: 126

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 6

6\_ خداوند ، به همه افکار و اندیشه ها آگاه است .

إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 20

20\_ خداوند ، علیم ( بسیار دانا ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 19 - 9

9\_ خداوند ، به اعمال و رفتار انسان ها آگاه است .

والله علیم بما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 11

11\_ تنها خداوند ، سمیع ( شنوای مطلق ) و علیم ( دانای مطلق ) است .

إنه هو السميع العلیم

«هو» ضمیر فصل و حاکی از حصر است. «ال» در «السمیع» و «العلیم» برای استغراق صفات است و لذا آن دو صفت در برداشت ، به شنوا و دانای مطلق تفسیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15\_ تأکید یوسف ( ع ) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 27

27\_ خداوند از هر عالم و دانشمندی، داناتر و آگاه تر است .

فوق کل ذی علم علیم

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از «علیم» خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 19

19\_ تنها خداوند، علیم و حکیم است .

ص: 127

إنه هو العليم الحكيم

ضمیر فصل (هو) و نیز معرفه بودن خبر دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 29

29\_ تنها خداوند علیم ( دانای مطلق ) و حکیم است .

إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 25 - 5

5- خداوند ، حکیم ( کاردان ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

إنه حکيم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 3

3- خداوند ، خلاق ( آفریننده ) و علیم ( دانا ) است .

إن ربك هو الخلق العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 17

17- خداوند ، علیم ( دانا ) است .

إن الله علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 10

10- خداوند ، دارای علم و قدرت گسترده

إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 4 - 7

7- خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

و هو السمع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 9

9- خداوند ، علیم ( دانا ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

والله علیم حکیم

ص: 128

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 5

5 - خداوند ، علیم (دانا) و حلیم (بردبار) است .

وإنَّ اللهَ لعلیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 14

14 - آگاهی کامل و همه جانبه خدا به عملکرد انسان ها

إتی بما تعملون علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 18 - 3

3 - خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 19

19 - خدا ، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 15

15 - خداوند ، واسع (گشایش دهنده) و علیم (دانا) است .

والله وسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



12 - نور - 24 - 35 - 23

23 - علم خداوند ، فراگیر همه پدیده های جهان است .

والله بكل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 41 - 16

16 - تمامی حرکات و رفتار (نیایش ، تسبیح و . . .) موجودات عالم ، در قلمرو علم همه جانبه خداوند است .

والله علیم بما یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 129

12 - نور - 24 - 58 - 23

23 - خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت و سنجیده کار) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 59 - 8

8 - خداوند ، علیم (دانا) و حکیم (با حکمت و سنجیده کار) است .

والله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 11

11 - خداوند ، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

والله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 11

11 - خداوند ، به همه چیز دانا است .

والله بكلّ شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 220 - 1

1 - خدا ، سمیع (شنوا) و علیم (دانا) است .

إنّهُ هو السّمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 6 - 5

5- خداوند ، حکیم (سنجیده کار) و علیم (دانا) است .

من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 13

13 - خداوند ، عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای دانش گسترده ) است .

و هو العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 9

9 - خداوند ، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

ص: 130

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 60 - 8

8 - خداوند ، « سميع » ( بسیار شنوا ) و « عليم » ( بسیار دانا ) است .

و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 8

8 - خداوند ، « عليم » ( بسیار دانا ) و « قدير » ( بسیار توانا ) است .

و هو العليم القدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 34 - 8

8 - خداوند ، عليم ( بسیار دانا ) و خبير ( بسیار آگاه و با خبر ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 1 - 9

9 - خداوند ، همواره عليم ( بسیار دانا ) و حكيم ( استوار کار ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 11

11 - خداوند ، عليم ( بسیار دانا ) است .

و كان الله بكلّ شيء عليمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 51 - 19

19 - خداوند ، همواره « علیم » ( بسیار دانا ) و « حلیم » ( بسیار بردبار ) است .

و كان الله عليماً حلیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 54 - 2

2 - خداوند ، همواره « علیم » ( بسیار دانا ) است .

فإنّ الله كان بكلّ شيءٍ عليماً

ص: 131

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 8

8 - خداوند ، « فِتّاح » ( داوری کننده ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و هو الفِتّاح العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 12

12 - خداوند ، علیم و قدیر است .

إِنَّه كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 38 - 7

7 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 9

9 - خداوند ، خلاق ( بسیار آفریننده ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 2 - 3

3 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

اللّه العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - خداوند ، عزیز ( قدرتمند شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای علمی بی کران ) است .

العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 36 - 8

8 - خداوند ، سمیع ( شنوا ) و علیم ( دانا ) است .

إنّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 50 - 3

ص: 132

3 - خداوند ، علیم ( دانا ) و قدیر ( توانا ) است .

إِنَّهٗ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 9

9 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و علیم ( دارای علم بی کران ) است .

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 84 - 5

5 - تنها خداوند یگانه آسمان ها و زمین ، حکیم ( کاردان ) و علیم ( دارای علم گسترده ) است .

و هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 6 - 7

7 - پروردگار جهان ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .

إِنَّهٗ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 18

18 - خداوند ، از ازل ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) بوده است .

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 1 - 9

9 - خداوند ، « سمیع » ( شنوا ) و « علیم » ( دانا ) است .



إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 8 - 7

7 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 13 - 15

15 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « خبیر » ( بسیار آگاه ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ص: 133

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 5

5 - خداوند ، حکیم ( دارای حکمت ) و علیم ( دارای علم گسترده ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 28

28 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « حکیم » ( کاردان ) است .

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 9

9 - خداوند ، علیم ( دانا ) و حکیم ( سنجیده کار ) است .

وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 10

10 - خداوند ، علیم ( دانا ) و خبیر ( آگاه به دقایق امور ) است .

الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 30 - 4

4 - خداوند ، « علیم » ( دانا ) و « حکیم » ( کاردان و سنجیده کار ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 1

1 - خداوند ، آمرزنده گناهان است .

غافر الذنب

ص: 134

## 80- غفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 9

9- خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفار ( بسیار آمرزنده ) است .

ألا هو العزيز الغفّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 12

12 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفار ( آمرزنده ) است .

العزيز الغفّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 10 - 5

5 - خداوند ، « غفار » ( بسیار آمرزنده ) است .

إِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا

## 81- غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 9

9- خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 182 - 7

7- خداوند ، غفور ( آمرزنده گناهان ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 192 - 3

3 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

فإن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 199 - 9

9 - خداوند ، غفور و رحيم است .

ص: 135

ان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 218 - 7

7\_ خداوند ، غفور و رحيم است .

و الله غفور رحيم

بنابراينکه «رحيم»، خبر پس از خبر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 225 - 9,10

9\_ خداوند ، غفور و حلیم است .

و الله غفور حلیم

10\_ خداوند ، غفوری حلیم است .

و الله غفور حلیم

بنابراينکه «حلیم»، صفت «غفور» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 226 - 11,12

11\_ خداوند ، غفور و رحيم است .

فان الله غفور رحيم

12\_ خداوند ، غفوری رحيم است .

فان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 235 - 14

14\_ خداوند، « غفور » ( بسیار بخشنده ) و « حلیم » ( بسیار بُردبار ) است .

انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 31 - 15

15\_ خداوند، غفور ( بسیار بخشاینده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

والله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 89 - 7

7\_ خداوند، « غفور » ( بسیار بخشنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

فان الله غفور رحیم

ص: 136

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 12، 13

12\_ خداوند، «غفور» (بس آمرزنده) و «حلیم» (بردبار) است.

انّ الله غفور حلیم

13\_ عفو و چشم پوشی خداوند از لغزش ها و گناهان، پرتویی از غفران و حلم او

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 17

17\_ خداوند همواره غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (بسیار مهربان) است.

انّ الله كان غفوراً رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 34

34\_ خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است.

والله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 32

32\_ خداوند، همواره «عفو» (بسیار باگذشت) و «غفور» (بسیار آمرزنده) است.

انّ الله كان عفواً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 96 - 6

6\_ خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است.



و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 100 - 15

15\_ خداوند « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 106 - 5

5\_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحيم ( بسیار مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

ص: 137

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 110 - 13

13 \_ خداوند ، غفور و رحیم است .

يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 13

13 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 152 - 6

6 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( بسیار مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 47

47 \_ خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 8

8 \_ خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 74 - 5

5\_ خدا، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (بسیار مهربان) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 98 - 5

5\_ خداوند غفور (بسیار آمرزند) و رحیم (همواره مهربان) است .

وإنّ الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 138

12 \_ خداوند غفور ( بسیار آمرزنده ) و حلیم ( بردبار ) است .

والله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 27

27 \_ خداوند غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فأنه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 20

20 \_ خداوند، غفور و رحیم است .

فإن ربك غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 11

11 \_ خداوند غفور ( آمرزنده گناهان ) و رحیم ( مهربان به بندگان ) است .

لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 18

18 \_ خدا، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 27 - 7

7\_ خدا، غفور (بسیار خطاپوش) و رحیم (بی نهایت مهربان) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 19

19\_ خدا، غفور (آمرزنده) و رحیم (مهربان) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 99 - 19

19\_ خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (دارای رحمت گسترده) است .

ص: 139

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 102 - 10

10\_ خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 107 - 12

12\_ خدا ، غفور ( بسيار آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

و هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 41 - 3

3\_ خداوند ، غفور ( بسيار آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إن ربي لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 53 - 11

11\_ خداوند ، غفور ( بسيار آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إن ربي غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 98 - 12

12\_ تنها خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إنه هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 17

17- خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فإنك غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 49 - 3

3- خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

أنا الغفور الرحيم

ص: 140

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 18 - 4

4- خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) رحیم (مهربان) است.

إن الله لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 17

17- خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) است.

فإنه كان... غفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 14

14- خداوند، همواره حلیم (بردبار) و غفور (آمرزنده) است.

إنه كان حلیمًا غفورًا

جمله اسمیه با حرف تأکید «إنّ» بر دوام و ثبات دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 58 - 1

1- خداوند، بسیار آمرزنده و دارای رحمت گسترده است.

وربک الغفور ذوالرحمه

«غفور» صیغه مبالغه است و حرف «ال» در «الرحمه» بر کمال (استغراق صفات) دلالت دارد، بنابراین، «ذوالرحمه» یعنی «مالکِ رحمتِ کامل» و این، حاکی از گستردگی رحمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 7



7 - خدا، عفو (با گذشت) و غفور (آمرزنده) است .

إِنَّ اللَّهَ لَعَفْوٌ غَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 5 - 5

5 - خداوند، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (بسیار مهربان) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 19

19 - خداوند، غفور (آمرزنده) و رحیم (مهربان) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ص: 141

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 35

35 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ .. غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 20

20 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 6 - 8

8 - خداوند ، به یقین غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّهٗ كَانَ غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 70 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

وَ كَانَ اللَّهُ غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 11 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

فَإِنِّي غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحيم ( مهربان ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 5 - 16

16 - خداوند ، همواره « غفور » ( آمرزنده ) و « رحيم » ( مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 142

14 - احزاب - 33 - 24 - 10

10 - خداوند ، همواره بسیار آمرزنده ( غفور ) و مهربان ( رحیم ) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 32

32 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار با مهر ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 18

18 - خداوند ، همواره « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 12

12 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزشگر ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 2 - 7

7 - خداوند ، « رحیم » ( مهربان ) و « غفور » ( آمرزنده ) است .

و هو الرحيم الغفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 15 - 9

9- خداوند، « ربّ » ( پروردگار ) و « غفور » ( بسیار آمرزشگر ) است .

و ربّ غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 10

10 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) غفور ( آمرزنده ) است .

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 7

7 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و شکور ( سپاسگزار ) است .

ص: 143

إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 8

8 - خداوند ، پروردگار غفور ( آمرزنده ) و شکور ( سپاس گزار و حق شناس ) است .

إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 6

6 - خداوند ، حلیم ( بردبار ) و غفور ( آمرزنده ) است .

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( پیروز و شکست ناپذیر ) و غفور ( بسیار آمرزنده ) است .

العزیز الغفّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 14

14 - تنها خداوند ، غفور ( بسیار آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

آمدن ضمیر فصل «هو» بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 3

3 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و رحیم ( مهربان ) است .

نزلاً من غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 5 - 11

11 - خداوند ، غفور ( آمرزنده گناهان ) و رحيم ( دارای مهري پایان ناپذير ) است .

ألا إنّ الله هو الغفور الرحيم

«غفور» صيغه مبالغه و بيانگر گستردگی غفران است و «رحيم» (بر وزن فعيل) حاکی از عدم انفکاک رحمت و پایان ناپذیری آن می باشد. گفتنی است که صفت های بر وزن فعيل، غالباً دلالت بر عدم انفکاک وصف از ذات می نماید (مانند علیم، قدیر، سخی و...).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 144

16 - شوری - 42 - 23 - 19

19 - خداوند ، غفور ( آمرزنده ) و شکور ( سپاسگزار ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 14

14 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(بسیار آمرزنده) و «رحیم» (مهربان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 6

6 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 7

7 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( بسیار مهربان ) است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 14 - 17

17 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



18 - حدید - 57 - 28 - 13

13 - خداوند، « غفور » ( خطاپوش ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 2 - 10

10 - خداوند، « عفو » ( درگذرنده ) و « غفور » ( آمرزنده ) است .

وإنّ الله لعفو غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 12 - 14

ص: 145

14 - خداوند ، « غفور » ( آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 7

7 - خداوند ، « قدیر » ( توانای مطلق ) و « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 23

23 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 12

12 - خداوند ، غفور ( آمرزگار ) و رحیم است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 9

9 - خداوند ، غفور ( آمرزگار ) و رحیم است .

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 19

19 - خداوند ، عزیز ( پیروز شکست ناپذیر ) و غفور ( آمرزنده ) است .

و هو العزيز الغفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 42

42 - خداوند ، « غفور » ( آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 14 - 1

1 - خداوند ، « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « ودود » ( با محبت ) است .

و هو الغفور الودود

ص: 146

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 8،12

8\_ خداوند ، غنی ( بی نیاز ) و حلیم ( بُردبار ) است .

و الله غنی حلیم

12\_ غنای الهی ، کفایت کننده نیاز محرومان از انفاق های همراه با آزار و اذیت

و الله غنی حلیم

بکارگیری صفت «غنی» بیانگر این است که نیازی به انفاق همراه با آزار محرومان نیست و خداوند با غنای خود روزی آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 10

10\_ خداوند ، غنی و حمید است .

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 16

16\_ بی نیازی مطلق خداوند از جهانیان

فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 17

17\_ خداوند ، همواره غنی ( بی نیاز ) و حمید ( در خور ستایش ) است .

وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 68 - 4

4\_ خداوند ، غنی مطلق است و ماسوای او همه به او نیازمندند .

هو الغنی

«الغنی» مسند محلّی به «الف و لام جنس» مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 8 - 6

6- خداوند ، غنی (بی نیاز) و حمید (ستودنی) است .

ص: 147

فإن الله لغني حميد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 64 - 8

8 - خدا، غني (بي نیاز) و حميد (ستوده) است .

وإنّ الله لهو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 40 - 22

22 - خدا، پروردگاری غني (بي نیاز) و كريم (بخشنده)

فإن ربّي غنيّ كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 12 - 15

15 - خداوند، « غني » (بي نیاز) و « حميد » (ستوده) است .

فإنّ الله غنيّ حميد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 26 - 10

10 - خداوند، « غني » (بي نیاز) و « حميد » (ستوده مطلق) است .

إنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 15 - 7

7 - خداوند، غني (بي نیاز) و حميد (ستوده) است .

و الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 9

9 - خداوند ، « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 9

9 - خداوند ، یگانه « غنی » ( بی نیاز ) و « حمید » ( ستوده ) است .

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

ص: 148

### 83- فاطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 12

12\_ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: «یا فاطر السموت».

### 84- فتاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 8

8 - خداوند ، « فتاح » ( داوری کننده ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و هو الفتح العلیم

### 85- قابل التوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 2

2 - خداوند ، قبول کننده توبه گنه کاران است .

وقابل التوب

### 86- قدوسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 4

4- فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملک القدّوس



وصف «القدوس»، در پی «الملک»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی  
مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 10

ص: 149

10 - خداوند، «قدوس» (حقیقتی در کمال پاکی و قداست) است.

يَسْبِحُ لِلَّهِ .. الْقُدُّوسِ

«قداست» معادل پاکی و طهارت و «قدوس» مبالغه در قداست است؛ یعنی، بسیار پاک.

### 87- قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 20 - 6

6 - خداوند بر انجام هر کاری تواناست .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 12، 13

12 - قدرت خداوند، قدرتی فراگیر و مطلق است .

أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

13 - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق، امری روشن برای انسانها

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند؛ یعنی، «ألم تعلم أيها الإنسان»، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 22

22 - قدرت و توانایی خداوند، قدرتی فراگیر و همه جانبه است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 148 - 12

12 - خداوند دارای قدرت مطلق است .

إن الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 25

25\_ قدرت مطلق الهی

إنّ الله على كلّ شيء قدير

ص: 150

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 16

16 \_ خداوند ، قدیر است .

و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 6

6 \_ خداوند ، بسیار بخشنده و تواناست .

فإن الله كان عفواً قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 7

7 \_ خداوند ، دارای قدرتی بی پایان و نامحدود

و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 4

4 \_ خداوند ، بر تحقق دادن هر امری تواناست .

و هو على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 10

10 - خداوند ، دارای علم و قدرت گسترده

إن الله علیم قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 5

5 - خدا، دارای قدرت بی کران و نامحدود و توانا بر انجام هر کاری

وَأَنَّهُ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 10

10 - خداوند تحقیقاً بر هر کاری توانا است .

إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 54 - 5

ص: 151

5\_ خداوند ، همواره بر هر چیز توانا است .

و کان ربِّک قدیراً

از دیدگاه برخی از مفسران، «کان» در آغاز چنین جمله ای، دلالت بر استمرار می کند؛ هر چند این جمله خود \_ به خاطر اسمیه بودنش نیز \_ دلالت بر استمرار دارد (آلوسی در روح المعانی، ذیل آیه شریفه). گفتنی است ذکر نشدن متعلق «قدیراً»، حاکی از شمول و فراگیری قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 17

17 - خداوند ، قدیر ( توان مند ) است .

و هو . . . قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 8

8 - خداوند ، « علیم » ( بسیار دانا ) و « قدیر » ( بسیار توانا ) است .

و هو العلیم القدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 12

12 - خداوند ، علیم و قدیر است .

إنَّه کان علیماً قدیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 50 - 3

3 - خداوند ، علیم ( دانا ) و قدیر ( توانا ) است .

إنَّه علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 7

7 - خداوند ، « قدیر » ( توانای مطلق ) و « غفور » ( بسیار آمرزنده ) و « رحیم » ( مهربان ) است .

والله قدیر و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 17

17 - خداوند ، بر هر چیزی توانا است .

إِنِّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 152

5- خداوند ، بر انجام هر کاری توانا است .

و هو علی کلّ شیء قدير

### 88- قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 61 - 22

22\_ خداوند ، به انسان ها نزدیک است و درخواست های آنان را اجابت می کند .

إن ربی قریب مجیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 12

12 - خداوند ، « سمیع » ( بسیار شنوا ) و « قریب » ( بسیار نزدیک ) است .

إنّهُ سمیع قریب

### 89- قوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 66 - 11

11\_ خداوند ، قویّ ( نیرومند ) و عزیز ( شکست ناپذیر ) است .

إن ربک هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 27

27 - خدا ، قویّ ( توانا ) و عزیز ( پیروزمند شکست ناپذیر ) است .

إنّ اللّهُ لقویّ عزیز



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 2

2 - خدا، قویّ (نیرومند) و عزیز (شکست ناپذیر) است .

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 25 - 10

ص: 153

10 - خداوند ، همواره قوی ( توانمند ) و عزیز ( با عزّت ) است .

وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 22 - 6

6 - خداوند ، قویّ ( نیرومند ) است .

إِنَّهُ قَوِيٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 6

6 - تنها خداوند ، قوی ( توانمند و دارای قدرت ) و عزیز ( پیروزمند و شکست ناپذیر ) است .

وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ

«قویّ» و «عزیز» مسند با الف و لام و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 24

24 - خداوند ، « قویّ » ( نیرومند ) و « عزیز » ( پیروزمند شکست ناپذیر ) است .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 5

5 - خداوند ، « قویّ » ( نیرومند ) و « عزیز » ( شکست ناپذیر ) است .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ

## 90- قهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 8

8\_ خداوند، واحد ( یکتا و یگانه ) و قَهَّار ( غالب و شکست ناپذیر ) است .

أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 26

26\_ تنها خداوند واحد ( یکتا ) و قَهَّار ( بسیار غلبه کننده ) است .

وهو الواحد القهّـر

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 48 - 10

10 - خداوند ، واحد ( یگانه ) و قهار ( پیروزمند ) است .

و برزوا لله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 65 - 8

8 - خداوند ، واحد ( یگانه ) و قهار ( غالب و چیره ) است .

الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 9

9 - خداوند ، یکتا و یگانه و چیره و پیروز است .

هو الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 16 - 6

6 - خداوند ، یگانه و قهار ( چیره شونده ) است .

لله الواحد القهار

## 91- قیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 3

3 - خداوند ، « حی » و « قیوم » است .

هو الحی القیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 15

15 - ایمان به خداوند ، اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیت ، قیومیت ، حیات ، مالکیت و علم مطلق اوست .

اللّٰه لا اله الا هو الحیّ القيّوم . . . یؤمن باللّٰه . . . و اللّٰه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 5، 4، 3، 1

1 - معبودی جز خدای یگانه ، زنده و پاینده نیست .

اللّٰه لا اله الا هو الحیّ القيّوم

ص: 155

قیوم به کسی گفته می شود که همواره بوده و هست. (تفسیر روح المعانی، ج 3، ص 8)

3\_ خداوند حیّ (زنده) و قیوم (پاینده) است .

اللّٰه لا اله الاّ هو الحيّ القيوم

4\_ برپایی و دوام هستی ، متکی به خداوند است .

اللّٰه لا اله الاّ هو الحيّ القيوم

قیوم به کسی گویند که: خود پابرجا بوده و نگهبان و قوام بخش همه چیز باشد (مفردات راغب).

5\_ تنها خداوند ، زنده ای است قائم به ذات خویش .

اللّٰه لا اله الاّ هو الحيّ القيوم

حصر در برداشت فوق، بنابراین اساس است که «الحيّ القيوم» خبر برای «اللّٰه» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 3 - 14

14\_ نزول قرآن و تورات و انجیل ، تجلّی یکتایی ، حیات و قیومیت (قائم به ذات و قوام دهنده هستی بودن) خداوند است .

اللّٰه لا اله الاّ هو الحيّ القيوم. نزل عليك الكتاب

از اسناد «نزل» به «اللّٰه» با صفات یکتایی ، حیات و قیومیت برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 3

3 - خداوند ، حیّ و قیوم (زنده و قوام بخش هستی) است .

وعنت الوجوه للحيّ القيوم

«قیوم» به کسی گفته می شود که قائم به ذات خود و حافظ همه چیز بوده و مایه قوام هر چیز را به آن عطا کرده است (مفردات راغب).

**92- کبیر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

37\_ خداوند ، « علیّ » ( بلند مرتبه ) و « کبیر » ( بزرگوار ) است .

انّ الله كان عليّاً كبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 9 - 2

2\_ خداوند ، حقیقتی بزرگ و بلند مرتبه است .

الكبير المتعال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 156

11 - حج - 22 - 62 - 7

7 - خدا، علیّ (بلند مرتبه) و کبیر (بزرگ) است .

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 12

12 - خداوند، «علیّ» (بلندمرتبه) و «کبیر» (بزرگ) است .

و هو العلیّ الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 23 - 14

14 - خداوند، «علیّ» (عالی رتبه) و «کبیر» (بسیار بزرگ) است .

و هو العلیّ الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 7

7 - خداوند، علیّ (برتر) و کبیر (بزرگ) است .

لِلَّهِ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

**93- کریم**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 22

22 - خدا، پروردگاری غنی (بی نیاز) و کریم (بخشنده)

فإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



20 - انفطار - 82 - 6 - 11

11 - « کریم » ، از اسمای خداوند

بریک الکریم

**94- لطیف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 7،8

ص: 157

7\_ تنها خداوند لطیف خبیر است.

و هو اللطیف الخبیر

8\_ چون خداوند لطیف است، قابل رؤیت و ادراک نیست.

لا تدركه الأبصر . . . و هو اللطیف الخبیر

جمله «و هو اللطیف الخبیر» تعلیل برای صدر آیه به صورت لف و نشر است. راغب در معنی لطیف گوید: لطیف به چیزی گفته می شود که حواس آن را درک نمی کند، و اطلاق صفت لطیف بر خداوند از همین جهت می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 10

10 - خدا، لطیف (دقیق) و خبیر (آگاه) است .

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 16 - 14

14 - خداوند، «لطیف» (بسیار دقیق و ریزنگر) «خبیر» (عمیقاً آگاه) است .

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 10

10 - خداوند، همواره لطیف (مهربان) و خبیر (دارای آگاهی همه جانبه) است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 4

4 - خداوند، لطیف (آگاه به پدیده های دقیق و ظریف و ریزه کاری های آنها) است .

«لطيف»، از مصدر «لطفه» به معنای دقيق و از مصدر «لطف»، به معنای اهل رفق و مدارات است. توصيف خداوند به «لطيف» كنايه از آن است كه خداوند در دل و جان اشيا نفوذ مي كند و بر آنها احاطه علمي دارد، به گونه اي كه كسي آن را احساس نمي كند. گفتني است برداشت ياد شده، بر مبناي معنای اول است.

## 95- متعال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - رعد - 13 - 9 - 2

2\_ خداوند، حقيقتي بزرگ و بلند مرتبه است .

الكبير المتعال

ص: 158

## 96- متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 17

17 - یکتا معبود هستی ، دارای عظمت ، کبریایی و شکوه

هو الله... المتکبر

## 97- متین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 58 - 4

4 - خداوند ، نیرومند ( ذوالقوه ) و استوار ( متین ) است .

ذوالقوه المتین

## 98- مجیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 12

12 \_ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن

انک سمیع الدعاء

«سمیع الدعاء»، تنها به معنای شنیدن دعا نیست؛ بلکه کنایه از استجابت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 22

22\_ خداوند ، به انسان ها نزدیک است و درخواست های آنان را اجابت می کند .

إن ربی قریب مجیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12\_ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن است .

فاستجاب له ربه . . . إنه هو السميع

«سمیع» علاوه بر اینکه دلالت بر شنوایی خداوند دارد ، به قرینه «فاستجاب له ربه» حاکی از اجابت دعا نیز می باشد.

ص: 159

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 1 - 1

1\_ «الم» در سوره آل عمران، یعنی منم خداوند مجید.

الم

امام صادق(ع): «الم» فی اول آل عمران، فمعناه انا الله المجید.

---

معانی الاخبار، ص 22، ح 1؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 269، ح 1؛ نور الثقلین، ج 1، ص 309، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 9

9\_ خداوند، حمید (پسندیده کار) و مجید (والا مقام) است.

إنه حمید مجید

«حمید» به معنای محمود (ستایش شونده) است و برخی گفته اند به معنای حامد (ستایش کننده) نیز می تواند باشد. مجید از مجد به معنای عظمت و بزرگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 6

6- «ذوالعرش» و «مجید»، از نام های خداوند است.

ذوالعرش المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 1 - 5

5\_ «قرآن مجید»، عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند

**100- محيط**

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 19 - 5

5 - كافران از هر سو در حيطه قدرت و سلطنت خداوند هستند .

والله محيط بالكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 160

6\_ خداوند ، بر اعمال آدمیان احاطه کامل دارد و به همه جوانب رفتارشان آگاه است .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 20 - 1

1 - خداوند ، بر کافران قدرت کامل و سیطره همه جانبه دارد .

والله من ورائهم محیط

### 101- مراد از بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 14

14 - « عن أبي الحسن الرضا (ع) (في معاني أسماء الله تعالى) « البصير » لا لجزء به أبصر كما أنا نبصر بجزء متأل-كنّ الله بصير لايجهل شخصاً منظوراً إليه . . . و أما « الخبير » فالذی لا يعزب عنه شيء . . . ليس للتجربه و ( لا ) لإعتبار بالأشياء فتفیده التجربة و الإعتبار علماً . . . ;

از امام رضا(ع) (درباره معانی اسماء الله) روایت شده «بصیر» به این معنا نیست که مثل ما انسان ها به وسیله عضو باصره، ببیند بلکه به این معنا است که به هیچ چیز دیدنی جاهل نیست. .. و اما «خبیر» یعنی چیزی که از خدا پنهان نیست نه اینکه قبلاً جاهل بوده و از راه تجربه و اعتبار، علمی را به دست آورده است...».

### 102- مراد از خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 14

14 - « عن أبي الحسن الرضا (ع) (في معاني أسماء الله تعالى) « البصير » لا لجزء به أبصر كما أنا نبصر بجزء متأل-كنّ الله بصير لايجهل شخصاً منظوراً إليه . . . و أما « الخبير » فالذی لا يعزب عنه شيء . . . ليس للتجربه و ( لا ) لإعتبار بالأشياء فتفیده التجربة و الإعتبار علماً . . . ;

از امام رضا(ع) (درباره معانی اسماء الله) روایت شده «بصیر» به این معنا نیست که مثل ما انسان ها به وسیله عضو باصره، ببیند بلکه به این



معنا است که به هیچ چیز دیدنی جاهل نیست. .. و اما «خبیر» یعنی چیزی که از خدا پنهان نیست نه اینکه قبلاً جاهل بوده و از راه تجربه و اعتبار، علمی را به دست آورده است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 7

7- «عن أبي الحسن الرضا (ع) : . . . و أمّا اللطيفُ فليس على قلبه و قضاؤه و صغره و لـ كن ذلك على التّفادى في الأشياء و الامتناع من أن يُدرَك . . . و أمّا الخبير فالذي لا يعزبُ عنه شيءٌ و لا يفوته . . . ;

ص: 161

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . اما این که خداوند لطیف است، به این معنا نیست که کم و نحیف و کوچک است؛ بلکه لطیف بودن خدا به این معنا است که در اشیا نفوذ دارد و درک او ممتنع است. . . . اما خبیر است به این معنا که هیچ چیز از او پنهان نیست و از او فوت نمی شود. . . .»

### 103- مراد از شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 24، 25

24\_ « عن علی (ع) : . . . قوله : « و هو شدید المحال » قال : یرید المکر ؛

از علی(ع) درباره سخن خدا: «و هو شدید المحال» روایت شده است که فرمود: خداوند از «محال» مکر را اراده کرده است.»

25\_ « فی مجمع البیان فی قوله : « شدید المحال » ای شدید الأخذ ، عن علی (ع) ؛

در مجمع البیان درباره سخن خدا: «شدید المحال» از علی(ع) روایت شده: مراد سخت عقوبت کردن اوست.»

### 104- مراد از لطیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 7

7 - « عن أبی الحسن الرضا (ع) : . . . و أمّا اللطیف فلیس علی قلبه و فضائه و صغره و لکن ذلک علی النفاذ فی الأشياء و الامتناع من أن یدرک . . . و أمّا الخبیر فالذی لا یعزب عنه شیءٌ و لا یفوته . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . اما این که خداوند لطیف است، به این معنا نیست که کم و نحیف و کوچک است؛ بلکه لطیف بودن خدا به این معنا است که در اشیا نفوذ دارد و درک او ممتنع است. . . . اما خبیر است به این معنا که هیچ چیز از او پنهان نیست و از او فوت نمی شود. . . .»

### 105- مفهوم احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 14، 15، 16، 18

14 - « عن أبی جعفر (ع) انه قال : من صفه القديم انه واحد أحد صمد أحدی المعنی و لیس بمعانی کثیره مختلفه . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: از صفات [خداوند] قدیم، این است که او یکی، یگانه و صمد است. و صفات او یکی است و او

ترکیبی از صفات بسیار و گوناگون نیست».

15 - « روی ابوداود بن القاسم الجعفری قال : قلت لأبی جعفر الثانی (ع) « قل هو الله أحد » ما معنی الأحد ؟ قال : المجمع علیه بالوحدانیه ;

ابوداود جعفری روایت کرده است: به امام جواد(ع) گفتم [در] «قل هو الله أحد» مقصود از «أحد» چیست؟ فرمود: [یعنی] ذاتی که همه او را به یگانگی قبول دارند».

ص: 162

16 - « عن الباقر (ع) في قول الله تبارك و تعالی « قل هو الله أحد » قال « قل » أى أظهر ما أوحينا إليك و نبأناك به بتأليف الحروف التى قرأناها لك . . . و « هو » اسم مكنى مشار إلى غائب فالهاء تنبيه على معنى ثابت و الواو اشاره إلى الغائب عن الحواس ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تبارك و تعالی «قل هو الله أحد» روایت شده که فرمود: «قل»؛ یعنی، آشکار کن آنچه را به تو وحی کردیم و تو را از آن به وسیله ترکیب حروفی که برای خواندیم، آگاه ساختیم. «هو» اسمی است که با آن به غایب به صورت غیر صریح اشاره می شود. «هاء» یاد آور یک حقیقت ثابت و «واو» اشاره به وجودی است که از حواس پنهان می باشد (با حواس ظاهری قابل درک نیست)».

18 - « سأل رجل علياً عن تفسير هذه السورة فقال « قل هو الله أحد » بلا تأويل عدد ;

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (توحید) سؤال کرد، حضرت فرمود: «قل هو الله أحد»، [احدیت او] بدون بازگشت به عدد است (او واحد عددی نیست)».

## 106- مفهوم صمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 11,13,14,15,16

11 - « قال الباقر (ع) حدّثني أبي زين العابدين عن أبيه الحسين بن علي (ع) أنّه قال : الصمد الذي لا جوف له و الصمد الذي قد انتهى سُودُهُ و الصمد الذي لا يأكل و لا يشرب و الصمد الذي لا ينالم و الصمد الدائم الذي لم يزل و لا يزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود».

13 - « قال وهب بن وهب القرشي سمعت الصادق (ع) يقول : قدم وفد من أهل فلسطين على الباقر (ع) . . . ثمّ سأله عن الصمد فقال : تفسيره فيه ; الصمد خمسة أحرف ، فالألف دليل على إتيته ، . . . و اللام دليل على إلـهيته بأنّه هو الله . . . و أمّا الصاد فـدليل على أنّه عزّوجلّ صادق . . . و أمّا الميم دليل على ملكه و أنّه الملك الحقّ . . . و أمّا الدال فـدليل على دوام ملكه و أنّه عزّوجلّ دائم تعالی عن الكون و الزوال ;

وهب بن وهب گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: هیئتی از فلسطین خدمت امام باقر(ع) رسیدند و از او درباره معنای «صمد» سؤال کردند . . . امام فرمود: تفسیر آن در خود آن است. «الصمد» پنج حرف است: «الف» دلیل است بر ائیت (حقیقت داشتن ذات) او . . . و «لام» دلیل است بر الاهیّت او؛ یعنی که او الله است . . . و «صاد» دلیل است بر این که او \_عزّوجلّ\_ صادق است . . . و «میم» دلیل است بر مَلک بودن او و این که او پادشاه حق است . . . و «دال» دلیل دوام سلطنت او است و این که خداوند \_عزّوجلّ\_ ابدی و برتر از حدوث و زوال است».

14 - « عن داود بن القاسم الجعفری قال : قلت لأبي جعفر الثاني (ع) جعلت فداك ما الصمد؟ قال : السيد المصمود إليه في القليل و الكثير؛

از داوود بن قاسم جعفری روایت شده که به امام جواد(ع) عرض کردم: فدایت گردم مراد از «صمد» چیست؟ فرمود: بزرگواری است که در [نیازهای] کم و زیاد، به او رجوع می شود».

15 - « سأل رجل علياً (ع) عن تفسير هـ\_ذَه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعيض بدد؛

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: .. صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است».

ص: 163

16 - « قال وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ الْقُرَشِيُّ وَحَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكُتِبَ إِلَيْهِمْ . . . انَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ : « اللَّهُ أَحَدٌ . اللَّهُ الصَّمَدُ » ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ « لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ . وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ » . . . هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ ;

وهب 152 بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند؛ امام به آنان نوشت: . . . به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده «اللَّهُ أَحَدٌ . اللَّهُ صَمَدٌ»، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: «لم يلد ولم يولد . ولم يكن له كفواً أحد» . . . او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است».

### 107- مقتدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 8

8 - خداوند ، «ملیک» (فرمانروا) و «مقتدر» است .

فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

### 108- ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 1

1 - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو الله الذی . . . الملک القدوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 9

9 - خداوند ، «ملک» (فرمانروای بی همتای هستی) است .

یسبح لله . . . الملک

### 109- ملیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خداوند ، « ملڪ » ( فرمانروا ) و « مقتدر » است .

فې مقعد صدق عند ملڪ مقتدر

ص: 164

## 110- منتقم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 4 - 14

14\_ خداوند ، « عزیز » ( پیروز شکست ناپذیر ) و « ذوانتقام » ( سخت انتقامگیر ) است .

والله عزیز ذو انتقام

تنوین در «انتقام»، دلالت بر تفخیم و شدت می کند و «ذوانتقام»، مبالغه در انتقام است.

## 111- مولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 5

5\_ خدا ، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 7

7\_ خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

وردوا إلى الله مولیهم الحق

## 112- مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 9

9 - خداوند یگانه هستی ، ایمنی بخش خلق و نظام جهان

هو الله الذی لا إله إلا هو .. المؤمن

## 113- مهیمن



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 11

11 - یگانه معبود هستی ، دارای احاطه و نظارت همه جانبه بر خلق

هو الله الذی لا إله إلا هو .. المهیمن

ص: 165

## 114- نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند - هر چند اعتباری بیش نیست - ولی کاری ناروا است.

## 115- نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 17 - 8

8- خداوند ، تنها « ولی » ( متولی امور ) و « نصیر » ( یاور ) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لا نصیراً

## 116- واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 8

8- خداوند ، واحد ( یکتا و یگانه ) و قهار ( غالب و شکست ناپذیر ) است .

أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 26

26- تنها خداوند واحد ( یکتا ) و قهار ( بسیار غلبه کننده ) است .

و هو الواحد القہر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 48 - 10

10 - خداوند ، واحد ( یگانه ) و قهار ( پیروزمند ) است .

وبرزوا لله الواحد القهار

ص: 166

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 65 - 8

8 - خداوند ، واحد ( یگانه ) و قهار ( غالب و چیره ) است .

اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 9

9 - خداوند ، یکتا و یگانه و چیره و پیروز است .

هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 16 - 6

6 - خداوند ، یگانه و قهار ( چیره شونده ) است .

لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

### 117- وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 3

3 - خداوند ، یگانه وارث همه موجودات است .

وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

### 118- واسع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 7

7 - خداوند ، واسع ( حقیقی نامحدود ) و علیم ( بسیار دانا ) است .

إن الله وسع علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 18، 17

17 - سعه وجودی و دانایی گسترده خداوند

و الله واسع علم

بنابراینکه «واسع» به معنای ذو سعه باشد؛ یعنی خداوند وجودی است واسع و گسترده؛ نه به معنای موسع (گستراننده نعمتها) و

ص: 167

نه به معنای واسع فضله و قدرته.

18 \_ دانایی گسترده خداوند نسبت به شایستگی افراد و سعه وجودی او ، منشأ اعطای حکومت به آنان طبق مشیت خویش

ان الله اصطفیه علیکم . . . و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 261 - 10،12

10 \_ خداوند ، واسع و علیم است .

و الله واسع علیم

12 \_ پاداش خداوند به انفاق کنندگان به چندین برابر ، برخاسته از سعه وجودی و گستردگی رحمت اوست .

و الله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 268 - 12

12 \_ خداوند ، واسع و علیم است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 73 - 16

16 \_ خداوند ، « واسع » ( دارای سعه وجودی ) و « علیم » ( بسیار دانا ) است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 10

10 \_ خداوند ، واسع ( دارای سعه وجودی ) و حکیم ( کاردان ) است .

و کان الله وسعاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 38

38\_ خداوند ، واسع ( دارای سعه وجودی ) و علیم ( دانای مطلق ) است .

والله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 15

15 - خداوند ، واسع ( گشایش دهنده ) و علیم ( دانا ) است .

والله وسع علیم

ص: 168

## 119- ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 7

7\_ خداوند، رحیم (مهربان) و ودود (دوستدار بندگان) است.

إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 14 - 1

1 - خداوند، «غفور» (بسیار آمرزنده) و «ودود» (با محبت) است.

و هو الغفور الودود

## 120- وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 173 - 14، 12

12\_ خداوند، وکیل و کفایت کننده مؤمنان مطیع، صابر، نیکوکار و تقوایبشه

الَّذین استجابوا لله... للَّذین احسنوا منهم و اتَّقوا... و قالوا حسبنا الله و

14\_ خداوند، کفایت کننده مؤمنان و بهترین وکیل برای آنان

حسبنا الله و نعم الوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 81 - 16، 15

15\_ خداوند، وکیل است.

و کفی بالله وکیلا

16\_ خداوند، وکیلی کفایت کننده برای انسان متوکل



و توکل علی اللہ و کفی باللہ وکیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 12

12\_ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 12

12\_ خداوند، نگهبان همه چیز و تدبیر کننده آن است .

والله علی کل شیء وکیل

ص: 169

«وکیل» به کسی گفته می شود که کار دیگری را به عهده گرفته است و چون در آیه شریفه با «علی» متعدی شده معنای حفاظت و نگهداری نیز در آن اشراک شده است. بنابراین جمله «والله علی...» اشاره به این معنا دارد که: خداوند عهده دار، حافظ و نگهبان امور همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 6

6 - خداوند، «وکیل» (کارساز) است.

و کفی باللّه وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 48 - 12

12 - خداوند، «وکیل» (کارساز) است.

و کفی باللّه وکیلاً

## 121- ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 17 - 8

8 - خداوند، تنها «ولی» (متولی امور) و «نصیر» (یاور) است.

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 8

8 - تنها خداوند، ولی (دارای ولایت مطلق) و حمید (شایسته حمد و ستایش) است.

و هو الولیّ الحمید

## 122- وهاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16\_ تنها خداوند ، وهّاب (بخشنده بلاعوض ) است .

انّك انت الوهّاب

حصر از ضمیر فصل استفاده می شود. «هیه» به معنای بخشش بدون عوض است. (مفردات راغب).

17\_ بخشندگی هر کس جز خدا ، همراه با چشمداشت و عوض خواهی است .

انّك انت الوهّاب

ص: 170

برداشت فوق از مفهوم حصر استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 9 - 6

6 - خداوند ، عزیز ( توانمند شکست ناپذیر ) و وهّاب ( بسیار بخشنده ) است .

رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 12

12 - خداوند ، وهّاب ( بسیار بخشنده ) است .

إِنِّكَ أَنْتَ الْوَهَّابِ

اسم اعظم

### 123- اسم اعظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 33

33\_ هابیل و قایل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قایل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (

ع ) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یدفع الوصیه و اسم الله الاعظم الی هابیل و کان قایل اکبر منه فبلغ ذلک قایل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحی من الله الیه ففعلا ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- « فی مجمع البیان قال الصادق (ع) : البیان الإسم الأعظم الذی به علم کلّ شیء ۛ

در مجمع البیان آمده است که امام صادق(ع) فرمود: «بیان» اسم اعظم الهی است که به وسیله آن آگاهی بر همه چیز حاصل می شود».

#### 124- اسم اعظم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 11

ص: 171

11 - اسماعیل بن مهران گوید: امام رضا (ع) فرمود: « ان بسم الله الرحمن الرحيم أقرب إلى اسم الله الأعظم من سواد العين إلى بياضها »

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 1 - 4

4 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « الم » هو حرف من حروف اسم الله الأعظم المقطع في القرآن ، الذي يؤلفه النبي و الإمام فإذا دعا به أجيب . . . »

«الم» حرفی از حروف اسم اعظم خداست که در قرآن تقطیع شده است و پیامبر و امام آن را ترکیب می کنند. پس هرگاه خدا را با آن بخوانند دعایشان مستجاب می شود».

### 125- علم به اسم اعظم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 27

27 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إنَّ اسم الله الأعظم على ثلاثة و سبعين حرفاً و إنّما كان عند آصف منها حرف واحد فتكلّم به فخرسف بالأرض ما بينه و بين سرير بلقيس حتّى تناول السرير بيده ثمّ عادت الأرض كما كانت أسرع من طرفه عين »

از امام باقر (ع) روایت شده است که اسم اعظم الهی دارای 73 حرف است و آنچه آصف بن برخیا داشت تنها یک حرف از آن بود که با به زبان آوردن آن حرف، زمین در فاصله بین او و تخت بلقیس فرود رفت تا آن که آصف دست برد و تخت بلقیس را گرفت. سپس زمین به حالت اولیه اش که داشت برگشت و این کار سریع تر از یک چشم برهم زدن انجام گرفت».

ص: 172

## 2- اسماعیل (ع)

### 1- اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 4

4- اسماعیل و اسحاق (ع)، فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و هدیه و بخشش الهی به او بود.

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسحـق

### 2- آثار صبر اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 2

2- مقام صبر در اسماعیل، ادریس و ذوالکفل (ع)، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسـم عیل . . . کلّ من الصـبرین . و أدخلنـهم فی رحمتنا

### 3- آثار صلاحیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 5

5- صالح و شایسته بودن اسماعیل، ادریس و ذوالکفل (ع)، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسـم عیل . . . و أدخلنـهم فی رحمتنا إثم من الصـلحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إثم من الصالحین» تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

#### 4- آثار قصه ذبح اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 106 - 2

2 - آشکار شدن درجه ایمان و خلوص ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در جریان قربانی

إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمَبِينُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آزمایش مؤمنان برای نمایاندن درجه ایمان و اخلاص آنان است و ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) با سربلند بیرون آمدن از این آزمایش بزرگ الهی، خلوص خود را در بلندترین مرتبه نشان دادند.

#### 5- احسان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 105 - 7

7 - ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل ، از محسنان اند .

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين

#### 6- اخلاص اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 8

8 - توجه و خلوص کامل ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند ، هنگام ساختن کعبه

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت وإسماعيل ربنا تقبل منا

سیاق جمله فوق مقتضی این است که «ربنا تقبل منا» با کلمه ای همانند «قالا» آورده شود. حذف این کلمه اشاره به این نکته دارد که: توجه ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند هنگام بنای کعبه، چنان بود که گویا از مرحله سخن گذشته و به یک حالت و صفت برای آنان تبدیل شده بود.

#### 7- ادراک اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



15 - اسماعیل ، مأموریت پدرش در رؤیا را مبنی بر ذبح کردن وی درک کرد .

ص: 174

إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ . . . قَالَ يَٰأَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) تنها خواب خود را برای اسماعیل نقل کرد و از مأمور بودن خود سخنی به میان نیاورد؛ ولی اسماعیل(ع) این خواب را مأموریت الهی تلقی کرد و به پدر گفت: پدر جان مأموریت خود را انجام بده.

### 8- اسکان اسماعیل(ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 37 - 20

20- « عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) قال : إن إبراهيم (ع) لما أسكن اسماعيل (ع) وهاجر مکه . . . قال : « اللّٰهم إني أسكنت من ذرّيتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم . . . فاجعل أفئده من الناس تهوى إليهم . . . » فأوحى الله إلى ابراهيم عن أصدأ أباقبيس فناد في الناس : يا معشر الخلائق إن الله يأمرکم بحج هـ\_ذا البيت الذي بمکه . . . فهناک . . . وجب الحج علی جميع الخلائق . . . »

از امام کاظم(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع)، اسماعیل و هاجر را در مکه اسکان داد . . . گفت: پروردگارا! «إني أسكنت من ذرّيتي بواد غير ذي زرع . . .». پس خداوند به او وحی کرد: بر بالای کوه ابوقبیس برو، پس در میان مردم ندا ده: ای مردمان! همانا خداوند شما را به حج این خانه ای که در مکه است امر کرده . . . پس آن جا بود که حج بر تمام خلائق واجب شد».

### 9- اسماعیل(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 86 - 2

2\_ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاً هدینا . . . و من ذرّيته . . . کل من الصّٰلِحین . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 4

4- اسماعیل، ادریس و ذالکفل (ع)، در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إنهم من الصّٰلِحین

### 10- اسماعیل(ع) عموی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



20 - از امام باقر (ع) روایت شده که: «... قال تعالى في قصة يعقوب « قالوا نعبد إلهك وإله آبائك إبراهيم و اسماعيل و اسحاق » و اسماعيل كان عمّ يعقوب (ع) و قد سماه أباً في هذه الآية» ;

... خداوند در قصه یعقوب فرموده: [فرزندان یعقوب در جواب پدر] گفتند: ما خدای تو و پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم. و اسماعیل عموی یعقوب بود، در حالی که خداوند او را در این آیه، پدر خوانده است».

## 11- اسماعیل (ع) و بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 18، 16، 3، 1

1 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت و إسماعيل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت «البيت» مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

3 - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت و إسماعيل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

16 - از امام صادق (ع) روایت شده است: «... فلما أمر الله عز و جل ابراهيم ان يبني البيت و لم يدرفي ايّ مكان بينيه فبعث الله جبرئيل فخطّ له موضع البيت فانزل الله عليه القواعد من الجنة... فبنى ابراهيم البيت و نقل اسماعيل الحجر من ذى طوى فرفعه الى السماء تسعه اذرع...» ;

... چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از «ذی طوی» سنگ آورد و ابراهیم(ع) [دیوارهای] خانه را تا نه ذراع بالا آورد...».

18 - از امام صادق (ع) روایت شده که: «... كان البيت دره بيضاء فرفعه الله إلى السماء و بقي أساسه... فأمر الله ابراهيم و اسماعيل أن يبني البيت على القواعد» ;

... خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا برد و اساس آن باقی ماند... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را

مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند».

## **12- اسماعیل (ع) هنگام استماع آیات خدا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

ص: 176

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بکياً

### 13- الگوگیری از اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 85 - 3

3- اسماعیل، ادريس و ذوالکفل (ع)، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و اسم عیل و ادريس و ذالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف «صابران» معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 6

6 - اسماعیل، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر اسم عیل و الیسع و ذالکفل و کلّ من الأخیار

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان درس آموز و سازنده است.

### 14- امتحان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 6

6 - ابراهیم (ع)، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

أنتی أذبحک فانظر ماذا تری

**15- انفاق خویشاوندان اسماعیل (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

ص: 177

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ . . . وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا

## 16- انقیاد اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 1

1 - ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندان آنان، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشارالیه «تلک» پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری «تلک» برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 1

1 - ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع)، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه «تلک» پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری «تلک» برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 12

12 - تسلیم و انقیاد کامل ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع)، در برابر فرمان خداوند

أَتَىٰ أَذْبَحِكْ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يٰـأَبَتُ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 103 - 1,4

1 - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع)، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ . . . قَالَ يٰـأَبَتُ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ . . . فَلَمَّا أَسْلَمَا



4 - تسلیم اسماعیل (ع) در برابر فرمان ذبح شدن ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنا به بغلّم حلیم .. فلّمّا أسلما و تّله للجبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 104 - 1

1 - ندای خداوند به ابراهیم (ع) ، پس از تسلیم آن حضرت و فرزندش اسماعیل در برابر فرمان ذبح

فلّمّا أسلما .. و ندینّه أن یـ ابرهیم

ص: 178

## 17- ایمان به تعالیم اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 136 - 1

1 - ضرورت ایمان داشتن به خدا، قرآن و احکام و معارف نازل شده بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع)

قولوا ءامنوا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلى إبرهیم . . . و یعقوب

## 18- بشارت به اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 101 - 1

1 - تولّد نوجوانی بردبار ( اسماعیل )، بشارت خداوند به ابراهیم (ع)

فبشّرنا به غلام حلیم

«غلام» به پسری می گویند که تازه سبیل درآورده باشد و در اصطلاح فارسی به او نوجوان می گویند. گفتنی است مقصود از این نوجوان در این آیه - به قرینه آیات بعد - اسماعیل (ع) است.

## 19- بشارت ولادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 101 - 11، 1

1 - تولّد نوجوانی بردبار ( اسماعیل )، بشارت خداوند به ابراهیم (ع)

فبشّرنا به غلام حلیم

«غلام» به پسری می گویند که تازه سبیل درآورده باشد و در اصطلاح فارسی به او نوجوان می گویند. گفتنی است مقصود از این نوجوان در این آیه - به قرینه آیات بعد - اسماعیل (ع) است.

11 - « بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبد الله (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته باسحاق قال کان بین

البشارتين خمس سنين قال الله سبحانه فيشّ رناه بـغلام حلّيم يعنى اسماعيل . . . فلما كان فى الليل أتى ابراهيم آت من ربّه فأراه الرؤيا فى ذبح ابنه اسماعيل بموسم مكه . . . ثم انطلقا إلى السعى فلما صارا فى المسعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يا بنى إني أرى فى المنام أنّى أذبحك فى موسم عامى هـ فماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . وفدى اسماعيل بكبش عظيم فذبحه و

ص: 179

تصدق بلحمه علی المساکین ؛

برید عجلی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: «فبشّرناه بغلام حلیم؛ یعنی، ... چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم (ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد».

## 20- بینش اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 18

18 - اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر، منوط به مشیت خدا دانست .

یَأْتِ افْعَلْ مَا تَوَمَّرْ سَتَجِدْنِي اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصَّـبِرِ

## 21- پاداش اخروی اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 3

3 - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمة قد خلت لها ما كسبت

تقدیم «لها» بر «ما کسبت» گویای حصر است. بنابراین «لها ما کسبت»؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 3

3 - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تقدیم «لها» بر «کسبت» گویای حصر است. بنابراین «لها ما کسبت»؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

## 22- پیامبر درخواستی اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 1, 2, 3

1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل، از دعاها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك... ربنا وابعث فيهم رسولا منهم

ضمیر در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمه رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

2 - تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب آسمانی، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند.

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك ويعلمهم الكتب والحكمة ويزكيهم

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند.

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم... يزيكهم

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است.

## 23- پیشگامی اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 14

14 - پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذالکفل، یونس، زکریا و یحیی (علیهم السلام)، پیشگامان در کارهای خیر

ولقد آتينا موسى وهرون... يحيى... إناهم كانوا يسرعون في الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إناهم كانوا يسرعون...» به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (48\_ 90) از آنان یاد شده است.

## 24- تاریخ ولادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 8

8- اسماعیل (ع)، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود.

وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسح ق

ص: 181

از تقدم ذكرى اسماعيل (ع) بر اسحاق (ع) در اين آيه و آيات مشابه تقدم سنى استفاده مى شود و تاريخ نيز مؤيد اين برداشت است.

### 25- تزكیه نسل اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 129 - 2

2- تلاوت آيات الهى ، تعليم كتاب آسمانى ، آموزش حكمت ( معارف و احكام دين و . . . ) و پاكسازى نسل ابراهيم و اسماعيل (ع) از آلودگى ها و ناخالصى ها ، از ويژگى هاى پيامبرى كه ابراهيم و اسماعيل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وبعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آيتك و يعلمهم الكتب و الحكمة و يزكيهم

### 26- تعاليم دين اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 55 - 2

2- نماز ، زكات و انفاق ، داراى اهميت ويژه در آيين اسماعيل صادق الوعد

و كان يأمر أهله بالصلوة و الزكوة

اصرار حضرت اسماعيل (ع) بر نماز و زكات (انفاق)، نشان اهميت آن دو، در آيين آن حضرت بود.

### 27- تقرب اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 127 - 5

5- ساختن كعبه ، فرمانى از جانب خدا به ابراهيم و اسماعيل (ع) و مايه تقرب آنان به درگاه خدا

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا تقبل منا

تقاضاى ابراهيم و اسماعيل (ع) از خداوند مبنى بر پذيرفته شدن عملشان (ساختن كعبه)، مستلزم آن است كه خداوند فرمان به ساختن كعبه داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 107 - 2



2- فرزند ابراهیم (ع) (اسماعیل)، برخوردار از عظمت و مقام والا در پیشگاه خداوند

و فدینه بدبح عظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که عظمت فدیه در قبال هر چیزی، حکایت از عظمت آن چیز دارد.

ص: 182

## 28- تقوای اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7- داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل (علیهم السلام)، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند.

و اذکر داود... إسم عیل و الیسع و ذالکفل... هـ ذاکر و إن للمتقین لحسن مئاب

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

## 29- تلاش اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 1

1- اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت.

فبشّرناه بغلْم حلیم . فلما بلغ معه السعی

## 30- توحید اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 133 - 10

10 - یعقوب، ابراهیم، اسماعیل و اسحق (ع) موحدان پرستشگر خدای یکتا

نعبد إلهک و إله ءابائک إبرهیم و إسمعیل و إسحق

## 31- حسن فرجام اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7- داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل (علیهم السلام)، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان

بودند .

و اذكر داود . . . اسم عيل و اليسع و ذالكفل . . . هـ ذاك ذكر و ان للمتقين لحسن مئاب

ص: 183

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

### 32- حلم اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 101 - 6

6 - حلم و بردباری ، برجسته ترین صفت اسماعیل ( فرزند بشارت داده شده به ابراهیم (ع) )

فبشرنه بغلیم حلیم

توصیف «غلام» به «حلیم»، به جای هر صفت پسندیده دیگری، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 33- حیات اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 105 - 5

5 - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدقت الرءیا إنا کذلک نجزی المحسنین

### 34- خانه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 23

23\_ مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه ایات بیّنات مقام ابراهیم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از «ایات بیّنات» در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فآثرت فیه قدماه و الحجرالاسود و منزل اسماعیل.

## 35- خدمتگزاری اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 184

17 - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع)، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند.

عهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل أن طهرا بيتي

### 36- خواسته های اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 7,8,10

7 - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

مَنَسَّک (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین «أرنا مناسکنا»؛ یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

8 - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد.

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد.

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 1,2,3

1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل، از دعاها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لک .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمة رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندانش.

2 - تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب آسمانی، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی‌ها و ناخالصی‌ها، از ویژگی‌های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند.

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند.

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم... یرزقهم

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است.

ص: 185

## 37- دعای اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 4

4- ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان ( ساختن کعبه ) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 1،2،7،8،10

1 - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه

و إذ يرفع إبراهيم القواعد .. ربنا واجعلنا مسلمين لك

2- ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند خواستند تا از میان نسلشان گروهی را به مقام تسلیم نایل سازد .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

در برداشت فوق «من» در «من ذریتنا» به معنای بعض گرفته شده است.

7- تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن ، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

منسک (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین «أرنا مناسکنا»؛ یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

8- ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا



1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل ( ع ) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك . . . ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمة رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

### 38- دعوت از خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 1

1- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

### 39- دعوت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 1

1- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

### 40- دلداریهای اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 20

20 - دلداری اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) در ارتباط با دستور قربانی کردن او

يَأْتِ أَفْعَلُ مَا تَوَمَّرَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

اشاره اسماعیل (ع) به صبر و شکیبایی خویش در ارتباط با قربانی شدنش، می تواند به منظور دلداری به پدر خود (ابراهیم (ع)) باشد.

### 41- دین اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 5

5- ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب (ع) و نوادگان او، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. كانوا هوداً أو نصری

جمله «أم تقولون ..» در بردارنده استفهام انکاری توییخی است؛ یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

ص: 187

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 3,5,6,9,10,11,15,16,24

3 - خواب دیدن ابراهیم (ع)، مبنی بر ذبح فرزند نوجوانش اسماعیل

قال یـبنیٰ ائی اری فی المنام ائی اذبحک

5 - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع)، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

ائی اذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله «فانظر ماذا تری» (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظرخواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، استفاده ابراهیم (ع) از نظرات اسماعیل (ع) نبود؛ بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل (ع)

6 - ابراهیم (ع)، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

ائی اذبحک فانظر ماذا تری

9 - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع)، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یـأبت افعل ما تؤمر

10 - ذبح فرزند (اسماعیل) برای ابراهیم (ع)، یک مأموریت الهی بود .

ائی اذبحک .. قال یـأبت افعل ما تؤمر

11 - مأموریت ابراهیم (ع)، به ذبح فرزندش از راه خواب بود .

یـبنیٰ ائی اری فی المنام ائی اذبحک .. قال یـأبت افعل ما تؤمر

15 - اسماعیل، مأموریت پدرش در رؤیا را مبنی بر ذبح کردن وی درک کرد .

ائی اری فی المنام ائی اذبحک .. قال یـأبت افعل ما تؤمر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که حضرت ابراهیم (ع) تنها خواب خود را برای اسماعیل نقل کرد و از مأمور بودن خود سخنی

به میان نیاورد؛ ولی اسماعیل(ع) این خواب را مأموریت الهی تلقی کرد و به پدر گفت: پدر جان مأموریت خود را انجام بده.

16 - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

ی-أبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

24 - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرناه بغلْمِ حلیم . . . ی-أبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل(ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 103 - 4،2،1

ص: 188

1 - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُ .. قَالَ يٰ-أَبَتِ افْعَلْ مَا تَأْمُرُ .. فَلَمَّا أَسْلَمَا

2 - ابراهیم (ع) ، برای قربانی کردن فرزندش اسماعیل (ع) او را با یک طرف پیشانی اش به خاک افکند .

و تَلَّهَ لِلجَبِينِ

«تَلَّ» (مرادف «صرع») به معنای «به خاک افکند» است و «جبین» به معنای یک سوی پیشانی است.

4 - تسلیم اسماعیل (ع) در برابر فرمان ذبح شدن ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبَشَّرْنَاهُ بَغُلٍّ مَّحْلِيمٍ .. فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهَ لِلجَبِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 104 - 1

1 - ندای خداوند به ابراهیم (ع) ، پس از تسلیم آن حضرت و فرزندش اسماعیل در برابر فرمان ذبح

فَلَمَّا أَسْلَمَا .. وَ نَدِينَاهُ أَن يٰ-إِبْرَاهِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 105 - 2,5

2 - به خاک افکندن اسماعیل با یک طرف پیشانی او ، پایان مأموریت ابراهیم (ع) به ذبح فرزندش بود .

إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُ .. وَ تَلَّهَ لِلجَبِينِ ... قَدْ صَدَّقْتَ الرِّءْيَا

5 - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قَدْ صَدَّقْتَ الرِّءْيَا إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

### 43- ذکر دعای اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 15

15 - خاطره بنای کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل (ع) و دعا های آنان در آن هنگام ، خاطره ای شایسته و بایسته به یادداشتن

وإذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت وإسماعيل ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکروا» باشد.

#### 44- ذکر قصه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 85 - 2

2- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

ص: 189

وإسم عییل . . . کلّ من الصّـ برین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب «اسماعیل» به وسیله عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 1

1 - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و اذکر إسم عییل و الیسع و ذالکفل

### 45- رضایت از اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنّه کان صادق الوعد . . . و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه و کان عند ربّه مرضیاً

### 46- رضایت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 9

9 - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع) ، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یـأبت افعل ما تؤمر

### 47- زکات خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنّه کان صادق الوعد . . . و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه و کان عند ربّه مرضیاً



**48- زمينه ظهور ايمان اسماعيل (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 190

2- آشکار شدن درجه ایمان و خلوص ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در جریان قربانی

إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آزمایش مؤمنان برای نمایاندن درجه ایمان و اخلاص آنان است و ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) با سربلند بیرون آمدن از این آزمایش بزرگ الهی، خلوص خود را در بلندترین مرتبه نشان دادند.

#### 49- سجده اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادیس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بكيّاً

#### 50- سختی ذبح اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 106 - 3

3- تکلیف ابراهیم (ع) به ذبح فرزندش اسماعیل، محنت و رنجی آشکار برای ایشان بود .

إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

یکی از معانی و کاربرهای «بلاء»، محنت و رنج است و برداشت یاد شده با توجه به همین معنا و کاربرد می باشد.

#### 51- سوگند به اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

ووالد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که «والد و ما ولد»، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 191

3 - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أقسم .. لقد خلقنا الإنسان في كبد

این آیه ، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود .

### 52- شخصیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11

11 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

### 53- صبر اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 85 - 3، 2، 1

1- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمِ عیل .. کلّ من الصّـبرین

2- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمِ عیل .. کلّ من الصّـبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب «اسماعیل» به وسیله عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» باشد .

3- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمِ عیل و ذوالکفل کلّ من الصّـبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف «صابران» معرفی کرده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 16,24

16 - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

ی-أبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الص-برین

24 - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر، نشانه حلم و بردباری او است.

فبشّرناه بغل-م حلیم . . . ی-أبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الص-برین

ص: 192

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل (ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

#### 54- صداقت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 4,5

4- صداقت در وعده، از صفات برجسته اسماعیل (ع) بود.

واذکر فی الکتب اسمِ عیلِ إله کان صادق الوعد

5- صداقت در وعده، رسالت و نبوت اسماعیل (ع)، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب اسمِ عیلِ إله کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

#### 55- عبادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 1

1 - ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع)، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه «تلک» پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری «تلک» برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

#### 56- عبرت از قصه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 85 - 2

2- سرگذشت اسماعیل، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و اسمِ عیلِ ... کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «اسماعیل» به وسیله عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 2

2- سرگذشت اسماعیل، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام)، درس آموز و سازنده برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و اذکر اسم عیل و الیسع و ذالکفل

ص: 193

توصیه خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل (ع) و... می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

### 57- علایق اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 3

3 - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لک

### 58- عمل خیر اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

ولقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 3

3- اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و کلّ من الأخیار

اخیار به دو معنا است: 1\_ جمع «خیر» \_ با تشدید یاء \_ به معنای نیکوکار است. 2\_ جمع «خیر» \_ به سکون یاء \_ در مقابل «شر» است. برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

### 59- فضایل اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 4



4\_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

وزکریا و یحیی . . . و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 194

4- صداقت در وعده، از صفات برجسته اسماعیل (ع) بود.

واذکر فی الکتب اسم عیل إته کان صادق الوعد

5- صداقت در وعده، رسالت و نبوت اسماعیل (ع)، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب اسم عیل إته کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

10- حضرت اسماعیل (ع)، دارای منزلتی ویژه نسبت به حضرت اسحاق (ع)

واذکر فی الکتب اسم عیل

چنانچه مراد از «اسماعیل(ع)» در آیه، همان فرزند ابراهیم(ع) باشد، برای تأخیر نام او از نام اسحاق و یعقوب در آیات قبل، وجوهی به نظر می رسد؛ از جمله این که، چون مادر اسماعیل در اعتزال و هجرت ابراهیم(ع) همراه او نبود، در آن آیات، تنها به نام فرزندان ساره (هم سفر ابراهیم) اکتفا شد؛ دیگر این که آن آیه در مقام بیان انیس های ابراهیم(ع) در غربت پس از هجرت است، ولی اسماعیل در خردسالی از او جدا شده بود. سومین وجه که برداشت یادشده بر آن مبتنی است این است که شرافت برتر اسماعیل(ع)، موجب یاد مستقل از او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 1

1- زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل و ادریس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أولئك الذین أنعم الله علیهم

«وَأُولَئِكَ» اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله «أَنْعَمَ اللَّهُ...» نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 85 - 3، 1

1- اسماعیل، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند.

و اسم عیل... کل من الصبرین

3- اسماعیل ، ادريس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و اسم\_عیل و إدريس و ذالکفل کلّ من الصّـبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف «صابران» معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 1,4

1- اسماعیل ، ادريس و ذالکفل (ع) ، از رحمت خاص الهی برخوردار بودند .

و اسم\_عیل . . . و أدخلنهم فی رحمتنا

ص: 195

از اختصاص به ذکر یافتن اسماعیل، ادريس و ذالكفل (ع) به بهره مند شدن از رحمت الهی، برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا رحمت خداوند شامل همه موجودات است و همه به نحوی از رحمت خداوند بهره مندند.

4- اسماعیل، ادريس و ذالكفل (ع)، در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إناهم من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 101 - 6

6 - حلم و بردباری، برجسته ترین صفت اسماعیل (فرزند بشارت داده شده به ابراهیم (ع))

فبشّرناه بغلام حلیم

توصیف «غلام» به «حلیم»، به جای هر صفت پسندیده دیگری، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 12

12 - تسلیم و انقیاد کامل ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع)، در برابر فرمان خداوند

أنتی أذبحک فانظر ماذا تری قال یأبت افعل ما تؤمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 105 - 7

7 - ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل، از محسنان اند .

قد صدقت الرءیا إنا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 4,6

4 - اسماعیل، یسع و ذالكفل (علیهم السلام) از خوبان و نیکان بودند .

و کلّ من الأخیار

6- اسماعیل، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر اسم عیل و الیسع و ذالکفل و کلّ من الأخیار

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان درس آموز و سازنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7- داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل (علیهم السلام)، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند.

و اذکر داود... اسم عیل و الیسع و ذالکفل... هـ ذاکر و إنّ للمتقین لحسن مناب

ص: 196

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 4، 2

2 - اسماعیل ، فرزندی شایسته برای ابراهیم (ع)

و والد و ما ولد

تعبیر «ما ولد» در مورد انسان \_ با آن که درباره عاقلان، عبارت «من ولد» گفته می شود \_ از تحسین برانگیز بودن موضوع حکایت دارد؛ زیرا کلمه «ما» \_ که ابهام بیشتری دارد \_ نشان می دهد که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

4 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، پدر و فرزندی ارجمند در پیشگاه خداوند

و والد و ما ولد

سوگند خداوند بر عظمت چیزی دلالت دارد که به آن سوگند یاد شده است. نکره آمدن «والد» نیز برای تعظیم است.

### 60- فلسفه تعظیم اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 5

5- صداقت در وعده ، رسالت و نبوت اسماعیل (ع) ، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب اسمعیل إنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

### 61- فلسفه ذبح اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 106 - 1

1 - تکلیف ابراهیم (ع) به ذبح فرزندش اسماعیل (ع) ، یک آزمایش الهی بود .

إن هـذا لهو البلاء المبین

### 62- فواید قصه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 4

4 - سرگذشت داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام)، مایه یاد و

ص: 197

و اذکر داود . . . سلیم ن . . . ایوب . . . ابرهیم و إسح ق و یعقوب . . . اسم عیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که «ه\_ذا» می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

### 63- قصه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 17

17 - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی ابرهیم و اسمعیل أن طهرا بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 1,3,4

1 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت «البیت» مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

3 - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

4 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه

و إذ یرفع ابرهیم القواعد .. ربنا واجعلنا مسلمین لک

3 - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لک

8 - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. أرنا مناسکنا

ص: 198

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع)، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد.

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 1,2,5,6,9

1 - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت.

فبشرنه بغلیم حلیم . فلما بلغ معه السعی

2 - اسماعیل (ع)، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلما بلغ معه السعی

از آمدن قید «معه» (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

5 - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع)، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

أنی أذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله «فانظر ماذا تری» (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظرخواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، استفاده ابراهیم (ع) از نظرات اسماعیل (ع) نبود؛ بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل (ع)

6 - ابراهیم (ع)، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود.

أنی أذبحک فانظر ماذا تری

9 - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع)، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یأبت افعل ما تؤمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 103 - 1

1 - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُ . . . قَالَ يَا بَنِيَّ أَفْعَلْ مَا تَأْمُرُ . . . فَلَمَّا أَسْلَمَا

#### 64- قصه ذبح اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 101 - 11

11 - « بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبد اللہ (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللہ سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما کان فی اللیل أتى ابراهیم آت من ربّه

ص: 199

فأراه الرؤيا في ذبح ابنه اسماعيل بموسم مكة . . . ثم انطلقا إلى السعي فلما صارا في المسعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يا بني إني أرى في المنام أنني أذبحك في موسم عامي هـ\_ ذافماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . وفدى اسماعيل بكبش عظيم فذبحه و تصدق بلحمه على المساكين ;

بريد عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: «فبشّرناه بغلام حلیم؛ یعنی، . . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 20

20 - دلداری اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) در ارتباط با دستور قربانی کردن او

ی\_أبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصبرين

اشاره اسماعیل(ع) به صبر و شکیبایی خویش در ارتباط با قربانی شدنش، می تواند به منظور دلداری به پدر خود (ابراهیم(ع)) باشد.

### 65- قضاوت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3\_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

### 66- کیفیت ذبح اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 103 - 2

2- ابراهیم(ع)، برای قربانی کردن فرزندش اسماعیل(ع) او را با یک طرف پیشانی اش به خاک افکند .

و تَلَّه لِّلجَبِينِ

«تَلَّ» (مرادف «صرع») به معنای «به خاک افکند» است و «جبین» به معنای یک سوی پیشانی است.

ص: 200

## 67- گریه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادیس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بكيّاً

## 68- محافظت از اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 107 - 1

1 - خداوند، به جای قربانی اسماعیل (ع)، قربانی دیگری پذیرفته و جان او را حفظ کرد .

و فدينه بذبح عظيم

«فديه» و «فداء» (از ماده «فدینا») به معنای قرار دادن چیزی به جای شیء دیگری به منظور دفع ضرر از آن شیء است.

## 69- محبت ابراهیم (ع) به اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 21

21 - اظهار علاقه و محبت ابراهیم (ع) نسبت به فرزندش (اسماعیل) و احترام و اظهار تعلق اسماعیل (ع) نسبت به پدر

یـبنیّی ائی اری فی المنام... یـأبت افعل ما تؤمر

برداشت یاد شده از تعبیر «یابنی» (پسرک من) و «یاأبت» (پدر من) به دست می آید.

## 70- محمد (صلی الله علیه و آله) از نسل اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 3

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ . . . يَزَكِّيهِمْ

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است.

ص: 201

## 71- مسؤولیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 14، 11

11 - تطهیر خانه خدا و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی، توصیه و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیته

14 - مهیا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف، عبادت، رکوع و سجود، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیته للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق «تطهیر» - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 5

5 - ساختن کعبه، فرمانی از جانب خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع) و مایه تقرب آنان به درگاه خدا

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل ربنا تقبل منا

تقاضای ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند مبنی بر پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه)، مستلزم آن است که خداوند فرمان به ساختن کعبه داده باشد.

## 72- مسیحیان و اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11، 9

9 - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب، از ظالمترین مردم هستند.

أم تقولون إن إبرهیم... و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای «شهاده من الله» به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم (ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

11 - ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا



أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصري

### 73- مسيحيان و دين اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 140 - 2

ص: 202

2- نصارا آیین ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند.

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل .. كانوا هوداً أو نصری

#### 74- مشاوه ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 5

5- مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع)، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

أنی أذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله «فانظر ماذا تری» (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظرخواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، استفاده ابراهیم (ع) از نظرات اسماعیل (ع) نبود؛ بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل (ع)

#### 75- مقامات اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3\_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 107 - 2

2- فرزند ابراهیم (ع) (اسماعیل)، برخوردار از عظمت و مقام والا در پیشگاه خداوند

و فدیته بذبح عظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که عظمت فدیة در قبال هر چیزی، حکایت از عظمت آن چیز دارد.

#### 76- منشأ صبر اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 18

18 - اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر، منوط به مشیت خدا دانست .

ص: 203

یـأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصـبرین

## 77- نبوت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 84 - 2

2\_ ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابرهیم . . . و الاسباط

چون «الاسباط» به معنای نوه ها \_ پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4\_ ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3\_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 5

5- صداقت در وعده، رسالت و نبوت اسماعیل (ع)، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب اسم عیل إنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

## 78- نسب اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 4

4- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (اسحاق، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند.

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم

ص: 204

## 79- نسل اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 128 - 3,6,10

2 - ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند خواستند تا از میان نسلشان گروهی را به مقام تسلیم نایل سازد .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

در برداشت فوق «من» در «من ذریتنا» به معنای بعضی گرفته شده است.

3 - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمة مسلمة لك

6 - تمامی ذریه ابراهیم و اسماعیل (ع) ، شایستگی نایل شدن به مراحل والای تسلیم را دارا نیستند .

و من ذریتنا أمة مسلمة لك

«من» در «من ذریتنا» برای تبعیض است و گویای برداشت فوق می باشد.

10 - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 3,1

1 - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك . . . ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیم در «فیهم» و «منهم» محتمل است به «أمة مسلمة» در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به «أهله» در آیه 126 بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، «ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمه رسولا منهم». دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندان.

3 - محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم . . . يزكّهم

به گفته همه مفسران، مراد از «رسولا» پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 107 - 3

3 - « علی بن الحسن بن علی بن الفضال عن أبيه قال : سألت أبا الحسن علی بن موسی الرضا (ع) عن معنی قول النبی (صلی الله علیه و آله) : أنا ابن الذبیحین قال : یعنی اسماعیل بن ابراهیم . . . فلما عزم علی ذبحه فداه الله بذبح عظیم ، بکبش أملح . . . وکان یرتع قبل ذلک فی ریاض الجنّه أربعین عاماً و ما خرج من رحم أثنی . . . »

علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش نقل می کند که از امام رضا(ع) از سخن رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که فرمود: «من فرزند دو ذبیح هستم» پرسیدم، فرمود: [یکی از آن دو] اسماعیل فرزند ابراهیم است . . . چون ابراهیم تصمیم به قربانی کردن اسماعیل گرفت،

ص: 205

خداوند قربانی بزرگی را جایگزین اسماعیل کرد. آن قربانی کوچی به رنگ سیاه آمیخته با سفیدی (جو گندمی)... که چهل سال قبل از آن در باغ های بهشت به چرا مشغول بود و از مادری زاییده نشده بود...».

### 80- نشانه های حلم اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 24

24 - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر، نشانه حلم و بردباری او است.

فبشرنه بغلـم حلیم .. یـأبت افعـل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّٰه من الصـبرین

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل (ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 103 - 4

4 - تسلیم اسماعیل (ع) در برابر فرمان ذبح شدن، نشانه حلم و بردباری او است.

فبشرنه بغلـم حلیم .. فلما أسلما و تله للجبین

### 81- نعمتهای اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 1

1- زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل و ادیس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أولئك الذين أنعم الله عليهم

«وَأُولَئِكَ» اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله «أَنْعَمَ اللَّهُ...» نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

### 82- نقش اسماعیل (ع)



جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 2

ص: 206

2- اسماعیل (ع)، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلما بلغ معه السعی

از آمدن قید «معه» (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 3

3- ابراهیم و اسماعیل (ع)، در تأسیس مکه نقش به سزایی داشتند.

لا أقسم به\_ذا البلد . . و والد و ما ولد

### 83- نماز خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إنه كان صادق الوعد . . و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة و كان عند ربّه مرضياً

### 84- نوجوانی اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 101 - 5

5- بشارت خداوند به ابراهیم (ع)، به مشاهده دوران نوجوانی فرزندش (اسماعیل)

فبشّرناه بغلْم

بشارت خداوند به فرزندی در سنین نوجوانی، گویای این حقیقت است که حضرت ابراهیم(ع) این فرزند را در چنین سنی مشاهده خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 1

1 - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی ، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت .

فبشرنه بغلـم حلیم . فلما بلغ معه السعی

ص: 207

## 85- نیاکان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 1

1 - اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح (ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و اسمعيل و الیسع و یونس و لوطا

## 86- وعده های اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 16

16 - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

ی - أبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

## 87- وفای به عهد اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 5

5- صداقت در وعده، رسالت و نبوت اسماعیل (ع)، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب اسمعيل إنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 8

8- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إنه کان صادق الوعد .. و کان یأمر أهله بالصلوة والزکوة و کان عند ربّه مرضیاً

## 88- ولادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- حضرت ابراهيم (ع) قبل از تولد اسماعيل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر اسم عيل و إسحاق إن ربي لسميع الدعاء

ص: 208

## 89- هدایت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 2

2\_ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا ... و من ذريته ... كل من الصالحين ... و إسمعيل و الیسع و یونس و لوطا

## 90- یهود و اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 9,11

9 - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب، از ظالمترین مردم هستند.

أم تقولون إن إبراهيم ... و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای «شهاده من الله» به قرینه صدر آیه، حقایق است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

11 - ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم ... كانوا هوداً أو نصری

## 91- یهود و دین اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 1

1 - یهودیان آیین ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند.

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعيل ... كانوا هوداً

جمله «أم تقولون ...» دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دو قضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی

بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

1- آثار انفاق به اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 7

7 - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . . . إنَّ هـَـذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

2- آزادی اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 85 - 13

13 \_ دریافت فدیة از اسیران همکیش برای آزادی آنان ، از محرّمات آیین یهود

و إن یأتوکم أسری تقدوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 2

2 \_ فدیة های گرفته شده در قبال آزادی اسیران ، از جمله غنایم و استفاده از آنها حلال است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبیا و اتقوا اللّٰه

از مصادیق مورد نظر برای «ما غنمتم» به دلیل آیات گذشته که درباره اسیران جنگی بود، فدیة هایی است که در برابر آزادی آنان گرفته می شود. عطف جمله «فلکوا» به وسیله حرف فاء به جمله سابق این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1\_ مسلمانان در کارزار بدر گروهی از دشمن را اسیر کرده و با گرفتن فدیة آنان را آزاد کردند .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1\_ اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به ایمنی دین الهی از ناحیه اسیران جنگی آزاد شده

وإن یزیدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

4\_ احتمال ادامه خیانت از سوی اسیران نباید مانعی برای رهاسازی آنان محسوب شود .

وإن یزیدوا خیانتک

این احتمال همواره وجود دارد که اسیران پس از آزاد شدن بار دیگر به حمایت از سایر مشرکان برآمده و علیه نظام اسلامی تلاش کنند. این احتمال ممکن است رهبران نظام اسلامی را از آزادسازی اسیران بازدارد. گویا آیه شریفه «وإن یزیدوا ...» در صدد رفع این نگرانی است. یعنی اگر مصلحت بر آزادسازی باشد، این نگرانی شما را از آزاد کردن اسیران باز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14\_ قرار دادن هر شرطی برای آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام، غیر از شرط پذیرش اسلام، ممنوع است .

فإن تابوا... فخلّوا سبیلهم

آیه شریفه در مقام بیان شرایط آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان است و چون هیچ شرطی جز توبه و اقامه نماز و پرداخت زکات (که همان توبه عملی است) بیان نفرمود، می تواند بیانگر ممنوعیت شرط دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- حکم خداوند در مورد اسیران: آزادی بلاعوض و یا رها ساختن آنان در قبال فدیة



### 3- احکام اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 14، 12

12\_ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام، واجب است.

و خذوهم .. فَإِن تَابُوا .. فَخَلِّوْا سَبِيلَهُمْ

14\_ قرار دادن هر شرطی برای آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام، غیر از شرط پذیرش اسلام، ممنوع است.

فَإِن تَابُوا .. فَخَلِّوْا سَبِيلَهُمْ

ص: 211

آیه شریفه در مقام بیان شرایط آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان است و چون هیچ شرطی جز توبه و اقامه نماز و پرداخت زکات (که همان توبه عملی است) بیان نفرمود، می تواند بیانگر ممنوعیت شرط دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 10،14

10 - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. مَا مَلَكَت يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ

مراد از «ملک یمین» کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت در می آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

14 - کافرانی که به دست مسلمانان اسیر می شوند ، مملوک اند .

و ما مَلَكَت يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 6،12،15،18

6- اسیرکردن نیروهای دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حَتَّى إِذَا أَثْخَتْمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوُثَاقَ

12- حکم خداوند در مورد اسیران : آزادی بلاعوض و یا رها ساختن آنان در قبال فدیة

فَأَمَّا مَنَّا بَعْدَ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ

15- ممنوعیت کشتن نیروهای دشمن ، پس از به اسارت درآوردن آنان \*

فَشُدُّوا الْوُثَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ

از مقابله «منا» و «فداء» با «ضرب الرقاب»، استفاده می شود که پس از اسارت، مسأله قتل مطرح نیست.

18- عدم ضرورت به بند کشیدن اسیران ، پس از فرو نشستن شعله های نبرد و شکست دشمن

فَشُدُّوا الْوُثَاقَ .. حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

بنابر این که «حتی تضرع...» صرفاً غایت برای «فشدوا الوثاق» باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

#### 4- اسلام اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 12

12\_ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام، واجب است.

و خذوهم... فإن تابوا... فخلّوا سبيلهم

#### 5- اطعام اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 212

1 - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

«علی حبّه» حال برای فاعل «یطعمون» است و ضمیر آن به «طعام» بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

2 - رفع نیاز های غذایی مستمندان ، یتیمان و اسیران در حد ایثار ، سیره و برنامه ابرار در زندگی است .

و يطعمون الطعام .. أسیرًا

آمدن فعل «یطعمون» به صیغه مضارع، بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی، کار اطعام، عملی است مستمر و از برنامه های زندگی ابرار محسوب می شود.

7 - «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان عند فاطمة (عليها السلام) شعيرٌ فجعلوه عصيدةً فلما انضجوها و وضعوها بين أيديهم جاء مسكين . . . فقام علي (ع) فأعطاه ثلثَها فما لبثَ أن جاء يتيماً . . . فأعطاه ثلثها الثاني . . . فلما لبثَ أن جاء أسير . . . فأعطاه الثلث الباقي و ما ذاقوها فأنزل الله فيهم هـذِهِ آيَةٌ إِلَى قَوْلِهِ «وكان سعيكم مشكوراً» ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نزد فاطمه(س) مقداری جو بود که آن را حلوا کردند. پس از این که آن را پختند و برای خوردن آوردند، مسکینی آمد ... حضرت علی(ع) برخاست و ثلث آن را به او داد. زمانی نگذشت که یتیمی آمد ... حضرت ثلث دیگرش را به او داد ... زمانی نگذشت که اسیری آمد ... و ثلث باقی مانده را به او عطا فرمود و خود هیچ از آن حلوا نچشیدند. پس خداوند درباره آنان آیه «و يطعمون الطعام...» تا آیه «كان سعيكم مشكوراً» را نازل کرد..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اطعام و انفاق ابرار به مستمندان ، یتیمان و اسیران ، کاملاً خالصانه و تنها برای جلب رضای خداوند است .

و يطعمون .. و أسیرًا . إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ

## 6- انفاق به اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ .. وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا

«علی حبّه» حال برای فاعل «یطعمون» است و ضمیر آن به «طعام» بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

ص: 213

## 7- اهمیت آزادی اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 85 - 10

10 - تلاش برای آزاد سازی اسیران بنی اسرائیل ، از فرمان های کتب آسمانی آنان

وإن یأتوكم أسرى فادوهم .. فتؤمنون ببعض الكتب

جمله «أفتؤمنون ببعض الكتاب» دلالت بر این معنا دارد که: انگیزه یهودیان در آزاد سازی اسیران یهودی، عمل کردن به تورات بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 13

13- اهتمام اسلام ، به آزادی نیرو های به اسارت درآمده از دشمن

فشدوا الوثاق فإمّا منّا بعد و إمّا فداء

پس از «فشدوا الوثاق» \_ که دستور اسیر گرفتن دشمن را می رساند \_ خداوند، نخست به آزادی بلاعوض و سپس به آزادی آنان در قبال فدیة اشاره کرده است. از این ترتیب، می توان به نکته یاد شده دست یافت.

## 8- اهمیت حمایت از اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 4

4 - حمایت ویژه اسلام از مستمندان ، یتیمان و اسیران

و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمًا و أسیرًا

از اختصاص به ذکر یافتن سه گروه یاد شده در بیان ویژگی ها و ایثارگری های ابرار، مطلب یاد شده به دست می آید.

## 9- اهمیت نجات اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 13 - 7

7 - پرداخت وجه مورد نیاز اسیران و زندانیان برای آزادسازی آنان ، گامی بلند و انفاق سنگین است .

ما العقبه . فكّ رقبه

آزاد سازی بردگان، مصداق آشکار «فكّ رقبه» است؛ ولی تنها مصداق آن نیست. بنابراین رها سازی هر شخص در بندی، می تواند مراد آیه باشد.

ص: 214

## 10- بردگی اسیران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 14

14 - کافرانی که به دست مسلمانان اسیر می شوند ، مملوک اند .

و ما ملکت یمینک ممّا أفاء الله علیک

## 11- بستن اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 18

18- عدم ضرورت به بند کشیدن اسیران ، پس از فرو نشستن شعله های نبرد و شکست دشمن

فشدوا الوثاق .. حتّی تضع الحرب أوزارها

بنابر این که «حتّی تضع ...» صرفاً غایت برای «فشدوا الوثاق» باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

## 12- توبه اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 12

12\_ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام ، واجب است .

و خذوهم .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

## 13- روش برخورد با اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 8

8- مجاهدان ، موظف به رعایت احتیاط و محکم بستن اسیران در میدان جنگ

فشدوا الوثاق



## 14- شرایط آزادی اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 14، 12

12\_ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام، واجب است.

ص: 215

و خذوهم .. . فإن تابوا ... فخلّوا سيّلبهم

14 \_ قرار دادن هر شرطی برای آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام، غیر از شرط پذیرش اسلام، ممنوع است .

فإن تابوا .. فخلّوا سيّلبهم

آیه شریفه در مقام بیان شرایط آزادی اسیران و رفع حصر از محاصره شدگان است و چون هیچ شرطی جز توبه و اقامه نماز و پرداخت زکات (که همان توبه عملی است) بیان نفرمود، می تواند بیانگر ممنوعیت شرط دیگر باشد.

### 15- فدیة از اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 85 - 12، 13، 9

9 - بنی اسرائیل برای آزادی اسیران همکیش خود، هر چند که خود با آنان نبرد کرده و یا از دیارشان بیرون رانده بودند، فدیة می دادند .

وإن یأتوکم أسری تقدوهم

ضمیر در «یأتوا» به «فریقاً» بر می گردد. «مفادات» (مصدر تقادوا) به معنای پرداخت فدیة برای آزادسازی اسیر و مانند آن است. بنابراین جمله «إن یأتوکم أساری ...» چنین معنا می شود: اگر همان طایفه - که از خانه هایشان بیرون راندید - اسیر دشمن می شدند با پرداخت فدیة آنان را آزاد می کردید.

12 \_ بنی اسرائیل، پس از به اسارت درآمدن همکیشانان، برای آزاد کردنشان از آنان فدیة دریافت می کردند .

وإن یأتوکم أسری تقدوهم

برخی از اهل لغت «تقادوا» را به معنای «فدیة می گرفتید» نیز دانسته اند. بر این اساس جمله «وإن یأتوکم ...»؛ یعنی، و اگر همکیشان شما به عنوان اسیر در نزد شما می آمدند، برای آزاد کردنشان از آنان فدیة می گرفتید.

13 \_ دریافت فدیة از اسیران همکیش برای آزادی آنان، از محرمات آیین یهود

وإن یأتوکم أسری تقدوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 7، 2

2 \_ فدیة های گرفته شده در قبال آزادی اسیران، از جمله غنایم و استفاده از آنها حلال است .

فلکوا مما غنمتم حللا طيبا و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای «ما غنمتم» به دلیل آیات گذشته که درباره اسیران جنگی بود، فدیة هایی است که در برابر آزادی آنان گرفته می شود. عطف جمله «فلکوا» به وسیله حرف فاء به جمله سابق این معنا را تأیید می کند.

7\_ حرمت گرفتن اسیر، موجب حرمت گرفتن فدیة از آنان و تصرف در فدیة ها نخواهد شد.

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . فلکوا مما غنمتم حللا طيبا

بیان اباحه غنائم و فدیة های اسیران، پس از بیان حرمت اسیر گرفتن در شرایطی ویژه، بیانگر این است که حرمت اسیر گرفتن مانع حلیت فدیة از آنان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 216

1\_ مسلمانان در کارزار بدر گروهی از دشمن را اسیر کرده و با گرفتن فدیه آنان را آزاد کردند .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ

2\_ به اسیران جنگ بدر اعلام شد در صورت پذیرش اسلام و توحید ، خداوند آنان را از مواهبی بهتر از آنچه از ایشان گرفته شد ( فدیه ) ، بهره مند خواهد ساخت .

إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ

مراد از «خیرا» به دلیل «یغفر لکم» توحید و گرایش به اسلام است. زیرا خداوند گناه شرک را هرگز نخواهد بخشید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ انْ يُشْرِكْ بِهِ.

6\_ گرفتن فدیه از اسیران جنگی جایز است .

يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ

«ما» در «مما أخذ» موصول اسمی است و مراد ز آن فدیه هایی است که از اسیران جنگ بدر گرفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 12

12- حکم خداوند در مورد اسیران : آزادی بلاعوض و یا رها ساختن آنان در قبال فدیه

فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً

## 16- قتل اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 15

15- ممنوعیت کشتن نیروهای دشمن ، پس از به اسارت درآوردن آنان \*

فَشَدُّوا الرِّبَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً

از مقابله «منا» و «فداء» با «ضرب الرقاب»، استفاده می شود که پس از اسارت، مسأله قتل مطرح نیست.

## 17- محکم بستن اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 8

8- مجاهدان ، موظف به رعایت احتیاط و محکم بستن اسیران در میدان جنگ

فشدوا الوثاق

**18- مراد از اسیر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 217

9 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قول الله « مسكيناً » قال : فقيراً ، و « يتيماً » قال : لا- أب له ، و « أسيراً » قال : المملوك و المسجون ؛

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) درباره سخن خداوند «مسكيناً» روایت شده که فرمود: [مراد] فقیر و تهیدست است و درباره «یتیماً» فرمود: [مقصود] کسی است که پدر ندارد و درباره «أسيراً» فرمود: مراد برده و زندانی است.

### 19- مشرکان اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 7

7\_ دستور آزادی مشرکان ( آنانی که به خاطر تخلف از فرمان منع سیر و سیاحت در غیر ماه های حرام اسیر می شدند ) در صورت پذیرش توحید و گرایش آنان به اسلام

و خذوهم ... فإن تابوا وأقاموا الصلوه ... فخلوا سبيلهم

### 20- اسیران

آزادی اسیران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 85 - 12، 9

9 - بنی اسرائیل برای آزادی اسیران همکیش خود ، هر چند که خود با آنان نبرد کرده و یا از دیارشان بیرون رانده بودند ، فدیة می دادند .

وإن يأتوكم أسرى فادوهم

ضمیر در «یأتوا» به «فریقاً» بر می گردد. «مفادات» (مصدر تقادوا) به معنای پرداخت فدیة برای آزادسازی اسیر و مانند آن است. بنابراین جمله «إن يأتوكم أسارى ...» چنین معنا می شود: اگر همان طایفه - که از خانه هایشان بیرون راندید - اسیر دشمن می شدند با پرداخت فدیة آنان را آزاد می کردید.

12\_ بنی اسرائیل ، پس از به اسارت درآمدن همکیشانان ، برای آزاد کردنشان از آنان فدیة دریافت می کردند .

وإن يأتوكم أسرى فادوهم

برخی از اهل لغت «تقادوا» را به معنای «فدیة می گرفتید» نیز دانسته اند. بر این اساس جمله «وإن يأتوكم ...»؛ یعنی ، و اگر همکیشان شما

به عنوان اسیر در نزد شما می آمدند، برای آزاد کردنشان از آنان فدیة می گرفتید.

## **21- اسیران غزوه بدر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 70 - 2

2\_ به اسیران جنگ بدر اعلام شد در صورت پذیرش اسلام و توحید ، خداوند آنان را از مواهبی بهتر از آنچه از ایشان گرفته شد (

ص: 218

فدیه ) ، بهره مند خواهد ساخت .

إن يعلم الله في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما أخذ منكم

مراد از «خیرا» به دلیل «یغفر لکم» توحید و گرایش به اسلام است. زیرا خداوند گناه شرک را هرگز نخواهد بخشید: إن الله لا یغفر ان یشرك به.

## 22- بردگی اسیران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 14

14 - کافرانی که به دست مسلمانان اسیر می شوند ، مملوک اند .

و ما ملکت یمینک ممّا أفاء الله علیک

## 23- بشارت به اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 70 - 3،8

3\_ به اسیران جنگ بدر نوید داده شد که در صورت پذیرش اسلام و توحید خداوند گناهان گذشته آنها را خواهد بخشید .

إن يعلم الله في قلوبكم خيرا ... یغفر لکم و الله غفور رحیم

8\_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور ابلاغ نوید خداوند به اسیران جنگ بدر (آمزش گناهان ایشان و ... ) در صورت گرایش به اسلام

قل لمن فی أیدیکم من الأسری

## 24- تشویق اسیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 70 - 5

5\_ رساندن پیام الهی به اسیران جنگی و ترغیب آنان به اسلام از وظایف رهبران الهی

یأیها النبی قل لمن فی أیدیکم من الأسری



## 25- تشويق اسيران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 70 - 4

4\_ ترغيب اسيران جنگ بدر به ايمان و گرايش به اسلام

يأبها النبي قل لمن في أيديكم من الأسرى إن يعلم الله في قلوبكم

ص: 219

## 26- تهدید اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 5

5\_ خداوند ، اسیران جنگ بدر را به گرفتار شدن دوباره به دست مسلمانان ، در صورت ادامه خیانت ، تهدید کرد .

و این یزیدوا خیانتک

جواب شرط «و این یزیدوا خیانتک ...» در تقدیر است و جمله «فقد خانوا الله ...» جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که جمله با تقدیر آن چنین است: اگر اسیران خیانتی دوباره را در سر می پروراند باکی نداشته باشید و از آزادسازی آنان ابا نکنید. زیرا خداوند خیانتکاران را در سلطه شما قرار خواهد داد ; همان گونه که در جنگ بدر شما را بر آنان مسلط ساخت.

## 27- خیانت اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 2

2\_ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و این یزیدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

## 28- محمد(صلی الله علیه و آله) و اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 7

7\_ اراده خداوند منشأ اصلی تسلط پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اسیران جنگ بدر

فأمكن منهم

ضمیر فاعلی در «امکن» به «الله» بر می گردد. یعنی خداوند شما را بر آنان تسلط بخشید.

اسیرگیری

## 29- اسیرگیری حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7\_ حرمت گرفتن اسیر، موجب حرمت گرفتن فدیة از آنان و تصرف در فدیة ها نخواهد شد .

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . فلکوا مما غنمتم حللاً طیباً

بیان اباحه غنایم و فدیة های اسیران، پس از بیان حرمت اسیر گرفتن در شرایطی ویژه، بیانگر این است که حرمت اسیر گرفتن

ص: 220

مانع حلیت فدیة از آنان نخواهد بود.

10\_ خداوند ، مجاهدان بدر را که به خاطر اقدام نابهنگامشان در گرفتن اسیر مرتکب گناه شدند ، مورد عفو و مغفرت خویش قرار داد .

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . إن اللّٰه غفور رحیم

### 30- اسیرگیری در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 15

15\_ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . . . و اللّٰه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن ، اشاره به این دارد که این حکم ، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 5

5- اهتمام به گرفتن اسیر در میدان جنگ ، قبل از متلاشی ساختن دشمن ، کاری نادرست و مخالف اصول جنگ

فضرب الرقاب حتّٰی إذا أنختهموهم فشدّوا الوثاق

از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند ، به سپاه اسلام شیوه و قانون جنگ و نکاتی را که موجب قوت و پیروزی آنان می شود آموخته است و به آنان تذکر داده که مبادا ، به هوای گرفتن اسیر خود را به شکست بکشانند.

### 31- اسیرگیری در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 68 - 1,5

1\_ گرفتن اسیر در کارزار بدر ، مقتضی رفتار شدن مجاهدان آن کارزار به عذابی بزرگ از جانب خداوند

لولا کتب من اللّٰه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

کلمه «فی» در «فیما أخذتم» سببیه است و «ما» در آن مصدریه. یعنی «بسبب أخذکم». و مراد از آن به دلیل آیه قبل اسیر گرفتن است.

## 5\_ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لولا كتب من الله سبق لمسكم فيما أخذتم عذاب عظيم

برخی برآنند که مراد از «عذاب عظیم» شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از «كتب من الله . . .» وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

ص: 221

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 70 - 1

1\_ مسلمانان در کارزار بدر گروهی از دشمن را اسیر کرده و با گرفتن فدیة آنان را آزاد کردند .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ

### 32- اسیرگیری قبل از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 14

14\_ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان ، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . . . و اللّٰه عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهبی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهبی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 68 - 6،7

6\_ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن ( گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن )

لولا کتب . . . عذاب عظیم

7\_ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

### 33- اسیرگیری قبل از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 16،17

16\_ پیامبران تا پیش از استقرار دین و حکومتشان بر زمین ، از گرفتن اسیر در میدان نبرد پرهیز داشته و آن را ناروا می دانستند .

ما کان لنبی . . . و اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول «یثخن» کلمه ای همانند «دینه» و یا «حکومه» باشد. بر این مبنا ائخان به معنای تثبیت و محکم کردن است. بنابراین جمله «ما کان لنبی ...» می رساند که پیامبران تا زمانی که حکومت و دینشان در زمین تثبیت نمی شد، از اسیر گرفتن در میدان نبرد امتناع می کردند. قابل ذکر است اگر مجاهد از این امر تخلف کنند و اسیر بگیرند، به دلیل آیه 70، نمی توان گفت باید آن اسیران کشته شوند.

ص: 222

17\_ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و الله عزیز حکیم

### 34- اسیرگیری ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 10

10\_ خداوند ، مجاهدان بدر را که به خاطر اقدام نابهنگامشان در گرفتن اسیر مرتکب گناه شدند ، مورد عفو و مغفرت خویش قرار داد .

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . إن الله غفور رحیم

### 35- موارد جواز اسیرگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 5

5- اهتمام به گرفتن اسیر در میدان جنگ ، قبل از متلاشی ساختن دشمن ، کاری نادرست و مخالف اصول جنگ

فضرب الرقاب حتی إذا أئخنتموهم فشدوا الوثاق

از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، به سپاه اسلام شیوه و قانون جنگ و نکاتی را که موجب قوت و پیروزی آنان می شود آموخته است و به آنان تذکر داده که مبادا، به هوای گرفتن اسیر خود را به شکست بکشانند.

ص: 223



#### 4- اشراف

##### 1- آثار استکبار اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او ، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

جمله «و کانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

##### 2- آثار افساد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

6 - تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قومًا مجرمین. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

##### 3- آثار برتری طلبی اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 49 - 3

3- ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنک أنت العزیز الکریم

ص: 224

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان بهوسیله وصف «العزیز الکریم»، می نمایاند که مجازات آنان، پیامد روحیه تکبر منشا نه و برتری جویانه ایشان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

#### 4- آثار برتری طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 7

7- نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا... بأی-تنا و سلطن مبین... فقالوا أنؤمن لبشرین... و قومهما لنا ع-

#### 5- آثار حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 11

11 - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن، مانع از پذیرش دعوت موسی و سر نهادن به دستور های او، از سوی آنان بود.

فاستکبروا و كانوا قومًا عالین

#### 6- آثار سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و كانوا قومًا عالین

جمله «و كانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

#### 7- آثار عصیان اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

ص: 225

فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

### 8- آثار مادیگرایی اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 12

12 - انکار بعد معنوی انسان و منحصر پنداشتن او در بعد حیوانی ( چون خوردن و آشامیدن ) ، عامل تکذیب رسالت پیامبر پس از نوح ، از سوی اشراف

ما هذا إلا بشر مثلکم یا کل ممّا تأکلون منه و یشرّب ممّا تشرّبون

تکیه اشراف بر خوردن و آشامیدن برای انکار رسالت پیامبرشان، نشانگر این حقیقت است که آنان، انسان را موجودی در حد حیوان می پنداشتند و منکر بعد معنوی او بودند.

### 9- آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14\_ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

### 10- آثار نژادپرستی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 7

7 - نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او ، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثمّ أرسلنا... بأیّتنا و سلطن مبین... فقالوا أنؤمن لبشرین... و قومهما لنا عـ

### 11- احتجاج موسی (ع) با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 2

2\_ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع)، معجزه ای بزرگ\_ که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود\_ به فرعون و اطرافیان‌ش ارائه کرد.

ص: 226

فلما جاءهم الحق من عندنا

## 12- احترام همسران اشراف در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 19

19\_ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان ، موجب مجازات و کیفر بود .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

## 13- احساس خطر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 4

4- احساس خطر اشراف ، از پیام توحیدی نوح (ع)

ی\_قوم اعبدوا الله ما لکم من الیه غیره فقال الملو الذین کفروا من قومه ما هـذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 116 - 4

4- احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ی\_نوح لتکونن من المرجومین

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

## 14- اخلاگری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 7

7- تلاش اشراف جامعه پس از نوح ، برای مخدوش ساختن رسالت پیامبرشان در نظر توده مردم

ما هـذا إلا بشر مثکم . . . ویشرب ممّا تشربون

## 15- اخلاکری اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 7

7 - تلاش اشراف جامعه پس از نوح ، برای مخدوش ساختن رسالت پیامبرشان در نظر توده مردم

ص: 227

ما هـ\_ذا إلا بشر مثلكم . . . و يشرب ممّا تشرّبون

### 16- اذیتهای اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 5

5\_ مؤمنان به موسی (ع) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملائیم أن یفتنهم

### 17- ارتجاع اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 14

14 - اشراف مرتجع قوم نوح ، مدافع وضع موجود و مخالف دگرگونی و تحول

فقال المملؤا . . . ما سمعنا به\_ذا فی ءابائنا الأوّلین

### 18- ارزشگذاری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 6

6\_ دولت‌مندان و اشراف تنها خود را شایسته کرامت و ارزشمندی در نزد خدا می دانند.

لیقولوا أهؤلاء منّ الله علیهم من بیننا

### 19- ارزشگذاری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 9

9- برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی ، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأردلون



## 20- استقامت در برابر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 228

5\_ خداوند موسی و هارون (ع) را در برابر فشارها و سختیهایی که از جانب فرعون و اطرافیانش وارد می شد، توصیه به استقامت و پایداری فرمود.

قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما

7\_ خداوند، موسی و هارون (ع) را از ترک استقامت در برابر فشارهای فرعون و اطرافیانش و در پیش گرفتن راهی جز آن، بر حذر داشت.

فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون

## 21- استكبار اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 6

6- تجلی خوی استکباری، در موضع گیری اشراف علیه دعوت انبیا

لقد وعدنا... إن هـذا إلا أسـ طير الأولين

به ریشخند گرفتن دعوت پیامبران و افسانه خواندن آن، بیانگر مطلب یاد شده است.

## 22- استكبار اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 8

8\_ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلى فرعون و ملایه بآیتنا فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 6

6- موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او، در برابر موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون... إلى فرعون و ملایه فاستكبروا

## 23- استکبار اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 1

1\_ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالت‌هایش کافر شدند .

قال المأ الذین استکبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که «الذین استکبروا» قیدی احترازی باشد. بر این مبنا اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر

ص: 229

مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای «کفروا»، «استکبروا» استعمال شده است.

#### **24- استهزاهای اشراف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 4

4\_ کرامت و ارزشمندی مؤمنان مستمند و ضعیف در پیشگاه خداوند، مورد انکار و استهزای اشراف و قدرتمندان

ليقولوا أهؤلاء من الله عليهم من بيننا

#### **25- استهزاهای اشراف قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 1

1 - حیات مجدد انسان ها و بیرون آوردن آنان از گورهایشان در روز رستاخیز ، مورد انکار و استهزای اشراف کافر جامعه پس از نوح

أیعدکم . . . أنکم مخرجون

استفهام در «أیعدکم» برای تهکم و استهزا است.

#### **26- استهزاهای اشراف قوم عاد**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 1

1 - حیات مجدد انسان ها و بیرون آوردن آنان از گورهایشان در روز رستاخیز ، مورد انکار و استهزای اشراف کافر جامعه پس از نوح

أیعدکم . . . أنکم مخرجون

استفهام در «أیعدکم» برای تهکم و استهزا است.

#### **27- اشراف اصحاب اعراف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3\_ اعرافیان ، مشرف و ناظر بر تمامی انسان های حاضر در صحنه قیامت

و علی الاعراف رجال يعرفون کلاً بسیمهم

ص: 230

توصیف أصحاب اعراف به اینکه بر بلندای حایل بین بهشتیان و دوزخیان مستقر هستند، بیانگر آن است که آنان بر تمامی افراد موجود در صحنه قیامت اشراف دارند و بر ایشان نظارت می کنند.

## 28- اشراف اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 6,7

6\_ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال المأ الذین استکبروا من قومه

7\_ بیشترین مخالفت ها با انبیا و برنامه های آنان ، از ناحیه اشراف و بزرگان هر قوم بوده است .

قال المأ الذین استکبروا من قومه

قرآن در این بخش از آیات که داستان چند تن از پیامبران بزرگ الهی را بیان داشته، همواره مخالفت طبقه اشراف و مبارزه آنان را با برنامه های انبیا مطرح ساخته است و این بیانگر آن است که عمده مخالفتها از سوی طبقه اشراف ابراز می شده است.

## 29- اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 3,4,5,7

3\_ شگفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملك . . . و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که خداوند از قول آنان می فرماید: «قال المأ . . . نحن احق». بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه مأ و اشراف که می گفتند: «نحن احق». و دوم نداشتن مال و ثروت که با «و لم یؤت سعه من المال» به آن اشاره شده است.

4\_ پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احق بالملك منه

5\_ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملك منه و لم يؤت سعه من المال

ظاهراً جمله «نحن احق . . .» سخن ملامت است؛ گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

7\_ فقدان روحیه تسلیم در برابر دستورات الهی ، در میان بزرگان بنی اسرائیل

ان الله قد بعث . . . و نحن احق بالملك منه

### **30- اشراف در مجلس محمد (صلی الله علیه و آله)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 12 - 4

ص: 231

4 - اشراف حاضر در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماجرای ابن ام مکتوم، بر اثر بی رغبتی خود، از آموختن و به خاطر سپردن معارف قرآن محروم بودند.

فمن شاء ذكره

### 31- اشراف صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 9

9\_ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

### 32- اشراف صدر اسلام و محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 9

9\_ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

### 33- اشراف فرعون و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 26 - 2

2- حضور نیرو های مقتدر سیاسی \_ اقتصادی نظام فرعونى ، در میان تعقیب کنندگان بنی اسرائیل

کم ترکوا من جنّات و عیون . و زروع و مقام کریم

پشت سر نهادن مزارع بزرگ، نشان می دهد که در میان فرعونیان حضور یافته در تعقیب موسی (ع)، ملاکان و سرمایه داران شرکت داشته اند؛ چنان که «مقام کریم» می تواند اشاره به قصرهای باشکوه اطرافیان و سیاست گذاران جامعه فرعونى داشته باشد.



## 34- اشراف فرعون و دعوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9\_ فرعون و اطرافیاناش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما» ؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

ص: 232

### 35- اشراف فرعون و دعوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9\_ فرعون و اطرافیان‌ش، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد.

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما»؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

### 36- اشراف فرعون و رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیان‌ش، قدرت و مکت خود را، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند.

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

### 37- اشراف فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 5

5\_ در عصر رسالت حضرت موسی (ع)، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر، در اختیار فرعون و اطرافیان‌ش بود.

قالوا أجبنا... و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

### 38- اشراف فرعون و عقیده مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 6

6\_ فرعون و اطرافیان‌ش در گرایش‌های اعتقادی مردم، نقش تعیین کننده ای داشتند.

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

از این که خداوند موسی و هارون (ع) را \_ که برای هدایت مردم مبعوث شده بودند \_ مستقیماً به سوی فرعون و اطرافیان‌ش فرستاد، برداشت فوق به دست می‌آید.

ص: 233

### 39- اشراف فرعون و موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 5,6

5\_ فرعون و اطرافیاناش، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع)، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیاناش، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 97 - 3

3\_ فرعون و قوم او و بزرگان دربارش، رسالت موسی (ع) را نپذیرفتند .

فاتبعوا أمر فرعون

پیروی از دستور فرعون (فاتبعوا أمر فرعون) پس از رسالت موسی (ع) (أرسلنا موسی) گویای مخالفت قوم فرعون و بزرگان دربارش با رسالت موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 1

1 - تکذیب نهایی موسی و هارون (ع)، از سوی فرعون و اشراف وابسته به او

فكذبوهما

### 40- اشراف فرعون و هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 1

1 - تکذیب نهایی موسی و هارون (ع)، از سوی فرعون و اشراف وابسته به او

**41- اشراف قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 3

3\_ مستضعفان و اشراف مستکبر ، دو طبقه متمایز از یکدیگر در میان قوم ثمود

قال المأذون الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا

ص: 234

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 76 - 4

4\_ ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: «إنا به کفرون» و یا «إنا بما ارسل به کفرون»، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم «بالذی» بر «کفرون»، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 7

7\_ اشراف کفرپیشه قوم ثمود، بیزار از خیرخواهان و نصیحت گران

نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

#### 42- اشراف قوم ثمود و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لَخِ سرون

#### 43- اشراف قوم ثمود و صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 5, 2

2\_ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند.

قال المأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «الذین ..» وصفی احترازی باشد. یعنی مأ-قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند:

مستكبران و غير مستكبران.

5\_ مبارزه اشراف كفر پيشه ثمود با صالح (ع) ، على رغم مشاهده معجزه و دليل روشن بر رسالت آن حضرت

قال المأ الذين استكبروا من قومه . . . أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

ص: 235

#### 44- اشراف قوم ثمود و مصلحت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لَخِ سِرُون

#### 45- اشراف قوم سبأ و سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 2

2 - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ . إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

جمله «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ» ظاهراً تعلیل برای «کتاب کریم» است؛ یعنی، این که می گویم «مکتوبی گران مایه» این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

#### 46- اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 66 - 2

2\_ اشراف کفرپیشه قوم هود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملائة الذين كفروا .. انا لنريك في سفاهه و انا لنظنك من الكذابين

#### 47- اشراف قوم عاد و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم



ولئن أطعتم بشرًا .. لَخـِ سرون

## 48- اشراف قوم عاد و مصلحت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

ص: 236

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لخن سرون

### 49- اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 109 - 1,2,4,5

1\_ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از مشاهده معجزات موسی ، برای چاره اندیشی و مبارزه با موسی جلسه مشورتی تشکیل دادند .

قال الملاء من قوم فرعون

در آیات پیشین روی سخن موسی با فرعون بود و در این آیه عکس العمل اشراف دربار او مطرح شده است. این تغییر سیاق با توجه به جمله «فماذا تأمرون» در آیه بعد (چه نظری دارید و چه دستوری پیشنهاد می کنید)، حاکی از تبادل نظر آنان درباره برخورد با موسی است که از آن در برداشت فوق به «جلسه مشورتی» تعبیر شد.

2\_ اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی ، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند .

قال الملاء من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله «إن هذا ..» می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

4\_ معجزات موسی (ع) در دیدگاه اشراف قوم فرعون ، اموری با عظمت ، خارق العاده و شگفت آور

إن هذا لسحر علیم

توصی ف موسی به «علیم» (بسیار دانا) و بیان جمله «ان هذا ..» با چندین تأکید (اسمیه آوردن جمله، مقرون ساختن آن به دو حرف تأکید «إن» و «لام») حکایت از آن دارد که همگان به عظمت کار موسی پی برده بودند و بدان اقرار داشتند.

5\_ اشراف و بزرگان قوم فرعون در تلاش برای حفظ نظام فرعون

قال الملاء .. إن هذا لسحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 111 - 1,2,4

1\_ مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از پیشنهاد های ارائه شده در جلسه مشورتی اشراف و سران حکومت فرعون

قالوا أرجه و أخاه

پیشنهاد تأخیر در مجازات موسی و هارون حکایت از آن دارد که فرعون و یا برخی از اشراف دربار مجازات موسی و هارون را مطرح کرده بودند.

2\_ تأخیر در مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از مصوبات جلسه مشورتی سران و بزرگان دربار فرعون

قالوا أرجه و أخاه

«ه» در «أرجه» ضمیری است که به صورت ساکن قرائت شده و مفعول «ارج» می باشد. «ارج» فعل امر از مصدر «ارجاء» (به تأخیر انداختن) است. مشتقات کلمه «ارجاء» گاهی با همزه استعمال می گردد و گاهی همزه آن تبدیل به یاء می شود. گفته می شود: أَرْجَأُ يُرْجَى يُرْجَى. قابل ذکر است که مراد از تأخیر انداختن، تأخیر در مجازات است.

ص: 237

4\_ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 112 - 3

3\_ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوک بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 118 - 3

3\_ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر «کانوا» و «یعملون» فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از «ما» در «ما کانوا» تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 122 - 2

2\_ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر «رب العلمین» به «رب موسی و هرون» این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را «رب العلمین» خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 2

2\_ فرعون به سبب تعیین نکردن مجازات برای موسی (ع) و قوم او مورد انتقاد اشراف دربار قرار گرفت .

وقال الملائ من قوم فرعون أتذر موسى وقومه

گویا اشراف از اینکه ساحران تهدید به اعدام شدند، ولی سخنی از مجازات موسی و قوم او نرفت، چنین استنباط کردند که فرعون تصمیمی برای مجازات او مردمش ندارد و لذا زبان به انتقاد گشودند و گفتند آیا موسی و قومش را رها می سازی و مجازات نمی کنی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 129 - 9

9\_ فرعون و اشراف دربار او، دشمنان قوم موسی

عسى ربكم أن يهلك عدوكم

ص: 238

کلمه «عدو» هم می تواند به معنای دشمن باشد که در این صورت مراد از آن فرعون است و هم می تواند به معنای دشمنان باشد که در این صورت مراد از آن فرعون و اشراف دربار او خواهد بود.

## 50- اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 5

5\_ مردمان عصر نوح (ع) پیرو اشراف و بزرگان قوم خویش و تحت تأثیر موضعگیری های آنان بودند .

قال الملائة... قال یقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 1

1 - قوم نوح ، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

فقال الملائة الذین کفروا من قومه ما هـ ذالآ بشر مثکم

«ملائة»، به رؤسا و اشراف گفته می شود. «الذین کفروا» وصف توضیحی است نه احترازی؛ زیرا با توجه به آیه 27 سوره هود (و ما نراک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی)، معلوم می شود که هیچ یک از اشراف قوم نوح، به وی ایمان نیاورده بودند.

## 51- اشراف قوم نوح و پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 12، 13، 15، 11، 7

7\_ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملائة... ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

11\_ اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

«بادی» از «بدو» و به معنای ظاهر است. «ظاهر الرأی»؛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. «بادی الرأی» می تواند ظرف برای «اتبعک» باشد. براین اساس معنای جمله «مانریک...» چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و

بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

12\_ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرّای

برداشت فوق، براساس این احتمال است که «بادی الرّای» ظرف برای مضمون جمله «هم أراذلنا» باشد؛ یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

13\_ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

ص: 239

15\_ اشراف و سران قوم نوح ، پیروان آن حضرت را در ادعای ایمان ، به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نزنکم ک\_ ذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 18

18\_ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و ل\_ کنی اریکم قومًا تجهلون

به قرینه «إنهم ملاقوا ربهم» می توان گفت که: مفعول «تجهلون» مقام والا و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس «أراکم...»; یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

### 52- اشراف قوم نوح و تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 19

19\_ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای « لقاءالله » و تقرب به درگاه خدا

إنهم مل\_ قوا ربهم و ل\_ کنی اریکم قومًا تجهلون

### 53- اشراف قوم نوح و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8

8\_ سران و اشراف قوم نوح ، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن . . . ءات\_ نی رحمه من عنده فعمّیت علیکم

تعمیه (مصدر عمّیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود ، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمّیت علیکم»; یعنی ، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است ، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

### 54- اشراف قوم نوح و فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



8 - هود - 11 - 29 - 8

8\_ مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 9،10

ص: 240

9\_ تهی دستان و مستضعفان جامعه، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح، مردمی پست و حقیر

و لأقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتاهم الله خيراً

إزدراء (مصدر تزدرى) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول «تزدرى» ضمیر محذوفی است که به «الذین» برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی «الذین تزدریهم أعینکم» (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند). اسناد «تزدرى» به «أعینکم» اشاره به ظاهرینی اشراف و سران دارد.

10\_ سران و اشراف قوم نوح، محرومان و مستضعفان را، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند.

لأقول للذين تزدرى أعینکم لن يؤتاهم الله خيراً

جمله «لن يؤتاهم الله خيراً» بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه «لن» حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی، نامحتمل می دانستند.

### 55- اشراف قوم نوح و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 1

1\_ اشراف و سران قوم نوح، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند.

فقال المأذون الذين كفروا من قومه

متعلق «كفروا» به قرینه آیه قبل توحید، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

### 56- اشراف قوم نوح و لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 19

19\_ اشراف قوم نوح، ناآگاه به مرتبه والای «لقاء الله» و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم ولکنی أریکم قومًا تجهلون

### 57- اشراف قوم نوح و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6\_ توده های غیر مرفه ، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا

أراذل (مفرد أراذل) به معنای پست و حقیر می باشد.

ص: 241

## 58- اشراف قوم نوح و مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 11

11- اشراف قوم نوح، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند.

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

«بادی» از «بدو» و به معنای ظاهر است. «ظاهر الرأی»؛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. «بادی الرأی» می تواند ظرف برای «اتبعک» باشد. براین اساس معنای جمله «مانریک...» چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

## 59- اشراف قوم نوح و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 8

8- مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

## 60- اشراف قوم نوح و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8

8- سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرعیتم إن . . . ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

تعمیه (مصدر عمیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

## 61- اشراف قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2\_ سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال المأء .. ما نرىك إلا بشرًا مثلنا

ص: 242

## 62- اشراف قوم نوح و نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 60 - 1,2

1 - جبهه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال المأ من قومه إنا لنرىك فى ضلل مبین

2- اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال المأ من قومه إنا لنرىك فى ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 13,14

13- اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نرى لكم علينا من فضل

14- اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نظنكم كذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی برحسب مدعای آنان است؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 2

2- اشراف و سران قوم نوح ، او را به دلیل ملک نبودن و دسترسی نداشتن به گنجینه های هستی و نداشتن علم غیب ، لایق مقام پیامبری نمی دانستند .

و لا أقول لكم عندى خزائن الله . . . و لا أقول إني ملك

به نظر می رسد جمله های «لا أقول لكم . . .» ناظر به «ما نرى لكم علينا من فضل» باشد و لذا اشاره به انتظارات نابه جای قوم نوح ، از

مدعیان نبوت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 7

7\_ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مایوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد ج\_ دلتنا فأكثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

### **63- اشراف کافر قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 6،2

2\_ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

ص: 243

قال الملاً الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «الذین . . .» وصفی احترازی باشد. یعنی ملاً- قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

6\_ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند.

قال الملاً . . . أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

### 64- اشراف کافر مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 8,9,4,3

3\_ اشراف کفرپیشه قوم مدین، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال الملاً الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

4\_ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین، ریشه مبارزه آنان با شعیب و رسالت های او

قال الملاً الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

8\_ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند.

لنخرجنک . . . او لتعودن فی ملتنا

9\_ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله «او لتعودن» می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 1,4,5,7

1\_ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او



وقال الملائ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

مراد از متابعت در «اتبعتم» می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت مؤمنان به شعیب مخاطبان «اتبعتم» خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

4\_ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه 85، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

5\_ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک)، خروج از دیار مدین را برگزید.

لئن اتبعتم شعيباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «اتبعتم شعيباً»، پیروی از شعیب (ع) در خروج از شهر مدین باشد.

7\_ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع)، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج

شدن از شهر مدین

وقال الملاء .. لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

### 65- اشراف مدین و شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 8

8\_ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعيب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک .. او لتعودن فی ملتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3

3\_ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعيب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

### 66- اشراف مدین و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 9

9\_ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعيب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله «او لتعودن» می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعيب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 7

7\_ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعيب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن

از شهر مدین

وقال الملاء . . . لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

## 67- اشراف مؤمن قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 75 - 2

ص: 245

2\_ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملاً الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «الذین . . .» وصفی احترازی باشد. یعنی ملاً- قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

### 68- اشراف و امور غیر منطقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 4

4\_ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنریک فی ضلل مبین . . . أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

### 69- اشراف و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 7

7\_ بیشترین مخالفت ها با انبیا و برنامه های آنان ، از ناحیه اشراف و بزرگان هر قوم بوده است .

قال الملاً الذین استکبروا من قومه

قرآن در این بخش از آیات که داستان چند تن از پیامبران بزرگ الهی را بیان داشته، همواره مخالفت طبقه اشراف و مبارزه آنان را با برنامه های انبیا مطرح ساخته است و این بیانگر آن است که عمده مخالفتها از سوی طبقه اشراف ابراز می شده است.

### 70- اشراف و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 85 - 5

5\_ بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا علی الله توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

### 71- اشراف و نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 4

4\_ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إننا لنرىك في ضلال مبين . . . أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

ص: 246

## 72- اضلال اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5\_ فرعون و اطرافیان، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم، استفاده می کردند.

إنك ءاتيت فرعون و ملاءه زينه و أموالا فى الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

## 73- اطاعت از اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 5

5\_ مردمان عصر نوح (ع) پیرو اشراف و بزرگان قوم خویش و تحت تأثیر موضعگیری های آنان بودند.

قال الملاء .. قال يقوم

## 74- اطاعت از اشراف قوم نمدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 151 - 1

1 - اطاعت ثمودیان، از اشراف و رؤسای اسراف گر و متجاوز خویش

و لاتطيعوا امر المسرفين

«اسراف» (مصدر «مصرفين») به معنای افراط کردن و از حد اعتدال خارج شدن است. بنابراین «مصرفين»؛ یعنی، افراط گران و متجاوزان.

## 75- اطمینان اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 1

1 - اطمینان بخشی درباریان سبا به فرمانروای خود (بلقیس) نسبت به آمادگی کامل نظامی برای دفاع از کشور

قالوا نحن أولوا قوه و أولوا بأس شديد



## 76- اعراض از اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 4

4- هدهد، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثم تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

«تولّی» (مصدر «تولّ») به معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

## 77- اعراض اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 25 - 3

3- وانهادن و بی اعتنایی به نوح (ع)، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فقال الملأؤ... إن هو إلا رجل به جنه فترتبصوا به حتى حين

## 78- اعلام آمادگی اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 4, 3

3- اعلام آمادگی امیران و درباریان سبا برای درگیری نظامی با سلیمان (ع)

أفتونی فی أمری... قالوا نحن أولوا قوه وأولوا بأس شدید

تذکر قدرت و نیرومندی، اشاره به این دارد که آنان برای هر نبردی - ولو با سلیمان - آمادگی دارند.

4- اظهار آمادگی درباریان سبا برای پذیرش هرگونه تصمیم ملکه، در عین آمادگی برای نبرد

قالوا نحن أولوا قوه... والأمر إليك

درباریان سبا با این که آمادگی خود را برای نبرد یادآور شدند، در عین حال کار تصمیم گیری را به خود ملکه واگذار کردند.

## 79- افساد اشراف فرعون



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 10،9

9\_ فرعون و اطرافیاناش ، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

إلی فرعون و ملایه . . . و کانوا قوماً مجرمین

10\_ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیاناش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . . موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

ص: 248

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 82 - 7

7\_ فرعون و اطرافیان وی ، مردمانی تبه‌کار و مجرم بودند .

فرعون و ملائیه . . . و كانوا قوماً مجرمين ... و يحق الله الحق بكلمته و لو كره الم

### 80- اقرار زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 19

19\_ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پر جاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . و قلن حـش لله ما هذا بشراً

### 81- امتحان اشراف مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 8

8\_ انکار ارزشمندی مؤمنان مستمند، پیامد آزمون الهی از دولتمندان مشرک

و كذلك فتنا بعضهم ببعض ليقولوا أهؤلاء منّ الله عليهم من بيننا

(ل) در «لِيقولوا»، بنابر یک دیدگاه، «لام عاقبت» و بیان نتیجه «فتنا» است. برداشت فوق بر این اساس است.

### 82- امکانات مادی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 2,5

2\_ فرعون و اطرافیان، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

إنكء اتيت فرعون و ملأه زينه و أموالا في الحيوه الدنيا

نکره بودن «زینه و أموالا» دلالت بر «تفخیم» و «تعظیم» می کند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد؛ در

تفخیم زینت، خیره کنندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

5\_ فرعون و اطرافیان، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم، استفاده می کردند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاءه زينه و أموالا في الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

ص: 249

### 83- انذار اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 115 - 2

2- انذار توده ها و نه جلب رضایت اشراف به قیمت طرد محرومان ، وظیفه اعلام شده از سوی نوح (ع) به اشراف قومش

و ما أنا بطارد المؤمنین . إن أنا إلا نذیر

### 84- اهانتهای اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 8

8- تحقیر پیامبر پس از نوح و توهین به او ، از سوی اشراف و سران قومش

ما هـ\_ذا إلا بشر مثلکم

به کارگیری «هـ\_ذا» \_ که برای اشاره به نزدیک است \_ بیانگر نوعی توهین و تحقیر نسبت به پیامبر و مقام رسالت او است.

### 85- اهانتهای اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 8

8- تحقیر پیامبر پس از نوح و توهین به او ، از سوی اشراف و سران قومش

ما هـ\_ذا إلا بشر مثلکم

به کارگیری «هـ\_ذا» \_ که برای اشاره به نزدیک است \_ بیانگر نوعی توهین و تحقیر نسبت به پیامبر و مقام رسالت او است.

### 86- اهانتهای اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 8

8- تحقیر شدید پیروان نوح از سوی اشراف کافر

قالوا... واتبعك الأردلون

**87- بازجویی از زنان اشراف مصر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,3

ص: 250

1\_ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

2\_ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3\_ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . قال ما خطبکتنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3\_ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

### 88- برتری طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7- فرعون و اشراف حکومت او ، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند .

و کانوا قومًا عالین

### 89- برخورد اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 9

9\_ تحریک احساسات مذهبی و استکباری فرعون ، از روش های اشرافیان برای واداشتن وی به سرکوب موسی (ع)

و یدرک وءالہتک

گویا درباریان با یاد کردن از الہہ فرعون و مخاطب قرار دادن فرعون در صدد تحریک احساسات مذهبی وی بودند.

### 90- بہانہ جویی اشراف قوم ثمود

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 9

9- برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعہ پس از نوح در انکار رسالت وی

ص: 251

ما هـ ذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَكُم

### 91- بهانه جویی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 9

9- برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار رسالت وی

ما هـ ذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَكُم

### 92- بهانه جویی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 7

7\_ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فَقَالَ الْمَلَأُ .. مَا نَرِيكَ اتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِادِي الرَّأْيِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 6

6- « از جنس بشر بودن نوح (ع) » دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فَقَالَ الْمَلَأُ .. مَا هـ ذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَكُم

### 93- بهانه جویی اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1\_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أَكْبَرُ مَجْرِمِيهَا .. قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ

### 94- بی ایمانی اشراف قوم نوح



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 12

12\_ اشرف و سران قوم نوح ، به معارف الهی تمایلی نشان نمی دادند و از آن بیزار و متنفر بودند .

وَأَنْتُمْ لَهَا كِرَاهُونَ

ص: 252

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 11، 10

10 - بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه

ما\_ذاِإلَّا بشر مثلکم یا کل ممّا تأکلون منه و یشرّب ممّا تشرّبون

11 - توجه اشراف به خوردن و آشامیدن و غفلت آنان از فضایل علمی و معنوی مردان الهی

ما\_ذاِإلَّا بشر .. و یشرّب ممّا تشرّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 2، 3

2- پیروی از پیامبر ، کاری زیانبار در بینش اشراف و عناصر رفاه زده

و لئن أظعتم .. إئکم إذا لَخ\_سرون

3- اعتقاد اشراف به لزوم برتری پیامبر بر مردم و داشتن جنسیتی غیر بشری

و لئن أظعتم بشرًا مثلکم إئکم إذا لَخ\_سرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 2

2- تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم .. أنکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 3

3 - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفر پیشه

مقصود از «نموت و نحیا» (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

## 96- بینش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء فى الأرض

ص: 253

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 1

1 - فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در «أنؤمن» برای استفهام انکاری است. «قوم» به معنای طایفه و «عباده» (مصدر «عابدون») در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

### 97- بینش اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 1

1 - در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح ، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود .

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا . . . و ما نحن بمبعوثین

«بعث» (مصدر مجهول «مبعوثین») به معنای برانگیخته شدن است.

### 98- بینش اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 1

1 - در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح ، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود .

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا . . . و ما نحن بمبعوثین

«بعث» (مصدر مجهول «مبعوثین») به معنای برانگیخته شدن است.

### 99- بینش اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 6

6\_ موسی (ع) وقوم او در پندار اشرافیان و فرعونیان ، مردمی فسادگر بودند .

أتذر موسی وقومه لیفسدوا فی الأرض

### 100- بینش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 60 - 3, 2

ص: 254

2\_ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملائ من قومه إنا لنرىك فى ضلل مبين

3\_ ایمان به یگانگی خداوند و لزوم پرستش او و باور به معاد ، پندارهایی باطل و واهی در دیدگاه اشراف قوم نوح

قال الملائ من قومه إنا لنرىك فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 11، 12، 13، 6، 2

2\_ سران کفر پیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملائ .. ما نرىك إلا بشراً مثلنا

6\_ توده های غیر مرفه ، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نرىك اتبعك إلا الذين هم أراذلنا

أراذل (مفرد اراذل) به معنای پست و حقیر می باشد.

11\_ اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نرىك اتبعك إلا الذين هم أراذلنا بادی الرأى

«بادی» از «بدو» و به معنای ظاهر است. «ظاهر الرأى»؛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. «بادی الرأى» می تواند ظرف برای «اتبعك» باشد. براین اساس معنای جمله «مانریک...» چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

12\_ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نرىك اتبعك إلا الذين هم أراذلنا بادی الرأى

برداشت فوق، براساس این احتمال است که «بادی الرأى» ظرف برای مضمون جمله «هم اراذلنا» باشد؛ یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

13\_ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نرى لكم علينا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 12

12\_ اشراف و سران قوم نوح ، به معارف الهی تمایلی نشان نمی دادند و از آن بیزار و متنفر بودند .

و اَنتُمْ لَهَا كَرِهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 3

3\_ دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن حضرت

و ی قوم لاأسئلكم علیه مالاً

از اینکه نوح(ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

ص: 255

2\_ اشراف و سران قوم نوح ، او را به دلیل ملک نبودن و دسترسی نداشتن به گنجینه های هستی و نداشتن علم غیب ، لایق مقام پیامبری نمی دانستند .

و لا أقول لكم عندی خزائن الله . . . و لا أقول إني ملك

به نظر می رسد جمله های «لا أقول لكم . . .» ناظر به «ما نرى لكم علينا من فضل» باشد و لذا اشاره به انتظارات نابه جای قوم نوح ، از مدعیان نبوت دارد.

9\_ تهی دستان و مستضعفان جامعه ، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح ، مردمی پست و حقیر

و لا أقول للذين تزدري أعينكم لن يؤتاهم الله خيراً

إزدراء (مصدر تزدري) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول «تزدري» ضمیر محذوفی است که به «الذين» برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی «الذين تزدريهم أعينكم» (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند). اسناد «تزدري» به «أعينكم» اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

10\_ سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لأقول للذين تزدري أعينكم لن يؤتاهم الله خيراً

جمله «لن يؤتاهم الله خيراً» بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه «لن» حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

7 - اعتقاد اشراف قوم نوح ، به عدم صلاحیت بشر برای رسالت الهی

فقال الملوأ . . . ما هـذا إلا بشر مثلكم

9 - تنها فرشتگان ، شایسته رسالت الهی در بیش اشراف کافر قوم نوح

و لو شاء الله لأنزل ملئكة

«مشيئة» (مصدر «شاء») به معنای خواستن و اراده کردن و «إنزال» (مصدر «أنزل») به معنای فرو فرستادن است. «ملائكة»، جمع «ملك»



(فرشتگان) می باشد؛ یعنی: «اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد».

14 - اشراف مرتجع قوم نوح ، مدافع وضع موجود و مخالف دگرگونی و تحول

فقال المملؤا .. ما سمعنا به\_ذافی ءابائنا الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 9

9 - برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی ، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لك واتبعك الأردلون

**101- بینش اشراف مکه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 256

4\_ سردمداران مشرکان مکه خود را همشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در استحقاق نزول وحی و کتاب آسمانی می دانستند.

أكبر مجرمیها . . . لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما أوتی رسل الله

### 102- بیش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 8

8\_ شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لنرى\_ها فی ضل\_ل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف (ع) به عنوان «برده و جوانک زلیخا»، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زر خرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 23، 24

23\_ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هـ\_ذا إلاّ ملک کریم

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأینه أكبرنه . . . إن هـ\_ذا إلاّ ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 7

7\_ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن ح\_ش لله

### 103- پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6\_ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى . . . يـأيها الملاء أفتونى

«ملاء» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

ص: 257

## 104- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2,4,1

1\_ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

2\_ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4\_ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشتمال برای «خطبکَنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکَنّ...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

## 105- پذیرایی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 6,7

6\_ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءاتت کل وحده منهن سکیناً

7\_ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متکناً و ءاتت کل وحده منهن سکیناً

ضمیر در «أعتدت» و «آتت» به «امرات العزیز» برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أعتد) و (اوتیت) آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 36 - 1

1 - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود و انهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتخذت إلهاً غيري لأجعلنك من المسجونين . . . فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

«ارجاء» (مصدر «ارج») به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتمی است که «ارج» در اصل «ارجی» بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر «ه» ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

ص: 258

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 37 - 1

1 - گردآوری تمامی ساحران کارآموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن ح\_شرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

### 107- تبلیغ اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 1

1 - تبلیغ شدید اشراف جامعه پس از نوح ، علیه وعده رستاخیز

هیئات هیئات لما توعدون

«هیئات» اسم فعل است به معنای «بُعْد» (دور است) و برای استبعاد به کار می رود. تکرار «هیئات» برای مبالغه در استبعاد است.

### 108- تبلیغ اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 1

1 - تبلیغ شدید اشراف جامعه پس از نوح ، علیه وعده رستاخیز

هیئات هیئات لما توعدون

«هیئات» اسم فعل است به معنای «بُعْد» (دور است) و برای استبعاد به کار می رود. تکرار «هیئات» برای مبالغه در استبعاد است.

### 109- تبلیغ اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 25 - 2

2- تبلیغ اشراف ، مبنی بر دست برداشتن نوح (ع) از دعوت خود با گذشت زمان و بهبود یافتنش

به جَنّه فترَبصوا به حتّی حین

## 110- تڄر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 14

ص: 259

14 - اشراف مرتجع قوم نوح ، مدافع وضع موجود و مخالف دگرگونی و تحول

فقال المملؤا .. ما سمعنا به\_ذافى ءابائنا الأوّلين

### 111- تحقيرهاى اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 4

4 - تحقير حضرت موسى و هارون از سوى فرعون و اشراف دربار او ، به خاطر داشتن خاستگاه پايين اجتماعى

أنؤمن لبشرين مثلنا و قومهما لناع\_بدون

### 112- ترس از شکنجه هاى اشراف بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 83 - 4

4\_ مؤمنان به موسى (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذيت و شکنجه هاى فرعون در وحشت شديدى به سر مى بردند .

فما ءامن لموسى إلا ذريه من قومه على خوف من فرعون و ملايهم أن يفتنهم

تتكير «خوف» دلالت بر شدت آن مى کند و از معانى فتنه عذاب و شکنجه است.

### 113- ترس اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 127 - 3

3\_ اشراف دربار فرعون بيمناک از برچيده شدن نظام فرعونى و به قدرت رسيدن موسى (ع) و قوم او

أتذر موسى و قومه ليفسدوا فى الأرض و يذرك و ءالتهتك

### 114- تعجب زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 30 - 9



9\_ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرات العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مرآده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

ص: 260

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 15، 17

15\_ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

«إِكْبَار» (مصدر أَكْبَرَن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

استفاده از ماده «قطع» \_ که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

### 115- تکبر اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 8

8 - اعیان و اشراف هر جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلی فرعون و ملأیه .. إذا هم منها یضحکون

### 116- تکبر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 13، 8

8\_ سران و اشراف قوم نوح ، گرفتار خوی استکباری و خود برترینی بودند .

فقال المألاً .. ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا

13\_ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی

شمردند .

و ما نرى لكم علينا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 9

9\_ اشرافیت ، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن . . . ءات\_نی رحمه من عنده فعَمَّیت علیکم

«عَمَّیت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده

ص: 261

است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و ...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

### 117- تلاش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 5

5 - تلاش اشراف ، برای مخدوش ساختن رسالت نوح (ع) در نظر توده مردم

فقال الملوأ . . ما هذا إلا بشر مثلكم

### 118- تلاشهای اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 3

3 - تلاش اشراف برای سوق دادن افکار عمومی ، در جهت منافع و باور های خویش

هیئات هیئات لما توعدون

### 119- توصیه به اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 1

1 - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

ألا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

«علو» (مصدر «تعلوا») به معنای استکبار و برتری جویی است. «اتیان» (مصدر «أتونی») نیز به معنای حاضر شدن و «اسلام» (مصدر «مسلمین») معادل «تسلیم» و «انقیاد» است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجوید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

### 120- نوطئه اشراف صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9\_ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

وإذا أذقنا الناس رحمته من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

ص: 262

## 121- توطئه اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و كذلك جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

## 122- توطئه اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 1,9

1\_ اشراف قوم فرعون برای تحریک وی به سرکوبی موسی (ع) و قوم او تلاشی پیگیر داشتند .

وقال الملائ من قوم فرعون أتذر موسى وقومه

9\_ تحریک احساسات مذهبی و استکباری فرعون ، از روش های اشرافیان برای واداشتن وی به سرکوب موسی (ع)

و یذرک وءالهتک

گویا درباریان با یاد کردن از الهه فرعون و مخاطب قرار دادن فرعون در صدد تحریک احساسات مذهبی وی بودند.

## 123- توطئه اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 7

7\_ اشراف و سران قوم نوح ، در صدد مایوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جـ دلتننا فأكثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

## 124- توطئه اشراف مکه

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

ص: 263

## 125- توقع نبوت اشراف طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزلَ هذا القرآن على رجل من القریتین عظیم

عموم مفسران مراد از «قریتین» را مکه و طائف دانسته اند.

## 126- توقع نبوت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزلَ هذا القرآن على رجل من القریتین عظیم

عموم مفسران مراد از «قریتین» را مکه و طائف دانسته اند.

## 127- تهدید اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 3، 2

2 - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتیَنَّهُم بجنود لا قبل لهم بها

جمله «لا قبل لهم بها» صفت «جنود» است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

3 - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمد های ناگوار جنگ (تبعید ، آوارگی ، ذلت و خواری)

ولنخرجنَّهم منها أذله و هم صـغرون

«أذله» جمع «ذلیل» و حال برای ضمیر «هم» است؛ یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت «هم



صاغرون» به تقدیر «هم صاغرون فیها» است؛ یعنی، و در آن سرزمین، بیگانه، حقیر و آواره خواهند بود.

## 128- تهدید اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 2

2\_ اشراف کفرپیشه مدین، شعیب و مؤمنان به رسالتش را به تبعید دسته جمعی تهدید کردند.

ص: 264

لنجر جنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

«معک» می تواند متعلق به «لنخر جنک» باشد. بر این مبنا «لنخر جنک» حاکی از تبعید دسته جمعی است.

### 129- تهدید به اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 7

7\_ حضرت موسی (ع)، همراه با نفی ساحریت از خود، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود.

و لا یفلح السحرون

### 130- تهدیدهای اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 116 - 1

1 - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ی\_نوح لتکوننّ من المرجومین

### 131- تهمتهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 5

5\_ فرعون و اطرافیانش، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع)، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند.

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 3, 2, 1

1\_ فرعون و اطرافیانش، پس از شنیدن سخنان موسی (ع)، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند.

قال موسى . . قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

2\_ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ؛ بلکه برای برگرداندن آنان از سنت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء فی الأرض

3\_ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء فی الأرض

ص: 265

برداشت فوق از تقدیم خبر «تکون» بر اسمش \_ که می تواند مفید حصر باشد \_ استفاده شده است.

### 132- تهمتهای اشراف قوم نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 1

1 - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

وقال الملائ من قومه .. إن هو إلا رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

### 133- تهمتهای اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 1

1 - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

وقال الملائ من قومه .. إن هو إلا رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

### 134- تهمتهای اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 14،15

14\_ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نزنکم ک\_ ذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی برحسب مدعای آنان است؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

15\_ اشراف و سران قوم نوح ، پیروان آن حضرت را در ادعای ایمان ، به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نزنکم ک\_ ذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3\_ دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن حضرت

و ی قوم لاأسئلكم علیه مالاً

از اینکه نوح(ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 266

8 - اشراف کافر، نوح (ع) را به سلطه جویی و برتری طلبی متهم کردند .

یرید أن یتفضّل علیکم

«إرادة» (مصدر «یرید») به معنای خواستن و «تفضّل» (مصدر «یتفضّل») به معنای برتری جستن است؛ یعنی: «می خواهد بر شما برتری جوید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - متهم شدن نوح (ع)، از سوی اشراف قومش، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال المملؤا الذین کفروا .. إن هو إلاّ رجل به جنّه

«إن» معادل مای نافیه است؛ یعنی: «ما هو إلاّ رجل ..». نکره آوردن «جنّه» نیز برای تنويع است. بنابراین عبارت «به جنّه»؛ یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. «تربّص» (مصدر «تربّصوا») به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

### 135- جهل اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18\_ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

ولکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه «إنهم ملاقوا ربهم» می توان گفت که: مفعول «تجهلون» مقام والا و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس «أراکم ...»؛ یعنی، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

19\_ اشراف قوم نوح، ناآگاه به مرتبه والای «لقاءالله» و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم ولکنی أریکم قومًا تجهلون

### 136- حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر \*

و کانوا قومًا عالین

جمله «کانوا قومًا عالین» می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا ع\_بدون

### 137- حق ناپذیری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 8

8- اعیان و اشراف هر جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلی فرعون و ملایه . . . إذا هم منها یضحکون

### 138- حق ناپذیری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 75 - 8،10

8\_ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

10\_ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . . . موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 6

6- تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فألقي السحرة س\_جدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

### 139- حق ناپذیری اشراف قوم نوح



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 3

3 - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال المملؤا الذین کفروا

ص: 268

## 140- ختم قلب اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای «طبع» و «ختم» تضمین و اشراف شده است.

## 141- خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 8

8- مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع) ، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

## 142- خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصدق مورد نظر برای «الخائنین» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیات لیسجننه) آیه 35.

## 143- دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» \_ که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را

ص: 269

بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

#### 144- دشمنی اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 6

6\_ رؤسا و اشراف قوم موسی ، دشمنان او و وابسته به حکومت فرعون بودند .

علی خوف من فرعون و ملائیم

#### 145- دشمنی اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 2

2 - پیشگامی سران و اشراف جامعه پس از نوح ، در مخالفت با پیامبرشان

وقال الملائ من قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

ولئن أطعتم بشرًا .. لخر سرون

#### 146- دشمنی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 2

2 - پیشگامی سران و اشراف جامعه پس از نوح ، در مخالفت با پیامبرشان

وقال الملائ من قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لَخِ سُرُون

ص: 270

## 147- دشمنی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 2,5

2 - پیشگامی اشراف ، در موضع گیری خصمانه علیه نوح (ع)

فقال الملوأ . . ما هـ ذالآ بشر مثلکم

5 - تلاش اشراف ، برای مخدوش ساختن رسالت نوح (ع) در نظر توده مردم

فقال الملوأ . . ما هـ ذالآ بشر مثلکم

## 148- دعوت از اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 10

10\_ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

## 149- دعوت از اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 5

5 - فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم الله الحمـن الرحیم . . و أتونی مسلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از «مسلمین» (به قرینه «بسم الله. .») و نیز آیه 44 (أسلمت مع سلیمان لله) تسلیم شدن در برابر خدا باشد؛ یعنی، «و أتونی مسلمین لله».

## 150- دعوت از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

29\_ « عن علی بن الحسین (ع) : . . . فأرسلت إلیهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ باترج و « آتت کل واحده منهنّ سکیناً . . . » ؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد . . .».

ص: 271

### 151- دعوت‌های زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6- زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا ) ، جملگی یوسف ( ع ) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

«یدعون» در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند \_ آنان نیز به قرینه «أصب إلیهنّ» \_ یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و \_ به دلیل مضارع بودن «یدعون» \_ بر آن اصرار میورزیدند.

### 152- دفع مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 11

11\_ خداوند ، خشی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف ( ع ) از زندان

أن الله لا یهدی کید الخائنین

### 153- دنیاطلبی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 9

9- برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی ، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأردلون

### 154- رد خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 114 - 1

1 - پاسخ منفی نوح ( ع ) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش



أنؤمن لك واتبعك الأردلون . . . وما أنا بطارد المؤمنين

### 155- رذائل اشراف قوم نوح

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

8 - هود - 11 - 27 - 8

ص: 272

8\_ سران و اشراف قوم نوح، گرفتار خوی استکباری و خود برترینی بودند .

فقال الملائه .. ما نريك اتبعك إلا الذين هم أرادنا

### 156- رفاه اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 3

3- اشراف و سران جامعه پس از نوح ، عناصری مرفه و برخوردار از همه امکانات دنیوی

وقال الملائه من قومه ... و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

### 157- رفاه اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 3

3- اشراف و سران جامعه پس از نوح ، عناصری مرفه و برخوردار از همه امکانات دنیوی

وقال الملائه من قومه ... و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

### 158- رفاه طلبی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 28 - 9

9\_ اشرافیت ، استکبار و خود برترینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن .. ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

«عَمَّیْت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

### 159- روش برخورد اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5\_ اشراف مکه در صدر اسلام مؤمنان تهیدست را تحقیر می کردند.

أهؤلاء من الله عليهم من بيننا

ص: 273

## 160- روش برخورد اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 5

5 - مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان .

ثم تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

## 161- رهبری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 41 - 4

4 - فرعون و دارودسته وی ، از نوع پیشوایان دعوت کننده به دوزخ

و جعلنهم ائمه يدعون إلى النار

## 162- زلیخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29، 11

11\_ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند ، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند

وقالت اخرج عليهنّ

29\_ « عن علی بن الحسین (ع) : . . . فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ بآترج و « آتت کل واحد منهنّ سکیناً . . .

؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 1، 2

1\_ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلکَ الذی لمتنی فیہ

2\_ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

ص: 274

### 163- زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 13

13\_ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الیٰ-ن حصحص الحق

«حصحصه» (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

### 164- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 10

10\_ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت .

قالت امرأت العزیز الیٰ-ن حصحص الحق

### 165- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 11

11\_ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و

پاکدامنی یوسف (ع)

فستله ما بال النسوه الّ-تی قطعن ایدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت «الّ-تی قطعن ایدیهنّ» داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

### 166- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3\_ زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهٔ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنه کیدهٔ» دلالت می کند که پس از دعای یوسف (ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف (ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که

ص: 275

یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

## 167- زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 7,9

7\_ زنان اشراف، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند.

وقال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه قد شغفها حبًا

«فتا» به معنای برده و عبد، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای «فتا» در «تراود فتاها» لحاظ شده باشد.

9\_ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرات العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2,24

2\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأیته أكبرنه .. إن هـِذا إلاّ ملک کریم

## 168- زنان اشراف مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



14\_ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأينه أكبرنه .. وقلن حـش لله ما هذا بشرًا

15\_ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

16\_ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

19\_ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . وقلن ح\_ش لله ما هذا بشرًا

22\_ جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد.

ح\_ش لله ما هذا بشرًا

23\_ زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند.

إن ه\_ذا إلاّ ملک کریم

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأينه أكبرنه . . . إن ه\_ذا إلاّ ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6\_ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا)، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند.

مما یدعوننی إلیه

«یدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند \_ آنان نیز به قرینه «أصب إلیهنّ» \_ یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و \_ به دلیل مضارع بودن «یدعون» \_ بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 5,6,7

5\_ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکّن إذ رودتّن یوسف عن نفسه قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

6\_ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

7\_ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن ح\_ش لله

زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 2,3

ص: 277

2\_ زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

وقال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که «فی المدینه» متعلق به «قال» باشد. بر این مبنا «قال نسوه فی المدینه...» ؛ یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

3\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زیانزد زنان اشراف شده بود .

وقال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه

«فی المدینه» می تواند متعلق به «قال» باشد و نیز محتمل است صفت برای «نسوه» باشد. براساس احتمال دوم، مراد از «قال نسوه فی المدینه...» این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

### 169- سبک سری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 5

5- فرعون و درباریان وی ، افرادی سبک سر و هوچی گر

فلما جاءهم ب\_ای\_تنا إذا هم منها یضحکون

برخورد سریع و استهزاآمیز فرعونیان، حاکی از سبک سری و هوچی گری آنان است.

### 170- سرزنش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 77 - 1

1\_ حضرت موسی (ع) ، فرعون و سران حکومتش را ، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قال موسی أتقولون للحق لما جاءکم أسحر هذا

### 171- سرزنش اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- توییح دربار سبأ توسط سلیمان (ع)، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در «أتمدونن» برای توییح و سرزنش است.

ص: 278

## 172- سرزنش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 30 - 5

5- نوح (ع)، اشراف و سران قومش را، به خاطر توجه نکردن به پیامد های طرد مؤمنان توبیخ کرد.

أفلاتذکرون

استفهام در «أفلاتذکرون» استفهام توبیخی است.

## 173- سرزنش ترجیح اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 10 - 3

3- ترجیح اشراف بر دیگران در تبلیغ دین و برخورد دو گانه تبعیض آمیز در معاشرت با مردم، مذموم است.

أما من استغنى . فأنت له تصدّى ... فأنت عنه تلهى

## 174- سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7- فرعون و اشراف حکومت او، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند.

و كانوا قومًا عالین

## 175- سلطه گری اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 4

4- توده مردم جامعه پس از نوح، اسیر تبلیغات و سلطه اشراف بودند.

وقال المأ من قومه . . . و ما نحن بمبعوثین

## 176- سلطه گری اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 4

4- توده مردم جامعه پس از نوح ، اسیر تبلیغات و سلطه اشراف بودند .

ص: 279

وقال الملأ من قومه . . . و ما نحن بمبعوثين

### 177- سليمان (ع) و اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2- برخورد سليمان (ع) با ملكه و درباريان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألا تعلوا علىّ و أتوني مسلمين

### 178- سوء استفاده اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 88 - 5

5\_ فرعون و اطرافيانش ، از ثروت و امكانات عظيم اقتصادي خود در جهت مبارزه با دين خدا و گمراه كردن مردم ، استفاده مي كردند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاءه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

### 179- سوگند اشراف مدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3

3\_ اشراف كفرپيشه مدين با ياد كردن سوگند ، پذيرش رسالت شعيب و پيروي از دستورات او را ، امري زيان آور معرفي مي كردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

### 180- شخصيت اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 29 - 5

5- مشاوران دربار بلقيس ، عناصری برجسته و صاحب مقام

قالت يأيها الملأوا



واژه «ملاً» به عناصر چشم پرکن و شخصیت های برجسته گفته می شود.

ص: 280

## 181- شرایط ایمان اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 8

8\_ مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

## 182- شرک اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 1

1\_ اشراف و سران قوم نوح، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند.

فقال الملاء الذين كفروا من قومه

متعلق «کفروا» به قرینه آیه قبل توحید، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

## 183- شعيب (ع) و اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 1

1\_ شعيب (ع) در پاسخ اشراف کفرپیشه مدین، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست.

قد افترينا على الله كذبا إن عدنا فى ملتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 5

5\_ شعيب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک)، خروج از دیار مدین را برگزید.

لئن اتبعتم شعيباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «اتبعتم شعيباً»، پیروی از شعيب (ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 6

6 - تجلی خوی استکباری ، در موضع گیری اشراف علیه دعوت انبیا

لقد وعدنا .. إن هـذا إلا أسـ طير الأولین

ص: 281

به ریشخند گرفتن دعوت پیامبران و افسانه خواندن آن، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 185- صفات اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 3

3 - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال المملؤا الذین کفروا

### 186- ظلم اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 85 - 4

4\_ فرعون و اشراف اطراف او ، مردمی ددمنش و ستم پیشه بودند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

### 187- ظلم اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 15

15\_ ظلم و ستم سران و اشراف قوم نوح به محرومان و مستضعفان آن قوم

لأقول للذین تزدری أعینکم . . . إنی إذا لمن الظالمین

جمله «إنی إذا لمن الظالمین» تعریضی است به سران و اشراف قوم نوح که شما با این پندار\_ که محرومان شایسته خیر نیستند\_ در حق آنان ستم می کنید.

### 188- عبادت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 6

6- فرعون و اشراف دربار او، مورد پرستش بردگان تحت سلطه آنان

وقومهما لنا عـبدون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «عباده» (مصدر «عابدون»)، در جمله فوق، به معنای پرستیدن باشد.

ص: 282

## 189- عَجَبِ اشْرَافِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 6

6\_ دولتمندان و اشراف تنها خود را شایسته کرامت و ارزشمندی در نزد خدا می دانند.

ليقولوا أهؤلاء منّ الله عليهم من بيننا

## 190- عَجَزِ اشْرَافِ قَوْمِ نُوحٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8

8\_ سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءيتم إن .. . آءات\_نى رحمہ من عنده فعَمّيت عليكمم

تعمیه (مصدر عمّیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

## 191- عَجَزِ زَنَانِ اشْرَافِ مِصْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 16

16\_ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه وقَطّعن أیدیهنّ

## 192- عزیزِ مِصْرَ هنگامِ محاکمه زَنانِ اشْرَافِ مِصْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 11

11\_ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود.

توصیف زلیخا با وصف «همسر عزیز» می‌رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

**193- عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 283

1\_ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

### 194- عقیده اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 2

2- انکار صریح معاد، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هي إلاّ حياتنا الدنيا نموت و نحيا و ما نحن بمبعوثين

### 195- عقیده اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 2

2- انکار صریح معاد، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هي إلاّ حياتنا الدنيا نموت و نحيا و ما نحن بمبعوثين

### 196- عقیده اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 4

4\_ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر، رسالت وی را انکار کردند .

إننا لنريك في ضلل مبين . . . أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربيكم على رجل منكم

### 197- عقیده اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3,4,7



3\_ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

4\_ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

ص: 284

برداشت فوق با توجه به آیه 85، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

7\_ اشراف کفر پیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع)، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

وقال الملاء... لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

### 198- عقیده اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9\_ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند.

قلن ح\_ش لله

### 199- عقیده اشراف مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9\_ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند.

قلن ح\_ش لله

### 200- عوامل اضطراب اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 5

5 - اندیشه معاد و حیات اخروی، برهم زنده آرامش اشراف و مورد تکذیب اُکید آنان

وقال الملاء من قومه... أبعدم... أنکم مخرجون

### 201- عوامل ذلت اخروی اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنك أنت العزيز الكريم

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان بهوسیله وصف «العزيز الكريم»، می نمایاند که مجازات آنان، پیامد روحیه تکبرمنشانه و برتری جویانه ایشان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

ص: 285

## 202- عوامل کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 7

7\_ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال المألاً .. ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

## 203- عوامل هلاکت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 2

2 - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی ( موسی و هارون )

فكذبوهما فكانوا من المهلكين

## 204- غفلت اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 11

11 - توجه اشراف به خوردن و آشامیدن و غفلت آنان از فضایل علمی و معنوی مردان الهی

ما هـِذا إلا بشر .. ویشرب ممّا تشربون

## 205- فسق اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 8

8 - فرعون و سران حکومت وی ، عناصری فاسق و متجاوز بودند .

إلی فرعون و ملائیه إتهم كانوا قومًا فـسقین

## 206- قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - شعراء - 26 - 38 - 1

ص: 286

1 - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهرها، مورد پذیرش فرعون

قالوا... و ابعث فی المدائن... فجمع السحرة

### 207- قدرت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیانش، قدرت و مکت خود را، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند.

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

### 208- کامجویی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4,5

4\_ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کامروایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکّن» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکّن...»؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کامروایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد او آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

5\_ زنان اشراف، درخواست کامروایی از یوسف (ع) را انکار نکردند.

ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

### 209- کفر اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 10

10\_ طبقه سران و اشراف ملتها، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند.

فقال الملاء الذین کفروا

## 210- كفر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 78 - 9

ص: 287

9\_ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون ( ع ) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما» ؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 3

3\_ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملائیمهم . . . و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

### 211- کفر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1 \_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أکبر مجرمیها . . . قالوا لن نؤمن

### 212- کفر اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 4

4- کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

وقال الملائ من قومه الذین کفروا و کذبوا بقاء الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 2

2 - انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 2

2 - اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

ص: 288

## 213- کفر اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 4

4- کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

وقال الملائ من قومه الذين كفروا و كذبوا بقاء الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 2

2- انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 38 - 2

2- اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

## 214- کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 27 - 1

1\_ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملائ الذين كفروا من قومه

متعلق «کفروا» به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 3

3- کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال المملؤا الذین کفروا

### 215- کفر اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 2

2\_ گروهی از اشراف و بزرگان مدین رسالت شعیب را انکار کردند و گروهی از آنان به وی ایمان آوردند .

وقال المملؤا الذین کفروا من قومہ

ص: 289

در برداشت فوق «الذین . . .» قید احترازی گرفته شده است؛ یعنی «ملاً» دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن.

### 216- کفر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1\_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرمیها . . . قالوا لن نؤمن

### 217- کوردلی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8,9

8\_ سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن . . . ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

تعمیه (مصدر عمیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

9\_ اشرافیت، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود.

أرءیتم إن . . . ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

«عمیت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

### 218- کیفر تجاوز به همسران اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 19

19\_ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان، موجب مجازات و کیفر بود.

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

## 219- گفتگوی فرعون با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 1

ص: 290

1 - گفت وگوی فرعون با سران و اشراف مصر ، درباره دعوت موسی از آنان مبنی بر پذیرش خدای یگانه

وقال فرعون یاٰیها الملاء ما علمت لكم من إله غیري

«ملاء» به شخصیت های برجسته و بزرگان قوم گفته می شود.

## 220- گمراهی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 2

2\_ نوح (ع) ، پس از تلاش های ناموفق خویش ، این احتمال را موجه دانست که خداوند خواسته تا اشراف و سران قومش ، به ورطه ضلالت و گمراهی سقوط کنند .

و لا ینفعکم نصحی . . . إن کان الله یرید أن یریکم

«إن» در «إن کان الله . . .» شرطیه است و جمله «لا ینفعکم . . .» به منزله جواب برای آن می باشد. گرچه این احتمال نیز که مخففه از متقلبه باشد بعید به نظر نمی رسد. بر این اساس جمله «إن کان الله» بیانگر آن است که نوح(ع) به ایمان نیاوردن قومش اطمینان پیدا کرده بود. قابل ذکر است که نیامدن «لام» در خبر «إن» مخففه، به خاطر مشتبه نشدن آن با «إن» نافیه است.

## 221- گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 6

6\_ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

## 222- لجاجت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 7

7\_ فرعون و اطرافیان او، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع)، آن را انکار کردند.

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

### **223- مبارزه اشراف قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 291

5\_ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع)، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال المأذون الذین استکبروا من قومه .. . أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

### 224- مبارزه اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 3,4

3\_ اشراف کفرپیشه قوم مدین، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال المأذون الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

4\_ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین، ریشه مبارزه آنان با شعیب و رسالت های او

قال المأذون الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

### 225- مبارزه با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 1

1 - مسؤولیت مشترک موسی و هارون، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثم أرسلنا موسی وأخاه هرون .. . إلى فرعون و ملائجه

«مأذون» اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. «استکبار» (مصدر «استکبروا»); یعنی، کبر ورزیدن و تکبر نمودن «علو» (مصدر «عالین») نیز به معنای برتری جویی و سلطه طلبی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 9

9- مبارزه با فسق و تجاوز، هدف اساسی موسی (ع) در رویارویی با فرعون و دارودسته وی

إلى فرعون و ملائجه إنهم كانوا قومًا فسقین



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 32 - 2

2- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنتین من أعنـب و حفنـهما بنخل و جعلنا بينهما زرعاً

«غرور» از آیات بعد استفاده می شود.

ص: 292

## 227- مجرمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 9

9\_ فرعون و اطرافیان، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

إلی فرعون و ملایه . . . و كانوا قوماً مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 82 - 7

7\_ فرعون و اطرافیان وی ، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

فرعون و ملایه . . . و كانوا قوماً مجرمین ... و یحق الله الحق بکلمته و لو کره الم

## 228- محاربه اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5\_ فرعون و اطرافیان، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنک ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و أموالاً فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک

## 229- محرومیت اشراف صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 12 - 4

4- اشراف حاضر در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماجرای ابن ام مکتوم ، بر اثر بی رغبتی خود ، از آموختن و به خاطر سپردن معارف قرآن محروم بودند .

فمن شاء ذکره

## 230- مخالفت اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 4

4 - اشرف قوم نوح ، در جبهه مخالف او

ص: 293

قالوا أنؤمن لك واتبعك الأردلون

### 231- مخالفت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 4 - 7

7 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به هنگام بعثت ، با مخالفت قدرت های سیاسی و اقتصادی عصر خویش \_ مانند اشراف مکه \_ رویه رو بود .

فلا یغریک تقلبهم فی البِلْدِ

### 232- مشاوره اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 3

3 - مشاوره سران حکومت فرعون درباره کشتن موسی (ع)

إِنَّ الْمَلَائِئِمَّاتِ مَرُونَ بَكَ لِيَقْتُلُوكَ

«إتتمار» (مصدر «یأتمرون») به معنای مشورت و رایزنی است.

### 233- مشاوره با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 6

6 - مشاوره فرعون با اطرافیان خویش و نظر خواهی از آنان برای مبارزه با موسی (ع)

فماذا تأمرون

«أمر» (مصدر «تأمرون») به معنای فرمان دادن است. مقصود از آن در این جا فرمان مشورتی است. بنابراین «چه فرمان می دهید»; یعنی، رأیتان چیست.

### 234- مشاوره با اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت یاٰیها الملؤا ائی اُلقی اِلیّ کتـب کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 294

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یاأیها المملؤا أفتونی فی امری

«إفتاء» (مصدر «أفتونی») به معنای اظهار نظر است. «أفتونی فی امری»؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

4 - مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمرًا حتی تشهدون

«قطع» (مصدر «قاطعه») در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. «أمرًا» نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. «شهاده» (مصدر «تشهدون») معادل حضور است؛ یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

### 235- مکر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

### 236- مکر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

## 237- مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2

2\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

ص: 295

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 23

23\_ «عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوة من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت كل واحدة منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهآ تسأله الزیارة فأبی علیهنّ وقال : « إلاّ تصرف عتّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجّاد (ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15\_ تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

### 238- ملی گرایی اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 8

8\_ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک . . . او لتعودن فی ملتنا

### 239- منشأ تهمتهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .



فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

## 240- منشأ ثروت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 88 - 3,6

ص: 296

3\_ ثروت ها و زیور آلات فرعون و اطرافیان او، از جانب خداوند و داده او بود .

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

6\_ بهره مندی فرعون و اطرافیان او از ثروت های خدادادی ، مقتضای ربوبیت الهی بود .

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا

### 241- منفعت طلبی اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 3

3 - تلاش اشراف برای سوق دادن افکار عمومی ، در جهت منافع و باور های خویش

هیئات هیئات لما توعدون

### 242- موانع ایمان اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 11، 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او ، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و كانوا قومًا عالین

جمله «و كانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

11 - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن ، مانع از پذیرش دعوت موسی و سرنهادن به دستور های او ، از سوی آنان بود .

فاستکبروا و كانوا قومًا عالین

### 243- موسی(ع) و اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 4، 2

2\_ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

«ملاً» به معنای رؤساست (لسان العرب).

4\_ هارون (ع) ، شریک و همتای موسی (ع) در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف پیرامون او بوده است .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

ص: 297

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 1, 2

1 - حضرت موسی (ع)، فرعون و سران حکومتش را، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود، مورد ملامت و سرزنش قرار داد.

قال موسی أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا

2 - حضرت موسی (ع)، از انکار معجزه توسط فرعون و اطرافیانش و جادو خواندن آن، اظهار تعجب و شگفتی کرد.

أسحر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 13, 18

13 - موسی (ع) در دعای خود، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند.

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای «طبع» و «ختم» تضمین و اشراط شده است.

18 - موسی (ع) از خداوند، خواستار عذاب استیصال برای فرعون و اطرافیانش گردید.

و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام «العذاب» - که برای عهد ذهنی است - اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد. در این صورت چنین بر می آید که حضرت موسی (ع) چون به چگونگی تحقق عذاب استیصال آگاه بود، از خداوند تحقق زمینه پیدایش آن را - که عبارت از سخت شدن دل و مهر شدن آن است - درخواست کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 10

10 - موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند.

قال موسی ربنا انکءاتیت فرعون و ملاءة زینه و أمولا .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 1

1 - خداوند ، موسی (ع) را به سوی فرعون و درباریان‌ش فرستاد .

و لقد أرسلنا موسی بـایـتنا إلی فرعون و ملایه

### **244- موسی (ع) و اضلال اشراف فرعون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 7

7\_ حضرت موسی (ع) ، از فرعون و اطرافیان‌ش برای به کار بستن اموال و زینت های فراوان خویش در مسیر گمراهی و فریب

ص: 298

مردم، در پیشگاه خداوند به شکوه پرداخت .

وقال موسى ربنا إنك ءاتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا فى الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا

### 245- موسى (ع) و ثروت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 10، 11

10 - موسى (ع) در دعای خود، نابودی کامل ثروت های فرعون و اطرافیانش را از خداوند خواستار گردید .

ربنا اطمس علی أمولهم

گاهی «طموس» به چیزی نسبت داده می شود و از آن فساد، تباهی و نابودی خود آن شیء اراده می شود؛ مانند طموس قلب، یعنی فساد و تباهی قلب؛ طموس طریق، یعنی خراب شدن و از بین رفتن راه و گاهی از آن تباهی آثار و لوازم شیء اراده می شود؛ مانند طموس نجم، یعنی زوال نور آن؛ طموس چشم، یعنی محور نور آن. برداشت فوق مبتنی بر استعمال اول است.

11 - موسى (ع) در دعای خود، برای جلوگیری از گمراه شدن مردم، از خداوند درخواست کرد تا جاذبه های اموال فرعون و اطرافیانش را (در چشم و دل مردم) دگرگون نماید .

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

### 246- موسى (ع) و شکست اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 6، 7

6 - حضرت موسى (ع)، از پیش به پیروزی و دستیابی به هدف های خود و شکست فرعون، آگاهی داشت .

و لا یفلح السحرون

«فلاح» به معنای ظفر و دست یافتن به هدف است (مفردات راغب).

7 - حضرت موسى (ع)، همراه با نفی ساحریت از خود، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 10، 8، 5

5\_ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

وَأَعْتَدتْ لَهُنَّ مَتَكِنًا

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «مَتَكِنًا» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «مَتَكِنًا» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن

ص: 299

جمله «آت ...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «متکناً» در آیه «طعام» است.

8\_ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

وقال نسوه فی المدینه . . فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در «مکرهنّ . .» و «إلیهنّ» به «نسوه» در آیه قبل بر می گردد و از آن جا که «نسوه» از صیغه های جمع قله است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

10\_ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

## 248- نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 6، 2

2\_ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

6\_ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

## 249- نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 1

1\_ خداوند ، دعای موسی و هارون (ع) ، علیه فرعون و اطرافیانش را مستجاب کرد .



قال قد أجيبت دعوتكما

## 250- نقش اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 47 - 9

9- سلاطين و اشراف ، تشكيل دهنده جبهه اصلى مخالفت با پیامبران الهى

إلى فرعون و ملأيه . . إذا هم منها يضحكون

ص: 300

## 251- نقش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 6

6 - فرعون و اطرافیانش در گرایش های اعتقادی مردم ، نقش تعیین کننده ای داشتند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون الی فرعون و ملایه

از این که خداوند موسی و هارون (ع) را - که برای هدایت مردم مبعوث شده بودند - مستقیماً به سوی فرعون و اطرافیانش فرستاد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 5

5 - نقش جدی درباریان و اطرافیان فرعون ، در انحراف و گمراهی مردمان

و لقد أرسلنا موسی بـایـتنا الی فرعون و ملایه

از این که «ملاً» در برنامه تبلیغی موسی (ع) هم طراز فرعون قرار گرفته اند، نقش اساسی آنان در انحراف مردم به دست می آید.

## 252- نگرانی اشراف قوم نهمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 4

4 - اشراف جامعه پس از نوح ، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیئات هیئات لما توعدون

تأکیدهای مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از نوح، حکایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده های مردم، تحت تأثیر سخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

## 253- نگرانی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 4

4- اشراف جامعه پس از نوح، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیئات هیئات لما توعدون

تأکیده‌های مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از نوح، حکایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده‌های مردم، تحت تأثیر سخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

ص: 301

## 254- نوح(ع) و اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 7

7\_ برخورد حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

ی\_ قوم اریتم

تعبیر «یا قوم» (ای مردم من!) حکایت از شفقت و ترحم دارد.

## 255- نوح(ع) و خواسته های اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 9

9\_ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف ( طرد مؤمنان تهی دست )

و ما انا بطارد الذین ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و «با» ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

## 256- ویژگیهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 85 - 4

4\_ فرعون و اشراف اطراف او ، مردمی ددمنش و ستم پیشه بودند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

## 257- ویژگیهای زندگی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 88 - 2

2\_ فرعون و اطرافیانش ، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

نكره بودن «زینه و أموال» دلالت بر «تفخیم» و «تعظیم» می كند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد؛ در تفخیم زینت، خیره كندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

## 258- هارون (ع) و اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 2،4

2\_ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

«ملاً» به معنای رؤساست (لسان العرب).

4\_ هارون (ع) ، شریک و همتای موسی (ع) در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف پیرامون او بوده است .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 10

10\_ موسی (ع) و برادرش (هارون) ، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند .

قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا . . . لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

## 259- هارون (ع) و نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 2

2\_ هارون (ع) با موسی (ع) ، در دعا علیه فرعون و اطرافیانش ، همراه و شریک بود .

دعوتکما

## 260- هدایت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 97 - 1

1\_ خداوند ، موسی (ع) را برای هدایت فرعون و بزرگان دربارش ، به سوی آنان فرستاد .

و لقد أرسلنا موسى . . . إلى فرعون و ملأيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 7

7- فرمان الهی به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر رفتن نزد فرعون و ابلاغ رسالت خویش به وی و مهتران حکومتش

إلى فرعون و ملأيه

«إلى فرعون» متعلق به عامل محذوف بوده و تقدیر آن چنین است: «اذهب إلى فرعون و ملأيه».

ص: 303

## 261- هدایت ناپذیری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 32 - 6

6\_ تلاش های نوح (ع)، برهان ها و دلیل های او، بی تأثیر در اشراف کافر

قدح\_ دلتننا فأكثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

## 262- هشدار اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 5,7

5\_ رو آوردن موسی (ع) و قومش به فسادگری علیه نظام فرعون، هشدار اشرافیان به فرعون

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض

«لام» در «لیفسدوا» در اصطلاح اهل ادب لام عاقبت می باشد. بنابراین مقصود اشراف از جمله «أتذر...» این است که ترک مجازات موسی (ع) و قومش به فسادگری آنان می انجامد. قابل ذکر است که مراد از فسادگری، به قرینه «و یذکر و ءالهتک»، شورش کردن علیه نظام فرعون است.

7\_ اشرافیان دربار، سرکوب نشدن موسی (ع) را مایه انزوای فرعون و ترک پرستش خدایان وی دانسته و آن را به فرعون گوشزد کردند.

أتذر موسی و قومه... و یذکر و ءالهتک

## 263- هشدار به اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2- بیان فرجام فرعونیان، هشدار به مستکبران و اشراف مشرک مکه

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

## 264- یأس زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3\_ زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهٔ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه‌ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنه کیدهٔ» دلالت می‌کند که

ص: 304

پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرآورده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرآورده شده باشد.

## 265- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7\_ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتتش بر گناه و معصيت

وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

11\_ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زليخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «وإلا تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

## 266- اشراف فرعون

{ اشراف فرعون }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 34 - 4

4 - اطرافیان فرعون ، گروهی متشکل از اشراف

قال للملا حوله

## 267- آثار استکبار اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او ، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و كانوا قومًا عالین

جمله «و كانوا قومًا عالين» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

## **268- آثار افساد اشراف فرعون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 305

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود.

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

### 269- آثار برتری طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 7

7 - نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا .. بأی تنا و سلطن مبین ... فقالوا أنؤمن لبشرین ... و قومهما لنا ع\_

### 270- آثار حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 11

11 - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن، مانع از پذیرش دعوت موسی و سرنهادن به دستور های او، از سوی آنان بود.

فاستکبروا و کانوا قوماً عالین

### 271- آثار سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و کانوا قوماً عالین

جمله «و کانوا قوماً عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

### 272- آثار عصیان اشراف فرعون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

ص: 306

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود.

فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمین. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

### 273- آثار نژادپرستی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 7

7- نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا... بأی تنا و سلطن مبین... فقالوا أنؤمن لبشرین... و قومهما لنا ع.

### 274- احتجاج موسی (ع) با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 2

2\_ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع)، معجزه ای بزرگ - که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود - به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد.

فلما جاءهم الحق من عندنا

### 275- استقامت در برابر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 5,7

5\_ خداوند موسی و هارون (ع) را در برابر فشارها و سختیهایی که از جانب فرعون و اطرافیانش وارد می شد، توصیه به استقامت و پایداری فرمود.

قال قد أجیبت دعوتكما فاستقیما

7\_ خداوند، موسی و هارون (ع) را از ترک استقامت در برابر فشارهای فرعون و اطرافیانش و در پیش گرفتن راهی جز آن، بر حذر داشت.

فاستقیما ولا تتبعان سبیل الذین لا یعلمون

## 276- استكبار اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 307

7 - یونس - 10 - 75 - 8

8 - خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملائیه بآیتنا فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 6

6 - موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او ، در برابر موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون .. إلی فرعون و ملائیه فاستکبروا

### 277- اشراف فرعون و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 26 - 2

2- حضور نیروهای مقتدر سیاسی - اقتصادی نظام فرعون ، در میان تعقیب کنندگان بنی اسرائیل

کم ترکوا من جنّات و عیون . و زروع و مقام کریم

پشت سر نهادن مزارع بزرگ، نشان می دهد که در میان فرعونیان حضور یافته در تعقیب موسی(ع)، ملائکان و سرمایه داران شرکت داشته اند؛ چنان که «مقام کریم» می تواند اشاره به قصرهای باشکوه اطرافیان و سیاست گذاران جامعه فرعونیه داشته باشد.

### 278- اشراف فرعون و دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9 - فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما» ؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

### 279- اشراف فرعون و دعوت هارون(ع)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9\_ فرعون و اطرافیاناش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما» ; در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

ص: 308

## 280- اشراف فرعون و رسوم نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیانش، قدرت و مکت خود را، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

## 281- اشراف فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 5

5\_ در عصر رسالت حضرت موسی (ع)، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجتئنا .. و تكون لكما الكبرياء في الأرض

## 282- اشراف فرعون و عقیده مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 6

6\_ فرعون و اطرافیانش در گرایش های اعتقادی مردم، نقش تعیین کننده ای داشتند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلى فرعون و ملایه

از این که خداوند موسی و هارون (ع) را\_ که برای هدایت مردم مبعوث شده بودند \_ مستقیماً به سوی فرعون و اطرافیانش فرستاد، برداشت فوق به دست می آید.

## 283- اشراف فرعون و موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 5,6

5\_ فرعون و اطرافیانش، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع)، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

6\_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمین. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 309

3\_ فرعون و قوم او و بزرگان دربارش ، رسالت موسی (ع) را نپذیرفتند .

فاتبعوا أمر فرعون

پیروی از دستور فرعون (فاتبعوا أمر فرعون) پس از رسالت موسی(ع) (أرسلنا موسی) گویای مخالفت قوم فرعون و بزرگان دربارش با رسالت موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 1

1 - تکذیب نهایی موسی و هارون (ع) ، از سوی فرعون و اشراف وابسته به او

فكذبوهما

### 284- اشراف فرعون و هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 1

1 - تکذیب نهایی موسی و هارون (ع) ، از سوی فرعون و اشراف وابسته به او

فكذبوهما

### 285- اضلال اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5\_ فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنكءاتیت فرعون و ملاءة زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک

### 286- افساد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9\_ فرعون و اطرافیان‌ش، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

إلی فرعون و ملائیه . . . و كانوا قوماً مجرمین

10\_ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیان‌ش، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . . . موسی و هرون إلی فرعون و ملائیه بآیتنا فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمی

ص: 310

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 82 - 7

7\_ فرعون و اطرافیان وی ، مردمانی تبه‌کار و مجرم بودند .

فرعون و ملائیه . . . و كانوا قوماً مجرمين ... و يحق الله الحق بكلمته و لو كره الم

### 287- امکانات مادی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5، 2

2\_ فرعون و اطرافیانش ، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

نکره بودن «زینه و اموال» دلالت بر «تفخیم» و «تعظیم» می کند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد؛ در تفخیم زینت، خیره کنندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

5\_ فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

### 288- برتری طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7 - فرعون و اشراف حکومت او ، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند .

و كانوا قومًا عالين

### 289- بینش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیانش، قدرت و مکنت خود را، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 1

1 - فرعون و اشراف دربار او، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

ص: 311

همزه در «أنؤمن» برای استفهام انکاری است. «قوم» به معنای طایفه و «عباده» (مصدر «عابدون») در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

### 290- پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 36 - 1

1 - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتخذت إلهاً غيري لأجعلنك من المسجونين . . . فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

«ارجاء» (مصدر «ارج») به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که «ارج» در اصل «ارجی» بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر «ه» ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 37 - 1

1 - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث في المدائن حـ شـرين . يأتوك بكل سحر عليم

### 291- تحقیرهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 4

4 - تحقیر حضرت موسی و هارون از سوی فرعون و اشراف دربار او ، به خاطر داشتن خاستگاه پایین اجتماعی

أنؤمن لبشرین مثلنا و قومهما لنا عـ بدون

### 292- تهدید به اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 7

7 - حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان



اعلام نمود .

ولا يفلح السحرون

ص: 312

## 293- تهمتهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 5

5\_ فرعون و اطرافیانش ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع) ، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 1,2,3

1\_ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند .

قال موسى .. قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا و تكون لكما الكبرياء

2\_ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ؛ بلکه برای برگرداندن آنان از سنت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

3\_ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء في الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر «تکون» بر اسمش \_ که می تواند مفید حصر باشد \_ استفاده شده است.

## 294- حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 10

10 - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر \*

و كانوا قومًا عالين

جمله «كانوا قومًا عالين» می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و

به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان‌پذیری می‌کرد، از پذیرش آن خود داری می‌کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 5

5 - بنی اسرائیل، در بند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا ع. بدون

**295 - حق ناپذیری اشراف فرعون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 313

8 - خودبرتربینی فرعون و اطرافیان، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملائیه بآیتنا فاستکبروا

10 - تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیان، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسی و هرون إلی فرعون و ملائیه بآیتنا فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 6

6 - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فألقي السحرة س - جدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی (ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

### 296 - ختم قلب اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دعای خود، برای اینکه فرعون و اطرافیان موفق به ایمان نشوند، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند.

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای «طبع» و «ختم» تضمین و اشراط شده است.

### 297 - رهبری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 41 - 4

4- فرعون و دارودسته وی ، از نوع پیشوایان دعوت کننده به دوزخ

و جعلنهم أئمه یدعون إلى النار

### 298- سبک سری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 5

5- فرعون و درباریان وی ، افرادی سبک سر و هوچی گر

ص: 314

فلما جاءهم بـ اىـتنا إذا هم منها يضحكون

برخورد سریع و استهزاآمیز فرعونیان، حاکی از سبک سری و هوچی گری آنان است.

### 299- سرزنش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 1

1 - حضرت موسی (ع)، فرعون و سران حکومتش را، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود، مورد ملامت و سرزنش قرار داد.

قال موسی أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا

### 300- سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7 - فرعون و اشراف حکومت او، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند.

و كانوا قومًا عالین

### 301- سوء استفاده اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5 - فرعون و اطرافیانش، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم، استفاده می کردند.

إنك ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و أموالا فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک

### 302- ظلم اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 85 - 4

4\_ فرعون و اشراف اطراف او، مردمی ددمنش و ستم پیشه بودند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمين

ص: 315

### 303- عبادت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 6

6 - فرعون و اشراف دربار او، مورد پرستش بردگان تحت سلطه آنان

و قومهما لنا ع\_بدون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «عباده» (مصدر «عابدون»)، در جمله فوق، به معنای پرستیدن باشد.

### 304- عوامل هلاکت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 48 - 2

2 - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فكذبوهما فکانوا من المهلكين

### 305- فسق اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 8

8 - فرعون و سران حکومت وی، عناصری فاسق و متجاوز بودند.

إلى فرعون و ملائیه إنهم كانوا قومًا ف\_سقين

### 306- قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 38 - 1

1 - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهرها، مورد پذیرش فرعون

قالوا... و ابعث فى المدائن... فجمع السحرة



## 307- قدرت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 8

8\_ فرعون و اطرافیان‌ش، قدرت و مکت خود را، در دفاع از آیین نیاکان‌شان می دانستند .

ص: 316

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

### 308- کفر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9\_ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما» ؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 3

3\_ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملائهم . . . و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

### 309- گفتگوی فرعون با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 1

1 - گفت وگویی فرعون با سران و اشراف مصر ، درباره دعوت موسی از آنان مبنی بر پذیرش خدای یگانه

وقال فرعون یا ایها الملاما علمت لکم من إله غیري

«ملا» به شخصیت های برجسته و بزرگان قوم گفته می شود.

### 310- لجاجت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 7

7\_ فرعون و اطرافیان او ، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع) ، آن را انکار کردند .

ثم بعثنا من بعدهم موسى و هرون إلى فرعون و ملائجه بأيتنا فاستكبروا

### 311- مبارزه با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 1

ص: 317

1 - مسؤولیت مشترک موسی و هارون ، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون . . . إلى فرعون و ملائجه

«ملاً» اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. «إستكبار» (مصدر «استكبروا»); یعنی، کبر ورزیدن و تکبر نمودن «علو» (مصدر «عالین») نیز به معنای برتری جوئی و سلطه طلبی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 9

9 - مبارزه با فسق و تجاوز ، هدف اساسی موسی (ع) در رویارویی با فرعون و دارودسته وی

إلی فرعون و ملائجه إنهم كانوا قومًا فـسقین

### 312- مجرمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 9

9 - فرعون و اطرافیانش ، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

إلی فرعون و ملائجه . . . و كانوا قومًا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 82 - 7

7 - فرعون و اطرافیان وی ، مردمانی تبهکار و مجرم بودند .

فرعون و ملائجه . . . و كانوا قومًا مجرمین . . . و یحق الله الحق بکلمته و لو کره الم

### 313- محاربه اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5 - فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاءه زينه و أمولا فى الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

### 314- مشاوره اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 20 - 3

3 - مشاوره سران حكومت فرعون در باره كشتن موسى (ع)

ص: 318

إِنَّ الْمَلَائِئِمَّةَ بَكَ لِيَقْتُلُوكَ

«إِتْمَار» (مصدر «يَأْتَمرون») به معنای مشورت و رایزنی است.

### 315- مشاوره با اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 6

6 - مشاوره فرعون با اطرافیان خویش و نظر خواهی از آنان برای مبارزه با موسی (ع)

فماذا تأمرون

«أمر» (مصدر «تأمرون») به معنای فرمان دادن است. مقصود از آن در این جا فرمان مشورتی است. بنابراین «چه فرمان می دهید»؛ یعنی، رأیتان چیست.

### 316- منشأ تهمت‌های اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

6 - تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیان، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود.

فاستكبروا و كانوا قومًا مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

### 317- منشأ ثروت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 3,6

3 - ثروت ها و زیور آلات فرعون و اطرافیان او، از جانب خداوند و داده او بود.

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاءه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

6 - بهره مندی فرعون و اطرافیان او از ثروت های خدادادی، مقتضای ربوبیت الهی بود.

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاءه زينه و أمولا

## 318- موانع ایمان اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 11، 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

ص: 319

جمله «و کانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

11 - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن ، مانع از پذیرش دعوت موسی و سرنهادن به دستور های او ، از سوی آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

### 319- موسی (ع) و اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 2,4

2\_ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

«ملاً» به معنای رؤساست (لسان العرب).

4\_ هارون (ع) ، شریک و همتای موسی (ع) در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف پیرامون او بوده است .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 1,2

1\_ حضرت موسی (ع) ، فرعون و سران حکومتش را ، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قال موسی أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا

2\_ حضرت موسی (ع) ، از انکار معجزه توسط فرعون و اطرافیان و جادو خواندن آن ، اظهار تعجب و شگفتی کرد .

أسحر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



13 - موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای «طبع» و «ختم» تضمین و اشراط شده است.

18 - موسی (ع) از خداوند ، خواستار عذاب استیصال برای فرعون و اطرافیانش گردید .

و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام «العذاب» \_ که برای عهد ذهنی است \_ اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد. در

این صورت چنین بر می آید که حضرت موسی (ع) چون به چگونگی تحقق عذاب استیصال آگاه بود، از خداوند تحقق زمینه پیدایش آن را \_ که عبارت از سخت شدن دل و مهر شدن آن است \_ درخواست کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 10

10 \_ موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند.

قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و أمولا .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 1

1 - خداوند، موسی (ع) را به سوی فرعون و درباریانش فرستاد.

و لقد أرسلنا موسی بـایـتنا إلی فرعون و ملایه

### 320- موسی (ع) و اضلال اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 7

7 \_ حضرت موسی (ع)، از فرعون و اطرافیانش برای به کار بستن اموال و زینت های فراوان خویش در مسیر گمراهی و فریب مردم، در پیشگاه خداوند به شکوه پرداخت.

و قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا

### 321- موسی (ع) و ثروت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 10, 11

10 \_ موسی (ع) در دعای خود، نابودی کامل ثروت های فرعون و اطرافیانش را از خداوند خواستار گردید.

ربنا اطمس علی أمولهم

گاهی «طموس» به چیزی نسبت داده می شود و از آن فساد، تباهی و نابودی خود آن شیء اراده می شود؛ مانند طموس قلب، یعنی فساد و

تباهی قلب؛ طموس طریق، یعنی خراب شدن و از بین رفتن راه و گاهی از آن تباهی آثار و لوازم شیء اراده می شود؛ مانند طموس نجم، یعنی زوال نور آن؛ طموس چشم، یعنی محور نور آن. برداشت فوق مبتنی بر استعمال اول است.

11\_ موسی (ع) در دعای خود، برای جلوگیری از گمراه شدن مردم، از خداوند درخواست کرد تا جاذبه های اموال فرعون و اطرافیانش را (در چشم و دل مردم) دگرگون نماید.

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

ص: 321

### 322- موسی (ع) و شکست اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 6,7

6 - حضرت موسی (ع) ، از پیش به پیروزی و دستیابی به هدف های خود و شکست فرعون ، آگاهی داشت .

و لا یفلح السحرون

«فلاح» به معنای ظفر و دست یافتن به هدف است (مفردات راغب).

7 - حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

### 323- نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 1

1 - خداوند ، دعای موسی و هارون (ع) ، علیه فرعون و اطرافیانش را مستجاب کرد .

قال قد أجیبت دعوتكما

### 324- نقش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 6

6 - فرعون و اطرافیانش در گرایش های اعتقادی مردم ، نقش تعیین کننده ای داشتند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

از این که خداوند موسی و هارون (ع) را - که برای هدایت مردم مبعوث شده بودند - مستقیماً به سوی فرعون و اطرافیانش فرستاد ، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - نقش جدی درباریان و اطرافیان فرعون ، در انحراف و گمراهی مردمان

و لقد أرسلنا موسى بـایـتنا إلی فرعون و مـلـایـه

از این که «ملاً» در برنامه تبلیغی موسی (ع) هم طراز فرعون قرار گرفته اند، نقش اساسی آنان در انحراف مردم به دست می آید.

ص: 322

### 325- ویژگیهای اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 85 - 4

4\_ فرعون و اشراف اطراف او، مردمی ددمنش و ستم پیشه بودند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

### 326- ویژگیهای زندگی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 2

2\_ فرعون و اطرافیانش، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

إنك ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا

نکره بودن «زینه و أموالا» دلالت بر «تفخیم» و «تعظیم» می کند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد؛ در تفخیم زینت، خیره کنندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

### 327- هارون (ع) و اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 2,4

2\_ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملاءیه

«ملاء» به معنای رؤساست (لسان العرب).

4\_ هارون (ع)، شریک و همتای موسی (ع) در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف پیرامون او بوده است .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملاءیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند .

قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا . . . لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

### 328- هارون (ع) و نفرین بر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 323

2\_ هارون (ع) با موسی (ع)، در دعا علیه فرعون و اطرافیانش، همراه و شریک بود.

دعوتکما

### 329- هدایت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 97 - 1

1\_ خداوند، موسی (ع) را برای هدایت فرعون و بزرگان دربارش، به سوی آنان فرستاد.

و لقد أرسلنا موسی... إلى فرعون و ملائیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 7

7- فرمان الهی به موسی (ع) در وادی طور، مبنی بر رفتن نزد فرعون و ابلاغ رسالت خویش به وی و مهتران حکومتش

إلی فرعون و ملائیه

«إلی فرعون» متعلق به عامل محذوف بوده و تقدیر آن چنین است: «اذهب إلی فرعون و ملائیه».

### 330- اشراف مصر

آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14\_ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است.

إن ربی بکیدهنّ علیم

### 331- اقرار زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



19\_ اعتراف یک پارچه زنان اشرف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . وقلن حـشـلله ما هذا بشرًا

ص: 324

### 332- بازجویی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3، 2، 1

1\_ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

2\_ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ ردتَنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3\_ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . قال ما خطبکَنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3\_ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

### 333- بینش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 8

8\_ شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لنرى\_ها فی ضل\_ل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان «برده و جوانک زلیخا»، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زر خرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 24، 23

23\_ زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هـَـذا إلیّ ملک کریم

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأینہ أکبرنہ . . . إن هـَـذا إلیّ ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 7

ص: 325

7\_ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن ح\_ش لله

### 334- پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6\_ پادشاه مصر، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند.

و قال الملك إني أرى ... يـأيها الملأ أفتوني

«ملا» به معنای بزرگان است، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

### 335- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2، 4، 1

1\_ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد.

قال ما خطبكنّ

2\_ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4\_ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کامروایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبكنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبكنّ...» یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کامروایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

### 336- پذیرایی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 6,7

6\_ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد.

و ائت کل وحده منهنّ سگینّا

7\_ زلیخا خود، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود.

ص: 326

و أعتدت لهنّ متكئا و آتت كل وحده منهنّ سكّيناً

ضمير در «أعتدت» و «آتت» به «امرات العزيز» برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أعتد) و (اوتیت) آورده می شد.

### 337- تعجب زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 30 - 9

9\_ عشق زلیخا به يوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزيز ترود فتی\_ها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ؛ یعنی، مرآوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 31 - 15، 17

15\_ زنان اشراف مصر با مشاهده يوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز يوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنّ

استفاده از ماده «قطع» \_ که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند ؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

### 338- خیانت زنان اشراف مصر

10\_ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصدق مورد نظر برای «الخائنین» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

ص: 327

### 339- دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 17

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

### 340- دعوت از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29

29\_ «عن علی بن الحسین (ع): . . . فأرسلت إلیهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ باترج و «آت کل واحد منهنّ سکیناً . . .»؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکی] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد . . .».

### 341- دعوتهای زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6\_ زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا )، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

«یدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند \_ آنان نیز به قرینه «أصب إلیهنّ» \_ یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و \_ به دلیل مضارع بودن «یدعون» \_ بر آن اصرار میورزیدند.



## 342- دفع مكر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 52 - 11

11\_ خداوند ، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش يوسف (ع) از زندان

ص: 328

### 343- زليخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - يوسف - 12 - 31 - 29، 11

11\_ زليخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از يوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند

وقالت اخرج عليهنّ

29\_ « عن علي بن الحسين (ع) : . . . فأرسلت إليهنّ و هيأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ بآجر و « آتت كل واحد منهنّ سكّيناً . . . » ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکي] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - يوسف - 12 - 32 - 2، 1

1\_ زليخا، با ارائه يوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به يوسف (ع) ملامت کنند .

قالت فذلکّ الذی لمتنی فیه

2\_ زليخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از يوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد .

لقد رودته عن نفسه

### 344- زليخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - يوسف - 12 - 51 - 10

10\_ زليخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با يوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت .

قالت امرأت العزيز الیّـن حصحص الحق

## 345- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 11

11\_ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فَسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

ص: 329

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت «الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

### 346- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 3

3\_ زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و ترویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنه کیدهنّ» دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراده شده باشد.

### 347- زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 7,9

7\_ زنان اشراف، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند.

وقال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه قد شغفها حبًا

«فتا» به معنای برده و عبد، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای «فتا» در «تراود فتاها» لحاظ شده باشد.

9\_ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرأت العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مراده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأينه أكبرنه .. إن هـِ ذا إلاّ ملک کریم

ص: 330

## 348- زنان اشراف مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 14,15,16,17,19,22,23,24

14\_ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند.

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حـش لله ما هذا بشرًا

15\_ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند.

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أیدیهنَّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

16\_ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أیدیهنَّ

17\_ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند.

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أیدیهنَّ

استفاده از ماده «قطع» \_ که به معنای بریدن و جدا ساختن است \_ در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطنن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

19\_ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حـش لله ما هذا بشرًا

22\_ جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد.

حـش لله ما هذا بشرًا

23\_ زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند.

إن هـذا إلاّ ملک کریم

24\_ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأينه أكبرنه .. إن هـ ذالاً ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6\_ زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا )، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند.

مما يدعونني إليه

«یدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند \_ آنان نیز به قرینه «أصب إليهن» \_ یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و \_ به دلیل مضارع بودن «یدعون» \_ بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 5,6,7

ص: 331

5\_ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکرتّ إذ رودتتّ یوسف عن نفسه قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

6\_ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن ح\_ش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

7\_ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن ح\_ش لله

### 349- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 2,3

2\_ زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که «فی المدینه» متعلق به «قال» باشد. بر این مبنا «قال نسوه فی المدینه...» ; یعنی: زنان مرآوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

3\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتی\_ها عن نفسه

«فی المدینه» می تواند متعلق به «قال» باشد و نیز محتمل است صفت برای «نسوه» باشد. براساس احتمال دوم، مراد از «قال نسوه فی المدینه...» این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

### 350- عجز زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 16



16\_ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

### 351- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 11

11\_ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود .

قالت امرأت العزیز

ص: 332

توصیف زلیخا با وصف «همسر عزیز» می‌رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

### 352- عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 1

1\_ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)، موجب بروز بحران در حکومت و خانه‌های اشراف شد.

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

### 353- عقیده اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9\_ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند.

قلن ح\_ش لله

### 354- کامجویی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4,5

4\_ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کام‌روایی) از یوسف (ع) و بی‌گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکن» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می‌کرد. بنابراین «ما خطبکن...»؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام‌روایی از یوسف می‌کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می‌رساند که وی به مراد آنها و بی‌گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

5\_ زنان اشراف، درخواست کام‌روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند.

ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه قلن ح\_ش لله ما علمنا عليه من سوء

### 355- گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 6

6\_ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

ص: 333

قلن ح\_ش لله ما علمنا عليه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زائیده نیز این معنا را تأکید می کند.

### 356- مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2

2\_ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه... فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 23

23\_ «عن علی بن الحسین (ع): ... و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهنّ تسأله الزیارة فأبی علیهنّ وقال: «إلاّ تصرف عتی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین»

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15\_ تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

### 357- مهمانی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5\_ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

وَأَعْتَدتْ لَهُنَّ مَتَكِنًا

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «مَتَكِنًا» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «مَتَكِنًا» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله «آتت...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «مَتَكِنًا» در آیه

ص: 334

«طعام» است.

8\_ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد، بیش از ده نفر نبودند.

وقال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در «مکرهنّ . . .» و «إلیهنّ» به «نسوه» در آیه قبل بر می گردد و از آن جا که «نسوه» از صیغه های جمع قلّه است، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

10\_ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

### 358- نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 2,6

2\_ امداد خداوند، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد.

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

6\_ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

### 359- یأس زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 3

3\_ زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه‌ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنه کیدهن» دلالت می‌کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرادها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرادها شده باشد.

### 360- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7\_ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

ص: 335

وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

11\_ يوسف (ع)، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت.

رب... وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «وإلا تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی، به آنان گرایش پیدا می‌کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

### 361- اشراف مکه

بهبانه جویی اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1\_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرمیها... قالوا لن نؤمن

### 362- بینش اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 4

4\_ سردمداران مشرکان مکه خود را همشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در استحقاق نزول وحی و کتاب آسمانی می دانستند.

أكبر مجرمیها... لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما أوتی رسل الله

### 363- توطئه اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و كذلك جعلنا فی کل قریه



چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

### **364- توقع نبوت اشراف مکه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

ص: 336

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزلنا هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از «قريتين» را مکه و طائف دانسته اند.

### 365- روش برخورد اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 5

5\_ اشراف مکه در صدر اسلام مؤمنان تهیدست را تحقیر می کردند.

أهلآء من اللّٰه عليهم من بيننا

### 366- کفر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1\_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرميها . . قالوا لن نؤمن

### 367- مخالفت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 4 - 7

7 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به هنگام بعثت ، با مخالفت قدرت های سیاسی و اقتصادی عصر خویش \_ مانند اشراف مکه \_ روبه رو بود .

فلا يغرك تقلبهم في البل د

### 368- مکر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7\_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

ص: 337

### 369- هشدار به اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2 - بیان فرجام فرعونیان ، هشدار به مستکبران و اشراف مشرک مکه

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

### 370- اشرافیت

آثار اشرافیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 9

9\_ اشرافیت و رفاه ، زمینه های ابتلا به خود برترینی و خوی استکباری است .

فقال المألأ .. ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 9

9\_ اشرافیت ، استکبار و خود برترینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن .. ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

«عمیت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 9

9- اشرافیت ، زمینه حق ناپذیری و استکبار در برابر پیامبران

إلی فرعون و ملایه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 5

5 - اشرافیت و بینش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 49 - 4

ص: 338

4- روحیه اقتدار و اشرافی‌گری، زمینه ساز غوطه‌وری انسان در گناه

طعام الأثیم .. ذق إنک أنت العزیز الکریم

در این آیات، دوزخیان مبتلا به عذاب شدید و گدازنده، در ابتدا با وصف «الأثیم» (به معنای غوطه‌ور در گناه) و سپس با وصف «العزیز الکریم» یاد شده‌اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 371- ارزش اشرافیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 3

3- ثروت و اشرافیت، ملاک تمامی ارزش‌ها - حتی ارزش‌های دینی - در نگاه مشرکان مکه

لولا نزل هـ ذا القرآن .. عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار می‌داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می‌بایست بر اشراف نازل می‌شد. از این نکته استفاده می‌شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

### 372- اشرافیت در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 6

6 - حکومت فرعون، حکومتی اشرافی و مبتنی بر اقتدار اشراف

إلی فرعون و ملایه

کلمه «ملاً» در قرآن مجید، معمولاً به طبقه اشراف و ثروتمندان اطلاق می‌شود.

### 373- نبوت و اشرافیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 2

2 - منوط دانستن نبوت و رسالت، به اشرافیت و توانمندی‌های مادی، امری نامعقول

لولا نزل .. أهم یقسمون رحمت ربک

از استفهام توییخی «أهم» استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

### **374- نشانه های اشرافیت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 339

1 - طلا و نقره، نماد تجمل و اشرافی‌گری در دوره‌های تاریخ

سَقْفًا مِنْ فَضَّةٍ . . . وَ زَخْرَفًا

عده‌ای از لغویان «زخرف» را طلا دانسته‌اند. از ذکر طلا و نقره به عنوان نمادهای زیور و تجمل، مطلب بالا استفاده می‌شود.

### 375- نشانه‌های اشرافیت در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 4

4 - «طلا» نماد اشرافی‌گری و تجمل در جامعه فرعون

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ

از تکیه فرعون بر زیورآلات طلا، مطلب بالا قابل برداشت است.

ص: 340



## 5- اشموئیل (ع)

### 1- اشموئیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 11، 10

10 \_ پایبندی بنی اسرائیل زمان طالوت به پیکار در راه خدا ، مورد تردید پیامبرشان ( اشموئیل ) بود .

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الا تقاتلوا

11 \_ پیمان گرفتن بنی اسرائیل زمان طالوت ( اشموئیل ) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله «هل عسیتم» کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

ص: 341

1- آتش کوره آدم سوزی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 5 - 1

1 - حفره اصحاب اخدود ، یکپارچه آتش برافروخته و دارای سوخت فراوان و کافی بود .

النار ذات الوقود

«النار»، بدل از «الأخدود» است. بدل قرار گرفتن آتش برای مکان آن، مبالغه است و از شدت آتش حکایت دارد؛ گویی که آن حفره چیزی جز آتش نبود. «وقود» به معنای مواد سوختنی (هیزم و غیر آن) است و به شعله نیز اطلاق می شود (مفردات راغب). توصیف آتش به «ذات الوقود»، گویای فراهم بودن سوخت کافی و سلطه آتش بر تمام آن است؛ به گونه ای که گویا آتش مالک آن می باشد.

2- آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 3

3 - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأخدود .. إذ هم علیها قعود

کلمه «إذ»، ظرف برای «قتل» و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 11

11 - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحاب الأُخُدود . . . إذ... و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

### 3- آرامش اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 2

2- اصحاب اخدود، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده، خاطری آرام داشتند.

إذ هم علیها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

### 4- استقامت زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 8

8 - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

### 5- استقامت مؤمنان دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 6

6- پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد.

و الله علی کل شیء شهید

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

### 6- اصحاب اخدود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

منظور از تحمل شهادت \_ که آیه شریفه بر آن دلالت دارد \_ ممکن است این باشد که آزار دهندگان، از انکار آن در قیامت ناتوان

ص: 343

خواهند بود؛ زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

## 7- اصحاب اخدود هنگام سوختن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 1

1 - اصحاب اخدود، هنگام سوزانده شدن مؤمنان، حاضر و ناظر بوده و آن را مشاهده می کردند.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

«شهاده»، در اصل به معنای خبر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر)؛ و چون جمله «و هم علی...» حالیه و مربوط به زمان حضور کنار خندق آتش است؛ مراد تحمل شهادت و دریافت خبر است، نه ادای آن.

## 8- ایمان مؤمنان دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 4

4 - عزت خداوند (مغلوب نشدن او در برابر هیچ چیز) و پسندیده بودن تمام کارهای او، دلیل ایمان آوردن کسانی بود که به دست اصحاب «اخدود» سوختند.

و ما نقموا منهم إلا أن یؤمنوا بالله العزیز الحمید

## 9- بی منطقی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 8

8 - اصحاب اخدود، در رفتار خود با مؤمنان، هیچ توجیه و دستاویز قابل قبولی نداشتند.

و ما نقموا منهم إلا أن یؤمنوا بالله... الذی... علی کل شیء شهید

برشمردن اوصاف خاص خداوند در بیان اندیشه مؤمنان، تعریض به اصحاب «اخدود» است که: آیا می توان ایمان به خدایی با این اوصاف را جرم دانست؟

## 10- بینش اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 3

3 - در دیدگاه اصحاب اخذود، ایمان مردم، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود.

ص: 344

ما يفعلون بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 7، 1

1 - اصحاب اخدود ، جز ایمان به خداوند ، هیچ یک از ویژگی های مؤمنان را ناپسند نمی شمردند .

و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا

فعل «نَقَمَ»؛ یعنی، چیزی را به شدت ناپسند شمرد. (لسان العرب)

7 - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

### 11- تداوم اذیتهای اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 2

2 - اصرار و مداومت اصحاب اخدود ، بر مقابله با مؤمنان و آزار دادن و سوزاندن آنان

يفعلون

فعل مضارع، هرگاه درباره کارهای گذشته به کار رود، استمرار را می رساند.

### 12- تهدید اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 16

16 - خداوند ، اصحاب اخدود را به جهنم و عذاب سوزانی سخت تر از آن گرفتار خواهد کرد .

إِنَّ الَّذِينَ... فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق

عبارت «الذین فتنوا» عام است و شامل تمام آزار دهندگان مردم مؤمن می شود؛ چه در گذشته بدون توبه مرده باشند و یا در آینده و حال پیدا شده و فرصت توبه را از دست دهند. سیاق آیات، قرینه بر این است که اصحاب «اخدود» مصداق بارز این گروه بودند.

### 13- جرایم در اصحاب اُحدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 7

7 - در دیدگاه اصحاب اُحدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

ص: 345



#### 14- جرم ایمان در اصحاب اعدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 7

7- در دیدگاه اصحاب اعدود، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود.

و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

#### 15- حسابرسی اصحاب اعدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 5

5- رفتار اصحاب اعدود با مؤمنان و کردار تمام مجرمان، از خداوند مخفی نبوده و حسابرسی خواهد شد.

والله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن و آگاهی خداوند، تهدید مجرمان به رسیدگی به کردارشان است.

#### 16- زمینه قبول توبه اصحاب اعدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 17

17- اصحاب اعدود، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند، از عذاب جهنم رهایی می یافتند.

ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم

#### 17- سرزنش اصحاب اعدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 2

2- ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اعدود)، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأعدود

فعل «قتل»، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

ص: 346

## 18- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 7

7 - اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

## 19- شرایط نجات اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 17، 18

17 - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم

18 - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند .

ثم لم يتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق «لم يتوبوا» فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است؛ ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

## 20- شکنجه های اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 1

1 - گروهی از جباران ، برای تعذیب مؤمنان ، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند .

أصحاب الأخدود

«اخذود»؛ یعنی، شکاف طولانی و عمیقی که در زمین ایجاد شود. اصل و ریشه آن «خذّ» است؛ یعنی، مقداری از صورت که طرف راست و چپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). «أصحاب الأخدود»؛ یعنی، کسانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذب در «اخذود» باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 7،8

7 - اصحاب اخدود ، هنگام سوزاندن مؤمنان ، آزارها و شکنجه های دیگری نیز بر آنان وارد می ساختند .

علی ما یفعلون بالمؤمنین

تعبیر «ما یفعلون» \_ که مفهومی وسیع تر از سوزاندن مؤمنان دارد \_ نشانگر برداشت یاد شده است.

8 - نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

ص: 347

منظور از تحمل شهادت \_ که آیه شریفه بر آن دلالت دارد \_ ممکن است این باشد که آزار دهندگان، از انکار آن در قیامت ناتوان خواهند بود؛ زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

## 21- شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 8

8 - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

## 22- شهادت مؤمنان دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 6

6 - پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود ، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت ، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد .

والله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

## 23- عذاب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 16

16 - خداوند ، اصحاب اخدود را به جهنم و عذاب سوزانی سخت تر از آن گرفتار خواهد کرد .

إنّ الذين .. فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحريق

عبارت «الذين فتنوا» عام است و شامل تمام آزار دهندگان مردم مؤمن می شود؛ چه در گذشته بدون توبه مرده باشند و یا در آینده و حال پیدا شده و فرصت توبه را از دست دهند. سیاق آیات، قرینه بر این است که اصحاب «اخدود» مصداق بارز این گروه بودند.

## 24- عوامل نفرین بر اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حضور بی رحمانه اصحاب اهدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

ص: 348

قتل أصحاب الأُخُدود... إذ... و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

## 25- فرجام اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 3

3 - کشته شدن و نابودی ، سزاوارترین فرجام برای اصحاب اخدود

قتل أصحاب الأُخُدود

روایات در این اختلاف دارند که قصه «اصحاب اخدود» در یمن اتفاق افتاده، یا حبشه و یا جای دیگر؟ و این که درباره مسیحیان بوده، یا غیر آنان؟ چنانچه این قضیه مکرر انجام گرفته باشد، می توان گفت: آیه شریفه، ناظر به موردی خاص نبوده؛ بلکه نظری عام به تمام آنها دارد.

## 26- فضایل مؤمنان دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 2

2 - مؤمنان عصر اصحاب اخدود ، مردمی شایسته و به دور از عیب و نقص

و ما نقموا منهم إلا أن یؤمنوا بالله

استثنای «إلا أن یؤمنوا»، از باب تأکید کردن مدح با جمله ای به ظاهر مذمت است که از وجوه بلاغت در کلام به شمار می آید. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که مؤمنان، به کلی از عیب و نقص مبرا بودند.

## 27- قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 2

2 - اصحاب اخدود ، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده ، خاطری آرام داشتند .

إذ هم علیها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی

ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 4

4 - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

ص: 349



## 28- قصه اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 1

1 - گروهی از جباران، برای تعذیب مؤمنان، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند.

أصحاب الأخدود

«اخدود»؛ یعنی، شکاف طولانی و عمیقی که در زمین ایجاد شود. اصل و ریشه آن «خَدَّ» است؛ یعنی، مقداری از صورت که طرف راست و چپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). «أصحاب الأخدود»؛ یعنی، کسانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذَّب در «اخدود» باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 5 - 1

1 - حفره اصحاب اخدود، یکپارچه آتش برافروخته و دارای سوخت فراوان و کافی بود.

النار ذات الوقود

«النار»، بدل از «الأخدود» است. بدل قرار گرفتن آتش برای مکان آن، مبالغه است و از شدت آتش حکایت دارد؛ گویی که آن حفره چیزی جز آتش نبود. «وقود» به معنای مواد سوختنی (هیزم و غیر آن) است و به شعله نیز اطلاق می شود (مفردات راغب). توصیف آتش به «ذات الوقود»، گویای فراهم بودن سوخت کافی و سلطه آتش بر تمام آن است؛ به گونه ای که گویا آتش مالک آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 1

1 - اصحاب اخدود، اطراف حفره آتش گرد آمده، به تماشای سوختن مؤمنان نشستند.

إذ هم علیها قعود

ضمیر «علیها»، به آتش برمی گردد و مراد مشرف بودن بر آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 1

1 - اصحاب اعدود، هنگام سوزانده شدن مؤمنان، حاضر و ناظر بوده و آن را مشاهده می کردند.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

«شهاده»، در اصل به معنای خبر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر); و چون جمله «و هم علی...» حالیه و مربوط به زمان حضور کنار خندق آتش است; مراد تحمل شهادت و دریافت خبر است، نه ادای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 6

ص: 350

6- اصحاب اخدود، در صورت دست کشیدن مؤمنان از ایمان خویش، آنان را نمی سوزانندند.

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا

فعل مضارع همراه با حرف «أن» در «أَنْ يُؤْمِنُوا»، برای استقبال بوده و بیانگر آن است که آنچه اصحاب «اخدود» را به مقابله واداشت؛ باقی ماندن مؤمنان بر ایمان خویش بود. گویا ایمان گذشته آنان، در نظر دشمنان شان موجب عقوبت نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 6

6- پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد.

و الله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 7,8

7- اصحاب اخدود، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزانندند.

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

8- پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

## 29- کوره آدم سوزی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 2

2- ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اخدود)، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأخدود

فعل «قتل»، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور

ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 1، 2

1 - اصحاب اخدود، اطراف حفره آتش گرد آمده، به تماشای سوختن مؤمنان نشستند.

إذ هم علیها قعود

ضمیر «علیها»، به آتش برمی گردد و مراد مشرف بودن بر آتش است.

2 - اصحاب اخدود، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده، خاطری آرام داشتند.

إذ هم علیها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته

ص: 351

نمی ساخت.

### 30- کیفر ایمان در اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 3

3 - در دیدگاه اصحاب اخدود، ایمان مردم، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود.

ما يفعلون بالمؤمنین

### 31- گواهان اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 10

10 - اصحاب اخدود، در ماجرای سوزندان مؤمنان، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند.\*

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب «اخدود» ممکن است به این منظور باشد که هر یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

### 32- گواهی اخروی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 9

9 - اصحاب اخدود در قیامت، بر کردار خویش شهادت خواهند داد.

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

آیات «و الیوم الموعود» و «و شاهد و مشهود» در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

### 33- گواهی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اصحاب اخدود، در ماجرای سوزندان مؤمنان، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند.\*

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب «اخدود» ممکن است به این منظور باشد که هر یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

ص: 352

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 4,5,6

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) . . . ملك بُخْتُ نَصْرَ مائَةَ سنه و سبعا و ثمانين سنه . . . و ملك بعده مِهْرَقِيَه بن بخت نصر . . . و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُبًّا في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعته من المؤمنين فألقى عليهم النيران . . . و هم الذين ذكرهم الله في كتابه العزيز فقال جلَّوَعَزَّ « قتل أصحاب الأُخْدود . . . » ;

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بُخْتُ نَصْرَ 187 سال پادشاهی کرد . . . و بعد از وی فرزندش مِهْرَقِيَه پادشاه شد . . . و در وقت حکومت خود، دانيال (ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانيال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت . . . و اینها همان کسانی اند که خداوند جلَّ و عزَّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأُخْدود . . .» .

5 - « عن علي بن أبي طالب (ع) قال : كان المجوس اهل كتاب . . . و كانت الخمر قد اُحلت لهم فتناول من ها ملك من ملوكهم فغلبته على عقله ، فتناول أخته أو ابنته فوقع على ها ، فلمّا ذهب عنه السكر ندم و قال لها : ويحك ما هـذا الذي أتيت ؟ و ما المخرج منه ؟ قالت : المخرج منه أن تخطب الناس فتقول : أيها الناس إنّ الله قد أحلّ لكم نكاح الأخوات و البنات . . . فقال الناس جماعتهم : معاذ الله . . . فخذّ لهم أُخْدوداً و أوقد فيه النيران و عرض أهل مملكته على ذلك فمن أبى قذفه في النار و من لم يأب خلّى عنه فأنزل الله فيهم « قتل أصحاب الأُخْدود . . . » ;

از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده که فرمود: مجوس اهل کتاب بودند . . . و خمر برای آنان حلال بود. پس پادشاهی از پادشاهان آنان، شراب خورد و مستی عقل او را ربود و خواهرش یا دخترش را گرفته و با وی زنا کرد. پس چون مستی از او زایل گشت، پشیمان شد و به آن زن گفت: وای بر تو این چه عملی بود که من انجام دادم و راه چاره چیست؟ آن زن گفت: چاره آن است که مردم را بخوانی و بگویی: ای مردم! خداوند ازدواج با خواهران و دختران را حلال کرده . . . پس مردم یکپارچه گفتند: پناه بر خدا [این چه سخنی است] پس گودالی برای آنان حفر کرد و در آن آتش افروخت و اهل مملکت خود را بر آن آتش عرضه کرد. و هر کس که از کلام شاه تمرّد کرد، او را در آن آتش افکند و هر کس قبول کرد او را آزاد ساخت و خداوند آیه «قتل أصحاب الأُخْدود . . .» را درباره آنان نازل فرموده است . . .» .

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إنّ اسقف نجران دخل على أمير المؤمنين (ع) فجری ذكر أصحاب الأُخْدود ، فقال (ع) بعث الله نبياً حبشياً إلى قومه و هم حبشيه ، فدعاهم إلى الله تعالى ، فكذبوه و حاربوه و ظفروا به و خدّوا الأُخْدوداً و جعلوا فيه الحطب و النار فلمّا كان حرّاً قالوا لمن كان على دين ذلك النبيّ (ع) اعتزلوا و إلاّ طرحناكم في ها فاعتزل قوم كثير و قُذِف في ها خلق كثير . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: اسقف نجران خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسید و صحبت از اصحاب اُخْدود شد، حضرت فرمود: خداوند پیامبری حبشی (از اهل حبشه) را به سوی قومش \_ که آنان نیز حبشی بودند \_ فرستاد. آن پیامبر مردم را به سوی خدای تعالی دعوت کرد و آنان وی را تکذیب کردند و با او جنگیدند و بر وی چیره شدند. پس گودالی کردند و در آن هیزم و آتش ریختند. پس چون داغ

گشت به کسانی که بر دین آن پیامبر بودند، گفتند: دست بردارید وگرنه شما را در این گودال آتش می اندازیم. گروه زیادی از آن پیامبر، جدا گشته و تعداد زیادی از آن قوم در آتش افکنده شدند».

ص: 353



### 35- مؤمنان در کوره آدم سوزی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 11

11 - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحاب الأُخدود .. . إذ ... و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

### 36- نفرین بر اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 2

2 - ایجادکنندگان کوره آدم سوزی ( اصحاب اخدود ) ، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحاب الأُخدود

فعل «قتل»، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 3

3 - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأُخدود .. . إذ هم علیها قعود

کلمه «إذ»، ظرف برای «قتل» و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

### 37- ویژگیهای اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 4

4 - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اهدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

### **38- هلاکت اصحاب اهدود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 4 - 3

ص: 354

3 - کشته شدن و نابودی ، سزاوارترین فرجام برای اصحاب اخدود

قتل أصحاب الأُخدود

روایات در این اختلاف دارند که قصه «اصحاب اخدود» در یمن اتفاق افتاده، یا حبشه و یا جای دیگر؟ و این که درباره مسیحیان بوده، یا غیر آنان؟ چنانچه این قضیه مکرر انجام گرفته باشد، می توان گفت: آیه شریفه، ناظر به موردی خاص نبوده؛ بلکه نظری عام به تمام آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 3

3 - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأُخدود .. إذ هم علیها قعود

کلمه «إذ»، ظرف برای «قتل» و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

### 39- هیزم کوره آدم سوزی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 5 - 1

1 - حفره اصحاب اخدود ، یکپارچه آتش برافروخته و دارای سوخت فراوان و کافی بود .

النار ذات الوقود

«النار»، بدل از «الأُخدود» است. بدل قرار گرفتن آتش برای مکان آن، مبالغه است و از شدت آتش حکایت دارد؛ گویی که آن حفره چیزی جز آتش نبود. «وقود» به معنای مواد سوختنی (هیزم و غیر آن) است و به شعله نیز اطلاق می شود (مفردات راغب). توصیف آتش به «ذات الوقود»، گویای فراهم بودن سوخت کافی و سلطه آتش بر تمام آن است؛ به گونه ای که گویا آتش مالک آن می باشد.

ص: 355

## 7- اصحاب اعراف

### 1- اشراف اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 3

3\_ اعرافیان ، مشرف و ناظر بر تمامی انسان های حاضر در صحنه قیامت

و علی الاعراف رجال يعرفون کلاً بسیمهم

توصیف اصحاب اعراف به اینکه بر بلندای حایل بین بهشتیان و دوزخیان مستقر هستند، بیانگر آن است که آنان بر تمامی افراد موجود در صحنه قیامت اشراف دارند و بر ایشان نظارت می کنند.

### 2- اصحاب اعراف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 3,6

3\_ اعرافیان ، مشرف و ناظر بر تمامی انسان های حاضر در صحنه قیامت

و علی الاعراف رجال يعرفون کلاً بسیمهم

توصیف اصحاب اعراف به اینکه بر بلندای حایل بین بهشتیان و دوزخیان مستقر هستند، بیانگر آن است که آنان بر تمامی افراد موجود در صحنه قیامت اشراف دارند و بر ایشان نظارت می کنند.

6\_ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

يعرفون کلاً بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 11

11\_ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر «ابصرهم» و «قالوا» اصحاب اعراف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 3، 2

2\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

3\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا اُنتم تحزنون

### 3- اصحاب اعراف و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا اُنتم تحزنون

### 4- اصحاب اعراف و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 11، 12، 13

11\_ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر «ابصرهم» و «قالوا» اصحاب اعراف باشد.

12\_ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

13\_ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در نظر اعرافیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

ص: 357

## 5- اصحاب اعراف و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 3, 4, 2

2\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

3\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

4\_ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما اغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

## 6- اصحاب اعراف و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 2, 3

2\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

3\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

## 7- اصحاب اعراف و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 4

4\_ مؤمنان راهی بهشت با فرمان اصحاب اعراف به آن جایگاه رفیع وارد خواهند شد .

ادخلوا الجنة

ظاهر این است که جمله «اهؤلاء الذين . . .» دنباله سخنان اصحاب اعراف با کافران مستکبر باشد. یعنی: قالوا ... هؤلاء الذين ... بر این تقدیر جمله «ادخلوا ...» نیز سخن اعرافیان است.

## 8- بشارت اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 8

8\_ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم عليكم

ص: 358



برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «سلم علیکم» جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا اُنتم تحزنون

### 9- تکلم اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 3

3\_ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

### 10- دعای اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 12

12\_ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

### 11- سرزنشهای اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 4

4\_ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

### 12- سلام اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 7

7\_ اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند، درود می فرستند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم عليكم

ص: 359

جمله «سلم علیکم» می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

### 13- عقیده اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 2 - 11

11 - «عن زراره عن ابي جعفر (ع) قال: قلت له... قد قال الله عزوجل: «هو الذي خلقكم فمنكم كافر و منكم مؤمن» لا والله لا يكون أحد من الناس ليس بمؤمن و لا كافر. قال: فقال أبو جعفر (ع):... ما تقول في أصحاب الأعراف؟... والله ما هم بمؤمنين و لا كافرين...»

از زراره روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) گفتم... خدای عزوجل فرمود: «هو الذي خلقكم فمنكم كافر و منكم مؤمن»، به خدا سوگند احدی از مردم نیست که نه مؤمن باشد و نه کافر!... پس امام باقر(ع) فرمود:... درباره اصحاب اعراف چه می گویی؟... به خدا سوگند آنان نه مؤمن اند و نه کافر...».

### 14- علم اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 6

6\_ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

يعرفون كلاً بسيمهم

### 15- مقامات اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 4, 2

2\_ مردانی بلند مرتبه ( اصحاب اعراف ) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بينهما حجاب و علی الاعراف رجال

«عرف» به قسمتهای بالا و رویین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن «اعراف» است. (لسان العرب). ال در «الاعراف» جانشین مضاف إليه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

4\_ اعرافیان ، مؤمنانی با منزلتی بزرگ در پیشگاه خداوند و دارای مرتبه ای برتر از دیگر مؤمنان

و علی الاعراف رجال يعرفون كلاً بسیمهم و نادوا اصحاب الجنة أن سلم علیکم

از اینکه اصحاب اعراف در مکانی قرار دارند که مشرف به همگان هستند و هر شخص و یا طایفه ای را با علامتهای آنان می شناسند و در صحنه قیامت با بهشتیان سخن می گویند و امنیت کامل را به آنان بشارت می دهند و فرمان دخول به بهشت را به آنان اعلام می دارند، می توان فهمید که آنان نسبت به دیگر مؤمنان، از مقامی برتر برخوردار هستند.

ص: 360

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 9

9\_ اصحاب اعراف دارای مرتبه ای والا در پیشگاه خداوند و از کارگزاران صحنه قیامت هستند .

قالوا .. ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون

ص: 361

## 8- اصحاب الجنه

### 1- اصحاب الجنه هنگام صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 21 - 1

1 - صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح ، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

فتنادوا مصبحین

«مصیح» (مفرد «مصبحین») به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

### 2- اطمینان اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2

2- اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

### 3- افراط اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 8

8- باغداران یمنی ، گرفتار جهل و افراط و تفریط

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

ص: 362

#### 4- اقرار اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 27 - 1

1 - توجه و اعتراف باغداران یمنی ، به محروم شدن خویش از تمامی محصولات باغ

بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 2

2 - اعتراف باغداران یمنی ، به مسؤول و مقصر بودن همگی در محرومیت از محصولات باغ

فأقبل بعضهم على بعض يتلـومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 2

2 - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر پرداختن سهم بینوایان

إنا كنا طـغین

#### 5- امتحان اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 7، 1

1 - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إنا بلونهم كما بلونا أصحاب الجنة

مفسران درباره «اصحاب الجنة» (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه «یمن» در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

7 - « فی رساله أبی الحسن الهادی (ع) : . . . و أمّا آیاتُ البُلوی بمعنی الإختبار قوله : . . . « إنا بلوناهم كما بلونا أصحاب الجنة » . . .  
فهی اِختِبار . . . »

در رساله امام هادی(ع) آمده است: . . . اما [از] آیاتی که، «بلوی» را به معنای اختبار (آزمودن) به کار برده، . . . سخن خداوند است که فرمود: (إنا بلوناهم كما بلونا أصحاب الجنة) . . .».

ص: 363



## 6- امیدواری اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 1,2,4

1 - امیدواری باغداران یمنی - پس از توبه و پشیمانی - به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن «حیوان» بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

2 - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

4 - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به خداوند ، سبب دل بستن آنان به جایگزین شدن بوستانی بهتر از باغ ویران شده خود از جانب او

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا...» در مقام تعلیل برای جمله پیشین است.

## 7- ایمان اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 3

3 - ایمان باغداران یمنی ، به ربوبیت خداوند

عسی ربنا... إلى ربنا رغبون

## 8- بغل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 3

3 - مال دوستی و بخل شدید باغداران یمنی

أَن لَّا يَدْخُلُهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 4، 1

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قَالُوا سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

4 - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

ص: 364

إِنَّا كُنَّا ظُلَمِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 1

1 - تأسف شدید باغداران یمنی از کردار خویش (بخلورزی و نپرداختن سهم بینوایان از محصولات)

قالوا یویلنا

### 9- بهترین شخص اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 1

1 - وجود فردی عاقل و معتدل در میان باغداران یمنی

قال أوسطهم ألم أقل لولا تسبحون

«أوسط» (مرادف «وسط») به معنای معتدل و شخص مبرّا از افراط و تفریط است. (برگرفته از مصباح المنیر و مفردات راغب) و از چنین کسی به عاقل تعبیر می شود. از آن جا که معتدل در این آیه، در مقایسه با دیگر صاحبان باغ سنجیده شده است (أوسطهم)، مفسران از آن به بهترین ایشان تعبیر کرده اند.

### 10- پشیمانی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 4

4 - باغداران یمنی، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند.

فلما رأوها قالوا إِنَّا لَضَالُّون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «ضالّون» گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه «لما» در اصطلاح بیانگر اقتران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 1

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 1,2

1 - امیدواری باغداران یمنی - پس از توبه و پشیمانی - به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو

ص: 365

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن «حیوان» بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

2- اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

### 11- پنهان کاری اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 3

3- تلاش باغداران یمنی، در مخفی نگه داشتن کار برداشت میوه ها از دید دیگران

فانطلقوا و هم یتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 1

1- توصیه اکید باغداران یمنی به یکدیگر، مبنی بر اطلاع نیافتن هیچ فردی از بینوایان از عمل برداشت میوه ها

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

### 12- تأسف اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 1

1- تأسف شدید باغداران یمنی از کردار خویش (بخلورزی و نپرداختن سهم بینوایان از محصولات)

قالوا یویلنا

### 13- تشویق اصحاب الجنه

2- ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، به تسبیح و یاد خدا از سوی برادر عاقل و معتدل خود

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

«لولا» برای تحضیض و ترغیب است و تسبیح در این آیه، به معنای یاد خداوند است؛ یعنی، «لولا تذکرون الله».

#### 14- تشویقهای اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 1

1 - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أَن اِغْدُوا عَلٰی حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰرِمِيْنَ

#### 15- تصمیم اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 1

1 - به راه افتادن تمامی صاحبان بوستان یمنی با عزمی جدی ، برای چیدن میوه ها در سپیده صبح

فَانْطَلِقُوا وَهَمْ يَتَخَفْتُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 2

2 - تصمیم قاطع باغداران یمنی ، بر محروم ساختن بینوایان از محصولات باغ

أَن لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِيْنَ

#### 16- تعجب اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 2

2 - شگفت زدگی باغداران یمنی ، هنگام مشاهده باغ خود

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَصٰلُوْنَ

آیه بعد (بل نحن محرومون) قرینه است بر این که این سخن، از روی شگفتی گفته شده است.

#### 17- تفریط اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 8

8 - باغداران یمنی ، گرفتار جهل و افراط و تفریط

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

ص: 367



## 18- تکبر اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا ليصرمتها مصبحين . ولا يستنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 3

3 - غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حردق درین

## 19- تنبه اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 4

4 - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «ضالون» گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه «لما» در اصطلاح بیانگر اقترا ن جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 2

2 - باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربنا

## 20- توبه اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 1

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظالمین

ص: 368

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 1, 2

1 - امیدواری باغداران یمنی - پس از توبه و پشیمانی - به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربّنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن «حیوان» بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

2 - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

### 21- توصیه های اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 1

1 - توصیه اُکید باغداران یمنی به یکدیگر ، مبنی بر اطلاع نیافتن هیچ فردی از بینوایان از عمل برداشت میوه ها

أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

### 22- جهل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 8

8 - باغداران یمنی ، گرفتار جهل و افراط و تفریط

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

### 23- خست اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - باغداران یمنی، گروهی مال دوست و خسیس

إذ أقسموا ليصرمتها... ولا يستنون

ص: 369

## 24- خواب اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 2

2- در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . . . و هم نائمون

## 25- رد موعظه عاقل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 5

5- باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

## 26- سرزنش اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 6

6- سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از

محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در «ألم» برای استفهام توبيخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 1

1- باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم على بعض يتلومون

## 27- سرزنشهای عاقل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 6

6 - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

ص: 370

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در «ألم» برای استفهام توییخی است.

## 28- سستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 2

2- پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صـرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط «إن کنتم صارمین» برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

## 29- سوگند اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 1

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستنون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لایستنون» عطف بر «لیصرمنّ» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 2

2- پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أَنْ اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَارِمِينَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط «إِنَّ كُنْتُمْ صَارِمِينَ» برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 2

2 - مشاوره و گفتگوی پنهانی باغداران یمنی ، درباره کیفیت چیدن میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

ص: 371



فانطلقوا و هم يتخفتون

«تخافت» (مصدر «يتخافتون») به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت و گوی پنهانی است.

### 30- طغیان اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 2

2 - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إِنَّا كُنَّا طَغِين

### 31- طمع اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2، 1

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرَمَنَّهَا مُصْبِحِينَ . و لایستشون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لایستشون» عطف بر «لیصرمن» می باشد.

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرَمَنَّهَا مُصْبِحِينَ . و لایستشون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

### 32- ظلم اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 4

4 - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

### 33- عاقل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - قلم - 68 - 28 - 1

1 - وجود فردی عاقل و معتدل در میان باغداران یمنی

ص: 372

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

«أوسط» (مرادف «وسط»)) به معنای معتدل و شخص مبرّا از افراط و تقریط است. (برگرفته از مصباح المنیر و مفردات راغب) و از چنین کسی به عاقل تعبیر می شود. از آن جا که معتدل در این آیه، در مقایسه با دیگر صاحبان باغ سنجیده شده است (أوسطهم)، مفسران از آن به بهترین ایشان تعبیر کرده اند.

#### 34- عذاب اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 1

1 - نابود شدن بوستان باغداران یمنی ، کیفر و عذاب الهی بر آنان بود .

كما بلونا أصحاب الجنة... بل نحن محرومون... كذلك العذاب

#### 35- عقیده اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 3

3 - باغداران یمنی ، گروهی خداپرست و معتقد به ربوبیت الهی بودند .

قالوا سبحن ربنا

#### 36- غفلت اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 3

3 - غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حردق درین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 6

6 - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در «ألم» برای استفهام توییخی است.

### 37- فرجام شوم اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 2

2 - تهدید خداوند به دچار کردن کافران تکذیب گر صدر اسلام ، به سرنوشت شوم و هلاکت بار باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

### 38- قدرت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 2

2 - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حردق درین

### 39- قدرت اقتصادی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 3

3 - غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حردق درین

### 40- قصه اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 2

2 - تصمیم قاطع باغداران یمنی ، بر محروم ساختن بینوایان از محصولات باغ

أَن لَّا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

### 41- کیفر اصحاب الجنه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 1

1 - نابود شدن بوستان باغداران یمنی ، کیفر و عذاب الہی بر آنان بود .

کما بلونا أصحاب الجنّة .. بل نحن محرومون ... كذلك العذاب

ص: 374

## 42- گمراهی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 4

4- باغداران یمنی، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند.

فلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «ضالّون» گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه «لَمَّا» در اصطلاح بیانگر اقتران جواب به شرط و افاده کننده فور و بدهت است.

## 43- گمشدگی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 1

1- باغداران یمنی، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه را گم کرده اند.

فلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی «ضالّون» مراد باشد.

## 44- لجاجت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 5

5- باغداران یمنی، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند.

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

## 45- مال دوستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 3

3- باغداران یمنی، گروهی مال دوست و خسیس

إذ أقسموا ليصرمتها .. ولا يستنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 375



19 - قلم - 68 - 24 - 3

3 - مال دوستی و بخل شدید باغداران یمنی

آن لاید خلتها الیوم علیکم مسکین

#### 46- محرومیت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 27 - 1

1 - توجه و اعتراف باغداران یمنی ، به محروم شدن خویش از تمامی محصولات باغ

بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 1

1 - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلـومون

#### 47- مخالفت عاقل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 4

4 - مخالفت برادر عاقل و معتدل ، از میان برادران صاحب باغ ، با محروم ساختن مستمندان از محصولات خویش

قال أوسطهم ألم أقل لولا تسبّحون

#### 48- مساکین و اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 4

4 - حضور هر ساله بینوایان در بوستان باغداران یمنی ، به وقت برداشت جهت بهره مند شدن از محصولات آن

أن لا يدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

#### 49- مشاوره اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - قلم - 68 - 21 - 2

ص: 376

2 - صاحبان بوستان یمنی ، برای عمل به سوگند خویش مبنی بر چیدن تمامی محصولات باغ خود \_ بدون کنار گذاشتن سهم مستمندان \_ به مشورت با یکدیگر پرداختند .

فتنادوا مصبحین

ندای افراد یک گروه به یکدیگر (تنادوا)، به معنای اجتماع و حضور آنان در یک محل و مکان برای مشورت و هم فکری است.

### 50- مشاوره پنهانی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 2

2 - مشاوره و گفتگوی پنهانی باغداران یمنی ، درباره کیفیت چیدن میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم یتخفتون

«تخافت» (مصدر «یتخفتون») به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت و گوی پنهانی است.

### 51- میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمتّنها مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمتّنها مصبحین . و لایستثنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 1,3

1 - به راه افتادن تمامی صاحبان بوستان یمنی با عزمی جدی ، برای چیدن میوه ها در سپیده صبح

فانطلقوا و هم یتخفتون

3 - تلاش باغداران یمنی ، در مخفی نگه داشتن کار برداشت میوه ها از دید دیگران

فانطلقوا و هم یتخفتون

ص: 377

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 2

2- باغداران یمنی، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن، توانا می پنداشتند.

و غدوا علی حردق درین

### 52- نقش عاقل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 2,3

2- ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی، به تسبیح و یاد خدا از سوی برادر عاقل و معتدل خود

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

«لولا» برای تحضیض و ترغیب است و تسبیح در این آیه، به معنای یاد خداوند است؛ یعنی، «لولا تذکرون الله».

3- ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن

آنان از محصولات باغ

أن لا یدخلنّها الیوم علیکم مسکین . . . قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

### 53- وقت تجمع اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 21 - 1

1- صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند.

فتنادوا مصبحین

«مصبح» (مفرد «مصبحین») به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

### 54- وقت میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صـرمین

ص: 378

1- آثار افساد اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 185 - 3

3 - دنياطلبى و فسادانگيزى مردم ايكه ، مانع درك آنان از مفاهيم بلند و آسمانى پيام شعيب (ع) (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بيان تقلب مردم «ايكه» در معاملات و روحيه فسادانگيزى آنان (پيش از ذكر موضع گيرى آنها در مقابل شعيب(ع) مى تواند نشانگر اين باشد كه آنچه سبب شد تا مردم ايكه مفاهيم مهم معرفتى آن حضرت را جنون آميز، بيهوده و گراف به شمار آورده و او را فردى افسون شده بخوانند، اين بود كه آنان گرفتار دنياطلبى و فسادانگيزى شده بودند.

2- آثار باستانى اصحاب ايكه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 79 - 5

5- آثار تاريخى قوم لوط و مردم «ايكه» (قوم شعيب) در دسترس مردم جزيره العرب عصر پيامبر (صلى الله عليه و آله) و بر سر راه آنان به طور آشكار قرار داشت .

فانتقمنا منهم و إنهما ليامام مبین

ضمير تشبيه «إنهما» به «قوم لوط» و «ايكه» باز مى گردد و يکى از معانى امام طريق است (لسان العرب) و «مبين» فاعل به معنای مفعول و به معنای واضح و روشن است. بنايرين معنای جمله «إنهما ليامام مبین» چنين مى شود: آثار شهر قوم لوط و ايكه بر سر راهى آشكارا برجاست.

ص: 379

### 3- آثار دنیاطلبی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 3

3 - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم ایکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع) (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بیان تقلب مردم «ایکه» در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم ایکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

### 4- آثار ظلم اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 2

2- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم «ایکه» ، موجب انتقام الهی از آنان شد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ آل لوط ... وإن كان أصحاب الأيكة لظّـلمين . فا

### 5- آثار عذاب اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 6

6 - انتقام الهی از مردم «ایکه» ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما كان أكثرهم مؤمنين

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند؛ برداشت یاد شده به دست می آید.

### 6- ابر در روز عذاب اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3 - مجازات مردم «ایکه»، در روزی ابری و تیره

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

«ظلّه» (می تواند به معنای) پاره ابری باشد که همچون سایه بان سایه می افکند. بنابراین «فأخذهم عذاب يوم الظلّه»؛ یعنی،

ص: 380

عذابی سخت آنان را در روزی که ابری بر فراز سرشان سایه افکنده بود، فرو گرفت.

## 7- اتحاد اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 13 - 2

2- قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) اقوامی متشکل، همسو و متحد در مخالفت با پیامبران خود

كذّبت قبلهم قوم نوح... ثمود قوم لوط و أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از به کار رفتن تعبیر «احزاب» درباره این اقوام، استفاده می شود.

## 8- اصحاب ایکه و شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 186 - 1

1 - مردم ایکه، منکر هر گونه امتیاز و شایستگی شعیب (ع) برای رسالت الهی

و ما أنت إلا بشر مثلنا

## 9- اصحاب ایکه هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 2

2- نزول عذاب الهی بر مردم ایکه، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند.

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

ضمیر «هم» در «فأخذهم» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «أخذ» (مصدر «أخذ») به معنای فرو گرفتن و «ظلّه» به معنای سایه بان است. اضافه «عذاب» به «یوم» به تقدیر «فی» می باشد؛ یعنی، «فأخذهم عذاب يوم الظلّه» عذابی سخت آنان را در روز سایه بان فروگرفت». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

## 10- اصرار بر کفر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



4- پافشاری مردم آیکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصّـدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 1

1- پافشاری مردم « آیکه » ، بر تکذیب شعیب (ع) و انکار رسالت او

فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 4

4- بیشتر مردم « آیکه » ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما كان أكثرهم مؤمنین

ضمیر «هم» در «أكثرهم» به «اصحاب الأیکه» برمی گردد.

### 11- اقلیت اصحاب آیکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 5

5- وجود اقلیتی مؤمن در میان مردم « آیکه »

و ما كان أكثرهم مؤمنین

### 12- انتقام از اصحاب آیکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 1,2

1- خداوند از قوم لوط و مردم « آیکه » انتقام گرفت .

فانتقمنا منهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر «منهم» به قوم لوط و «ایکه» برگردد.

2- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم «ایکه»، موجب انتقام الهی از آنان شد.

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط ... وإن كان أصحاب الأيكة لظلمين . فا

ص: 382

### 13- انداز اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 188 - 1

1 - هشدار شعیب (ع) به مردم حق ناپذیر «ایکه»، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربی أعلم بما تعملون

### 14- اهل مکه و آثار باستانی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 5

5- آثار تاریخی قوم لوط و مردم «ایکه» (قوم شعیب) در دسترس مردم جزیره العرب عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بر سر راه آنان به طور آشکارا قرار داشت.

فانتقمنا منهم و إنهما لیامام مبین

ضمیر تشبیه «إنهما» به «قوم لوط» و «ایکه» باز می‌گردد و یکی از معانی امام طریق است (لسان العرب) و «مبین» فاعل به معنای مفعول و به معنای واضح و روشن است. بنابراین معنای جمله «إنهما لیامام مبین» چنین می‌شود: آثار شهر قوم لوط و ایکه بر سر راهی آشکارا برجاست.

### 15- بهانه جویی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 4

4- برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری، دستاویز مردم «ایکه» در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

«مسحّر» می‌تواند مشتق از «سحر» باشد «مسحّر» مرادف «رئه» (شُس) است. بنابراین واژه «مسحّر» به معنای موجود دارای شُس \_ که از خصوصیات بشری است \_ می‌باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب (ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می‌باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- عدم برخورداری شعیب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر «مثلنا» می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

ص: 383

## 16- بی تقوایی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 2,5

2 - مردم سرزمین ایکه ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

5- اصحاب ایکه مورد سرزنش شعيب (ع) به خاطر بی تقوایی و گناه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 1

1 - فساد اقتصادی و تجاری ، بارزترین جلوه بی تقوایی مردم « ایکه »

ألا تتقون . . . أوفوا الكيل و لا تكونوا من المخسرین

«إيفاء» (مصدر «أوفوا») مرادف «إتمام» و «کیل» به معنای پیمانانه است. «إخسار» (مصدر «مخسرین») نیز معادل «تنقیص» و به معنای کم فروشی است؛ یعنی، «پیمانانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید».

## 17- بی منطقی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 6

6 - مخالفان شعيب ، ناتوان از مقابله منطقی با وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

## 18- بینش اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



13 - شعراء - 26 - 186 - 2

2 - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 187 - 3

3 - فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصّـدقین

ص: 384

## 19- پیامبر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 78 - 3

3- « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إن مدین و أصحاب الأیکه أمتان بعث الله إليهما شعيباً؛

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: مدین و اصحاب الأیکه دو امت بودند که خدا حضرت شعيب (ع) را به سوی آنان مبعوث گردانید».

## 20- تاریخ اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 176 - 1

1 - تکذیب رسالت شعيب ، از سوی مردم سرزمین « ایکه »

كذب أصحاب لیکه المرسلین

بسیاری از مفسران بر آنند که «ایکه» سرزمینی است مجاور «مدین» که شعيب (ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 2

2- مردم سرزمین ایکه ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 2, 1

1 - فساد اقتصادی و تجاری ، بارزترین جلوه بی تقوایی مردم « ایکه »

ألا تتقون .. أوفوا الكيل و لا تكونوا من المخسرین

«إيفاء» (مصدر «أوفوا») مرادف «إتمام» و «کیل» به معنای پیمانانه است. «إخسار» (مصدر «مخسرین») نیز معادل «تنقیص» و به معنای کم فروشی است؛ یعنی، «پیمانانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید».

2- تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم « ایکه »

أوفوا الكيل ولا تكونوا من المفسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 182 - 2

2- استفاده از ترازوهای ناسالم ، از مشکلات اخلاقی مردم « ایکه » بود .

ص: 385

وزنوا بالقسطاس المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 3,6,7

3 - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم ایکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

بیان تقلب مردم «ایکه» در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم ایکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

6 - مخالفان شعیب ، ناتوان از مقابله منطقی با وی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

7 - اطلاع مردم «ایکه» از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 187 - 2

2 - اقدام مردم ایکه به ناتوان جلوه دادن شعیب (ع) ، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصّـدّيقين

امر در «أسقط» به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم ایکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح کردند که می پنداشتند، انجام آن امری غیر ممکن است و شعیب(ع) از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغاتش خواهد کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 2,3,5

2 - نزول عذاب الهی بر مردم ایکه ، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند .

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

ضمیر «هم» در «أخذهم» به «اصحاب الأيكة» باز می‌گردد. «أخذ» (مصدر «أخذ») به معنای فرو گرفتن و «ظله» به معنای سایه بان است. اضافه «عذاب» به «یوم» به تقدیر «فی» می‌باشد؛ یعنی، «فأخذهم عذاب يوم الظله» عذابی سخت آنان را در روز سایه بان فروگرفت». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان‌ها پناه برده بودند.

3- مجازات مردم «ایکه»، در روزی ابری و تیره

فأخذهم عذاب يوم الظله

«ظله» (می‌تواند به معنای) پاره ابری باشد که همچون سایه بان سایه می‌افکند. بنابراین «فأخذهم عذاب يوم الظله»؛ یعنی، عذابی سخت آنان را در روزی که ابری بر فراز سرشان سایه افکنده بود، فروگرفت.

5- روز نزول عذاب بر مردم ایکه، روزی هولناک و جانفرسا

إنه كان عذاب يوم عظيم

ص: 386

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 4,5

4 - بیشتر مردم «ایکه» ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر «هم» در «أكثرهم» به «اصحاب الأیکه» برمی گردد.

5 - وجود اقلیتی مؤمن در میان مردم «ایکه»

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 13 - 1

1 - قوم ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، پیامبران خود را تکذیب کردند .

كذّبت قبلهم قوم . . . ثمود و قوم لوط وأصحـب لئیکه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از «أصحاب الأیکه» قوم شعیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 14 - 1,2

1 - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، پیامبران خود را تکذیب کردند .

قوم نوح . . . ثمود ... أصحـب لئیکه ... إن کلّ إلّا کذّب الرسل

2 - تکذیب پیامبران از سوی قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، بسیار شدید بود .

إن کلّ إلّا کذّب الرسل

«إن» نافیه و «کلّ» از الفاظ عموم و تنوین آن عوض از محذوف است، یعنی، «کلّهم». عبارت «إلّا کذّب الرسل» استثنا از نفی جنس و مفید تأکید حصر است؛ یعنی، این اقوام آن قدر به تکذیب پیامبران خود پرداختند که گویی به جز تکذیب هیچ کار و یا صفت دیگری نداشتند.

1\_ اصحاب «ایکه» و قوم «تَّبِع» ، از اقوام تکذیب کننده پیامبران

كذبت قبلهم... و اصحاب الأيكة و قوم تبّع

2\_ «اصحاب أیکه» ، ساکنان سرزمینی پردرخت و جنگلی \*

و اصحاب الأيكة

«أیکه» به معنای درختان انبوه و جنگل گونه است. احتمال دارد به اصحاب «أیکه»، از آن جهت این عنوان داده شده باشد که در محیطی این چنین زندگی می کرده اند.

## 21- تخلفات اقتصادی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 1

1 - فساد اقتصادی و تجاری ، بارزترین جلوه بی تقوایی مردم « ایکه »

أَلَا تَتَّقُونَ .. أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

«ایفاء» (مصدر «أوفوا») مرادف «إتمام» و «کیل» به معنای پیمانانه است. «إخسار» (مصدر «مخسرین») نیز معادل «تنقیص» و به معنای کم فروشی است؛ یعنی، «پیمانانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 182 - 2

2 - استفاده از ترازوهای ناسالم ، از مشکلات اخلاقی مردم « ایکه » بود .

وزنوا بالقسطاس المستقیم

## 22- ترسناکی روز عذاب اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 5

5 - روز نزول عذاب بر مردم ایکه ، روزی هولناک و جانفرسا

إِنَّهٗ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

## 23- تکذیبگری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 176 - 1

1 - تکذیب رسالت شعیب ، از سوی مردم سرزمین « ایکه »

كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ



بسیاری از مفسران بر آنند که «ایکه» سرزمینی است مجاور «مدین» که شعیب(ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 13 - 1

1 - قوم ثمود ، لوط و اصحاب ایکه ( قوم شعیب ) ، پیامبران خود را تکذیب کردند .

كذّبت قبلهم قوم . . . ثمود و قوم لوط وأصحـب لئیکه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از «أصحاب الأیکه» قوم شعیب است.

ص: 388

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 14 - 1

1 - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه ( قوم شعیب ) ، پیامبران خود را تکذیب کردند .

قوم نوح ... ثمود ... أصحاب لیکه ... إن کلّ الکذّاب الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 14 - 1

1\_ اصحاب « ایکه » و قوم « تُبع » ، از اقوام تکذیب کننده پیامبران

کذبت قبلهم ... و أصحاب الأیکه و قوم تبع

## 24- تهمتهای اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 2

2- متهم شدن شعیب ( ع ) از سوی مردم « ایکه » به جنون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

« مسحّر » ( مفرد « مسحّرين » ) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 186 - 4

4- شعیب ( ع ) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت ، از سوی مردم ایکه

وإن نظنّک لمن الکذّابین

« إن » مخفف از ثقيله و « ظنّ » ( مصدر « نظن » ) مرادف « ایقان » ( یقین داشتن ) است؛ یعنی ، « قطعاً تورا از جمله دروغ گویان می دانیم » .

## 25- تیرگی روز عذاب اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مجازات مردم «ایکه»، در روزی ابری و تیره

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

«ظلّه» (می تواند به معنای) پاره ابری باشد که همچون سایه بان سایه می افکند. بنابراین «فأخذهم عذاب يوم الظلّه»: یعنی، عذابی سخت آنان را در روزی که ابری بر فراز سرشان سایه افکنده بود، فروگرفت.

ص: 389

## 26- حفظ منافع اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 5

5- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود، مبنی بر تضمین منافع مردم «ایکه» در پرتو رسالت وی

اِتی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (با لام انتفاع) استفاده می شود.

## 27- حق ناپذیری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 1

1 - موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إثمًا أنت من المسحّرين

ضمیر فاعل در «قالوا» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «إثمًا» از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله «إثمًا أنت من المسحّرين» به تقدیر «ما أنت إلا من المسحّرين» می باشد. «مسحّر» نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

## 28- حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 4

4- بیشتر مردم «ایکه»، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند.

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر «هم» در «أكثرهم» به «اصحاب الأیکه» بر می گردد.

## 29- خواسته های اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مردم آیکه ، خواهان فروریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصـدقین

«كِسْفَه» (مفرد «كِسْف») مرادف «قطعه» است.

ص: 390

### 30- دانش جادو در اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 7

7 - اطلاع مردم « ایکه » از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنا من المسحّرين

### 31- دشمنی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 1

1 - موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنا من المسحّرين

ضمیر فاعل در «قالوا» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «إنا» از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله «إنا من المسحّرين» به تقدیر «ما أنت إلا من المسحّرين» می باشد. «مسحّر» نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

### 32- دعوت از اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 4

4 - سخن دلسوزانه شعیب (ع) با مردم ایکه ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر «ألا تتقون» (آیا نمی خواهید تقواپیشه کنید) بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 2

2 - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه «آمین» می تواند از ریشه «آمن» و به معنای «مأمون» (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید «آمین» دعوتی از جانب شعیب(ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 391

1 - دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایکه، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون... فاتقوا الله و اطیعون

2 - شعیب (ع)، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إنی لکم رسول أمين. فاتقوا الله و اطیعون

برداشت یاد شده از تفریع «اتقوا...» بر «إنی لکم رسول» به دست می آید.

### 33- روش بر خورد اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

ضمیر فاعل در «قالوا» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «إنما» از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله «إنما أنت من المسخرین» به تقدیر «ما أنت إلا من المسخرین» می باشد. «مسخر» نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - اقدام مردم ایکه به ناتوان جلوه دادن شعیب (ع)، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصـدقین

امر در «أسقط» به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم ایکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح کردند که می پنداشتند، انجام آن امری غیر ممکن است و شعیب (ع) از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغاتش خواهد کشید.

### 34- سایه بانهای اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2- نزول عذاب الهی بر مردم ایکه ، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند .

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

ضمیر «هم» در «أخذهم» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «أخذ» (مصدر «أخذ») به معنای فرو گرفتن و «ظلّه» به معنای سایه بان است. اضافه «عذاب» به «یوم» به تقدیر «فی» می باشد؛ یعنی، «فأخذهم عذاب يوم الظلّه؛ عذابی سخت آنان را در روز سایه بان فروگرفت». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

ص: 392

### 35- سرزنش اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 5

5- اصحاب ایکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

استفهام در جمله «أَلَا تَتَّقُونَ» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

### 36- سرسبزی سرزمین اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 78 - 2

2- محل سکونت مردم «ایکه» محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

وإن كان أصحاب الأيكة لظلمين

«ایکه» در لغت به معنای درخت پر شاخ و برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است؛ یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به «اصحاب الأیکه» ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

### 37- شدت تکذیبگری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 14 - 2

2- تکذیب پیامبران از سوی قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب)، بسیار شدید بود.

إن كل الأكدب الرسل

«إن» نافیه و «كل» از الفاظ عموم و تنوین آن عوض از محذوف است، یعنی، «كلهم». عبارت «إلّا كذب الرسل» استثنا از نفی جنس و مفید تأکید حصر است؛ یعنی، این اقوام آن قدر به تکذیب پیامبران خود پرداختند که گویی به جز تکذیب هیچ کار و یا صفت دیگری نداشتند.

### 38- شعیب (ع) و اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 1

ص: 393

1 - نبود پیوند خویشاوندی میان شعیب (ع) و مردم ایکه

كذَّب أصحاب لـيكة . . . إذ قال لهم شعيب

از آن جا که نسبت به سایر پیامبران در آیات پیشین تعبیر «أخوهم» به کار رفته؛ ولی در مورد شعیب(ع) نسبت به مردم ایکه، این تعبیر به کار نرفته است، مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

### 39- ظلم اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 78 - 1

1- مردم « ایکه » ( قوم شعیب ) مردمی ستم پیشه بودند .

وإن كان أصحاب الأيكة لظلمين

نوع مفسران بر آنند که مقصود از «ایکه» همان قوم شعیب هستند.

### 40- عبرت از فرجام اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 1

1 - سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ، شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إنّ في ذلك لآيه

کلمه «ذلک» به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین «إنّ في ذلك لآيه»؛ یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

### 41- عجز اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 6

6 - مخالفان شعیب ، ناتوان از مقابله منطقی با وی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

## 42- عقیدہ اصحاب ایکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 394

4- اصحاب ايكه ، منكر حقيقتى به نام رسالت

كذب اصحاب لايكه المرسلين

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه نسبت دادن تكذيب همه رسولان به اصحاب ايكه، از آن جهت باشد كه آنان اصولاً حقيقتى به عنوان «رسالت» را قبول نداشتند و اين امر به منزله انكار همه رسولان است.

### 43- فلسفه عذاب اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 14 - 3

3- نزول كيفر و عذاب الهى بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ايكه ( قوم شعيب ) به جرم تكذيب پيامبران

إن كلّ الاكذب الرسل فحقّ عقاب

«حقّ» به معنای «ثبّت» (ثابت و محقق است) می باشد.

### 44- فلسفه مخالفت اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 185 - 4

4- برخورداری شعيب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم « ايكه » در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

«مسحّر» می تواند مشتق از «سحر» باشد «مسحّر» مرادف «رئه» (شش) است. بنابراین واژه «مسحّر» به معنای موجود دارای شش \_ كه از خصوصیات بشری است \_ می باشد. اين تعبير كنايه از همگونی شعيب (ع) با ساير مردم و امتياز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپايه اين احتمال، آيه بعد توضيح همين تعبير خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 186 - 3

3- عدم برخورداری شعيب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم ايكه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر «مثلنا» می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

#### **45- قدرت اصحاب ایکه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 395

3- قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب)، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح... ثمود... أصحاب لئیکه أولئك الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئك) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود؛ یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

#### 46- کفر اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 4

4- بیشتر مردم « ایکه »، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند.

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر «هم» در «اکثرهم» به «اصحاب الأیکه» برمی گردد.

#### 47- کم فروشی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 2

2- تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی، توصیه شعیب (ع) به مردم « ایکه »

أوفوا الکیل و لاتکونوا من المکسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 182 - 2

2- استفاده از ترازوهای ناسالم، از مشکلات اخلاقی مردم « ایکه » بود.

وزنوا بالتسطاس المستقیم

#### 48- کمی مؤمنان اصحاب ایکه



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 5

5 - وجود اقلیتی مؤمن در میان مردم « ایکه »

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ص: 396

## 49- کيفر اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 14 - 3

3- نزول كيفر و عذاب الهى بر قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ايكه (قوم شعيب) به جرم تكذيب پيامبران

إن كلّ إلّا كذب الرسل فحقّ عقاب

«حقّ» به معنای «ثَبَّتَ» (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 31 - 1

1- هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود، از دچار شدن به كيفر كردار قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آنان ( لوط و اصحاب ايكه ) در

صورت اقدام به قتل موسى (ع)

مثل دأب قوم نوح . . . و الذین من بعدهم

«دأب» به معنای عادت است و مقصود از «الذین من بعدهم» قوم لوط و اصحاب ايكه است؛ چنان که در سوره «ص» آیه 13، به آن

تصريح شده است. گفتمی است برابر نظر مفسران «اصحاب ايكه» همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعيب بودند.

## 50- گرمی روز عذاب اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 189 - 2

2- نزول عذاب الهی بر مردم ايكه، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند .

فأخذهم عذاب يوم الظلّه

ضمير «هم» در «أخذهم» به «اصحاب الأيكة» باز می گردد. «أخذ» (مصدر «أخذ») به معنای فرو گرفتن و «ظلّه» به معنای سایه بان

است. اضافه «عذاب» به «يوم» به تقدير «فی» می باشد؛ یعنی، «فأخذهم عذاب يوم الظلّه»؛ عذابی سخت آنان را در روز سایه بان

فروگرفت». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ايكه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

## 51- گناهکاری اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 177 - 2،5

2 - مردم سرزمین ایکه ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

ص: 397

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

5- اصحاب ايكه مورد سرزنش شعيب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

## 52- مسکن اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 14 - 2

2\_ « أصحاب أیکه » ، ساکنان سرزمینی پردرخت و جنگلی \*

و أصحاب الأیکه

«أیکه» به معنای درختان انبوه و جنگل گونه است. احتمال دارد به اصحاب «أیکه»، از آن جهت این عنوان داده شده باشد که در محیطی این چنین زندگی می کرده اند.

## 53- موانع فهم اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 3

3- دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم ايكه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعيب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان تقلب مردم «ایکه» در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعيب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم ايكه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

## 54- موقعیت جغرافیایی اصحاب ايكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 14 - 2

2\_ « أصحاب أیكه » ، ساكنان سرزمینی پردرخت و جنگلی \*

و أصحاب الأیكه

«أیكه» به معنای درختان انبوه و جنگل گونه است. احتمال دارد به اصحاب «أیكه»، از آن جهت این عنوان داده شده باشد که در محیطی این چنین زندگی می کرده اند.

ص: 398

موقعیت جغرافیایی سرزمین اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 78 - 2

2- محل سکونت مردم «ایکه» محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

و إن کان أصحاب الأیکه لظلمین

«ایکه» در لغت به معنای درخت پر شاخ و برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است؛ یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به «اصحاب الأیکه» ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

### 55- نهی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 2

2 - تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم «ایکه»

أوفوا الکیل ولا تکنوا من المخرسین

### 56- ویژگیهای عذاب اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 2,3,5

2- نزول عذاب الهی بر مردم ایکه ، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند .

فأخذهم عذاب یوم الظله

ضمیر «هم» در «أخذهم» به «اصحاب الأیکه» باز می گردد. «أخذ» (مصدر «أخذ») به معنای فرو گرفتن و «ظله» به معنای سایه بان است. اضافه «عذاب» به «یوم» به تقدیر «فی» می باشد؛ یعنی، «فأخذهم عذاب یوم الظله» عذابی سخت آنان را در روز سایه بان فروگرفت». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

3 - مجازات مردم «ایکه» ، در روزی ابری و تیره

فأخذهم عذاب یوم الظله

«ظله» (می تواند به معنای) پاره ابری باشد که همچون سایه بان سایه می افکند. بنابراین «فأخذهم عذاب يوم الظله»؛ یعنی، عذابی سخت آنان را در روزی که ابری بر فراز سرشان سایه افکنده بود، فروگرفت.

5 - روز نزول عذاب بر مردم ایکه ، روزی هولناک و جانفرسا

إنّه كان عذاب يوم عظيم

ص: 399

## 57- هلاکت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 190 - 2

2- فرجام هلاکت بار مردم ایکه ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . . . إنّ فی ذلك لآیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت مردم ایکه، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 5

5- هلاکت مردم ایکه با عذاب قهر الهی ، نمودی از عزت و شکست ناپذیری خداوند است .

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . . . وإنّ ربّك لهو العزیز

ص: 400



## 10- اصحاب رس

### 1- تاریخ اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 39 - 3

3\_ همه مردمان عاد، ثمود، اصحاب رس و مردم دوران های بین اقوام یاد شده، به خاطر تکذیب آیات خدا و رسولان او، به شکل شگفت آوری درهم شکسته شده و نابود گردیدند.

و کلاً تَبْرَنَا تَبِيرًا

«تَبِير» (مصدر «تَبْرَنَا») به معنای درهم شکستن و هلاک کردن است (لسان العرب). «تَبِيرًا» \_ که مفعول مطلق برای «تَبْرَنَا» است \_ نیز برای تأکید معنای درهم شکستن و هلاک کردن و نوع شگفت آور آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 12 - 3

3\_ قوم نوح، اصحاب رس و ثمود، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

### 2- تکذیبگری اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 12 - 3

3\_ قوم نوح، اصحاب رس و ثمود، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

ص: 401

### 3- حق ستیزی اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 12 - 3

3\_ قوم نوح ، اصحاب رس و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

### 4- ظلم اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 38 - 2

2\_ قوم عاد ، ثمود و اصحاب رس ، مردمانی ظالم و ستمگر و گرفتار عذاب دردناک الهی در قیامت

و أعدنا للظلمین عذاباً أليماً . و عاداً و ثموداً و أصحاب الرس

### 5- مراد از اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 38 - 6,8

6\_ « عن يعقوب بن ابراهيم . . . قال سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) و سأله رجل عن أصحاب الرس . . . فقال كانا رسين أما أحدهما فليس الذي ذكره الله في كتابه . . . و أما الذين ذكرهم الله في كتابه فهم قوم كان لهم نهر يدعى الرس . . . هو نهر بمنقطع أذربايجان و هو بين حدّ أرمنيه و أذربايجان . . . فبعث الله إليهم ثلاثين نبياً فقتلوه جميعاً . . . »

يعقوب بن ابراهيم . . . گوید: شنیدم که مردی از امام موسی بن جعفر(ع) درباره اصحاب رس پرسید؟ امام فرمود: اصحاب رس دو گروه بودند: یکی از آن دو گروه را خداوند در کتاب خود یاد نکرده است... اما آنان را که خدا در کتاب خود، یاد فرموده، قومی بودند که نهری داشتند که «رس» خوانده می شد و آن نهری بود در مرز آذربایجان و آن مرز بین ارمنستان و آذربایجان بود... خداوند سی پیغمبر برای آنان فرستاد و همه را کشتند...». 1 قصص الأنبياء راوندی، ص 96، ح 89؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 153، ح 14.

8\_ « عن الحسين بن علي (ع) : أتى علي بن أبي طالب رجل . . . فقال يا أمير المؤمنين أخبرني عن أصحاب الرس . . . فقال له علي (ع) . . . أنهم كانوا قوماً يعبدون شجرة صنوبره يقال لها شاه درخت . . . و إنما سموا أصحاب الرس لأنهم رسوا نبيهم في الأرض . . . فلما طال كفرهم بالله عزّ وجلّ . . . بعث الله عزّ وجلّ إليهم نبياً من بني اسرائيل . . . و أجمع رأيهم على قتله . . . فقال الله عزّ وجلّ . . . لأجعلتهم عبرة و نکالاً للعالمين فلم يرعهم . . . إلا بريح عاصف شديدة الحمرة و أظلمتهم سحابه سوداء فألقت عليهم كالقبة حمراً تلتهب فذابت

أبدانهم فى النار؛

ص: 402

از حضرت حسین بن علی (ع) روایت شده است: مردی خدمت حضرت علی بن ابی طالب (ع) رسید... و گفت: ای امیرمؤمنان! مرا از اصحاب «رس» خبر ده... حضرت علی (ع) به او فرمود: ... آنان قومی بودند که درخت صنوبری را... که به آن شاه درخت می گفتند... پرستش می کردند... و آنان را بدان سبب اصحاب «رس» نامیده اند که پیامبر خود را در زمینی دفن کردند... و چون کفر آنان به خدا طول کشید... خدای عزوجل... پیغمبری از بنی اسرائیل را به سوی آنان فرستاد... و آنان بالاتفاق بر کشتن آن پیغمبر نظر دادند... پس خدای عزوجل... فرمود: آنان را مایه عبرت و تنبه عالمیان قرار می دهم... پس آنان را به وسیله تندبادی به شدت قرمز رنگ ترسانید... و ابری سیاه بر سر آنان سایه افکند و سنگی را که آتش از آن شعله می کشید، مانند خیمه ای بر سر آنان افکند و بدن های آنان در آتش ذوب گردید».

## 6- مساحقه در اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 38 - 7

7\_ «عن جمیل عن ابی عبداللّٰه (ع) قال: دخلت إمرأه مع مولاه لها علی ابی عبداللّٰه (ع) فقالت: ما تقول فی اللواتی مع اللواتی قال: هن فی النار... فقالت ألیس هـ ذا فی کتاب اللّٰه؟ قال بلی. قالت این هو؟ قال قوله «و عاداً و ثمود و أصحاب الرس» فهن الرسّیات؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که زنی همراه کنیزش بر آن حضرت وارد شد و آن زن از حکم هم جنس بازی زنان (مساحقه) سؤال نمود. حضرت فرمود: آنان در آتش خواهند بود... آن زن پرسید: این حکم در قرآن یافت می شود؟ حضرت فرمود: آری. پرسید در کجای قرآن؟ فرمود: سخن خداوند که می فرماید: «و عاداً و ثمود و أصحاب الرس» و عمل این زنان [همان عمل] اصحاب رس است.

## 7- هلاکت اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 38 - 1

1\_ خداوند، قوم عاد، ثمود و اصحاب رس را به خاطر تکذیب آیات و رسولان الهی درهم شکست و نابود ساخت.

و عاداً و ثمودا و أصحاب الرس و قروناً بین ذلک کثیراً

نصب کلمه های «عاداً»، «ثموداً» و «اصحاب الرس» به وسیله فعلی محذوف «دمرنا» و «أهلکنا» می باشد. گفتنی است علت هلاکت اقوام یاد شده، همان تکذیب است که در آیات قبل در باره فرعونیان و قوم نوح آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 39 - 3, 1

1\_ خداوند، پیش از هلاکت تکذیب کنندگان موسی (ع) و اقوام نوح، عاد، ثمود و اصحاب رس برای اتمام حجت و عبرت آموزی

آنان ، مثل های روشنگرانه ای زده بود .

ص: 403

فقلنا اذهبوا إلى القوم الذين كذبوا بآي-تنا . . . وقوم نوح ... وعادًا و ثمودا و

3\_ همه مردمان عاد ، ثمود ، اصحاب رس و مردم دوران های بین اقوام یاد شده ، به خاطر تکذیب آیات خدا و رسولان او ، به شکل شگفت آوری درهم شکسته شده و نابود گردیدند .

و كلاًّ تَبْرنا تَبِيرًا

«تَبِير» (مصدر «تَبْرنا») به معنای درهم شکستن و هلاک کردن است (لسان العرب). «تَبِيرًا» \_ که مفعول مطلق برای «تَبْرنا» است \_ نیز برای تأکید معنای درهم شکستن و هلاک کردن و نوع شگفت آور آن است.

ص: 404

## 11- اصحاب رقیم

### 1- مراد از اصحاب رقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 9 - 2

2- « اصحاب رقیم » ، نام دیگر « اصحاب كهف » است .

أصحاب الكهف و الرقیم

چون در آیات این سوره، سخنی درباره «اصحاب رقیم» به میان نیامده، محتمل است «اصحاب رقیم» نام و وصف دیگری برای اصحاب كهف باشد از آن جا که «رقیم» به معنای مرقوم و ثبت شده است، برخی گفته اند که بدان جهت این نام بر آنان اطلاق شده که شرح حال شان، بر دیوار غار یا در نقطه دیگری، به صورت «سنگ نوشته» ثبت شده است.

ص: 405

## 12- اصحاب سبت

### 1- بنی اسرائیل و اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 4

4- بنی اسرائیل ، آگاه به سرگذشت شوم اصحاب سبت و علل آن هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده حسنین

### 2- طرد اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 3

3- خداوند ، اصحاب سبت ( تجاوزکاران یهود در روز شنبه ) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده حسنین

«قِرْد» (مفرد قِرْدَة) به معنای میمون است. «خاسیء» به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه «خاسئین» خبر دوم برای «کونوا» است.

### 3- عبرت از اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 3,5,1

ص: 406



1 - عقوبت اصحاب سبت ، عبرتی برای معاصران آنان و درسی بر آیندگان ایشان

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

مراد از ضمیر در «فجعلناها» عقوبت اصحاب سبت است که از جمله «فقلنا لهم کونوا قرده» به دست می آید. ضمیر در «یدیها» و «خلفها» به «الذین اعتدوا» ارجاع می شود و مؤنث آوردن آن به اعتبار «امت و طایفه» بودن آنان است. مقصود از «ما بین یدیها» (آنچه پیش روی آنان بود) مردم معاصر اصحاب سبت است و منظور از «ما خلفها» (آنچه پس از آنان بود) آیندگان ایشان است.

3 - کیفر اصحاب سبت ، موعظه و پندی برای اهل تقواست .

فجعلنها .. موعظه للمتقین

5 - توجه به سرنوشت شوم اصحاب سبت ، زمینه ساز خودداری از گناه و نافرمانی خداوند است .

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

«نکال» به معنای عبرت و نیز به معنای عقوبت و کیفر بازدارنده است.

#### 4- عذاب اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 1

1 - عقوبت اصحاب سبت ، عبرتی برای معاصران آنان و درسی بر آیندگان ایشان

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

مراد از ضمیر در «فجعلناها» عقوبت اصحاب سبت است که از جمله «فقلنا لهم کونوا قرده» به دست می آید. ضمیر در «یدیها» و «خلفها» به «الذین اعتدوا» ارجاع می شود و مؤنث آوردن آن به اعتبار «امت و طایفه» بودن آنان است. مقصود از «ما بین یدیها» (آنچه پیش روی آنان بود) مردم معاصر اصحاب سبت است و منظور از «ما خلفها» (آنچه پس از آنان بود) آیندگان ایشان است.

#### 5- عصیان اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 13

13\_ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ايله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609; نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

ص: 407

## 6- فرجام اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 4

4- بنی اسرائیل ، آگاه به سرگذشت شوم اصحاب سبت و علل آن هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قردة خسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 5

5- توجه به سرنوشت شوم اصحاب سبت ، زمینه ساز خودداری از گناه و نافرمانی خداوند است .

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

«نکال» به معنای عبرت و نیز به معنای عقوبت و کیفر بازدارنده است.

## 7- قصه اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 19

19\_ سرگذشت اصحاب سبت ( مسخ شدن به میمون ) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنا اصحاب السَّبْت

## 8- کیفر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 2,3

2- مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

3- کیفر اصحاب سبت ، موعظه و پندی برای اهل تقواست .

فجعلنها .. موعظه للمتقين

## 9- لعن بر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 47 - 16,17

ص: 408

كما لعنّا اصحاب السَّبْت

17\_ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 78 - 13

13\_ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609; نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

### 10- مسخ اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 11، 3

3 - خداوند ، اصحاب سبت ( تجاوزکاران یهود در روز شنبه ) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسین

«قِرْد» (مفرد قِرْدَة) به معنای میمون است. «خاسیء» به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه «خاسئین» خبر دوم برای «کونوا» است.

11 - « عبدالله بن الفضل الهاشمی قال قلت لابی عبدالله (ع) . . . « ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین » قال : أن أولئک مسخوا ثلاثة أيام ثم ماتوا ولم یناسلوا وان القرده الیوم مثل أولئک . . . »

عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق(ع) از سخن خداوند عز و جل که فرموده: «ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین» پرسید، امام فرمود آنان (یهود) به حالت مسخ سه روز باقی ماندند و سپس مردند و از آنان نسلی باقی نماند و میمونهای

فعلی مثل همان میمونها هستند (مشابه آنها در شکلند ولی از نسل آنها نیستند) . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 2

2 - مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 19

ص: 409

19\_ سرگذشت اصحاب سَبِّت ( مسخ شدن به میمون ) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنا اصحاب السَّبِّت

ص: 410

## 13- اصحاب شمال

### 1- اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 7 - 1

1 - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه ( نیک بختان ) اصحاب المشئمه ( نگون بختان ) و سابقون ( پیشتازان )

و کنتم أزواجاً ثلثه

بیان «أزواجاً ثلثه» محذوف و تقدیر آن چنین است: «و کنتم أزواجاً ثلثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون». در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

### 2- آثار کفر اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 33 - 1

1 - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور ( اصحاب الشمال ) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زور و زور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

### 3- اصحاب شمال در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 42 - 4

ص: 411



4- اصحاب الشمال در دوزخ ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

«حمیم»؛ یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 44 - 2

2- پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم . . . و ظلّ . . . لآبارد و لاکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 3

3- سرمستی ، خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن « اصحاب شمال »

و أصحاب الشمال . . . إنهم كانوا قبل ذلك مترفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 53 - 1

1- دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه « زقوم » می پردازند .

فمالون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 54 - 2, 1

1- عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه « زقوم »

لأكلون من شجر من زقوم . . . فشرَّبون عليه من الحمیم

به کارگیری «فا» در «فشاربون» و نیز قید «علیه»، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از «زقوم»، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن «زقوم» بر ایشان عارض خواهد شد.

2- نوشیدنی دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فش‌ریون علیه من الحمیم

«حمیم» در «مفردات راغب» به آب شدید الحرارة معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 55 - 1, 2

1 - دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فش‌ریون شرب الهیم

«هیم» جمع «هیماء» است و «هیماء» به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 412

2- نوشیدن آب داغ در دوزخ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند.

فش\_ریون شرب الهیم

برخی «هیم» (جمع «هیماء») را به معنای ریگ گرفته اند؛ زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیان تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

#### 4- اصحاب شمال در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 83 - 15

15\_ تسلیم و اعتراف اصحاب یمین به ربوبیت الهی از روی رغبت؛ و اعتراف اصحاب شمال با کراهت، در عالم ذر

و له اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً

قال اصحاب الیمین بلی طوعاً و قال اصحاب الشمال بلی کرهاً . . . فذلک قوله تعالی «و له اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً».

---

علل الشرایع، ص 425، ح 6، ب 161؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 295، ح 1.

#### 5- اصحاب شمال در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2,3,4

2- کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند، اصحاب الشمال هستند.

و أصبح ب الشمال ما أصبح ب الشمال

3- اصحاب الشمال، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصبح ب المشمه . . . و أصبح ب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از «اصحاب الشمال» به «اصحاب المشمه» (مردم بدبخت) یاد شده بود.

4- اصحاب الشمال در جهان آخرت، دارای وضعیتی بسیار تکان دهنده و هولناک

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

استفهام تعجیبی در «ما أصحاب الشمال» حاکی از آن است که این گروه از مردم، در قیامت در درجه ای از بدبختی قرار می گیرند که هر بیننده ای با دیدن آنها شگفت زده و حیران خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 92 - 1

1 - دسته دیگر از مردم در قیامت ، « اصحاب الشمال » هستند .

ص: 413

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

«مکذبین» گروه دیگری اند که در آیات پیشین، از آنان به عنوان «اصحاب الشمال» نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 2

2 - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكَرِّهَ رِقَبَهُ ... وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِ-أَي- تَنَاهَمُ أَصْحَابِ الْمَشْأَمَةِ

چنانچه «مشأمه» به معنای «سمت چپ» باشد \_ که در «صحاح» از جمله معانی آن شمرده شده است \_ برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه «اصحاب»، بیانگر حضور طولانی «اصحاب المشأمه» در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

### 6- بی ارزشی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 56 - 1

1 - دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، موجوداتی بی ارزش در پیشگاه الهی

ه\_ذَا نَزَلْنَاهُمْ

«نزل» چیزی است که میزبان برای پذیرایی مهمان آماده می کند و معمولاً بهترین خوردنی و نوشیدنی است که میزبان در خانه دارد. این تعبیر در مورد غذا و آب دوزخیان، تعبیری استهزاآمیز و بیانگر بی ارزش بودن آنان در پیشگاه خداوند است.

### 7- بی تأثیری ثروت اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 28 - 1

1 - کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ

## 8- بی تأیری قدرت اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 1

ص: 414

1 - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عتی سلط\_نیه

### 9- بی تقوایی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 1

1 - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران ( انسان های بی رحم و آدم کش )

إِثْمَ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا); ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد; ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

### 10- بی رحمی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 1

1 - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران ( انسان های بی رحم و آدم کش )

إِثْمَ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا); ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد; ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

### 11- تشبیه اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 55 - 1

1 - دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فَشْرِبُونَ شَرْبَ الْهَيْمِ

«هیم» جمع «هیماء» است و «هیماء» به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه،

بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 415



## 12- تشنگی اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 42 - 4

4- اصحاب الشمال در دوزخ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

«حمیم»؛ یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

## 13- تکذیبگری اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 47 - 1

1 - عذاب اخروی اصحاب شمال، ره آورد موضع گیری ناباورانه آنان نسبت به معاد

و أصحاب الشمال... فی سموم... و كانوا يقولون... أءنا لمبعوثون

استفهام انکاری در عبارت «أئذا متنا... و أءنا لمبعوثون»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 92 - 2,3

2- اصحاب الشمال، متشکل از انسان های کافر و تکذیب گر

و أمّا إن كان من المكذبین

3- تکذیب و گمراهی، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

و أمّا إن كان من المكذبین الضالین

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف «المكذبین الضالین» آمده است.

## 14- ثروتمندی اصحاب شمال

3 - کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، از قشر ثروتمند و مرفّه جامعه اند .

ما أغنی عَنّی مالیه

یادآوری این مطلب که ثروت و اموال، ما را نجات نداد؛ می رساند که این گروه از قشر مرفه و ثروتمند جامعه اند. در آیه 45 سوره «واقعه» از آنان به عنوان «مترفان» (نازپروردگان و برخورداران) یاد شده است.

ص: 416

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 3

3 - کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، از قشر قدرتمندان و توانگران جامعه اند .

هلک عتّی سلط\_نیه

### 15- حتمیت عذاب اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 28 - 1

1 - کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

ما أغنی عتّی مالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 1

1 - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عتّی سلط\_نیه

### 16- رفاه اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 3

3 - سرمستی ، خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن « اصحاب شمال »

و أصحاب الشمال .. . إثم كانوا قبل ذلك مترفين

### 17- سرمستی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 3، 1

1 - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران ( انسان های بی رحم و آدم کش )

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا); ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد; ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

ص: 417

3- سرمستی، خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت، از عوامل مهم دوزخی شدن « اصحاب شمال »

و أصحاب الشمال .. إثم كانوا قبل ذلك مترفين

### 18- شقاوت اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 9 - 2، 1

1- « اصحاب المشئمه » (نگون بختان)، در آخرت در نهایت شقاوت و بدبختی خواهند بود.

و أصحاب المشئمه ما أصحاب المشئمه

استفهام تعجیبی در «ما أصحاب المشئمه» حاکی از آن است که این گروه از مردمان، در آخرت در درجه ای از بدبختی قرار خواهند گرفت که هر بیننده ای را به شگفتی و خواهد داشت.

2- گرفتاری و بدبختی برای اصحاب المشئمه در آخرت، جاودان و غیرقابل زوال

و أصحاب المشئمه ما أصحاب المشئمه

«صاحب» (مفرد «اصحاب») به معنای یار و ملازم است. بنابراین «اصحاب المشئمه»؛ یعنی، کسانی که ملازم با نکبت و بدبختی بوده و هرگز از آن خلاصی نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 3، 4

3- اصحاب الشمال، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحاب الشمال .. و أصحاب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از «اصحاب الشمال» به «اصحاب المشئمه» (مردم بدبخت) یاد شده بود.

4- اصحاب الشمال در جهان آخرت، دارای وضعیتی بسیار تکان دهنده و هولناک

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

استفهام تعجیبی در «ما أصحاب الشمال» حاکی از آن است که این گروه از مردم، در قیامت در درجه ای از بدبختی قرار می گیرند که هر بیننده ای با دیدن آنها شگفت زده و حیران خواهد ماند.

## 19- صفات اصحاب شمال

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - واقعہ - 56 - 92 - 3

3 - تکذیب و گمراہی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ

ص: 418

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف «المکذبین الضالین» آمده است.

## 20- طعام اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 36 - 1

1- «غسلین» (خونابه و چرک)، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلا من غسلین

«غسلین» \_ به گفته اهل لغت و مفسران \_ به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

## 21- ظلم اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 1

1 - اصحاب شمال، مجموعه ای از انسان های بی پروا، متنعمان سرمست و جباران (انسان های بی رحم و آدم کش)

إنهم كانوا قبل ذلك مترفین

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا); ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد; ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

## 22- عذاب اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 42 - 2,4 - 1

1 - زندگی همیشگی در میان باد بسیار گرم و شدید، فرجام اخروی اصحاب الشمال

فی سموم

«فی سموم» خبر برای مبتدای محذوف و به تقدیر «أولئك فی سموم» است. «سموم» به باد گرم گفته می شود (قاموس المحيط) و نکره

آمدن آن بیانگر شدت وزش باد و نیز درجه بالای گرمای آن است. جمله اسمیه نیز بیانگر آن است که این دسته، برای همیشه گرفتار آن خواهند بود و هرگز از آن خلاص نخواهند شد.

2 - تأثیر باد های وزنده بر اصحاب الشمال ، همچون تأثیر سم در بدن است .

فی سموم

ص: 419



راغب در مفردات «سموم» را به باد گرمی که همانند سم تأثیر گذارد، معنا کرده است.

4- اصحاب الشمال در دوزخ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

«حمیم»؛ یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 43 - 1

1 - زندگی در سایه ای از دود سیاه، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران «یحموم» را به دود سیاه معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 47 - 1

1 - عذاب اخروی اصحاب شمال، ره آورد موضع گیری ناباورانه آنان نسبت به معاد

و أصحاب الشمال... فی سموم... و كانوا یقولون... أءنّا لمبعوثون

استفهام انکاری در عبارت «أئذا متنا.. و أءنّا لمبعوثون»، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 23- عذاب اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 56 - 3

3- عذاب دوزخ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هـ\_ذا نزلهم یوم الدین

### 24- عهدشکنی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- اصرار و پافشاری « اصحاب الشمال » بر پیمان شکنی ، عامل دوزخی شدن آنها

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

ص: 420

## 25- غذای اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 52 - 3

2- درخت زقوم، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأكلون من شجر من زقوم

3- اهل دوزخ (اصحاب شمال)، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود.

لأكلون من شجر من زقوم

آوردن «لام» تأکید، بیانگر آن است که تغذیه اهل دوزخ از «زقوم» تردیدناپذیر است؛ زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 53 - 1

1- دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه «زقوم» می پردازند.

فمالون منها البطون

## 26- فرجام اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 42 - 1

1- زندگی همیشگی در میان باد بسیار گرم و شدید، فرجام اخروی اصحاب الشمال

فی سموم

«فی سموم» خبر برای مبتدای محذوف و به تقدیر «أولئك فی سموم» است. «سموم» به باد گرم گفته می شود (قاموس المحيط) و نکره آمدن آن بیانگر شدت وزش باد و نیز درجه بالای گرمای آن است. جمله اسمیه نیز بیانگر آن است که این دسته، برای همیشه گرفتار آن خواهند بود و هرگز از آن خلاص نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 43 - 1

1 - زندگی در سایه ای از دود سیاه ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران «یحموم» را به دود سیاه معنا کرده اند.

ص: 421

## 27- فرجام شوم اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 95 - 1

1 - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته ( مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال ) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقینی و غیرقابل تردید است .

إِنَّ هَذَا لَهُو حَقُّ الْيَقِينِ

«هَذَا» به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر «حَقُّ الْيَقِينِ» از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، «الْيَقِينِ الْحَقُّ» و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین «الْيَقِينِ الْحَقُّ»؛ یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 1

1 - منکران آیات الهی که به بردگان ، یتیمان و مسکینان خدمتی نکرده و صبر و ترحم ، را رواج ندهند ، در آخرت گرفتار فرجامی شوم و نکبت بار خواهند شد .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

«مَشْأَمَةٌ» از «شُؤْمٌ»، نقطه مقابل يُؤْمِنُ (صحاح) گرفته شده است. (العین)

## 28- قدرتمندی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 3

3 - کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، از قشر قدرتمندان و توانگران جامعه اند .

هَلْكَ عَتَىٰ سَلْطَنِيهِ

## 29- کفر اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - اصحاب الشمال ، متشكل از انسان های کافر و تکذیب گر

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكذِّبِينَ

ص: 422

### 30- گمراهی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 92 - 3

3 - تکذیب و گمراهی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف «المكذبین الضالین» آمده است.

### 31- مراد از اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 9 - 3

3\_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . أمّا ما ذكرت أصحاب المشئمه فمنهم أهل الكتاب ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . . . اصحاب المشئمه که [در قرآن] یاد شده برخی از آنان اهل کتاب هستند».

### 32- موقعیت اجتماعی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 28 - 3

3 - کافران دوزخی ( اصحاب الشمال ) ، از قشر ثروتمند و مرفّه جامعه اند .

ما أغنى عني ماليه

یادآوری این مطلب که ثروت و اموال، ما را نجات نداد؛ می رساند که این گروه از قشر مرفه و ثروتمند جامعه اند. در آیه 45 سوره «واقعه» از آنان به عنوان «مترفان» (نازپروردگان و برخورداران) یاد شده است.

### 33- نامه عمل اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2

2- کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 423



1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

ص: 424

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 14

14 \_ اصحاب صفه ، تنگدستانِ خویشانِ دارِ محصور شده در راه خدا

للفقراء الذين احصروا

امام باقر(ع) نزلت الآیه فی اصحاب الصفه.

گفتنی است که اصحاب صفه، تنگدستانیِ عفیف و خویشانِ دارِ بودند که انجام وظایف الهی (جهاد و نبرد و ...) آنان را از کسب معاش بازداشته بود. رفتار و منش آنان به گونه ای بود که ناآشنایان نه تنها به فقر آنان پی نمی بردند؛ بلکه آنان را غنی و مالدار می پنداشتند.

---

مجمع البیان، ج 2، ص 666.

ص: 425

1- آثار پیروزی اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 3

3 - نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان - در صورت پیروزی ابرهه - از هم می پاشید .

لایل\_ف قریش

2- آثار شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 4،11

4 - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل . . . لایل\_ف قریش ... الذی أطعمهم من جوع

نکره بودن «جوع»، بر شدت آن دلالت دارد.

11 - شکست اصحاب فیل ، از میان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن «خوف»، بر شدت آن دلالت دارد.

ص: 426

### 3- آثار هجوم اصحاب فيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 4

4- هجوم اصحاب فيل به مکه ، کاروان های تجارتی قریش در تابستان و زمستان را با خطری جدی مواجه ساخته بود .

ایل\_فهم رحله الشتاء و الصيف

### 4- آثار هلاکت اصحاب فيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 1

1 - خداوند ، با نابود کردن اصحاب فيل ، قریش را بر ادامه زندگانی طبق عادت دیرینه آنان ، توانمند ساخت .

لایل\_ف قریش

این سوره با سوره قبل، ارتباطی تنگاتنگ دارد تا حدی که برخی آن دورا یک سوره شمرده و برخی دیگر جداساختن آن را از سوره فيل در نماز جایز نمی دانند. بنابراین «لایلاف» علت «جعلهم کعصف مأکول» را بیان می کند؛ یعنی، خداوند سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به ایلاف خود ادامه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 5

5 - خداوند ، با از میان بردن سپاه ابرهه ، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید .

ایل\_فهم رحله الشتاء و الصيف

### 5- بارش سجیل بر اصحاب فيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فيل - 105 - 4 - 1

1 - پرندهگان مهاجم ، اصحاب فيل را با سنگ هایی از گل پخته ، سنگ باران کردند .

ترمیهم بحجاره من سجیل

«حجاره» (جمع «حَجَر») است و «سَجَّیل» (معرَّب سنگ گل)، سنگی است که مانند «گلِ خشک شده» باشد (قاموس). فعل مضارع «ترمیهم»، دلالت بر استمرار دارد. به قرینه آیه بعد، پرندگان تا آن جا به سنگ باران ادامه دادند که سپاه ابرهه نابود شدند. حرف «من» بیانیه و بیانگر آن است که سنگ های انتخابی پرندگان، گل های سنگ شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 3

ص: 427

3 - بارش سنگ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم كعصف مأكول

«عصف»؛ یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأكول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

### 6- تدبر در قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 7

7 - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبر

ألم تر كيف

### 7- تذکر هلاکت اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 10

10 - توجّه به ماجرای اصحاب فیل ، دلگرم کننده و اطمینان بخش برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان عصر بعثت

ألم تر كيف فعل ربّك بأصحاب الفيل

### 8- تشبیه بدن اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 3,4

3 - بارش سنگ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم كعصف مأكول

«عصف»؛ یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأكول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای

حیوانات است.

4- تشبیه « جنازه های اصحاب فیل » ، به برگ هایی که حیوانات ، آن را خورده و تقاله آن را بیرون داده باشند .

فجعلهم كعصف مأكول

در «قاموس» آمده است: «عصف مأكول»، ممکن است به معنای برگی باشد که چارپایان آن را خورده باشند. بر این اساس، مراد

ص: 428

تشبیه اجساد فیل داران به سرگین خواهد بود که از آن، با تعبیری لطیف تر یاد شده است.

### 9- دفع توطئه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 2 - 2

2 - خداوند برنامه اصحاب فیل را سردرگم کرده ، توطئه آنان را خنثی ساخت .

ألم يجعل كيدهم في تضليل

ظرف بودن تضلیل (گمراه ساختن) برای «کید»، مبالغه در همراهی آن دو است؛ به گونه ای که هر جزئی از کید آنان، همراه با تضلیل خداوند بود و از آن انفکاک نداشت.

### 10- شدت کیفر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 1

1 - لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدت مجازات شدند .

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

### 11- شدت هلاکت اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 5

5 - هجوم ابرهه به مکه با سپاهسانی فیل سوار و سرکوب شدید آنان از جانب خداوند

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

آیات این سوره، به داستان «ابرهه» نظر دارد که شهرت آن تا حد مبدأ تاریخ شدن، از تصریح به نام او، بی نیاز ساخته است.

### 12- شگفتی هلاکت اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2 - سرکوب فیل داران از جانب خداوند ، رخدادی شگفت و خاطره ای زنده در عصر بعثت

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

ص: 429

استفهام در «آلم تر» \_ علاوه بر تعجبی بودن \_ اصل رؤیت را تحقق یافته قلمداد کرده است؛ کنایه از این که گرچه مخاطب، آن حادثه را ندیده است؛ ولی شهرت آن به حدی است که گویا او نیز دیده است.

### 13- عبرت از قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 7

7 - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبیر

آلم تر کیف

### 14- قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 11، 2، 1

1 - لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدت مجازات شدند .

آلم تر کیف فعل ربک بأصح ب الفیل

2 - سرکوب فیل داران از جانب خداوند ، رخدادی شگفت و خاطره ای زنده در عصر بعثت

آلم تر کیف فعل ربک بأصح ب الفیل

استفهام در «آلم تر» \_ علاوه بر تعجبی بودن \_ اصل رؤیت را تحقق یافته قلمداد کرده است؛ کنایه از این که گرچه مخاطب، آن حادثه را ندیده است؛ ولی شهرت آن به حدی است که گویا او نیز دیده است.

11 - عن أبي عبد الله عن أبيه عن أبائه (ع) قال : لما ظهرت الحبشه باليمن وَجَّهَ يَكْسُومَ ملك الحبشه بقائدين من قُوَّاده يقال لأحدهما أبرهه و الآخر أرباط في عشره من الفَيْلِهِ كَلَّ فِيلٌ فِي عَشْرِهِ آلَافٍ لِهَدْمِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ . . . فقتل أبرهه أرباط و استولى على الجيش فلما قارب مَكَّه . . . أقبلت الطير الأباييل في منقار كل طائر حجر و في رجله حجران فكان الطائر الواحد يقتل ثلاثه من أصحاب أبرهه . . . و قد قصَّ الله تبارك و تعالی نبأهم فقال سبحانه : آلم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل ;

امام صادق از پدرانش (ع) نقل کرده است: چون حبشیان بر یمن پیروز شدند، پادشاه حبشه به نام «یکسوم» دو نفر از فرماندهان خود به نام های «ابرهه» و «ارباط» را به همراه ده فیل \_ که همراه هر فیل ده هزار نیرو بود \_ برای منهدم کردن خانه خدا [به مکه] فرستاد . . . ابرهه، ارباط را به قتل رساند و خود مسلط بر نیروها شد. پس چون به مکه نزدیک شد . . . آن پرندگان پی در پی آمدند و در منقار هر یک از آنها، یک سنگ و در پاهایشان دو سنگ بود. هر پرنده ای سه نفر از اصحاب ابرهه را می کشت . . . خدای تبارک و تعالی داستان آنان را نقل

کرده، فرموده است: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 3 - 1,5

1 - خداوند ، پرندگانى فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل ، حملهور ساخت و آنها گروه گروه و پیاپی بر آنان هجوم بردند .

ص: 430

نکره آمدن «طیراً» (اسم جمع «طائر») بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به «أباییل» \_ که یا به معنای دسته دسته و یا پی در پی است (قاموس) \_ بیانگر آن است که یورش پرندگان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

5 - «عن أبي مریم عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول الله عز وجل «و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترميهم بحجارة من سجيل» قال : كان طير سافّ جاءهم من قبل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطير مع كل طائر ثلاثة أحجار في رجله حجران وفي منقاره حجر فجعلت ترميهم بها حتى جُدرت أجسادهم فقتلهم [ فقتلتهم خل ] بها . . . ;

ابی مریم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترميهم بحجارة من سجيل» سؤال کردم حضرت فرمود: پرندگانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال های آنها نیز مثل چنگال های پرندگان درنده بود و با هر پرنده سه سنگ [بود]؛ دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ ها آنان را نابود کردند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 4 - 1

1 - پرندگان مهاجم ، اصحاب فیل را با سنگ هایی از گل پخته ، سنگ باران کردند .

ترمیهم بحجاره من سجیل

«حجاره» (جمع «حجر») است و «سجیل» (معرب سنگ گل)، سنگی است که مانند «گل خشک شده» باشد (قاموس). فعل مضارع «ترمیهم»، دلالت بر استمرار دارد. به قرینه آیه بعد، پرندگان تا آن جا به سنگ باران ادامه دادند که سپاه ابرهه نابود شدند. حرف «من» بیانیه و بیانگر آن است که سنگ های انتخابی پرندگان، گل های سنگ شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 1, 2

1 - خداوند ، رقم زننده فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم كعصف مأكول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

2 - تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیهم . . . فجعلهم كعصف مأكول

فاعل «ترمیمهم»، پرندگان و فاعل «جعلهم»، خداوند است؛ یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

## 15- کيفر اصحاب فيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فيل - 105 - 1 - 4,7,9

4 - برخورد شديد خداوند با فيل داران مهاجم ، جلوه ربوبيت او و فراهم آورنده زمينه رشد براي آيين اسلام بود .

ص: 431

اضافه «رَبِّ» به ضمیر در خطاب به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، بیانگر این است که نابودی اصحاب فیل، آن حضرت را در مسیر رسالت الهی اش، از تربیت و تدبیر الهی برخوردار کرده است.

7- داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبیر

ألم تر کیف

9- هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر کیف فعل ربك بأصحاب الفيل

### 16- مکر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 2 - 1

1 - اصحاب فیل، درصدد مکر با خداوند و پی گیر طرحی در مقابله با اهداف الهی بودند.

کیدهم

«کید»، نوعی چاره جویی کردن است که گاهی مذموم و گاه پسندیده است؛ گرچه موارد استعمال آن در مذموم بیشتر است. (مفردات) مراد از «کید» اصحاب فیل، هجوم آنان به مکه برای ویران ساختن کعبه و بازداشتن مردم از عبادت نزد آن بود. ابرهه پیش از آن نیز، برای منصرف ساختن مردم از زیارت کعبه، کنیسه ای در یمن ساخته بود؛ ولی به قرینه عنوان «اصحاب الفیل»، می توان گفت: مراد از «کیدهم» همان هجوم به کعبه است.

### 17- منشأ تجزیه بدن اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 1

1 - خداوند، رقم زننده فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم كعصف مأكول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

## 18- منشأ شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 2 - 5

5- وابستگی شکست اصحاب فیل به خداوند ، امری روشن و بی نیاز از تأمل و برهان

ص: 432

ألم يجعل

استفهام تقریری در آیه، گویای وضوح محتوای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 5

5 - خداوند، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید.

لایل\_ف قریش

### 19- منشأ فرجام اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 1

1 - خداوند، رقم زنده فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم كعصف مأكول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

### 20- منشأ هلاکت اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 3

3 - وابستگی سرکوب اصحاب فیل به خداوند، امری روشن و بی نیاز از تأمل و برهان

ألم تر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 5

5 - خداوند، با از میان بردن سپاه ابرهه، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید.

ایل\_فهم رحله الشتاء و الصیف



## 21- وضوح شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 2 - 5

ص: 433

5- وابستگی شکست اصحاب فیل به خداوند ، امری روشن و بی نیاز از تأمل و برهان

الم يجعل

استفهام تقریری در آیه، گویای وضوح محتوای آن است.

## 22- هجوم اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 5

5- هجوم ابرهه به مکه با سپاهسانی فیل سوار و سرکوب شدید آنان از جانب خداوند

الم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

آیات این سوره، به داستان «ابرهه» نظر دارد که شهرت آن تا حد مبدأ تاریخ شدن، از تصریح به نام او، بی نیاز ساخته است.

## 23- هجوم اصحاب فیل به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 4

4- هجوم اصحاب فیل به مکه ، کاروان های تجارتی قریش در تابستان و زمستان را با خطری جدی مواجه ساخته بود .

ایل\_ فهم رحله الشتاء و الصيف

## 24- هجوم پرندگان بر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 3 - 1

1- خداوند ، پرندگانی فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل ، حملهور ساخت و آنها گروه گروه و پیاپی بر آنان هجوم بردند .

و أرسل عليهم طيراً أبابيل

نکره آمدن «طیراً» (اسم جمع «طائر») بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به «أباییل» \_ که یا به معنای دسته دسته و یا پی در پی است (قاموس) \_ بیانگر آن است که یورش پرندگان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 2

2 - تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیهم... فجعلهم كعصف ماكول

ص: 434

فاعل «ترمیمهم»، پرندگان و فاعل «جعلهم»، خداوند است؛ یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

## 25- هلاکت اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 11, 8, 9

8 - سرکوب کردن اصحاب فیل ، نشانه قدرت خداوند

کیف فعل ربّک

9 - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

الم تر کیف فعل ربّک بأصحاب الفیل

11 - عن أبي عبد الله عن أبيه عن أبائه (ع) قال : لما ظهرت الحبشه باليمن وَجَّهَ يكسوم ملك الحبشه بقائدين من قُواده يقال لأحدهما أبرهه و الآخر أرباط في عشره من الفيل كلّ فيل في عشره آلاف لهدم بيت الله الحرام . . . فقتل أبرهه أرباط و استولى على الجيش فلما قارب مكّه . . . أقبلت الطير الأبايل في منقار كلّ طائر حجر و في رجله حجران فكان الطائر الواحد يقتل ثلاثة من أصحاب أبرهه . . . و قد قصّ الله تبارك و تعالی نبأهم فقال سبحانه : ألم تر كيف فعل ربّك بأصحاب الفيل ;

امام صادق از پدرانش (ع) نقل کرده است: چون حبشیان بر یمن پیروز شدند، پادشاه حبشه به نام «یکسوم» دو نفر از فرماندهان خود به نام های «ابرهه» و «ارباط» را به همراه ده فیل - که همراه هر فیل ده هزار نیرو بود - برای منهدم کردن خانه خدا [به مکّه] فرستاد . . . ابرهه، ارباط را به قتل رساند و خود مسلط بر نیروها شد. پس چون به مکّه نزدیک شد . . . آن پرندگان پی در پی آمدند و در منقار هر یک از آنها، یک سنگ و در پاهایشان دو سنگ بود. هر پرنده ای سه نفر از اصحاب ابرهه را می کشت . . . خدای تبارک و تعالی داستان آنان را نقل کرده، فرموده است: ألم تر كيف فعل ربّك بأصحاب الفيل».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 3 - 5

5 - « عن أبي مریم عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول الله عزّوجلّ « و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترمیمهم بحجاره من سجّیل » قال : كان طير سافّ جاءهم من قبل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطير مع كلّ طائر ثلاثة أحجار في رجله حجران و في منقاره حجر فجعلت ترمیمهم بها حتى جُدّرت أجسادهم فقتلهم [ فقتلتهم خل ] بها . . . ;

ابی مریم گوید: از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ « و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترمیمهم بحجاره من سجّیل » سؤال کردم حضرت فرمود: پرندگانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال های آنها نیز مثل چنگال های پرندگان درنده بود و با هر پرنده سه سنگ [بود]؛ دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها

[سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ ها آنان را نابود کردند».

ص: 435

1- آثار ابهام قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 29

29- ابهام ماجرای اصحاب كهف ، برای برخی از بازدیدکنندگان ، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتخذنّ علی

به کار بردن ضمیر غائب در «ابنوا» و ضمیر متکلم در «لنتخذنّ» گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف «فاء» در «فقالوا» گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب كهف است.

2- آثار توحید اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 14

14- بینش عمیق و نهضت توحیدی اصحاب كهف ، بازتاب هدایت افزون الهی برای آنان بود .

زدنهم هدی . وربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربنا رب السموت و الأرض

«إذ قاموا» ظرف برای جمله های «زدناهم هدی وربطنا. ...» است.

### 3- آثار قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 32، 9

9- سرگذشت اصحاب کهف، دلیل حقایق معاد و از میان برنده زمینهای تردید در آن

و كذلك أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا... أَنَّ السَّاعَةَ لَآرِيبٌ فِيهَا

«ساعه» یعنی «پاره ای از وقت» و این که از قیامت به «ساعه» تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است؛ زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

32- برخی از منکران معاد - به دلیل پی نبردن به زوایای سرگذشت اصحاب کهف - آن را نشانه امکان معاد نیافتند و بر تردید سابق خویش باقی ماندند.

لِيَعْلَمُوا... أَنَّ السَّاعَةَ لَآرِيبٌ فِيهَا... رَبَّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ

چنان چه مشاهده اصحاب کهف برای همه بازدیدکنندگان، مایه تقویت ایمان به معاد شده بود، مناسبتی نداشت که بگویند: «رَبَّهُمْ» بلکه می بایست تعبیر «رَبَّنَا» را جایگزین آن سازند و نسبت به موضوع اصحاب کهف اظهار بی اطلاعی نکنند.

### 4- آثار کشف غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 40، 5

5- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقایق وعده های خداوند بود.

و كذلك أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

مراد از ضمیر فاعل در «لِيَعْلَمُوا» همان مفعول محذوفی است که برای «أَعْرَضْنَا» در نظر گرفته شده است؛ یعنی: «أَعْرَضْنَا النَّاسَ لِيَعْلَمُوا».

40- کشف ماجرای اصحاب کهف، عامل تقویت موضع موحدان و معتقدان به معاد بود.

إِذِ يَتَنَزَّعُونَ... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَيَّ أَمْرَهُمْ

در بیان آنچه مورد نزاع و اختلاف مردم بود، دو احتمال بیان شد: اگر «إِذِ يَتَنَزَّعُونَ...» نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشته باشد، «الَّذِينَ غَلَبُوا...» آن دسته از مردم خواهند بود که معاد را پذیرا بودند و با بیداری اصحاب کهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

## 5- آثار نهضت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 1

1- خداوند، در پی قیام و حرکت اصحاب کهف، قلب های آنان را استوار و سرشار از اطمینان ساخت.

ص: 437



و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

جمله «ربطنا علی قلوبهم» \_ (بر قلب هایشان بند زدیم) \_ تمثیل است و مراد از آن، اطمینان بخشیدن و استوار ساختن قلب ها است.

### 6- آثار هدایت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 14

14- بینش عمیق و نهضت توحیدی اصحاب کهف ، بازتاب هدایت افزون الهی برای آنان بود .

زذنهم هدی . و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربنا رب السموت و الأرض

«إذ قاموا» ظرف برای جمله های «زدناهم هدی و ربطنا. ..» است.

### 7- آثار هلاکت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 7

7- نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن \*

لایل ف قریش

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه «ایلافهم» در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم «ایلاف قریش» است.

### 8- آگاهی از قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 10، 15

10- ماجرای اصحاب کهف ، رازی است که دست یافتن بشر به زوایای آن ، جز با وحی ، ممکن نیست .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

15- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل اللّٰه اعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من وليّ

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

ص: 438

8- بها ندادن به آرای دیگران در سرگذشت اصحاب كهف ، رهنمود خداوند به پیامبرش (صلی الله علیه و آله) بود .

قل الله أعلم بما لبثوا .. واتل ما أوحى إليك من كتاب ربك

نکته یاد شده، بدان احتمال است که رهنمود الهی به تلاوت آیات وحی، در بردارنده این مفهوم باشد که سخن غیر وحی، از اتقان کافی برخوردار نیست و در جریانی تاریخی، مانند جریان اصحاب كهف، مطمئن ترین منبع، وحی است.

### 9- ابهام قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 28

28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب كهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم

جمله «ربهم أعلم بهم» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب كهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

### 10- اتحاد اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 25

25- اصحاب كهف ، باهم ، هماهنگ و صمیمی بودند .

بورقكم هـ ذه

استناد یافتن پول و سرمایه در «ورقكم» به تمامی افراد، حاکی از نکته یاد شده است.

### 11- اجابت دعای اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 1

1- خداوند ، با مسلط کردن خواب بر اصحاب كهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربنا انا .. فضرينا على اذانهم

عبارت «ضرينا على اذانهم» کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله «ضرينا» با حرف تفریع بر جملات قبل \_ که متضمن دعای اصحاب کهف بود \_ گویای آن است که تسلط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

ص: 439

## 12- اجبار اصحاب کهف به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 1

1- اصحاب کهف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

«مَلَّةً» به معنای دین و آیین است و جمله «يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

## 13- احترام سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 5

5- سگ اصحاب کهف ، به دلیل همراهی با آنان ، موجودی شایسته احترام شمرده شده است .

رَابِعُهُمْ... سَادِسُهُمْ... وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ

یاد کردن از سگ اصحاب کهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

## 14- احیای قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 36

36- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف ، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود .

لِنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

قید «عليهم» بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

## 15- اختلاف اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 12 - 3

3 میان اصحاب کهف، در برآورد مدّت خواب خویش، دو دستگی به وجود آمد. \*

أَيُّ الْحَزِيِّينَ أَحْصَى لَمَّا لَبَثُوا

با توجه به آیات بعد \_ که گفت و گوی اصحاب کهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) \_ چنین بر می آید که آنان، خود، به دو

ص: 440

گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

## 16- اختلاف در تعداد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 4، 3، 2

2- نزول داستان اصحاب کهف در قرآن، زمینه ساز اظهار نظرهایی گوناگون در میان مردم عصر بعثت، در باره تعداد آنان شد.

سیقولون... و يقولون... و يقولون

حرف «سین» در «سیقولون» نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه «فلا تمار فیهم» این اقوال، در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیدا شده بود.

3- مردم عصر بعثت، با اظهار سه نظریه متفاوت، اصحاب کهف را سه، یا پنج و یا هفت نفر می پنداشتند.

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و يقولون خمسة... و يقولون سبعة

4- سگ اصحاب کهف، چهارم یا ششم و یا هشتمین عضو گروه اصحاب کهف در نظر مردم بود.

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و يقولون خمسة سادسهم کلبهم... و يقولون سبعة و ثامنه

## 17- اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 1

1- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار، میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد اختلاف بود.

قل الله أعلم

جمله «قل الله...» نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

## 18- اختلاف درباره اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21- بيداری اصحاب كهف با بروز مشاجره میان مردم، درباره هویت و اهداف آنان، هم زمان بود.

أعثرنا عليهم... إذ يتنزعون بينهم أمرهم

به قرینه «ربهم أعلم بهم» می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب كهف بوده و به دلیل مضارع بودن «یتنازعون» این

ص: 441



مشاجرہ دیرینہ، حتیٰ با مشاہدہ آنان نیز پایان نیافتہ بود، بلکہ گروہی از مردم، شناخت حقیقی آنان را بہ خداوند، احالہ کردند و از پی بردن بہ ہویت واقعی آنان، اظہار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در «أمرهم» بہ اصحاب کہف مربوط می شود. حرف «فاء» در «فقالوا» این احتمال را تأیید می کند.

### 19- اختلاف کاشفان اصحاب کہف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 21 - 26

26- کاشفان اصحاب کہف، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاہ اصحاب کہف، اختلاف کردند.

فقالوا ابنوا علیہم بنی ناً... قال الذین... لنتخذنّ علیہم مسجداً

### 20- ارزش طلبی اصحاب کہف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 10 - 2

2- حرکت اصحاب کہف بہ سوی غار، حرکتی جوانمردانہ و در جہت کسب ارزش ہا بود.

إذ أوی الفتیہ إلی الکہف فقالوا ربنا

«فتیہ» جمع «فتی» بہ معنای جوانان است. کاربرد این کلمہ دربارہ اصحاب کہف، ممکن است بہ جہت جوانی اصحاب کہف از نظر سنی باشد. و محتمل است کہ عنایت بہ اوصاف جوانمردانہ آنان، اشارہ باشد. برداشت بالا، ناظر بہ احتمال دوم است.

### 21- ارزش قصہ اصحاب کہف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 13 - 3

3- نقل سرگذشت اصحاب کہف، دارای ہدفی با ارزش و سودمند

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

«حقّ» بہ چیزی گفتمہ می شود کہ بہ جا و حکیمانہ باشد (مجمع البیان). و بہ حق بیان کردن داستان اصحاب کہف \_ کہ مفاد «نقصّ علیک نبأهم بالحقّ» است \_ اشارہ بہ این معنا دارد کہ نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و ارزشمندی را دنبال می کند.



## 22- استمداد اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 10 - 14

14- اصحاب كهف ، خواهان امداد هاى الهى براى نجات از تنگنا ها و مشكلات حركت و قيام شان عليه شرك و پرستش غير او بودند .

و هبىء لنا من امرنا رشداً

سُكنا گزیدن در غار، مى رساند كه حركت و قيام اصحاب كهف، مشكلات و تنگناهاى را براى آنان در پى داشته است، از اين رو مى توان گفت كه مراد از هدايت خواهى آنان، راهنمايى شدن در اتخاذ تصميم هاى بعدى و پيدا كردن راه نجات از مشكلات و تنگناهاى است كه در انتظار ايشان بود.

## 23- اصحاب كهف پس از ملاقات با مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 21 - 23

23- اصحاب كهف \_ پس از دیدار مردم با آنان \_ در همان غار ، به صورت اجسادى بى جان درآمدند .

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ

## 24- اصحاب كهف در غار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 11 - 8

8- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب كهف

فضربنا على اذانهم فى الكهف سنين عدداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 16 - 3

3- اصحاب كهف ، جهت رهاى از مشركان ، غارى را براى جاى گرفتن برگزیدند .

فاؤوا إلى الكهف

جای گرفتن اصحاب کهف در غار، ظاهراً، به جهت مخفی ماندن از دید مأموران و تعقیب کنندگان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 9 - 5

5- اصحاب کهف، در بخش وسیع غار، مستقر بودند.

ص: 443

9- رهنمون شدن اصحاب کهف به غاری ویژه \_ که برای سالیانی دراز ، بدن آنان را سالم نگاه دارد \_ از آیات الهی بود .

و تری الشمس . . . ذلک من ءایـت اللّٰه

«ذلک» به غار اصحاب کهف و خصوصیات آن اشاره دارد. آیت بودن این مجموعه، شاید بدان جهت باشد که خداوند، برای حفظ بدن ها و سالم ماندن اجساد اصحاب کهف در طول سالیانی دراز، آنان را به غاری هدایت کرد که بهترین شرایط طبیعی را برای چنین منظوری در خود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 13

13- آرمیدن اصحاب کهف در غار ، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت .

لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فرارًا

به قرینه جمله «لبثنا یوماً أو بعض یوم» \_ در آیه بعد \_ که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

## 25- اصحاب کهف و ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 3

3- مشرکان ، در عصر اصحاب کهف ، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک ، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتھم

در اصل، باید برای فعل «یعیدوکم» حرف «الی» به کار رود؛ جای گزینی حرف «فی» گویای این است که چنان چه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

## 26- اصحاب کهف و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 11، 12

11- اصحاب كهف ، تمامى راه هاى گريز از شرک را \_ در صورت پذيرش اجبارى آيين مشركان \_ برخويش بسته مى ديده اند .

او يعيدوكم فى ملتهم و لن تفلحوا اذاً ابداً

مراد از «فلاح» \_ به مناسبت مورد \_ رستن و رهائى از شرک است .

12- اصحاب كهف ، ارتداد و پذيرش دوباره شرک را ، گناهى بزرگ و مانع سعادت جاودان خود مى دانستند .

ص: 444

أُويعِدوكم في مَلَّتْهم ولن تفلحوا إِذًا أَبَدًا

## 27- اصحاب كهف و مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 16 - 3

3- اصحاب كهف ، جهت رهايي از مشركان ، غاري را براي جاي گرفتن برگزیدند .

فأُوُوا إِلَى الكهف

جای گرفتن اصحاب كهف در غار ، ظاهراً ، به جهت مخفی ماندن از دید مأموران و تعقیب کنندگان بوده است.

## 28- اضطراب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 33

33- اصحاب كهف ، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن ، تلاش می کردند .

ولايشعرونّ بكم أحداً

## 29- اطمینان اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 16 - 8،12

8- اطمینان اصحاب كهف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیت شرک و جامعه مشرک

فأُوُوا إِلَى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته

فعل «ينشر» در جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است؛ یعنی «إِنْ تَأُوُوا إِلَى الكهف ينشر..» و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

12- اصحاب كهف ، به فراهم آمدن زمینه های لازم برای تداوم بخشی به یکتاپرستی و حرکت توحیدی خویش ، مطمئن بودند .

ويهيي لكم من أمرکم مرفقاً

## 30- اقرار كاشفان اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 445



28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب كهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم

جمله «ربهم أعلم بهم» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب كهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

30- برتری آگاهی خداوند بر سرگذشت حقیقی اصحاب كهف ، مورد اعتراف کسانی بود که از کشف حقیقت ماجرا اظهار عجز می کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم

### 31- التجای اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 7

7- اصحاب كهف ، با التجا به ربوبیت الهی ، خواهان جلب رحمت و حمایت او شدند .

فقالوا ربنا اتنا من لدنك رحمه و هیئ لنا

### 32- امتحان اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 17

17- اصحاب كهف ، از جلوه های ناپایدار زندگی گریختند و در میدان آزمون الهی پیروز شدند .

إنا جعلنا ما علی الأرض زینه لها .. إذ أوی الفتیة إلى الكهف فقالوا ... و هیئ

از نکاتی که می توان درباره ارتباط این آیه با آیات قبل مطرح کرد، سرفرازی اصحاب كهف در امتحان به وسیله زینت های دنیا (زینه لها) و حرکت آنان برای تحقق دادن عمل نیکو (أحسن عملاً) است.

### 33- امنیت اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- اصحاب كهف ، با احساس امنيت از خطر دشمن ، در غار به خواب رفتند .

و هم رقود

ص: 446

### 34- امنیت اصحاب کهف در غار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 7

7- ره یابی اصحاب کهف به پناهگاهی امن و وسیع ، نمودی از رحمت و هدایت الهی برای آنان بود .

ینشر لکم ربکم من رحمته . . . و هم فی فجوه منه

### 35- امیدواری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 12

12- اصحاب کهف ، یکتاپرستانی بودند که از غیر خدا ، قطع امید کرده ، نیاز به درگاه او بردند و چشم به رحمت وی داشتند .

فقالوا ربنا انا من لدنک رحمه

واژه «من لدنک» می تواند حاکی از این نکته باشد که آنان، از غیر خدا، قطع امید کرده و تنها چشم به رحمتی از سوی او داشتند.

### 36- انگیزه نهضت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 10

10- انگیزه و محور نهضت و هدف نهایی اصحاب کهف ، خدا بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله . . . ینشر لکم ربکم

کنارگیری اصحاب کهف از پرستش هر معبودی جز خدا و دل بستن آنان به رحمت و امدادهای الهی، گویای برداشت یاد شده است.

### 37- اهداف قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 3

3- نقل سرگذشت اصحاب کهف ، دارای هدفی با ارزش و سودمند

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

«حقّ» به چیزی گفته می شود که به جا و حکیمانه باشد (مجمع البیان). و به حق بیان کردن داستان اصحاب کهف \_ که مفاد «نقصّ عليك نبأهم بالحقّ» است \_ اشاره به این معنا دارد که نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و

ص: 447

ارزشمندی را دنبال می کند.

### 38- اهداف متولیان غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 36

36- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف ، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود .

لنتخذنّ علیهم مسجداً

قید «علیهم» بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

### 39- اهداف نهضت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 10

10- انگیزه و محور نهضت و هدف نهایی اصحاب کهف ، خدا بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله . . . ینشر لکم ربکم

کنارگیری اصحاب کهف از پرستش هر معبودی جز خدا و دل بستن آنان به رحمت و امدادهای الهی، گویای برداشت یاد شده است.

### 40- اهمیت قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 22

22- داستان اصحاب کهف ، خاطره ای ماندگار و محور اظهار نظر های گوناگون میان ساکنان شهر آنان بوده است .

إذ یتنزعون بینهم أمرهم

### 41- ایمان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 16

16- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان ، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است .

أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا . . . إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ

ص: 448

در آیات پیشین، مشخص شد که «أحسن عملاً» به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از «أحسن عملاً» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 7

7- اصحاب کهف، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند.

اتَّهَم فِتْيَهُ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزَدْنَهُمْ هُدًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 4,6

4- اصحاب کهف، برای حفظ ایمان خویش، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرک آلود شدند.

وَإِذْ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ

با توجه به «و ما يعبدون إلا الله» معلوم می گردد که اعتزال اصحاب کهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

6- اصحاب کهف، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند.

وَإِذْ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 10

10- اصحاب کهف، در صورت گرفتاری به دست کافران، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند.

يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

ارتباط جمله «و لن تفلحوا..» با «يعيدوكم» گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

ایمان به معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب كهف ، به هنگام بيدار شدن آنان ، به حقايق معاد معتقد بودند .

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنـزعون بينهم أمرهم

#### **42- بت پرستی در دوران اصحاب كهف**

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 449



14- جامعه اصحاب كهف ، موجوداتی دارای شعور و خرد را ، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند .

لولا یأتون علیهم بسطین بین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «ءالهه» که مرجع ضمیر «هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

### 43- بدن اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- بدن اصحاب كهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزور عن كهفهم ذات الیمین . . . تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

«فجوه» به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب كهف در «فجوه» و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خداوند ، بیکر های اصحاب كهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- وضعیت جسمانی اصحاب كهف ، پس از بیداری ، با حالت آنان در زمانی که تازه به خواب رفته بودند ، تفاوتی نداشت .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

21- حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری اصحاب كهف و جهاز هاضمه آنان - پس از خواب طولانی ایشان - باز ، باقی و سالم مانده

بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

#### **44- بناسازی در غار اصحاب کهف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 25,26,27,29

ص: 450

25- بازدید کنندگان از اصحاب کهف، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان، حفاظی بنا کنند.

فقالوا ابنوا عليهم .. لتتخذنّ عليهم مسجداً

26- کاشفان اصحاب کهف، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاه اصحاب کهف، اختلاف کردند.

فقالوا ابنوا عليهم بنى... قال الذين... لتتخذنّ عليهم مسجداً

27- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان، ترغیب کردند.

فقالوا ابنوا عليهم بنى... نأربهم أعلم بهم

جمله «قال الذين غلبوا...» در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن «بنیاناً» بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

29- ابهام ماجرای اصحاب کهف، برای برخی از بازدیدکنندگان، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا عليهم بنى... نأربهم أعلم بهم قال الذين غلبوا على أمرهم لتتخذنّ على

به کار بردن ضمیر غائب در «ابنوا» و ضمیر متکلم در «لتتخذنّ» گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف «فاء» در «فقالوا» گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب کهف است.

#### 45- بی تأثیری علم به تعداد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 11

11- دانستن شمار اصحاب کهف، امری غیر ضروری بوده و تأثیری در بُعد معرفتی و درس آموزی آن ندارد.

سيقولون ثلثه... قل ربى أعلم بعدتهم... فلاتمار فيهم

واگذار کردن اطلاع از تعداد اصحاب کهف به خداوند و ترک بحث و منازعه در این موضوع، گواه بی نقش بودن این نوع از آگاهی در هدفِ نقلِ سرگذشت آنان است.

#### 46- بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- اصحاب كهف ، پس از بيدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی كردند .

فابعثوا أحدكم بورقكم . . . أزكى طعاماً

21- حافظه و قدرت تفكر و تصمیم گیری اصحاب كهف و جهاز هاضمه آنان \_ پس از خواب طولانی ایشان \_ باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

ص: 451

## 47- بینش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 6

6- اصحاب کهف ، گروهی یکتاپرست و دارای معرفت به ربوبیت یگانه خدا

فقالوا ربّنا اتنا من لدنک رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 8

8- اطمینان اصحاب کهف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیت شرک و جامعه مشرک

فأووا إلى الکهف ینشر لکم ربکم من رحمته

فعل «ینشر» در جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است؛ یعنی «إن تأووا إلى الکهف ینشر..» و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 5,9

5- خواب اصحاب کهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

حرف «أو» برای تردید است و منشأ تردید در «یوماً أو بعض یوم» این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: «آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟». براساس این تقریب، کلمه «یوماً» به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

9- گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

کلمه «ربکم» قرینه بر این است که گویندگان جمله «ربکم أعلم» افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: «لبثنا یوماً..» زیرا، در غیر این

صورت، گفتن «رَبَّنَا» مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا يوماً أو بعض يوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 1،12

1- اصحاب كهف، خود را در صورت اسارت به دست كافران، محكوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

ص: 452

«مَلَّه» به معنای دین و آیین است و جمله «یَعِيدُوكُمْ فِي مَلَّتْهُمْ» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

12- اصحاب كهف، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند.

أَوْ يَعِيدُوكُمْ فِي مَلَّتْهُمْ وَلَنْ تَقْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

#### 48- بینش جامعه دوران اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 6, 5

5- جامعه اصحاب كهف، فاقد هرگونه دلیل و برهان بر عقاید شرک آلود خویش بودند.

هـ\_ؤَلَاءِ قَوْمِنَا .. لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَنٍ بَيِّنٍ

6- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب كهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالِهه لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَنٍ بَيِّنٍ

#### 49- بینش کاشفان اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 28

28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب كهف، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند.

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبِّهِمْ أَعْلَمُ بِهِمْ

جمله «رَبِّهِمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب كهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

#### 50- بینش متولیان غار اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 34

34- متصدیان جایگاه اصحاب كهف، آنان را اهل عبادت خداوند و جایگاه شان را مکانی مقدس می دانستند.

قال الدين غلبوا على أمرهم لنتخذن عليهم مسجداً

تصميم بر ساختن مسجد، نشانه آن است که سازندگان آن، اهداف اصحاب کهف را با مسجد، هماهنگ دانسته و آن ها را اهل سجود و عبادت شناخته بودند. شایسته دیدن آرامگاه آنان برای بنای مسجد، گویای اعتقاد به تقدس آن جا است.

ص: 453



## 51- پرسش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 3

3- بیدارسازی اصحاب کهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

«ل» در «لیتساءلوا» بیانگر علت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف \_ چنانچه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد \_ اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

## 52- پناهجویی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 1

1- اصحاب کهف ، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالم کفر ، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف

«أوى إلى كذا» یعنی: «به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 2,3

2- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

3- اصحاب کهف ، جهت رهایی از مشرکان ، غاری را برای جای گرفتن برگزیدند .

فأووا إلى الكهف

جای گرفتن اصحاب کهف در غار، ظاهراً، به جهت مخفی ماندن از دید مأموران و تعقیب کنندگان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 17

17- حرکت اصحاب كهف به سوی غار ، حرکتی ناگهانی و بدون پیش بینی آذوقه و نیازمندی های دیگر بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

ص: 454

### 53- پول اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 27

27- سگه هايی كه اصحاب كهف برای تهیه غذا در نظر گرفتند ، سگه های نقره ای كه در زمان ورود به غار ، آن را به همراه خود داشتند .

بورقكم ه\_ذه

«ه\_ذه» به چیزی اشاره دارد كه حاضر و مشخص باشد. گفتنی است كه از عادی بودن برخورد اصحاب كهف، می توان فهمید كه جنس سگه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

### 54- پول رایج دوران اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 23

23- رواج سكه و پول نقره ، برای مبادلات اقتصادی ، در جامعه اصحاب كهف

بورقكم ه\_ذه

«ورق» به «نقره» و نیز «درهم» (سكه ای كه از نقره ساخته شود) گفته می شود (مصباح).

### 55- پیری اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 18

18- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . ان أصحاب الكهف كانوا شيوخاً فسّمّاهم الله عزّوجلّ فتیه بایمانهم ;

از امام صادق (ع) روایت شده كه: اصحاب كهف، سأل مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید».

### 56- پیش بینی اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 11

11- اصحاب كهف ، تمامى راه هاى گريز از شرک را \_ در صورت پذيرش اجبارى آيين مشركان \_ برخويش بسته مى ديده اند .

او يعيدوكم فى ملتهم ولن تفلحوا اذاً ابداً

مراد از «فلاح» \_ به مناسبت مورد \_ رستن و رهائى از شرک است .

ص: 455

## 57- پیشنهاد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 2

2- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

## 58- پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 25،27

25- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فقالوا ابنوا عليهم .. لتتخذنّ عليهم مسجداً

27- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ ربهم أعلم بهم

جمله «قال الذين غلبوا...» در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن «بنیاناً» بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

## 59- تابش خورشید به غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 1،3،6،8

1- غار اصحاب کهف ، به گونه ای بود که خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابید .

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

«تزاور» به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت «إذا طلعت تزور عن كهفهم...» این است که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. «قرض» به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله «و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال» یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

3- اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب، به داخل غار اصحاب کهف تابیده می شد. \*

إذا طلعت تزور عن كهفهم... و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب کهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به کار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب کهف. (تقرضهم).

6- بدن اصحاب کهف، در غار، از تابش مستقیم نور آفتاب، در امان بود.

ص: 456

تزرور عن كهفهم ذات اليمين . . . تقرضهم ذات الشمال و هم في فجوه منه

«فجوه» به مكان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب كهف در «فجوه» و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

8- موقعیت جغرافیایی ویژه غار و استراحت گاه اصحاب كهف و نحوه تابش خورشید به آن ، از آیات الهی است .

ذلك من آيات الله

مشارالیه «ذلك» مطالب مطرح شده در آیه، درباره وضعیت جغرافیایی غار و نحوه قرار گرفتن اصحاب كهف در آن و دیگر خصوصیات است.

### 60- تاریخ قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 9 - 5

5- قبل از نزول قرآن نیز سرگذشت اصحاب كهف در بین مردم مطرح بوده است .

أم حسبت أن أصحاب الكهف . . . كانوا من آياتنا عجبًا

سیاق و لحن آیه، حاکی از آن است که مردم عصر بعثت، از داستان اصحاب كهف، اطلاعاتی هر چند ناقص داشته اند و آن را از عجایب می شمردند.

### 61- تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 20

20- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب كهف ، در عقاید خویش ، دستخوش تحولات مهمی شده بودند .

إذ يتنزعون بينهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب كهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند؛ ولی در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جو حاکم به سود مؤمنان بود.

### 62- ترس از اصحاب كهف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 18 - 19، 16، 15، 14، 13

ص: 457



13- آرمیدن اصحاب کهف در غار، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت.

لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فراراً

به قرینه جمله «لبثنا يوماً أو بعض يوم» \_ در آیه بعد \_ که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

14- منظره اصحاب کهف، رعب آور و فرو برنده بینندگان در ترس و وحشتی فراگیر

لو اطلعت علیهم .. لملت منهم رعباً

15- بیدارنمایی اصحاب کهف، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أيقاظاً .. لملت منهم رعباً

16- منظره هراس انگیز اصحاب کهف، در حالت خواب، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلبهم .. لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فراراً و لملت منهم رعباً

ضمیر فاعلی در «نقلبهم ..» قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرها و آسیب ها بوده است.

19- «عن أبي جعفر (ع) فی قول الله: «... لو لیت منهم فراراً و لملت منهم رعباً» قال: «إنّ ذلك لم یُعَنَ به النبی (صلی الله علیه و آله) ... لکنّه حالهم التی هم علیها»

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره این سخن خدا «... لو لیت منهم فراراً و لملت منهم رعباً» فرمود: همانا، در این آیه، پیامبر(صلی الله علیه و آله) قصد نشده ... و مقصود، تجسم حالتی است که اصحاب کهف بر آن حالت بودند».

### 63- ترس اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 33

33- اصحاب کهف، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن، تلاش می کردند.

و لایشعرونّ بکم أحداً

### 64- تعداد اصحاب کهف

8- « عن نعمان بن بشير ، انه سمع رسول الله (صلى الله عليه وآله) يحدث عن أصحاب الرقيم : انّ ثلاثة نفر دخلوا إلى الكهف فوق من الجبل حجر على الكهف فأوَّصد عليهم . . . ففرج الله عنهم و خرجوا إلى أهليهم راجعين ؛

از نعمان بن بشير نقل شده كه او، از رسول الله (صلى الله عليه وآله) شنيد كه درباره اصحاب رقيم فرمود: آنان، سه نفر بودند كه داخل غار شدند و

سنگی از کوه بر غار فرود آمد و غار را به روی آنان بست . . پس خداوند، گشایشی در کارشان پدید آورد [و از غار آزاد شدند] و به سوی خانواده های خود بازگشتند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 11

11- شمار اصحاب كهف ، از هفت نفر کمتر نبوده است .

قال قائل .. قالوا لبثنا ... قالوا ربكم أعلم

صیغه جمع، در زبان عرب، حدّ اقل بر سه نفر دلالت دارد. در آیه شریف دو گروه با هم گفتگو کرده اند («قالوا لبثنا» «قالوا ربكم») و از یک نفر نیز به عنوان «قائل» یاد شده است، لذا، جمع آن ها، حدّ اقل، هفت نفر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 6,7,1

1- شمار اصحاب كهف ، امری مجهول برای بسیاری از مردم در طول تاریخ

سيقولون ثلثه .. ما يعلمهم إلا قليل

6- اظهار نظریه سه یا پنج نفر بودن اصحاب كهف ، اظهاری بی اساس و تیری در تاریکی است .

سيقولون ثلثه رابعهم كلبهم و يقولون خمسة سادسهم كلبهم رجماً بالغيب

«باء» در «بالغيب» برای تعدیه است و مراد از «غيب» پندار يكم و دوم است. این پندارها، به سنگی تشبیه شده اند که آن را بدون نشانگیری پرتاب کنند، به این امید که به هدف اصابت کند. اختصاص این قید به نظریه نخست و دوم نشان می دهد که نظریه سوم، دور از واقع نبوده و با آن دو، در یک ردیف نیست.

7- هفت نفر بودن اصحاب كهف ، نظریه ای قابل پذیرش و تصدیق است .

رجماً بالغيب و يقولون سبعة و ثامنهم كلبهم

تأیید نظریه سوم را از دوراه می توان استفاده کرد 1\_ قید «رجماً بالغيب» تنها به دو نظریه قبل اختصاص یافته است. 2\_ جمله «ثامنهم كلبهم» صفت برای «سبعة» است و او زانده \_ آن گونه که زمخشری بیان کرده است \_ این وصف را تثبیت می کند؛ یعنی، به یقین، سگ آنان، هشتمین فردشان است.

**65- تعصب مردم دوران اصحاب كهف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 6

6- جامعه اصحاب كهف ، در دفاع از عقايد باطل خویش ، تعصب و شدت عمل داشتند .

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

ص: 459

## 66- تفاوت استعداد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 12

12- اصحاب کهف، در تیزهوشی و ابعاد فکری، برابر نبودند.

قالوا لبثنا... قالوا ربکم أعلم

بسندۀ کردن برخی از اصحاب کهف به نظری اجمالی و ادای پاسخ براساس آن و تشکیک دسته ای دیگر در گفته آنان و نیز مطرح شدن آگاهی برتر خداوند در کلام این گروه، نشان برتری آنان بر گروه نخست است.

## 67- تقیه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 9 - 9

9- «عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أصحاب الكهف أسروا الإيمان وأظهروا الكفر...»؛

از امام صادق(ع) روایت شده: اصحاب کهف، ایمان خود را مخفی داشته و تظاهر به کفر می کردند».

## 68- تلاش متولیان غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 35

35- اداره کنندگان جایگاه اصحاب کهف \_ به منظور عبادت خداوند \_ بر ساختن مسجدی در فضای غار، همت گماشتند.

قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذنَّ عليهم مسجدًا

تعبیری که گروه نخست به کار بردند (ابنوا) خطاب به دیگران بود و بیان کننده این که نمی خواستند در انجام دادن پیشنهاد خویش سهم عملی داشته باشند، ولی دسته دوم، علاوه بر به کار بردن ضمیر متکلم (نتخذنَّ) \_ که حاکی از تصمیم آنان بر حضور مستقیم در ساختن مسجد است \_ با تعبیر «إتخاذ مسجد» این معنا را نیز اعلام کردند که خود، در آن جا، به عبادت خواهند پرداخت.

## 69- توحید اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- اصحاب كهف ، يكتاپرستانی بودند كه از غير خدا ، قطع اميد كرده ، نياز به درگاه او بردند و چشم به رحمت وي داشتند .

فقالوا ربّنا اتنا من لدنك رحمه

ص: 460

واژه «من لدنک» می تواند حاکی از این نکته باشد که آنان، از غیر خدا، قطع امید کرده و تنها چشم به رحمتی از سوی او داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 8

8- شناخت توحیدی اصحاب کهف، شناختی عمیق و استوار بر دلایلی قطعی و روشن

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ

از این که اصحاب کهف، مردم خود را به خاطر سطحی نگری و بی منطقی سرزنش کرده اند، استفاده می شود که آنان، عقاید خویش را براساس برهان استوار کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 6،12

6- اصحاب کهف، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند.

و إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ

12- اصحاب کهف، به فراهم آمدن زمینه های لازم برای تداوم بخشی به یکتاپرستی و حرکت توحیدی خویش، مطمئن بودند.

و يَهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَاقًا

### 70- توحید ربوبی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 6

6- اصحاب کهف، گروهی یکتاپرست و دارای معرفت به ربوبیت یگانه خدا

فَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا مِن لَّدُنكَ رَحِمَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 7

7- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کل هستی و بیزاری از پرستش غیر او، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود.

فقالوا ربنا رب السموت و الأرض لن ندعوا من دونه إلها

### 71- توصيه به فرستاده اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 31,32

ص: 461



31- مدارا و نرمش با فروشندگان و تحریک نکردن کنجکاوی آنان ، توصیه اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

ولیتلطف

«تَلَطَّف» به معنای رفق و مدارا است (مصباح). ارتباط جمله «لِیَتَطَّف» با جمله «لایشعرن...» این نکته را می رساند که مدارا کردن با فروشندگان، مانع پی بردن آنان به وجود اصحاب کهف است.

32- پی نبردن هیچ یک از ساکنان شهر به جایگاه مخفی کهف نشینان ، سفارش اکید اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

و لایشعرن بکم أحداً

### 72- توصیه های اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 31, 32

31- مدارا و نرمش با فروشندگان و تحریک نکردن کنجکاوی آنان ، توصیه اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

ولیتلطف

«تَلَطَّف» به معنای رفق و مدارا است (مصباح). ارتباط جمله «لِیَتَطَّف» با جمله «لایشعرن...» این نکته را می رساند که مدارا کردن با فروشندگان، مانع پی بردن آنان به وجود اصحاب کهف است.

32- پی نبردن هیچ یک از ساکنان شهر به جایگاه مخفی کهف نشینان ، سفارش اکید اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

و لایشعرن بکم أحداً

### 73- توکل اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 9

9- اصحاب کهف ، حق جویانی اقدام گر و متکی بر امداد الهی بودند .

إذ أوى الفتية إلى الكهف فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 11

11- اصحاب کهف ، در حلّ معضلات و مشکلات حرکت توحیدی ، متکی به خدا بودند .

و یهییء لکم من امرکم مرفقاً

تهییئه (مصدر «یهییء») به معنای فراهم ساختن و آماده کردن است. «مرفق» به چیزی گفته می شود که کار به مدد آن صورت می گیرد. «من» در «من امرکم» در معنای ابتدا به کار رفته و ممکن است برای افاده معنای بدل باشد، که در این صورت معنای جمله چنین می شود: «او، برای شما، در عوض کارتان، مدد فراهم خواهد ساخت.».

ص: 462

#### 74- تولیت غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 33

33- گروهی از کاشفان اصحاب کهف، با کنار زدن رقیبان خود، مسؤولیت امور اصحاب کهف را برعهده گرفتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم

ضمیمه در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط است و مفاد جمله «قال الذین...» این است که گروهی، بر امور مربوط به اصحاب کهف سلطه یافتند و بنای مسجد را همّت خویش قرار دادند.

#### 75- تهدید اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 1

1- اصحاب کهف، از سوی جامعه کفر، مورد تهدید بودند و نیروی کافی برای مقابله با آنان را نداشتند.

و إذا اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

کنارگیری (اعتزال) اصحاب کهف از جامعه خویش، نشانگر در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوی جامعه و فشار مشرکان بر ایشان است.

#### 76- تهیه آذوقه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 16، 17، 30

16- اصحاب کهف، پس از بیدار شدن، تصمیم گرفتند باز در غار بمانند و تنها، یک نفر از خود را برای تهیه آذوقه به شهر روانه کنند.

فابعثوا أحدکم بورقکم هـ ذه إلى المدینه

17- حرکت اصحاب کهف به سوی غار، حرکتی ناگهانی و بدون پیش بینی آذوقه و نیازمندی های دیگر بود.

فابعثوا أحدکم بورقکم

28- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود

«زکاه» (مصدر «أذکی») به معنای «طهارت» و نیز «صلاح» آمده است (لسان العرب). ضمیر در «أیها» به «المدینه» برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام \_ مکان های مدینه است.

30- اصحاب کهف، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند.

فلیأتکم برزق منہ

«رزق» طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). «من» در «منه» برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد «فلیأتکم برزق منہ» این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

### 77- جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 1

1- اصحاب کهف، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالم کفر، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند.

إذ أوی الفتیہ إلى الکہف

«أوی إلى کذا» یعنی: «به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 8

8- محیط اجتماعی اصحاب کهف، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود.

و ربطنا علی قلوبہم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 14، 1

1- جامعه اصحاب کهف، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد بود.

وؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالہہ

14- جامعه اصحاب کهف، موجوداتی دارای شعور و خرد را، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند.

لولا یأتون علیہم بسلطن بین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «ءالہہ» که مرجع ضمیر

«هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

## 78- جوانمردی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 16, 18, 2

2- حرکت اصحاب کهف به سوی غار ، حرکتی جوانمردانه و در جهت کسب ارزش ها بود .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف فقالوا ربنا

ص: 464

«فتیه» جمع «فتی» به معنای جوانان است. کاربرد این کلمه درباره اصحاب کهف، ممکن است به جهت جوانی اصحاب کهف از نظر سنی باشد. و محتمل است که عنایت به اوصاف جوانمردانه آنان، اشاره باشد. برداشت بالا، ناظر به احتمال دوم است.

16- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است.

أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا .. إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ

در آیات پیشین، مشخص شد که «أحسن عملاً» به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از «أحسن عملاً» است.

18- «عن أبي عبد الله (ع) : . . . ان أصحاب الكهف كانوا شيوخاً فسماهم الله عز وجل فتية بإيمانهم ;

از امام صادق (ع) روایت شده که: اصحاب کهف، سأل مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 7

7- اصحاب کهف، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند .

إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

### 79- جهل اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 13

13- اصحاب کهف، از مدّت زمان خواب خویش، کاملاً بی اطلاع بودند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا .. وَلَنْ تَقْلَحُوا إِذَا أُبْدُوا

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

### 80- حق جویی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 9

9- اصحاب كهف ، حق جوياني اقدام گر و متكي بر امداد الهى بودند .

إذ أوى الفتية إلى الكهف فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمه

ص: 465



## 81- حکومت دوران اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 20 - 7

7- حکومت ، در زمان زندگی اصحاب کھف ، حکومتی مستبد و ظالم بود .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

## 82- خدائشناسی اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 13 - 8

8- شناخت ربوبیت خداوند ، از عوامل ایمان اصحاب کھف بود .

ءامنوا برّٰہم

## 83- خطر سنگساری اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 20 - 1

1- اصحاب کھف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

«ملّہ» به معنای دین و آیین است و جمله «یُعیدوکم فی ملّتھم» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

## 84- خواب اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 11 - 1,3

1- خداوند ، با مسلط کردن خواب بر اصحاب کھف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربّنا انا .. فضربنا علی ءاذانھم

عبارت «ضربنا علی اذانهم» کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله «ضربنا» با حرف تفریع بر جملات قبل \_ که متضمن دعای اصحاب کهف بود \_ گویای آن است که تسلط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

3- حیات طولانی اصحاب کهف در خواب ، از آیات الهی است .

كانوا من اى\_تنا عجبًا . . . فضربنا علی اذانهم فى الكهف سنين عددًا

ص: 466

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 3,4,5

1- اصحاب كهف، با احساس امنيت از خطر دشمن، در غار به خواب رفتند.

و هم رقود

3- پيكر و اعضاي بدن اصحاب كهف، در تمام مدتي كه در خواب بودند، آسيبي نديد و تغيير چشم گيري نيافت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم...» اين است كه هر بيننده اي، اگر در دوران خواب اصحاب كهف، به آنان نظر مي افكند، نه تنها آن ها را اجسادى از هم گسيخته نمى يافت، بلكه انسان هايى به خواب رفته نيز نمى ديد؛ يعنى، آن ها، افراى بيدار به نظر مي آمدند كه حيات عادى خود را مى گذرانند.

4- خداوند، پيكر هاي اصحاب كهف را در زمان چيرگى خواب بر آنان، به راست و چپ گردش مي داد.

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

5- گردیدن اصحاب كهف به چپ و راست، از عوامل مصونيت آنان در برابر آسيب هاي جسمى بود.\*

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

اسناد «نقلب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلبهم...» گوياي اين است كه اين تغيير حالت، از الطاف الهى بوده است. بيان اين نكته، پس از اشاره به خواب اصحاب كهف، مى تواند ناظر به برخى از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 3

3- بيدارسازى اصحاب كهف، فراهم آورنده فرصتى مناسب براى پرسوجوى آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود.

بعثنهم ليتساءلوا

«ل» در «ليتساءلوا» بيانگر علت بيدارسازى است. هدف از به خواب بردن و بيدار ساختن اصحاب كهف - چنان چه از تفریع آیات يازدهم و دوازدهم بر آيه دهم به دست آمد - اعطای رحمت و رشدی بود كه اصحاب كهف درخواست کرده بودند. بنابراین، بايد به خداوند، آنان را از خواب بيدار مى كرد تا از راه پرسش و غير آن، به حوادثی كه بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد يابند.

18- اصحاب كهف ، به عادي نبودن خواب خويش پي نبردند و احتمال آن نيز به فكر آنان خطور نكرد .

فابعثوا احدكم بورقكم

### 85- خواسته های اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 28,30

28- بازديد اغذيه فروشي های متعدّد و انتخاب پاك ترين و شايسته ترين خوراك ها ، خواسته اصحاب كهف از فرستاده ويژه خويش بود

ص: 467

فلینظر أیها أذکی طعامًا

«زکاه» (مصدر «أذکی») به معنای «طهارت» و نیز «صلاح» آمده است (لسان العرب). ضمیر در «أیها» به «المدینه» برمی گردد و مراد از آن \_ به طریقه استخدام \_ مکان های مدینه است.

30- اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فلیأتکم برزق منه

«رزق» طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). «من» در «منه» برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد «فلیأتکم برزق منه» این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

### 86- دعای اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 13، 7، 14

7- اصحاب کهف ، بالتجا به ربوبیت الهی ، خواهان جلب رحمت و حمایت او شدند .

فقالوا ربنا اتنا من لدنک رحمه و هیئی لنا

13- اصحاب کهف ، از خداوند ، خواهان آن بودند که تمام حرکت و قیام شان ، حرکتی بر طریق هدایت و به دور از شائبه گمراهی باشد .

و هیئی لنا من امرنا رشدًا

«رشد» به معنای «اهتداء» است و مراد از «امرنا» به قرینه آیه 13 و 14 که بیان تفصیلی داستان اصحاب کهف است مرحله قیام و حرکت شان علیه شرک است.

14- اصحاب کهف ، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگناها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند .

و هیئی لنا من امرنا رشدًا

سُکنا گزیدن در غار، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگناهایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگناهایی است که در انتظار ایشان بود.

### 87- دوستی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25- اصحاب كهف ، باهم ، هماهنگ و صميمى بودند .

بورقكم ه\_ذه

استناد يافتن پول و سرمايه در «ورقكم» به تمامى افراد، حاكى از نكته ياد شده است.

ص: 468

## 88- رحمت بر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 7

7- ره یابی اصحاب کهف به پناهگاهی امن و وسیع ، نمودی از رحمت و هدایت الهی برای آنان بود .

ینشر لکم ربکم من رحمته . . . و هم فی فجوه منه

## 89- زمان بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 21، 18

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا علیهم . . . إذ یتنزعون بینهم أمرهم

21- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعثرنا علیهم . . . إذ یتنزعون بینهم أمرهم

به قرینه «ربهم أعلم بهم» می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن «یتنازعون» این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف «فاء» در «فقالوا» این احتمال را تأیید می کند.

## 90- زمینه کشف غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 4

4- آمدن فرستاده اصحاب کهف با سگه دوران گذشته به شهر ، موجب بر ملا شدن سرگذشت آنان بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم هذہ . . . و کذلک أعثرنا علیهم

## 91- سگ اصحاب کهف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 18 - 6,7,9

ص: 469



6- اصحاب كهف ، به هنگام آرمیدن در غار ، سگی به همراه خود داشتند .

و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

7- سگ اصحاب كهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، ساق دستان خود را گشوده و بر دهانه غار خوابیده بود .

و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

«وصید» به آستانه درب گفته می شود.

9- جسم سگ اصحاب كهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید . \*

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 4

4- سگ اصحاب كهف ، چهارم یا ششم و یا هشتمین عضوگروه اصحاب كهف در نظر مردم بود .

سیقولون ثل\_ثه رابعهم کلبهم و يقولون خمسه سادسهم کلبهم ... و يقولون سبعة و ثامنه

## 92- سلامت بدن اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 3,5

3- پیکر و اعضای بدن اصحاب كهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم...» این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خواب اصحاب كهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادی از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

5- گردیدن اصحاب كهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . \*

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد «نقلَب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلَبهم..» گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

### 93- سلامت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 8

8- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلَبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بـسط ذراعیه بالوصید

ص: 470

## 94- سلامتی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 2

2- بیداری اصحاب کهف، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی، آیت و نشانه ای الهی بود.

و کذلک بعثنهم

مشارالیه «ذلک» - که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است - خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر - آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من یهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید - نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

## 95- سنگسار در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 2

2- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف، سنگ سار شدن بود.

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم

از جمله معانی ذکر شده برای «رجم» سنگ سار کردن است.

## 96- سنگینی گوش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 4

4- خداوند، با تصرّف در حسّ شنوایی اصحاب کهف، آنان را در خوابی چندین ساله، در غار نگاه داشت.

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عدداً

## 97- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 17، 18

17- کاشفان جایگاه اصحاب کهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعثرنا عليهم .. إذ يتنزعون بينهم أمرهم

ص: 471

«إذ» ظرف است برای «أعثرنا» لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه «أن الساعة لاریب فیها» برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در «أمرهم» همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

18- خداوند، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد.

أعثرنا علیهم .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

### 98- شرایط عفو اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 3

3- مشرکان، در عصر اصحاب کهف، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند.

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتهم

در اصل، باید برای فعل «یعییدوکم» حرف «إلی» به کار رود؛ جایگزینی حرف «فی» گویای این است که چنانچه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

### 99- شرک در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 8

8- محیط اجتماعی اصحاب کهف، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود.

وربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنانچه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 2، 1

1- جامعه اصحاب کهف، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد بود.

هـ\_ؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

2- اصحاب كهف ، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش ، نگران و در رنج روحی بودند .

هـ\_ؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله «هؤلاء..» گویای تحسّر و اندوه اصحاب كهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

5- جامعه اصحاب كهف ، فاقد هرگونه دلیل و برهان بر عقاید شرک آلود خویش بودند .

هـ\_ؤلاء قومنا .. لولا یأتون علیهم بسلطن ین

ص: 472

## 100- شرک ستیزی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 14

14- اصحاب کهف، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگناها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند .

و هیئیء لنا من أمرنا رشدًا

سُكْنَا غَزِيْدِيْنَ فِي الْغَارِ، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگناهایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگناهایی است که در انتظار ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 7

7- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کل هستی و بیزاری از پرستش غیر او، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود .

فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِنَدْعُوكَ مِنْ دُونِهَا

## 101- شعار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 7

7- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کل هستی و بیزاری از پرستش غیر او، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود .

فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِنَدْعُوكَ مِنْ دُونِهَا

## 102- شگفتی اصحاب کهف هنگام بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 4

4- فضای حاکم بر اصحاب کهف، به هنگام بیداری آنان، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود، در سنجش گذشت زمان بود .

قال قائل منهم كم لبثتم

ص: 473



### 103- شگفتی بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 2

1- بیداری اصحاب کهف از خواب، رخدادی شگفت و تحت تدبیر و اراده خداوند بود.

و کذلک بعثنهم

اسناد «بعث» و بیدارسازی به خداوند، گویای نکته فوق است.

2- بیداری اصحاب کهف، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی، آیت و نشانه ای الهی بود.

و کذلک بعثنهم

مشارالیه «ذلک» \_ که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است \_ خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر \_ آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من یهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید \_ نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

### 104- شگفتی خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 2

2- بیداری اصحاب کهف، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی، آیت و نشانه ای الهی بود.

و کذلک بعثنهم

مشارالیه «ذلک» \_ که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است \_ خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر \_ آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من یهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید \_ نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

### 105- ضعف اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 1

1- اصحاب كهف، از سوی جامعه كفر، مورد تهديد بودند و نیروی کافی برای مقابله با آنان را نداشتند.

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

کنارگیری (اعتزال) اصحاب كهف از جامعه خویش، نشانگر در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوی جامعه و فشار مشرکان بر ایشان است.

ص: 474

## 106- عبادات اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 34

34- متصدیان جایگاه اصحاب كهف ، آنان را اهل عبادت خداوند و جایگاه شان را مکانی مقدّس می دانستند .

قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتخذنّ علیهم مسجداً

تصمیم بر ساختن مسجد، نشانه آن است که سازندگان آن، اهداف اصحاب كهف را با مسجد، هماهنگ دانسته و آن ها را اهل سجود و عبادت شناخته بودند. شایسته دیدن آرامگاه آنان برای بنای مسجد، گویای اعتقاد به تقدّس آن جا است.

## 107- عجز اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 8

8- اصحاب كهف از برآورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

## 108- عجز کاشفان اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 28,30

28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب كهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم

جمله «ربهم أعلم بهم» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب كهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

30- برتری آگاهی خداوند بر سرگذشت حقیقی اصحاب كهف ، مورد اعتراف کسانی بود که از کشف حقیقت ماجرا اظهار عجز می کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنی نأ ربهم أعلم بهم

## 109- عزلت گزینی اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 16 - 4,6

4- اصحاب کھف ، برای حفظ ایمان خویش ، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرک آلود شدند .

ص: 475

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

با توجه به «و ما يعبدون إلاّ الله» معلوم می گردد که اعتزال اصحاب کهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

6- اصحاب کهف، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند.

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

### 110- عقیده اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 8

8- شناخت توحیدی اصحاب کهف، شناختی عمیق و استوار بر دلایلی قطعی و روشن

اتّخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسطن بین

از این که اصحاب کهف، مردم خود را به خاطر سطحی نگری و بی منطقی سرزنش کرده اند، استفاده می شود که آنان، عقاید خویش را براساس برهان استوار کرده بودند.

### 111- عقیده باطل در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 6

6- جامعه اصحاب کهف، در دفاع از عقاید باطل خویش، تعصب و شدت عمل داشتند.

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

### 112- عقیده کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 31

31- بازدید کنندگان از اصحاب کهف، به ربوبیت خداوند و برتری علم او بر همگان، معتقد بودند.

فقالوا... ربّهم أعلم بهم

## 113- عقیده مردم دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 476

24- اطمینان مردم، به مرگ اصحاب كهف، پس از كشف اقامت گاه آنان

فقالوا ابنوا .. لتتخذنّ عليهم مسجداً

تصمیمی که بازدید کنندگان از اصحاب كهف، پس از دیدار با آنان گرفتند (ابنوا عليهم ..)، حاکی از آن است که به مرگ آنان اطمینان یافتند.

### 114- عمر اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 3

3- حیات طولانی اصحاب كهف در خواب، از آیات الهی است .

كانوا من ءای\_تنا عجباً .. فضرربنا علی ءاذانهم فی الكهف سنین عددًا

### 115- عمل پسندیده اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 16

16- حرکت جوانمردانه اصحاب كهف در جهت حفظ ایمان، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است .

أیهم أحسن عملاً .. إذ أوی الفتیه إلى الكهف

در آیات پیشین، مشخص شد که «أحسن عملاً» به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب كهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از «أحسن عملاً» است.

### 116- عوامل اندوه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 2

2- اصحاب كهف، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش، نگران و در رنج روحی بودند .

هـ\_وَأولاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله «هؤلاء..» گویای تحسّر و اندوه اصحاب کهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

ص: 477



## 117- عوامل ایمان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 8

8- شناخت ربوبیت خداوند، از عوامل ایمان اصحاب کهف بود.

ءامنوا برّهم

## 118- عوامل رنج اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 2

2- اصحاب کهف، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش، نگران و در رنج روحی بودند.

هـؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله «هؤلاء...» گویای تحسّر و اندوه اصحاب کهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

## 119- عوامل نهضت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 14

14- بینش عمیق و نهضت توحیدی اصحاب کهف، بازتاب هدایت افزون الهی برای آنان بود.

زدنهم هدّی . وربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربّنا ربّ السموت و الأرض

«إذ قاموا» ظرف برای جمله های «زدناهم هدی وربطنا...» است.

## 120- غار اصحاب کهف هنگام صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 1

1- غار اصحاب کهف، به گونه ای بود که خورشید، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر، به جانب چپ آن می تابید.

و تری الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

«تزاؤر» به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت «إذا طلعت تزاور عن كهفهم...» این است که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می‌گشت. «قرض» به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله «و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال» یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی‌گذشت.

ص: 478

## 121- غار اصحاب كهف هنگام غروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 17 - 3

1- غار اصحاب كهف ، به گونه ای بود كه خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابد .

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال

«تزاور» به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت «إذا طلعت تزور عن كهفهم...» این است كه خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. «قرض» به معنای بریدن و قطع كردن است، از این رو، جمله «وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال» یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

3- اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب ، به داخل غار اصحاب كهف تابیده می شد . \*

إذا طلعت تزور عن كهفهم... و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب كهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به كار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب كهف. (تقرضهم).

## 122- غفلت از تعالیم قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 12

12- برخی مردم ، از پیام اصلی ماجرای اصحاب كهف ، غفلت کرده و به ابعاد فرعی و كم فائده آن می پردازند .

سيقولون ثلثه... قل ربی أعلم بعدتهم

## 123- فرار از اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 13

13- آرمیدن اصحاب كهف در غار ، به گونه ای بود كه اگر كسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می كرد و می گریخت .

لو اطلعت عليهم لو لئيت منهم فرارًا

به قرینه جمله «لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» \_ در آیه بعد \_ که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

ص: 479

## 124- فرستاده اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 30، 16

16- اصحاب کهف، پس از بیدار شدن، تصمیم گرفتند باز در غار بمانند و تنها، یک نفر از خود را برای تهیه آذوقه به شهر روانه کنند.

فابعثوا أحدکم بورقکم هـ ذه إلی المدینه

30- اصحاب کهف، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند.

فلیأتکم برزق منہ

«رزق» طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). «من» در «منه» برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد «فلیأتکم برزق منہ» این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

## 125- فضایل اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 16

16- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است.

ایّهم أحسن عملاً .. إذ أوی الفتیه إلی الکهف

در آیات پیشین، مشخص شد که «أحسن عملاً» به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از «أحسن عملاً» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 7

7- اصحاب کهف، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند.

انّهم فتیه ءامنوا بریّهم و زدنهم هدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 12

12- اصحاب كهف ، گروهی بهره مند از هدايت خداونو بودند .

فأؤوا إلى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته .. من يهد الله فهو المهتد

### 126- فضیلت سگ اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 480

10- سگ اصحاب كهف ، بر جامعه مشرك و گمراه ، شرافت داشت .

و كلبهم بـ سطر ذراعیه بالوصید

یاد کردن از سگ اصحاب كهف و تصویر حالت اش، بلکه برشمردن آن در جمع اصحاب كهف، در آیات بعد (رابعهم كلبهم..)، تعریضی است به آنان که اصحاب كهف را یاری نکردند و با آنان همگام نشده و به پای سگ آنان نیز نرسیدند.

### 127- فلسفه ابهام تعداد اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 13

13- مسكوت گذاردن تعداد اصحاب كهف و احاله علم آن به خداوند ، تكلیفی الهی برعهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برای رشد و تربیت او است .

قل ربی أعلم بعدتهم

### 128- فلسفه بیداری اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 12 - 2

2- هدف از بیدار ساختن اصحاب كهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبین أخصی لما لبثوا أمداً

با توجه به این که «لنعلم» \_ (تا بدانیم) \_ در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به «نمایاندن» تعبیر شده. «آمد» به معنای «وقت ممتدّ» و نیز «پایان مدّت» است. در این آیه، به قرینه «أخصی»، معنای نخست مراد است. کلمه «أخصی» محتمل است که فعل ماضی باشد و «أمداً» مفعول آن، که در نتیجه، «لما لبثوا» به «أمداً» تعلق خواهد داشت. و ممکن است که «أخصی» اسم تفضیل و «أمداً» تمیز آن باشد.

### 129- فلسفه قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 9 - 6

6- تسلی دادن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تسکین اندوه آن حضرت، از اهداف بیان سرگذشت اصحاب کهف

أم حسبت أن أصحاب الكهف والرقيم كانوا من آءِیَـتنا عجباً

«حسبت» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. سیاق آیات، اقتضا می کند که این آیه با آیات پیشین، به خصوص «لعلک باخع نفسك»

ص: 481



مرتبط باشد. از وجوه محتمل این است که یادآوری داستان اصحاب کهف و بیان ویژگی های آنان، ممکن است دارای این پیام باشد که مؤمنان حقیقی، گرچه اندک اند، ولی ارزشمند بوده و حضور آنان در برابر اکثریت کفرپیشه، مایه تسلی خاطر است.

### 130- فلسفه مسجد سازی در غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 36

36- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود.

لنتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا

قید «علیهم» بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

### 131- قداست غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 34

34- متصدیان جایگاه اصحاب کهف، آنان را اهل عبادت خداوند و جایگاه شان را مکانی مقدّس می دانستند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا

تصمیم بر ساختن مسجد، نشانه آن است که سازندگان آن، اهداف اصحاب کهف را با مسجد، هماهنگ دانسته و آن ها را اهل سجود و عبادت شناخته بودند. شایسته دیدن آرامگاه آنان برای بنای مسجد، گویای اعتقاد به تقدّس آن جا است.

### 132- قدرت تفکر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 21

21- حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان - پس از خواب طولانی ایشان - باز، باقی و سالم مانده بود.

فابعثوا أحدکم بورقکم

### 133- قصه اصحاب کهف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 9 - 9 - 8, 7, 4, 3, 1

ص: 482

1- سرگذشت اصحاب کهف ، از آیات و نشانه های الهی است .

أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آءِتنا

3- ماجرای اصحاب کهف ، با توجه به قدرت و اراده خداوند ، رخدادی شگفت نیست .

أم حسبت أن أصحاب الكهف . . . كانوا من آءِتنا عجبًا

«أم» در ابتدای آیه، «أم منقطعه» است و معنای اضراب همراه با استفهام و انکار دارد، بنابراین، معنای عبارت چنین است: «آیا چنین گمان کردی که اصحاب کهف . . .».

4- خداوند ، آیاتی بس شگفت تر از ماجرای اصحاب کهف دارد .

أم حسبت أن أصحاب الكهف . . . كانوا من آءِتنا عجبًا

نفی شگفتی از ماجرای اصحاب کهف \_ علی رغم شگفتی آن در نظر آدمیان \_ گواه این مطلب است که خداوند، آیاتی بس عجیب تر از این داستان نیز آفریده است.

7- «عن أبي عبد الله (ع) في قوله « أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم . . . » قال : هم قوم فرّوا و كتب ملك ذلك الزمان بأسمائهم و أسماء آبائهم و عشائرهم في صحف من رصاص ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا «أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم. . .» روایت شده که فرمود: آنان، قومی بودند که فرار کردند و پادشاه آن زمان، نام آنان و پدران و عشیره هاشان را در چند لوحه از سرب مرقوم داشت. (این وجه تسمیه اصحاب کهف به اصحاب رقیم است).

8- «عن نعمان بن بشير ، أنه سمع رسول الله (صلى الله عليه و آله) يحدث عن أصحاب الرقيم : انّ ثلاثة نفر دخلوا إلى الكهف فوق من الجبل حجر على الكهف فأوصد عليهم . . . ففرج الله عنهم و خرجوا إلى أهليهم راجعين ؛

از نعمان بن بشیر نقل شده که او، از رسول الله(صلی الله علیه و آله) شنید که درباره اصحاب رقیم فرمود: آنان، سه نفر بودند که داخل غار شدند و سنگی از کوه بر غار فرود آمد و غار را به روی آنان بست . . . پس خداوند، گشایشی در کارشان پدید آورد [و از غار آزاد شدند] و به سوی خانواده های خود بازگشتند».

9- «عن أبي عبد الله (ع) قال : إنّ أصحاب الكهف أسروا الإيمان و أظهروا الكفر . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: اصحاب کهف، ایمان خود را مخفی داشته و تظاهر به کفر می کردند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- اصحاب كهف، گروهی بودند كه از خطر جامعه ناسالم كفر، به سوی پناهگاهی در كوه گریختند.

إذ أوى الفتية إلى الكهف

«أوى إلى كذا» یعنی: «به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسكن خود قرار داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 11 - 4، 3، 2، 1

1- خداوند، با مسلط کردن خواب بر اصحاب كهف، دعای آنان را مستجاب کرد.

فقالوا ربنا انا .. فضربنا على اذانهم

عبارت «ضربنا على اذانهم» کنایه از آن است كه خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای كه گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله «ضربنا» با حرف تفریع بر جملات قبل \_ كه متضمن دعای اصحاب كهف بود \_ گویای آن است كه تسلط خواب بر

ص: 483

ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

2- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

«عددًا» مصدر و به معنای «معدوده» و یا «ذات عدد» است. توصیف «سنین» به این که دارای عدد و شمارش است \_ در نظر برخی از مفسران \_ به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

3- حیات طولانی اصحاب کهف در خواب ، از آیات الهی است .

کانوا من ءای\_تنا عجبًا .. فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

4- خداوند ، با تصرف در حسّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

8- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 12 - 3، 1

1- اصحاب کهف ، به اراده خداوند ، پس از خوابی چندین ساله ، بیدار شدند .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا . ثمّ بعثنهم

3 میان اصحاب کهف ، در برآورد مدّت خواب خویش ، دو دستگی به وجود آمد . \*

أیّ الحزبین أخصی لما لبثوا

با توجه به آیات بعد \_ که گفت و گوی اصحاب کهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) \_ چنین برمی آید که آنان، خود، به دو گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 8

8- محیط اجتماعی اصحاب کهف، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود.

وربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا...) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 2، 1

1- جامعه اصحاب کهف، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد بود.

هـ\_ؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

2- اصحاب کهف، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش، نگران و در رنج روحی بودند.

هـ\_ؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله «هؤلاء...» گویای تحسّر و اندوه اصحاب کهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

ص: 484

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 16 - 12, 4, 3, 2, 1

1- اصحاب كهف ، از سوى جامعه كفر ، مورد تهديد بودند و نيروى كافى براى مقابله با آنان را نداشتند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

كنارگيرى (اعتزال) اصحاب كهف از جامعه خویش، نشانگر در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوى جامعه و فشار مشركان بر ایشان است.

2- رفتن به غار ، پيشنهاد برخى از اصحاب كهف به ديگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

3- اصحاب كهف ، جهت رهاى از مشركان ، غارى را براى جاى گرفتن برگزيدند .

فأوؤا إلى الكهف

جاى گرفتن اصحاب كهف در غار، ظاهراً، به جهت مخفى ماندن از ديد مأموران و تعقيب کنندگان بوده است.

4- اصحاب كهف ، براى حفظ ايمان خویش ، ناگزير به كنارگيرى از جامعه شرك آلود شدند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

با توجه به «و ما يعبدون إلاّ الله» معلوم مى گردد كه اعتزال اصحاب كهف، براى حفظ عقیده و آرمان بوده است.

6- اصحاب كهف ، زندگى سخت و پر مشقت ولى همراه با توحيد را ، بر زندگى آسوده در محيط شرك و حاكميت آن ترجيح دادند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

12- اصحاب كهف ، به فراهم آمدن زمينه هاى لازم براى تداوم بخشى به يكتاپرستى و حركت توحيدى خویش ، مطمئن بودند .

و يهيبىء لكم من أمرکم مرفقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 17 - 6, 5

5- اصحاب كهف ، در بخش وسيع غار ، مستقر بودند .

و هم فى فجوه منه

6- بدن اصحاب کهف، در غار، از تابش مستقیم نور آفتاب، در امان بود.

تزور عن كهفهم ذات اليمين... تقرضهم ذات الشمال و هم في فجوه منه

«فجوه» به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در «فجوه» و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 -

1,2,3,4,5,6,7,8,9,13,14,15,17,19,20

1- اصحاب کهف، با احساس امنیت از خطر دشمن، در غار به خواب رفتند.

و هم رقود

2- خواب اصحاب کهف، به گونه ای بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

ص: 485



«یَقْرَظُ» به شخص بیدار گفته می شود و «أيقاظ» جمع آن است. «رقود» جمع «راقد» است و «راقد»؛ یعنی، شخصی که به خواب رفته است.

3- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف، در تمام مدتی که در خواب بودند، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم...» این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خواب اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجساد از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

4- خداوند، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان، به راست و چپ گردش می داد.

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

5- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود.\*

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد «نقلب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلبهم...» گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

6- اصحاب کهف، به هنگام آرمیدن در غار، سگی به همراه خود داشتند.

و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

7- سگ اصحاب کهف، در مدت خواب طولانی آنان، ساق دستان خود را گشوده و بر دهانه غار خوابیده بود.

و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

«وصید» به آستانه درب گفته می شود.

8- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان، در سلامت کامل بود.

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

9- جسم سگ اصحاب کهف، در مدت خواب طولانی آنان، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید.\*

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم ب\_سط ذراعیه بالوصید

13- آرمیدن اصحاب کهف در غار، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت.

لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فراراً

به قرینه جمله «لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» \_ در آیه بعد \_ که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

14- منظره اصحاب کهف، رعب آور و فرو برنده بینندگان در ترس و وحشتی فراگیر

لو اطلعت علیهم .. لملئت منهم رعباً

15- بیدارنمایی اصحاب کهف، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أيقاظاً .. لملئت منهم رعباً

17- خوابگاه اصحاب کهف، از دید مردم پنهان بود و کسی بر آن واقف نمی شد.

لو اطلعت علیهم

حرف «لو» در «لو اطلعت..» برای امتناع است و بر میسر نبودن اطلاع دلالت دارد.

19- «عن أبي جعفر (ع) في قول الله: «... لو لیت منهم فراراً و لملئت منهم رعباً» قال: «إنّ ذلك لم يُعَنَ به النبي (صلى الله عليه و آله).

ص: 486

.. لکنه حالهم التي هم عليها ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره این سخن خدا «.. لو لیت منهم فراراً و لم لمت منهم رعباً» فرمود: همانا، در این آیه، پیامبر(صلی الله علیه و آله) قصد نشده ... و مقصود، تجسم حالتی است که اصحاب کهف بر آن حالت بودند».

20- « [ عن الصادق (ع) فی قصه أصحاب الکهف انه قال ] : . . . لهم فی کل سنه نقلتان ینامون سته أشهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری . . . »

[ از امام صادق(ع) در قصه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: «.. برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلو راست شان و شش ماه بر پهلو چپ شان می خوابیدند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 3,4,5,6,7,8,9,15,16,17,18,21,25,27,28,30,31,33

3- بیدارسازی اصحاب کهف، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود.

بعثنهم لیتساءلوا

«ل» در «لیتساءلوا» بیانگر علت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف - چنانچه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد - اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

4- فضای حاکم بر اصحاب کهف، به هنگام بیداری آنان، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود، در سنجش گذشت زمان بود.

قال قائل منهم کم لبثتم

5- خواب اصحاب کهف، در نظر گروهی از آنان، درنگی یک روزه، یا کمتر از آن بود.

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

حرف «أو» برای تردید است و منشأ تردید در «یوماً أو بعض یوم» این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردد ماندند که: «آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟». براساس این تقریب، کلمه «یوماً» به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصور کرد.

6- وضعیت جسمانی اصحاب کهف، پس از بیداری، با حالت آنان در زمانی که تازه به خواب رفته بودند، تفاوتی نداشت.

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

7- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض ... فابعثوا أحدکم

از گفتگوی اصحاب کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

8- اصحاب کهف از برآورد دقیق مدت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

9- گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتگو

درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

ص: 487

کلمه «ربکم» قرینه بر این است که گویندگان جمله «ربکم أعلم» افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: «لبثا یوماً..» زیرا، در غیر این صورت، گفتن «ربنا» مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

15- اصحاب کهف، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش، احساس گرسنگی کردند.

فابعثوا أحدکم بورقکم... أذکی طعاماً

16- اصحاب کهف، پس از بیدار شدن، تصمیم گرفتند باز در غار بمانند و تنها، یک نفر از خود را برای تهیه آذوقه به شهر روانه کنند.

فابعثوا أحدکم بورقکم هـ ذه إلى المدینه

17- حرکت اصحاب کهف به سوی غار، حرکتی ناگهانی و بدون پیش بینی آذوقه و نیازمندی های دیگر بود.

فابعثوا أحدکم بورقکم

18- اصحاب کهف، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد.

فابعثوا أحدکم بورقکم

21- حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان - پس از خواب طولانی ایشان - باز، باقی و سالم مانده بود.

فابعثوا أحدکم بورقکم

25- اصحاب کهف، باهم، هماهنگ و صمیمی بودند.

بورقکم هـ ذه

استناد یافتن پول و سرمایه در «ورقکم» به تمامی افراد، حاکی از نکته یاد شده است.

27- سگه هایی که اصحاب کهف برای تهیه غذا در نظر گرفتند، سگه های نقره ای که در زمان ورود به غار، آن را به همراه خود داشتند.

بورقکم هـ ذه

«هـ ذه» به چیزی اشاره دارد که حاضر و مشخص باشد. گفتنی است که از عادی بودن برخورد اصحاب کهف، می توان فهمید که جنس سگه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

28- بازدید اغذیه فروشی های متعدد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود.

«زکاه» (مصدر «اُذکی») به معنای «طهارت» و نیز «صلاح» آمده است (لسان العرب). ضمیر در «ائها» به «المدینه» برمی گردد و مراد از آن \_ به طریقه استخدام \_ مکان های مدینه است.

30- اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فلیأتکم برزق منه

«رزق» طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). «من» در «منه» برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد «فلیأتکم برزق منه» این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

31- مدارا و نرمش با فروشندگان و تحریک نکردن کنجکاوی آنان ، توصیه اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

ولیتلطّف

«تلطّف» به معنای رفق و مدارا است (مصباح). ارتباط جمله «لیتطّف» با جمله «لایشعرنّ...» این نکته را می رساند که مدارا

کردن با فروشندگان، مانع پی بردن آنان به وجود اصحاب کهف است.

33- اصحاب کهف، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن، تلاش می کردند.

و لایشعرون بکم أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 11، 12، 13، 10، 3، 1

1- اصحاب کهف، خود را در صورت اسارت به دست کافران، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند.

إنهم إن يظهروا عليكم يرحمكم أو يعيدوكم في ملتهم

«ملّه» به معنای دین و آیین است و جمله «يعيدوكم في ملتهم» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

3- مشرکان، در عصر اصحاب کهف، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند.

یرحموكم أو يعيدوكم في ملتهم

در اصل، باید برای فعل «يعيدوكم» حرف «إلی» به کار رود؛ جای گزینی حرف «فی» گویای این است که چنان چه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

10- اصحاب کهف، در صورت گرفتاری به دست کافران، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند.

یرحموكم أو يعيدوكم في ملتهم و لن تقلحوا إذاً أبداً

ارتباط جمله «و لن تقلحوا...» با «يعيدوكم» گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

11- اصحاب کهف، تمامی راه های گریز از شرک را - در صورت پذیرش اجباری آیین مشرکان - بر خویش بسته می دیدند.

او يعيدوكم في ملتهم و لن تقلحوا إذاً أبداً

مراد از «فلاح» - به مناسبت مورد - رستن و رهایی از شرک است.

12- اصحاب کهف، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند.

أو يعيدوكم في ملتهم و لن تقلحوا إذاً أبداً

13- اصحاب كهف، از مدت زمان خواب خویش، کاملاً بی اطلاع بودند.

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا .. . وَلَنْ تَفْلَحُوا إِذَا أَبَدًا

بدیهی است اگر اصحاب كهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 -

1,4,17,18,19,21,23,25,26,27,28,29,30,33,35

1- جایگاه اصحاب كهف \_ علی رغم تلاش آنان برای مخفی نگه داشتن آن \_ کشف شد و مردم، برای مشاهده آنها، در آن جا حضور یافتند.

و كذلك أعثرنا عليهم ليعلموا

4- آمدن فرستاده اصحاب كهف با سکه دوران گذشته به شهر، موجب برملا شدن سرگذشت آنان بود.

ص: 489



فابعثوا أحدكم بورقكم هـ... و كذلك أعرنا عليهم

17- کاشفان جایگاه اصحاب کهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

«إذ» ظرف است برای «أعرنا» لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه «أن الساعة لاریب فیها» برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در «أمرهم» همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

19- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف ، به هنگام بیدار شدن آنان ، به حقایق معاد معتقد بودند .

أعرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

21- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

به قرینه «ربهم أعلم بهم» می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن «یتنازعون» این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف «فاء» در «فقالوا» این احتمال را تأیید می کند.

23- اصحاب کهف \_ پس از دیدار مردم با آنان \_ در همان غار ، به صورت اجساد بی جان درآمدند .

فقالوا ابنوا عليهم بنی نأ

25- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فقالوا ابنوا عليهم . . . لنتخذنّ عليهم مسجداً

26- کاشفان اصحاب کهف ، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاه اصحاب کهف ، اختلاف کردند .

فقالوا ابنوا عليهم بنی نأ . . . قال الذین ... لنتخذنّ عليهم مسجداً

27- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ ربهم أعلم بهم

جمله «قال الذين غلبوا..» در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادى را مطرح کردند. نکره بودن «بنیاناً» بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

28- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند.

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ ربهم أعلم بهم

جمله «ربهم أعلم بهم» گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

29- ابهام ماجرای اصحاب کهف، برای برخی از بازدیدکنندگان، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادى و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ ربهم أعلم بهم قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذنّ على

به کار بردن ضمیر غائب در «ابنوا» و ضمیر متکلم در «لنتخذنّ» گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف «فاء» در «فقالوا» گویای این است

که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب کهف است.

30- برتری آگاهی خداوند بر سرگذشت حقیقی اصحاب کهف، مورد اعتراف کسانی بود که از کشف حقیقت ماجرا اظهار عجز می کردند.

فقالوا ابنوا علیهم بنی - نأ ربهم أعلم بهم

33- گروهی از کاشفان اصحاب کهف، با کنار زدن رقیبان خود، مسؤولیت امور اصحاب کهف را برعهده گرفتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم

ضمیر در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط است و مفاد جمله «قال الذین...» این است که گروهی، بر امور مربوط به اصحاب کهف سلطه یافتند و بنای مسجد را همّت خویش قرار دادند.

35- اداره کنندگان جایگاه اصحاب کهف - به منظور عبادت خداوند - بر ساختن مسجدی در فضای غار، همّت گماشتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم لتتخذنّ علیهم مسجدًا

تعبیری که گروه نخست به کار بردند (ابنوا) خطاب به دیگران بود و بیان کننده این که نمی خواستند در انجام دادن پیشنهاد خویش سهم عملی داشته باشند، ولی دسته دوم، علاوه بر به کار بردن ضمیر متکلم (تتخذنّ) - که حاکی از تصمیم آنان بر حضور مستقیم در ساختن مسجد است - با تعبیر «إتخاذ مسجد» این معنا را نیز اعلام کردند که خود، در آن جا، به عبادت خواهند پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 5

5- سگ اصحاب کهف، به دلیل همراهی با آنان، موجودی شایسته احترام شمرده شده است.

رابعهم... سادسهم... و ثامنهم کلبهم

یاد کردن از سگ اصحاب کهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 25 - 3، 2، 1

1- درنگ اصحاب کهف در غار، سیصد و نه سال بوده است.

و لبثوا فی کهفهم ثلث مائة سنین وازدادوا تسعًا

«سنین» بدل است برای «ثلاثمئه». این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از «سیصد» نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

2- اصحاب کهف، در تمام مدت سیصد و نه سال، در همان غاری بودند که به آن پناهنده شده بودند.

و لبثوا فی کهفهم

3- اصحاب کهف، براساس سال های شمسی، سیصد سال و براساس سال های قمری، سیصد و نه سال در غار ماندند.

و لبثوا فی کهفهم ثلث مائه سنین وازدادوا تسعاً

ضمیر در «ازدادوا» به اصحاب کهف مربوط است و تفکیک نه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

ص: 491

## 134- کشف غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 24، 2، 1

1- جایگاه اصحاب کهف \_ علی رغم تلاش آنان برای مخفی نگه داشتن آن \_ کشف شد و مردم، برای مشاهده آنها، در آن جا حضور یافتند .

و كذلك أعثرنا عليهم ليعلموا

2- کشف مخفی گاه اصحاب کهف، پس از اختفای دراز مدّت آن، آیت و نشانه ای الهی بود .

و كذلك أعثرنا عليهم

«ذلک» اشاره به خواب طولانی اصحاب کهف و سالم ماندن و بیداری آنان دارد و آگاه سازی مردم، به آن تشبیه شده است. وجه شباهت \_ آن گونه که از آیات پیش استفاده می شود \_ نشانه بودن این حوادث بر امداد خداوند به موحدان در مسیر هدایت آنان است.

24- اطمینان مردم، به مرگ اصحاب کهف، پس از کشف اقامت گاه آنان

فقالوا ابنوا... لنتخذنّ عليهم مسجداً

تصمیمی که بازدید کنندگان از اصحاب کهف، پس از دیدار با آنان گرفتند (ابنوا علیهم...)، حاکی از آن است که به مرگ آنان اطمینان یافتند.

## 135- کمی عالمان به تعداد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 16

16- تنها، گروهی اندک از مردم عصر بعثت، به شمار اصحاب کهف و زوایای سرگذشت آنان، آگاهی داشتند .

مايعلمهم إلاّ قليل

با آن که سخن در باره تعداد اصحاب کهف بود، در جمله «مايعلمهم...» آگاهی بر خود اصحاب کهف، از اکثریت مردم نفی شده است. این مطلب، می رساند که دیگر زوایای ماجرای اصحاب کهف نیز مانند تعداد آنان، برای بیشتر مردم نامعلوم است.

## 136- کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 2

2- كیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب كهف ، سنگ سار شدن بود .

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

ص: 492

از جمله معانی ذکر شده برای «رجم» سنگ سار کردن است.

### 137- کيفر موحدان در دوران اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 20 - 2

2- كيفر روى گردانى از آيين شرك در عصر اصحاب كهف ، سنگ سار شدن بود .

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

از جمله معانی ذکر شده برای «رجم» سنگ سار کردن است.

### 138- گردش بدن اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 18 - 4

4- خداوند ، پيكر هاى اصحاب كهف را در زمان چيرگى خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش مى داد .

و نَقَلَبَهُم ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ

### 139- گرسنگى اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 15

15- اصحاب كهف ، پس از بيدار شدن از خواب طولانى خویش ، احساس گرسنگى كردند .

فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ . . . أَزْكَى طَعَامًا

### 140- مجادله در تعداد اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 22 - 17

17- بحث گذرا و سطحى و به دور از درگيرى جدى ، تنها محدوده مُجاز براى پيامبر (صلى الله عليه و آله) جهت بحث در باره اصحاب

کھف و تعداد آنان بود .

فلا تمار فيهم إلا مرآة ظهراً

«مرآء» جدالی است کہ بہ منظور اعتراض بہ گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گویندہ اش انجام گیرد (مصباح) و

ص: 493



هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، «مراء ظاهر» گفته می شود.

#### 141- مجادله در قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 17

17- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدی، تنها محدوده مجاز برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت بحث در باره اصحاب کهف و تعداد آنان بود.

فلا تمار فیهم إلاّ مراء ظَهراً

«مراء» جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، «مراء ظاهر» گفته می شود.

#### 142- مجادله کاشفان غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 17

17- کاشفان جایگاه اصحاب کهف، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند.

أعثرنا علیهم .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

«إذ» ظرف است برای «أعثرنا» لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه «أن الساعة لاریب فیها» برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در «أمرهم» همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

#### 143- محافظت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 16

16- منظره هراس انگیز اصحاب کهف، در حالت خواب، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلبهم .. لو اطلعت علیهم لو لیت منهم فرازا و لملت منهم رعبا

ضمیر فاعلی در «تقلّبهم..» قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرها و آسیب ها بوده است.

ص: 494

## 144- محمد (صلی الله علیه و آله) و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 20، 21، 17

17- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدی، تنها محدوده مجاز برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت بحث در باره اصحاب کهف و تعداد آنان بود.

فلا تمار فیهم إلاّ مرآء ظَهراً

«مرآء» جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، «مرآء ظاهر» گفته می شود.

20- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کسب آگاهی از ماجرای اصحاب کهف، مجاز به نظرخواهی از هیچ صاحب نظری نبود.

و لا تستفت فیهم منهم أحداً

ضمیر در «منهم» به کسانی مربوط است که در باره عدد اصحاب کهف به اظهار نظر می پرداختند.

21- آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ماجرای اصحاب کهف، تنها از طریق وحی الهی امکان پذیر بود.

و لا تستفت فیهم منهم أحداً

نهی «لا تستفت» ارشاد به بی ثمر بودن نظرخواهی است و مفاد آیه این است که از احدی، انتظار نمی رود که به نظرخواهی تو پاسخ صحیح بدهد.

## 145- مدبر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 14

14- اصحاب کهف، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند.

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در «لهم» اصحاب کهف است.

## 146- مدت خواب اصحاب کهف

2- فرورفتن اصحاب كهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فَضْرِبْنَا عَلٰی اَازَانِهِمْ فِی الْكُهْفِ سِنِیْنَ عَدَدًا

«عدداً» مصدر و به معنای «معدوده» و یا «ذات عدد» است. توصیف «سنین» به این که دارای عدد و شمارش است \_ در نظر برخی از مفسران \_ به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

8- غار ، محلّاً به خواب رفتن چند ساله اصحاب كهف

2- هدف از بیدار ساختن اصحاب كهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثُمَّ بَعَثْنَا هُمْ لِنَعْلَمَ اَيُّ الْحَزْبِيْنَ اَحْصٰى لَمَّا لَبَثُوا اَمَدًا

با توجه به این که «لنعلم» \_ (تا بدانیم) \_ در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به «نمایاندن» تعبیر شده. «آمد» به معنای «وقت ممتد» و نیز «پایان مدّت» است. در این آیه، به قرینه «أحصى»، معنای نخست مراد است. کلمه «أحصى» محتمل است که فعل ماضی باشد و «أمداً» مفعول آن، که در نتیجه، «لما لبثوا» به «أمداً» تعلق خواهد داشت. و ممکن است که «أحصى» اسم تفضیل و «أمداً» تمیز آن باشد.

3 میان اصحاب كهف ، در برآورد مدّت خواب خویش ، دو دستگی به وجود آمد . \*

اَيُّ الْحَزْبِيْنَ اَحْصٰى لَمَّا لَبَثُوا

با توجه به آیات بعد \_ که گفت و گوی اصحاب كهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) \_ چنین برمی آید که آنان، خود، به دو گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

5- خواب اصحاب كهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

حرف «أو» برای تردید است و منشأ تردید در «یوماً أو بعض يوم» این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: «آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟». براساس این تقریب، کلمه «یوماً» به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

8- اصحاب كهف از برآورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

9- گروهی از اصحاب کهف، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند.

قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

کلمه «ربّکم» قرینه بر این است که گویندگان جمله «ربّکم أعلم» افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: «لبثنا یوماً..» زیرا، در غیر این صورت، گفتن «ربّنا» مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 13

13- اصحاب کهف، از مدّت زمان خواب خویش، کاملاً بی اطلاع بودند.

ص: 496

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا .. و لَنْ تَقْلَحُوا إِذَا أَبَدًا

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 25 - 4، 3، 2، 1

1- درنگ اصحاب کهف در غار ، سیصد و نه سال بوده است .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مائه سنین وازدادوا تسعاً

«سنین» بدل است برای «ثلاثمئه». این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از «سیصد» نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

2- اصحاب کهف ، در تمام مدّت سیصد و نه سال ، در همان غاری بودند که به آن پناهنده شده بودند .

و لبثوا فی کهفهم

3- اصحاب کهف ، براساس سال های شمسی ، سیصد سال و براساس سال های قمری ، سیصد و نه سال در غار ماندند .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مائه سنین وازدادوا تسعاً

ضمیر در «ازدادوا» به اصحاب کهف مربوط است و تفکیک نه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

4- « روی أنّ یهودیاً سأل علی بن ابی طالب عن مدّه لبثهم (أی لبث أصحاب الکهف) فأخبر بما فی القرآن فقال : « إنّنا نجد فی کتابنا ثلاثمئه ! » . فقال : ذک بسنی الشمس و هـ ذابسنی القمر . » ؛

روایت شده که یهودی ای از علی(ع) از مدّت درنگ اصحاب کهف در غار سؤال کرد. امام، او را به آنچه در قرآن است، خبر داد. یهودی گفت: « ما در کتاب مان، درنگ آنان را سیصد سال می یابیم. ». امام(ع) فرمود: « آن نقل، براساس سال شمسی است و این نقل، به سال قمری است. ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 2

2- اخبار خداوند از مدّت خواب اصحاب كهف ، متكى بر علم برترش است و قابل قياس با ديگر نظريه ها نيست .

قل الله أعلم بما لبثوا

### 147- مردم مقارن بعثت و اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 22 - 16، 2

2- نزول داستان اصحاب كهف در قرآن ، زمينه ساز اظهار نظرهايي گوناگون در ميان مردم عصر بعثت ، در باره تعداد آنان شد .

سيقولون . . . و يقولون . . . و يقولون

ص: 497



حرف «سین» در «سیقولون» نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه «فلا تمار فیهم» این اقوال، در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیدا شده بود.

16- تنها، گروهی اندک از مردم عصر بعثت، به شمار اصحاب کهف و زوایای سرگذشت آنان، آگاهی داشتند.

ما یعلمهم إلا قلیل

با آن که سخن در باره تعداد اصحاب کهف بود، در جمله «ما یعلمهم..» آگاهی بر خود اصحاب کهف، از اکثریت مردم نفی شده است. این مطلب، می رساند که دیگر زوایای ماجرای اصحاب کهف نیز مانند تعداد آنان، برای بیشتر مردم نامعلوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 1

1- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار، میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد اختلاف بود.

قل الله أعلم

جمله «قل الله..» نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

#### 148- مردم مقارن بعثت و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 4

4- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته با خرافات بود.

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

قید «بالحقّ» تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

#### 149- مرگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 23,24

23- اصحاب كهف \_ پس از دیدار مردم با آنان \_ در همان غار ، به صورت اجسادى بى جان درآمدند .

فقالوا ابنوا عليهم بنى نأ

24- اطمینان مردم ، به مرگ اصحاب كهف ، پس از كشف اقامت گاه آنان

فقالوا ابنوا .. لتتخذنّ عليهم مسجداً

تصمیمی که بازدید کنندگان از اصحاب كهف، پس از دیدار با آنان گرفتند (ابنوا عليهم ..)، حاکی از آن است که به مرگ آنان

ص: 498

### 150- مسجد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 37

37- وجود مسجد و ارجمندی آن در عصر بیدار شدن اصحاب کهف

لَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

### 151- مسجدسازی در غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 26,35

26- کاشفان اصحاب کهف، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاه اصحاب کهف، اختلاف کردند.

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا... قَالَ الَّذِينَ... لَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

35- اداره کنندگان جایگاه اصحاب کهف - به منظور عبادت خداوند - بر ساختن مسجدی در فضای غار، همت گماشتند.

قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

تعبیری که گروه نخست به کار بردند (ابنوا) خطاب به دیگران بود و بیان کننده این که نمی خواستند در انجام دادن پیشنهاد خویش سهم عملی داشته باشند، ولی دسته دوم، علاوه بر به کار بردن ضمیر متکلم (تتخذن) - که حاکی از تصمیم آنان بر حضور مستقیم در ساختن مسجد است - با تعبیر «إِتْخَاذَ مَسْجِدٍ» این معنا را نیز اعلام کردند که خود، در آن جا، به عبادت خواهند پرداخت.

### 152- مسؤلیت فرستاده اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 28

28- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود

فَلْيَنْظُرِ أَيْهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا

«زکاه» (مصدر «أزكى») به معنای «طهارت» و نیز «صلاح» آمده است (لسان العرب). ضمیر در «أیها» به «المدینه» برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام \_ مکان های مدینه است.

ص: 499

### 153- مسؤولیت کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 33

33- گروهی از کاشفان اصحاب کهف، با کنار زدن رقیبان خود، مسؤولیت امور اصحاب کهف را برعهده گرفتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم

ضمیر در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط است و مفاد جمله «قال الذین...» این است که گروهی، بر امور مربوط به اصحاب کهف سلطه یافتند و بنای مسجد را همّت خویش قرار دادند.

### 154- مشرکان دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 3

3- مشرکان، در عصر اصحاب کهف، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند.

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتهم

در اصل، باید برای فعل «یعیدوکم» حرف «الی» به کار رود؛ جایگزینی حرف «فی» گویای این است که چنانچه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

### 155- مشکلات اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 14

14- اصحاب کهف، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگناها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند.

و هیّی لنا من أمرنا رشدًا

سُکنا گزیدن در غار، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگناهایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگناهایی است که در انتظار ایشان بود.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 16 - 11، 6

ص: 500

6- اصحاب کهف، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند.

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

11- اصحاب کهف، در حلّ معضلات و مشکلات حرکت توحیدی، متکی به خدا بودند.

و یهیّی ء لکم من أمرکم مرفقاً

تهیه (مصدر «یهییء») به معنای فراهم ساختن و آماده کردن است. «مرفق» به چیزی گفته می شود که کار به مدد آن صورت می گیرد. «من» در «من أمرکم» در معنای ابتدا به کار رفته و ممکن است برای افاده معنای بدل باشد، که در این صورت معنای جمله چنین می شود: «او، برای شما، در عوض کارتان، مدد فراهم خواهد ساخت.».

### 156- مشکلات جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 6

6- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسلطن ین

### 157- مکان خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 8

8- غار، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فضربنا علی ءاذانهم فی الكهف سنین عدداً

### 158- ممانعت از کشف غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 33

33- اصحاب کهف، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن، تلاش می کردند.

و لایشعرنّ بکم أحداً





## 159- منشأ اطمینان قلب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 1

1- خداوند، در پی قیام و حرکت اصحاب کهف، قلب های آنان را استوار و سرشار از اطمینان ساخت.

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

جمله «ربطنا علی قلوبهم» \_ (بر قلب هایشان بند زدیم) \_ تمثیل است و مراد از آن، اطمینان بخشیدن و استوار ساختن قلب ها است.

## 160- منشأ بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 12 - 1

1- اصحاب کهف، به اراده خداوند، پس از خوابی چندین ساله، بیدار شدند.

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا . ثم بعثنهم

## 161- منشأ خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 2,4

2- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله، به اراده خدا بود.

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

«عددًا» مصدر و به معنای «معدوده» و یا «ذات عدد» است. توصیف «سنین» به این که دارای عدد و شمارش است \_ در نظر برخی از مفسران \_ به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

4- خداوند، با تصرف در حسّ شنوایی اصحاب کهف، آنان را در خوابی چندین ساله، در غار نگاه داشت.

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددًا

## 162- منشأ کشف غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 3

3- پی بردن مردم به مخفی گاه اصحاب كهف ، بدون كمترین تلاش از سوی آنان ، تحت تدبیر و اراده خداوند بود .

أعثرنا علیهم

ص: 502

معنای حقیقی «عثور» سقوط است و معنای مجازی آن، آگاهی یافتن بر چیزی است بدون آن که جست و جویی انجام گیرد (برگرفته از مفردات راغب). بنابراین، جمله «أعثرنا علیهم» که در تقدیر «أعثرنا الناس علیهم» است، یعنی: «مردم را بر اصحاب کهف، واقف ساختیم بدون آن که جویای پی بردن به آن باشند.».

### 163- موانع سعادت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 12

12- اصحاب کهف، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند.

أو یعیدوکم فی ملتهم و لن تغلحوا إذاً أبداً

### 164- موفقیت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 17

17- اصحاب کهف، از جلوه های ناپایدار زندگی گریختند و در میدان آزمون الهی پیروز شدند.

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینة لها .. إذ أوی الفتیة إلی الکهف فقالوا ... و هیء

از نکاتی که می توان درباره ارتباط این آیه با آیات قبل مطرح کرد، سرفرازی اصحاب کهف در امتحان به وسیله زینت های دنیا (زینة لها) و حرکت آنان برای تحقق دادن عمل نیکو (أحسن عملاً) است.

### 165- موقعیت جغرافیایی غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 4, 8, 2, 1

1- غار اصحاب کهف، به گونه ای بود که خورشید، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر، به جانب چپ آن می تابید.

و تری الشمس إذا طلعت تزور عن کهفهم ذات الیمین و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

«تزاور» به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت «إذا طلعت تزور عن کهفهم...» این است که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. «قرض» به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله «و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال» یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

2- دهانه غار اصحاب كهف ، به سمت جنوب غرب بوده است .

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

چنان چه غار اصحاب كهف در نیم کره شمالی قرار گرفته باشد، با توجه به مقدمات ذیل، دهانه غار، به سمت جنوب غربی بوده

ص: 503

است: الف) راست و چپ، نسبت به کسی که داخل غار و رو به درب خروجی قرار دارد، سنجیده شود. ب) «ذات الیمین» ظرف برای «تزاور» است. بنابراین، مفاد «تزاور...» این است که: خورشید، از جانب چپ، طلوع و به سمت راست غار، سیر می کرد که در این صورت، تنها، نزدیک به غروب آفتاب به داخل غار می تابیده است.

3- اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب، به داخل غار اصحاب کهف تابیده می شد. \*

إذا طلعت تزور عن كهفهم... و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب کهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به کار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب کهف. (تقرضهم).

4- غار اصحاب کهف، دارای فضایی وسیع بوده است.

و هم فی فجوه منه

8- موقعیت جغرافیایی ویژه غار و استراحت گاه اصحاب کهف و نحوه تابش خورشید به آن، از آیات الهی است.

ذلک من آیات اللّٰه

مشارالیه «ذلک» مطالب مطرح شده در آیه، درباره وضعیت جغرافیایی غار و نحوه قرار گرفتن اصحاب کهف در آن و دیگر خصوصیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 19

19- غار اصحاب کهف، در فاصله ای نه چندان دور از شهر مسکونی آنان قرار داشت.

فابعثوا أحدکم بورقکم هذه إلى المدینه

حرف «ال» در «المدینه» برای عهد است. اصرار اصحاب کهف بر ناشناخته ماندن، حاکی از آن است که شهر مورد نظر آنان، همان شهری بود که در آن زندگی می کردند و بیم آن را داشتند که مورد شناسایی دشمن قرار گیرند.

### 166- مؤمنان به معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 19

19- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف، به هنگام بیدار شدن آنان، به حقانیت معاد معتقد بودند.

أعثرنا عليهم .. إذ يتنزعون بينهم أمرهم

## 167- نامهای اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 9 - 2

2- « اصحاب رقيم » ، نام دیگر « اصحاب كهف » است .

ص: 504

چون در آیات این سوره، سخنی درباره «اصحاب رقیم» به میان نیامده، محتمل است «اصحاب رقیم» نام و وصف دیگری برای اصحاب کهف باشد از آن جا که «رقیم» به معنای مرقوم و ثبت شده است، برخی گفته اند که بدان جهت این نام بر آنان اطلاق شده که شرح حال شان، بر دیوار غار یا در نقطه دیگری، به صورت «سنگ نوشته» ثبت شده است.

### 168- نظرخواهی درباره اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 20

20- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کسب آگاهی از ماجرای اصحاب کهف، مجاز به نظرخواهی از هیچ صاحب نظری نبود.

و لاتستفت فیهم منهم أحداً

ضمیر در «منهم» به کسانی مربوط است که در باره عدد اصحاب کهف به اظهار نظر می پرداختند.

### 169- نقش فرستاده اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 4

4- آمدن فرستاده اصحاب کهف با سکه دوران گذشته به شهر، موجب برملا شدن سرگذشت آنان بود.

فابعثوا أحدکم بورقکم هـ ذه . . . و کذلک أعتزنا علیهم

### 170- نهضت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 16

16- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است.

أیهم أحسن عملاً . . . إذ أوی الفتیة إلى الكهف

در آیات پیشین، مشخص شد که «أحسن عملاً» به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از «أحسن عملاً» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 16 - 12

12- اصحاب كهف ، به فراهم آمدن زمينه هاى لازم براى تداوم بخشى به يكتاپرستى و حركت توحيدى خویش ، مطمئن بودند .

ص: 505



و يهَيِّءْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرَقًا

### 171- واقعت قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - كهف - 18 - 13 - 2, 1

1- بیان خداوند در نقل سرگذشت اصحاب كهف برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دور از بافته ها و خرافات و عین واقعیت بود .

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

«بالحقّ» می تواند متعلق به «نقصّ» و یا قید برای «نبأهم» باشد. بر فرض نخست، مفاد آیه، این است که بیان ما درباره اصحاب كهف، کاملاً مطابق با واقع است و آنچه نقل می کنیم، از هرگونه اختلاط با غیر حق، مبرا است.

2- داستان اصحاب كهف، سرگذشتی حقیقی و دارای واقعیت خارجی است، نه افسانه ای ساختگی و تخیلی

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

برداشت بالا، بدین لحاظ است که «بالحقّ» قید برای «نبأهم» باشد و گویای این که داستان اصحاب كهف، داستانی واقعی و تحقّق یافته در خارج بود، نه آن که قرآن، آن را به منظور ارائه نمونه ای ذهنی از انسان های موحد ساخته و پرداخته باشد.

### 172- وسعت غار اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - كهف - 18 - 17 - 4, 7

4- غار اصحاب كهف، دارای فضایی وسیع بوده است .

و هم فی فجوه منه

7- ره یابی اصحاب كهف به پناهگاهی امن و وسیع، نمودی از رحمت و هدایت الهی برای آنان بود .

ینشر لكم ربکم من رحمته . . . و هم فی فجوه منه

### 173- وعده به اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 6

6- اصحاب كهف ، نمونه ای از موحّدانی كه وعده های خداوند در باره آنان تحقّق یافته است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ

كسانی كه از اصحاب كهف بازديد به عمل آوردند \_ به دليل ذيل آيه \_ مردمی بودند كه ربوبيّت خداوند را پذيرفته بودند. عرضه اصحاب كهف بر اين مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عيني از امدادهاي موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به

ص: 506

حقیقت وعده های خداوند، پی ببرند.

### 174- وقت بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 7

7- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا يوماً أو بعضاً... فابعثوا أحدكم

از گفتگوی اصحاب کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

### 175- ولایت بر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 14،15

14- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در «لهم» اصحاب کهف است.

15- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل الله أعلم بما لبثوا... ما لهم من دونه من ولیّ

### 176- ویژگیهای خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 13،15،16،20

2- خواب اصحاب کهف ، به گونه ای بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت .

و تحسبهم أيقاظاً و هم رقود

«يَقْرَظُ» به شخص بیدار گفته می شود و «أيقاظاً» جمع آن است. «رقود» جمع «راقد» است و «راقد»؛ یعنی، شخصی که به خواب رفته

است.

13- آرمیدن اصحاب كهف در غار ، به گونه ای بود كه اگر كسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می كرد و می گریخت .

لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرارًا

به قرینه جمله «لبثنا یوماً أو بعض یوم» \_ در آیه بعد \_ كه گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب كهف است، می

ص: 507

توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

15- بیدارنمایی اصحاب کهف، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أيقاظًا... لملئت منهم رعبًا

16- منظره هراس انگیز اصحاب کهف، در حالت خواب، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلبهم... لو اطلعت علیهم لوئیت منهم فرارًا و لملئت منهم رعبًا

ضمیر فاعلی در «نقلبهم...» قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرهای آسیب ها بوده است.

20- « [ عن الصادق (ع) فی قصّه أصحاب الکهف أنّه قال ] : . . . لهم فی کلّ سنه نقلتان ینامون سته أشهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری . . . »

[از امام صادق(ع) در قصّه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: . . . برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلو راست شان و شش ماه بر پهلو چپ شان می خوابیدند...».

### 177- ویژگیهای غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 17

17- خوابگاه اصحاب کهف، از دید مردم پنهان بود و کسی بر آن واقف نمی شد.

لو اطلعت علیهم

حرف «لو» در «لو اطلعت...» برای امتناع است و بر میسر نبودن اطلاع دلالت دارد.

### 178- هجرت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 2

2- حرکت اصحاب کهف به سوی غار، حرکتی جوانمردانه و در جهت کسب ارزش ها بود.

إذ أوی الفتیة إلى الکهف فقالوا ربنا

«فتیه» جمع «فتی» به معنای جوانان است. کاربرد این کلمه درباره اصحاب کهف، ممکن است به جهت جوانی اصحاب کهف از نظر سنی باشد. و محتمل است که عنایت به اوصاف جوانمردانه آنان، اشاره باشد. برداشت بالا، ناظر به احتمال دوم است.

### 179- هدایت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 508

7- اصحاب كهف ، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند .

اتَّهَم فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 17 - 12، 9، 7

7- ره یابی اصحاب كهف به پناهگاهی امن و وسیع ، نمودی از رحمت و هدایت الهی برای آنان بود .

يُنشِرْ لَكُمْ رَبِّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ ... وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ

9- رهنمون شدن اصحاب كهف به غاری ویژه \_ که برای سالیانی دراز ، بدن آنان را سالم نگاه دارد \_ از آیات الهی بود .

و تَرَى الشَّمْسَ ... ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ

«ذلک» به غار اصحاب كهف و خصوصیات آن اشاره دارد. آیت بودن این مجموعه، شاید بدان جهت باشد که خداوند، برای حفظ بدن ها و سالم ماندن اجساد اصحاب كهف در طول سالیانی دراز، آنان را به غاری هدایت کرد که بهترین شرایط طبیعی را برای چنین منظوری در خود داشته باشد.

12- اصحاب كهف ، گروهی بهره مند از هدایت خداوند بودند .

فَأَوَّأُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ ... مِنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ

## 17- اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله)

### 1- اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 87 - 22

22\_ تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع)، ابوذر، ابوبکر، سلمان، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و...) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و در المنثور آمده است.

ص: 510



## 18- اصحاب یمین

### 1- اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 7 - 1

1 - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب الیمین ( نیک بختان ) اصحاب المشئمہ ( نگون بختان ) و سابقون ( پیشتازان )

و کنتم أزواجاً ثلثه

بیان «أزواجاً ثلثه» محذوف و تقدیر آن چنین است: «و کنتم أزواجاً ثلثه: اصحاب الیمین و اصحاب المشئمہ و السابقون». در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

### 2- آثار سرور اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 2

2- وضع و حال خوش اصحاب الیمین در سرای آخرت ، مایه شادمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فسلَم لک من أصحَب الیمین

برداشت یاد شده بر این احتمال است که خطاب «سلام لک»، متوجه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

### 3- استراحت اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 511

3 - استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

#### 4- اصحاب یمین بعد از بعثت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اصحاب الیمین ، متشکل از دسته ای از مردمان جوامع پس از بعثت

و ثلّه من الآخرین

#### 5- اصحاب یمین در اتمهای پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اصحاب الیمین ، متشکل از دسته هایی از مردمان جوامع پیش از اسلام

و أصحاب الیمین ... ثلّه من الأولین

«ثلّه» در اصل به معنای دسته ای از پشم است. «ثلّه من الأولین»؛ یعنی، دسته ای از پیشینیان.

#### 6- اصحاب یمین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحاب الیمین ... فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به «مخضود» (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

3 - استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخصنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 4، 1

1 - وجود درختان موز، در بهشت اصحاب الیمین

ص: 512

و طلح منضود

درباره واژه «طلح» چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها «موز» است.

4 - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاچیا

و طلح منضود

برخی از مفسران «طلح» را به «ام غیلان» (درخت اقاچیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاچیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 2, 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

«ممدود»؛ یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت «ظلّ ممدود» را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

2 - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

«ظلّ» عطف بر «سدر» و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن «و هم فی ظلّ ممدود» می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 3, 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای آبی همواره جاری

و ماء مسکوب

«ماء مسکوب»؛ یعنی، آبی که همواره ریزان است.

3 - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت «و ماء مسكوب» به تقدیر «هم فی ماء مسكوب» است؛ یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 32 - 2، 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای میوه های فراوان

و ف\_کَهِه کثیره

2 - تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

و ف\_کَهِه کثیره

«کثرت» در آیه شریفه هم شامل کثرت در مقدار و هم شامل کثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 513

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و ف\_کَهِه کثیره . لا مقطوعه

2- در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و ف\_کَهِه . . . و لا ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود فرش های عالی و گران ب ها در بهشت اصحاب الیمین

و فرش مرفوعه

«فُرْش» جمع «فراش» است و «فراش» به چیزی گفته می شود که پهن باشد و انسان بتواند روی آن استقرار پیدا کند. از این رو در قرآن بر «زمین»، «مرکب»، «فرش»، «تشک» و «تخت»، «فراش» اطلاق شده است. بنابراین «و فرش مرفوعه» می تواند به معنای فرش های نفیس و گران بها باشد.

2- استفاده اصحاب الیمین در بهشت ، از تخت های بلند و با شکوه

و فرش مرفوعه

برداشت یاد شده بر این احتمال است که «فرش» به معنای تخت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً . . . لأَصْحَابِ الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌّ حَسَابِيهِ .. فِي جَنَّةِ عَالِيهِ

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 2، 1

1 - اصحاب الیمین ( خوبان و نیکان )، در بوستان های پر عظمت و وصف ناپذیر جای خواهند گرفت .

أَصْحَابِ الْيَمِينِ . فِي جَنَّةِ

ص: 514

«جَنّات» جمع «جَنّت» (بوستان) است و تنوین آن بر تعظیم دلالت دارد.

2- اصحاب الیمین در بهشت، به گفتگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت.

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 41 - 1

1 - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

### 7- اصحاب یمین در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 83 - 15

15\_ تسلیم و اعتراف اصحاب یمین به ربوبیت الهی از روی رغبت؛ و اعتراف اصحاب شمال با کراهت، در عالم ذر

و له اسلم من فی السّموات و الارض طوعاً و کرهاً

قال اصحاب الیمین بلی طوعاً و قال اصحاب الشّمال بلی کرهاً .. فذلک قوله تعالی «و له اسلم من فی السّموات و الارض طوعاً و کرهاً».

---

علل الشرایع، ص 425، ح 6، ب 161؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 295، ح 1.

### 8- اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 11

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند.

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه یمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ..) باید گفت: «أصحاب الیمین»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2 - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « أصحاب الیمین » هستند .

ص: 515

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 2، 1

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

«اصحاب اليمين» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من أتی کتابه بيمينه» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2 - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « اصحاب اليمين » گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 39 - 2

2 - اصحاب اليمين ( خوبان و نیکان ) ، در قیامت از اسارت کردار خویش آزاد و از بازخواست الهی در امان خواهند بود .

إلا أصحاب اليمين

مقصود از اصحاب اليمين \_ به قرینه آیات مشابه؛ مانند آیه 27 سوره «واقعه» \_ خوبان و نیکان اند که بهشت، برای آنان مقرر شده است.

## 9- اصحاب یمین و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 3، 2

2 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ينقلب إلى أهله

فعل «ينقلب» دلالت می کند که مراد از «أهل»، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود. برخی مراد از «أهل» را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند؛ ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله «إنه كان في أهله مسروراً» در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. . وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا

ص: 516

## 10- اصحاب یمین و محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 3,4

3 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در خیر و سلامتی از ناحیه اصحاب الیمین در جهان آخرت

فصل - لک من أصحاب الیمین

4 - اصحاب الیمین، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود و سلام می فرستند.

فصل - لک من أصحاب الیمین

برخی از مفسران «سلام» را به معنای تحیت و «لام» را به معنای «علی» گرفته اند؛ یعنی، «فسلام علیک من أصحاب الیمین».

## 11- اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 1

1 - پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را سخت شادمان می کند.

فصل - لک من أصحاب الیمین

در عبارت «سلام لک» چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که «سلام» معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. «لام» در «لک» نیز برای اختصاص و خطاب «لک» به فرد معینی نباشد.

## 12- بهشت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 5

5 - «عن ابی جعفر (ع) قال: . . . و أمّا قوله «و من دونهما جنتان» یقول من دونهما فی الفضل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنة النعیم و جنة المأوی . . .»

از امام باقر (ع) روایت شده: . . . اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جنت النعیم» و «جنت المأوی» می باشد.

### 13- پاداش اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 2

2 - حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

ص: 517

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ... لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

#### 14- پرسش اصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 2

2- اصحاب اليمين در بهشت، به گفتگو و پرسوجو از يك ديگر خواهند پرداخت.

يتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 41 - 1

1- پرسوجوی اصحاب اليمين در بهشت، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 42 - 1

1- پرسوجوی اصحاب اليمين، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

يتساءلون . عن المجرمين . ما سلککم فی سقر

#### 15- تفریح اصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 28 - 2

2- تفریح و تفریح اصحاب اليمين، در میان درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

«فی سدر» خبر برای مبتدای محذوف است؛ یعنی، «هم فی سدر مخضود». این جمله به دو گونه معنا می شود: الف) آنان در میان درختان سدر به سر می برند؛ ب) آنان در سایه درختان سدر به سر می برند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

3- گردش و تقریح اصحاب الیمین ، در میان درختان پر از میوه موز در بهشت

و طلح منضود

«و طلح منضود» به تقدیر «هم فی طلح منضود» است؛ یعنی، آنان در میان درختان میوه موز به سر می برند.

ص: 518

## 16- جاودانگی سعادت‌مندی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 8 - 2

2 - خوشبختی برای «اصحاب الیمینه» در آخرت، پایدار و زوال‌ناپذیر است.

فأصح ب الیمینه ما أصح ب الیمینه

«صاحب» (مفرد «أصحاب») به معنای یار، همراه و ملازم است. بنابراین «اصحاب الیمینه»؛ یعنی، کسانی که با میمنت و نیک بختی ملازم اند و هرگز از آن جدا نمی شوند.

## 17- حسن فرجام اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت، نشانه سعادت و نیک فرجامی است.

فمن أوتی کتبه یمینه فأولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 95 - 1

1 - برپایی قیامت، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر، امری قطعی، یقینی و غیرقابل تردید است.

إنّ هذآ لهو حقّ الیقین

«هذآ» به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر «حقّ الیقین» از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، «الیقین الحقّ» و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین «الیقین الحقّ»؛ یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

## 18- حشر اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



20- « عن أبي عبدالله (ع) : . . . إذا كان يوم القيامة يدعى كلُّ يمامه الذي مات في عصره ، فإن أثبتته أعطى كتابه بيمينه ، لقوله « يوم ندعوا كلُّ أناس يمامهم فمن أُوتى كتابه بيمينه . . . » ;

ص: 519

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. هر کس در عصر هر امامی بمیرد در روز قیامت با آن امام فرا خوانده می شود. پس اگر در اطاعت او ثابت قدم بوده، کتابش را به دست راست او می دهند. از این رو خداوند فرمود: یوم ندعوا کلُّ أناس یا مامهم فمن أوتی کتابه بیمینه...».

## 19- خشنودی اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود.

فأما من أوتی کتبه بیمینه .. فهو فی عیشه راضیه

## 20- خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشاق - 84 - 9 - 6

6 - « قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه ... و هو قول الله عزَّوجلَّ «... و ینقلب إلی أهله مسروراً» قلت : أئی أهل؟ قال : أهله فی الدنیا هم أهله فی الجنَّه إن كانوا مؤمنین؛

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند... و این است سخن خدای عزَّوجلَّ «... و ینقلب إلی أهله مسروراً». گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود».

## 21- زندگی پسندیده اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود.

فأما من أوتی کتبه بیمینه .. فهو فی عیشه راضیه



## 22- سرور اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 3

3- اصحاب الیمین، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت «و ماء مسکوب» به تقدیر «هم فی ماء مسکوب» است؛ یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 3

3- دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ... و ینقلب إلی أهله مسرورًا

## 23- سعادت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت، نشانه سعادت و نیک فرجامی است.

فمن أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولَئِكَ یقرءون كِتَابَهُمْ و لا یظلمون فتیلاً

## 24- سعادت مندی اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 3

3- اصحاب الیمین، انسان هایی سعادت مند و خوشبخت در جهان آخرت

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

برداشت یاد شده با توجه به این است که در آیات پیشین از «أصحاب الیمین»، با عنوان «أصحاب الیمین» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 3

3 - اصحاب الیمین ، انسان های سعادت مند و خوشبخت در قیامت

ص: 521

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه 8 همین سوره، از «أصحاب اليمين»، با عنوان «أصحاب الميمنه» یاد شده است.

### 25- سعادت‌مندی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 8 - 1

1 - اصحاب الميمنه (نیک بختان) ، در آخرت در اوج سعادت و خوشبختی خواهند بود .

فأصح ب الميمنه ما أصح ب الميمنه

استفهام تعجیبی در «مأصحاب الميمنه»، بیانگر آن است که این گروه در مرتبه ای از خوشبختی خواهند بود که هر بیننده ای را به شگفتی وا خواهد داشت.

### 26- سلام اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 4

4 - اصحاب اليمين ، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود و سلام می فرستند .

فسلَم لک من أصح ب اليمين

برخی از مفسران «سلام» را به معنای تحیت و «لام» را به معنای «علی» گرفته اند؛ یعنی، «فسلام علیک من أصحاب اليمين».

### 27- سهولت حسابرسی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 6، 3

3 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابًا بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

«یسیر» دو معنا دارد: 1. آسان، 2. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

6 - « قاسم بن محمد عن علي قال : سمعت أبا عبد الله ( ع ) يقول : إنّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه و حاسبه فيما بينه و بينه فيقول : عبدی ! فعلت كذا . . . قد غفرتها لك و ابدلتها حسنات . . . و هو قول الله عزّوجلّ « فأما من أوتى كتابه بيمينه فسوف يحاسب حساباً يسيراً » ؛

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای \_ تبارک و تعالی \_

ص: 522

زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم... و این سخن خدای عزوجل است «فأما من أوتي كتابه بيمينه . فسوف يحاسب حساباً يسيراً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 3, 1

1 - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ینقلب إلی أهله مسروراً

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فأما من أوتي كت به بيمينه .. و ینقلب إلی أهله مسروراً

### 28- عفو از اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 4

4 - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . \*

فأما من أوتي كت به بيمينه . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

نادیده گرفتن «سیئات» \_ که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده \_ مصداق حساب آسان است.

### 29- عوامل سرور اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 1

1 - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ینقلب إلی أهله مسروراً

### 30- فضایل اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش





3- گروه سمت راست در آخرت، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترحم ترغیب کرده اند.

و ما أدریک ما العقبه .. أولئك أصحاب المیمنه

«أئمن» و «میمنه»، نقطه مقابل «أئسر» و «میسره» (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با «أصحاب المشأمه» \_ با توجه به این که «مشأمه» در یک احتمال به معنای «میسره» است (صحاح) \_ بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

### 31- فضایل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 8 - 2، 1

1- اصحاب المیمنه (نیک بختان)، در آخرت در اوج سعادت و خوشبختی خواهند بود.

فأصح ب المیمنه ما أصح ب المیمنه

استفهام تعجبی در «ماأصحاب المیمنه»، بیانگر آن است که این گروه در مرتبه ای از خوشبختی خواهند بود که هر بیننده ای را به شگفتی وا خواهد داشت.

2- خوشبختی برای «اصحاب المیمنه» در آخرت، پایدار و زوال ناپذیر است.

فأصح ب المیمنه ما أصح ب المیمنه

«صاحب» (مفرد «أصحاب») به معنای یار، همراه و ملازم است. بنابراین «اصحاب المیمنه»؛ یعنی، کسانی که با میمنت و نیک بختی ملازم اند و هرگز از آن جدا نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 1

1- بهشت، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إنا أنشأنهنّ إنشاءً .. لأصح ب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 39 - 1

1 - همه انسان ها \_ جز اصحاب الیمین \_ اسیر و گرفتار کردار خویش اند .

إلّا أصحاب الیمین

تعبیر «رهینه»، می رساند که انسان ها به سبب رفتارشان، در قید اسارت اند و به مقتضای استثنای «إلّا أصحاب الیمین» استفاده می شود که تنها، اصحاب الیمین (گروه نیک کردار و خوبان)، از این قید آزاداند.

ص: 524

### 32- گفتگوی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 2

2 - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت .

یتساءلون

### 33- مراد از اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 8 - 3

3 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إنّ الله خلق الخلق على ثلاث طبقات و أنزلهم ثلاث منازل و بین ذلك فی کتابه حیث قال : « و أصحاب المیمنه ما أصحاب المیمنه ... » . . . و أمّا ما ذكرت من أصحاب المیمنه فهم المؤمنون حقّاً . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که خداوند مردم راسه گونه آفریده و آنان را در سه رتبه قرار داده است. و این مطلب را در کتاب خود بیان کرده است; آن جا که می فاید: «فأصحاب المیمنه ما أصحاب المیمنه...» و اما اصحاب المیمنه [که در قرآن] یاد شده آنان مؤمنان حقیقی [و راستین] هستند».

### 34- مصونیت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 39 - 2

2 - اصحاب الیمین ( خوبان و نیکان ) ، در قیامت از اسارت کردار خویش آزاد و از بازخواست الهی در امان خواهند بود .

إلّا أصحاب الیمین

مقصود از اصحاب الیمین \_ به قرینه آیات مشابه; مانند آیه 27 سوره «واقعه» \_ خوبان و نیکان اند که بهشت، برای آنان مقرر شده است.

### 35- مقامات اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 4

4- اصحاب الیمین ، دارای مقام و موقعیتی بس والا و خیره کننده در جهان آخرت

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

استفهام تعجیبی در «ما أصحاب الیمین»، حاکی از آن است که این گروه از مردم در قیامت در درجه ای از سعادت قرار می گیرند

ص: 525

که قالب های لفظی گنجایش بیان حقیقت آن را ندارد و هر بیننده ای را به شگفتی وا می دارد.

### 36- نامه عمل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 11

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا... فمّن أوتی کتبه یمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 2, 1

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ یمینه.. ) باید گفت: «أصحاب الیمین»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « اصحاب الیمین » هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 2, 1

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الیمین

«اصحاب الیمین» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من أُتِيَ كِتَابَهُ یمینه» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2- به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « اصحاب الیمین » گفته می شود .

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَيْمَنِ

جِلْد - نَامِ سُورَةٍ - سُورَةٍ - آيَةٍ - فَيْشِ

19 - حَاقَةَ - 69 - 19 - 1

1 - نَامَةُ أَعْمَالِ كُورَهِي أِزْ أَهْلِ مَحْشَرٍ ، بِي دَسْتِ رَاسْتِ أَنَانِ دَادِهْ خَوَاهِدْ شُدْ .

فَأَمَّا مِنْ أَيْمَنِ كَتَبَ بِي مَيْمَنِهِ

جِلْد - نَامِ سُورَةٍ - سُورَةٍ - آيَةٍ - فَيْشِ

19 - حَاقَةَ - 69 - 21 - 1

ص: 526

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقِّحٌ حَسَابِيَةٍ .. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 2

2 - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ .. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

**37- همسران بهشتی اصحاب یمین**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال )

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه \_ به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) \_ همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

**38- همنشینان اخروی اصحاب یمین**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ینقلب إلی أهله

فعل «ینقلب» دلالت می کند که مراد از «أهل»، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود.

ص: 527

برخی مراد از «أهل» را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند؛ ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله «إِنَّهٗ كَانَ فِیْ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

ص: 528

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

